

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زنان مطالعات

سال ۶، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۸۷

شماره ۱۶ پیاپی

فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی

دانشگاه الزهرا

پژوهشکده‌ی زنان

دانشگاه الزهرا

دکتر زهره خسروی

دکتر خدیجه سفیری

صاحب امتیاز

مدیر مسئول

سر دبیر

پانته‌آ محقق

محمدحسین هاشمی

وفا سرمست

اشرف موسوی‌لر

کبری مهرابی کوشکی

ویراستار فارسی

ویراستار انگلیسی

طراح و صفحه‌آرا

طراح جلد

کارشناس نشریه

انتشارات دانشگاه الزهرا

فصلی

۱۳۴/۱۴۰۶

۳/۲۹۱۰/۱۱۱۹

۱۵۰۰

ناشر

ترتیب انتشار

شماره‌ی پروانه‌ی انتشار

شماره‌ی علمی-پژوهشی

شمارگان

<http://www.jws.ir/>

وب‌گاه

تهران، میدان ونک، خیابان ونک

۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶

۸۸۰۵ ۸۹۲۶

۸۸۰۴ ۹۸۰۹

۲۰۸۰ داخلی ۸۸۰۴ ۴۰۵۱-۹

women\_rc@alzahra.ac.ir

نشانی

کد پستی

تلفن

فکس

تلفن عمومی

پست الکترونیک

درجه‌ی علمی-پژوهشی فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان*،  
در ۲۰ دی ۱۳۸۳، با شماره‌ی ۱۱۱۹/۳/۲۹۱۰،  
از وزارت علوم، تحقیقات، و فن‌آوری، دریافت‌شد.

فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان* در پایگاه‌های داده‌ئی زیر نمایه می‌شود:

- مرکز منطقه‌یی اطلاع‌رسانی علوم و فن‌آوری ([www.srlst.com](http://www.srlst.com))
- پایگاه اطلاعات علمی، جهاد دانشگاهی ([www.sid.ir](http://www.sid.ir))
- پایگاه مجلات تخصصی، مرکز تحقیقات علوم اسلامی ([www.noormags.com](http://www.noormags.com))
- پایگاه اطلاعات نشریات کشور ([www.magiran.com](http://www.magiran.com))

## هیئت تحریریه

استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا	دکتر زهرا افشاری
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر احمد جعفرنژاد
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا	دکتر زهره خسروی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم	دکتر حکیمه دبیران
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر زهرا رهنورد
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	دکتر هما زنجانی‌زاده
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	دکتر باقر ساروحانی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا	دکتر خدیجه سفیری
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا	دکتر فاطمه علایی رحمانی
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ساوث‌همپتون، انگلستان	دکتر کاتلین کندال
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه ساوث‌وست میسوری سیتی، آمریکا	دکتر شهین گرامی
استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا	دکتر شکوفه گلخو
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	دکتر محمدمصدق مهدوی
دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا	دکتر گلنار مهران

## داوران این شماره

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا	دکتر نسرین اکبرزاده
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران	دکتر خسرو باقری
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا	دکتر شکوه‌السادات بنی‌جمالی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی ادبیات، دانشگاه الزهرا	دکتر مهین پناهی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا	دکتر مهرانگیز پیوسته‌گر
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی مدیریت، دانشگاه تهران	دکتر احمد جعفرنژاد
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران	دکتر الهه حجازی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا	دکتر روشنگر خدابخش
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا	دکتر زهرا درویزه
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی	دکتر شیوا دولت‌آبادی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی مدیریت، دانشگاه تهران	دکتر بابک سهرابی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی ادبیات، دانشگاه الزهرا	دکتر سهریلا صالحی مقدم
عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی زنان، دانشگاه الزهرا	دکتر اشرف‌السادات موسوی
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی	دکتر حسین مهرپور
عضو هیئت علمی دانشکده‌ی الاهیات، دانشگاه تهران	دکتر صدیقه وسمقی

## خواننده‌ی گرامی

برای خرید فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان*، فرم زیر را پر کنید و به نشانی تهران، میدان ونک، دانشگاه الزهراء، پژوهش‌گده‌ی زنان، دفتر فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان* بفرستید. همچنین، بهای اشتراک شماره‌های درخواستی را به حساب شماره‌ی ۹۰۰۲۵، نزد بانک ملی، شعبه‌ی دانشگاه الزهراء واریز و فیش بانکی آن را به پیوست ارسال کنید.

بهای اشتراک:

سالانه ۲۰'۰۰۰ ریال

تک‌شماره ۷'۵۰۰ ریال

### برگ درخواست اشتراک



لطفاً نام این سازمان / این‌جانب ..... را در  
فهرست مشترکان فصل‌نامه‌ی *مطالعات زنان* ثبت و به تعداد ..... نسخه‌ی مجله را  
از سال ..... شماره‌ی ..... تا سال ..... شماره‌ی ..... به نشانی زیر ارسال کنید.

نشانی: .....

.....

.....

شماره تلفن: .....

## فهرست

- ۷ بررسی تفاوت‌های جنسیتی در انگیزه‌های خرید الکترونیکی  
دکتر فریبا لطیفی  
مهندس لیلا غفاری
- ۳۵ بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین ابعاد مختلف صمیمیت در دانشجویان متأهل  
دکتر اکرم خمسه  
دکتر سیمین حسینیان
- ۵۳ تأثیر دشواری کار زنان شاغل و هم‌کاری همسران در امور منزل  
بر رضایت از روابط زناشویی و اختلال‌های رفتاری فرزندان  
زهرا اقدامی  
دکتر مسعود حسین‌چاری
- ۷۱ بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان  
با تأکید بر تغییرات سیاسی-اجتماعی  
جواد صادقی جعفری
- ۹۱ بررسی رابطه‌ی سازگاری زناشویی و به‌زیستی روانی  
دکتر زهرا درویزه  
فاطمه کهکی
- ۱۰۵ محدودیت‌ها و موانع شهادت زنان در محاکم قضایی  
دکتر فریبا حاجی‌علی
- ۱۲۳ بررسی اثربخشی روش حساسیت‌زدایی منظم  
بر اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی  
کبری کاظمیان مقدم  
دکتر مهناز مهرابی‌زاده هنرمند  
دکتر منصور سودانی

## یادآوری به نویسندگان

- مقاله، تایپ‌شده و حداکثر ۶۰۰۰ واژه باشد.
- مقاله‌های رسیده نباید پیش‌تر در مجله‌های فارسی‌زبان داخل یا خارج کشور چاپ شده‌باشد.
- نام کامل، رتبه‌ی دانشگاهی یا جای‌گاه علمی (به فارسی و انگلیسی)، نشانی الکترونیکی، و خلاصه‌یی از زندگی‌نامه‌ی علمی نویسنده(گان) آورده‌شود.
- چکیده‌ی مقاله حداکثر در ۲۰۰ واژه به زبان‌های فارسی و انگلیسی، همراه با واژگان کلیدی نوشته‌شود.
- فرستادن دو نسخه از مقاله الزامی است و مقاله‌های رسیده بازگردانده‌نمی‌شود.
- متن تایپ‌شده‌ی کامل و نهایی مقاله و چکیده‌ی آن، به صورت فایل سازگار با Microsoft® Word یا متن Unicode با مقاله فرستاده‌شود.
- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام نویسنده(گان)، سال انتشار، و صفحه‌ی منبع درون پرانتز نوشته و در مورد اصطلاحات و نام‌های خارجی، اصل آن در پانویس آورده‌شود.
- منابع به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در پایان مقاله با نگارش زیر آورده‌شود:  
**کتاب‌ها:** نام خانوادگی، نام نویسنده. سال انتشار. نام کتاب، شماره‌ی جلد. نوبت چاپ. نام برگرداننده به فارسی. محل انتشار: نام ناشر.  
**مقاله‌ها:** نام خانوادگی، نام نویسنده. سال انتشار. «عنوان مقاله». نام مجله دوره/سال(شماره): شماره‌ی صفحات.
- برای آگاهی از شیوه‌ی درست آماده‌سازی مقاله و روش نگارش منابع بنگرید به **شیوه‌نامه‌ی مطالعات زنان** در <http://styles.jws.ir/>
- نشریه‌ی **مطالعات زنان** ترجیح می‌دهد نوشتارهایی را چاپ کند که دست‌آورد پژوهش‌های ایرانی درباره‌ی مسائل زنان در ایران باشد.
- نشریه در ویرایش مقاله‌های رسیده، بدون تغییر در محتوای آن آزاد است.
- مسئولیت مطالب آمده در مقاله‌ها، به عهده‌ی نویسنده(گان) است.

## بررسی تفاوت‌های جنسیتی در انگیزه‌های خرید الکترونیکی

دکتر فریبا لطیفی

استادیار گروه مدیریت، دانشگاه الزهرا

مهندس لیلا غفاری

کارشناس ارشد مدیریت فن‌آوری اطلاعات

### چکیده

خرید مایحتاج زندگی، امری نیازمند صرف وقت و انرژی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد «انگیزه‌های خرید»، به عنوان عامل اثرگذار بر رفتار خرید افراد، به سه گروه انگیزه‌های کاربردی، احساسی-اجتماعی، و هویتی دسته‌بندی می‌شود و جنسیت، یکی از سازه‌هایی است که می‌تواند بر متفاوت بودن میزان اهمیت عوامل یادشده در افراد مختلف تاثیر گذارد.

این پژوهش با مطرح کردن هفت فرضیه و یک سؤال فرعی، به بررسی رابطه‌ی عامل جنسیت با انگیزه‌های خرید، جذابیت‌های ظاهری سایت، و نوع کالا پرداخته و انگیزه‌های کاربردی را، به عنوان تسهیل‌کننده، و انگیزه‌های احساسی-اجتماعی را، به عنوان عامل مانع در خرید الکترونیک، مورد آزمون قرار داده‌است. روش پژوهش شامل دو بخش کیفی و کمی است و جامعه‌ی آماری، خریداران اینترنتی زن و مرد سایت‌های ایرانی اند. برای آزمون فرضیه‌ها نیز، از آزمون‌های  $t$  برای دو گروه مستقل و  $\chi^2$  استفاده شد.

نتایج پژوهش، با پذیرفتن یک فرضیه و رد کردن شش فرضیه‌ی دیگر، نشان می‌دهد که تنها بین انگیزه‌های احساسی-اجتماعی و جنسیت رابطه‌ی معنادار وجود دارد و این انگیزه‌ها برای زنان مهم‌تر از مردان است. بین جنسیت و انگیزه‌ی کاربردی و هویتی، و نیز بین جنسیت و جذابیت‌های ظاهری سایت و نوع کالا رابطه‌ی معنادار دیده‌نشده.

### واژگان کلیدی

خرید الکترونیک؛ خرید اینترنتی؛ انگیزه‌های کاربردی؛ انگیزه‌های احساسی-اجتماعی؛ انگیزه‌های هویتی؛ جنسیت؛

امروز گسترش همه‌جانبه‌ی فن‌آوری اطلاعات از یک سو و مشکلات شهری، هم‌چون ترافیک، آلودگی هوا، و شلوغی معابر عمومی از سوی دیگر، استفاده از تسهیلات الکترونیک را برای انجام اموری مانند خرید مایحتاج زندگی، بیش از پیش ضروری می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سه گروه از عوامل، تحت عنوان کلی «انگیزه‌های خرید»، بر فرآیند خرید افراد اثر می‌گذارند و هرچند که این انگیزه‌ها، هم برای خرید الکترونیک و هم برای خرید فیزیکی یا سنتی، یکسان تعریف می‌شوند، تفاوت میزان اهمیت آن‌ها در افراد مختلف موجب می‌شود که آن‌ها یکی از این دو شیوه را به دیگری ترجیح دهند.

### هدف پژوهش

در حالی که دست‌آورد پژوهش کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که مردان، بیش از زنان، از خرید الکترونیک استقبال و استفاده می‌کنند، در کشور ما نتایج مشخص در این زمینه در دست نبود؛ بنا بر این، پژوهش حاضر تلاش دارد تا به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در انگیزه‌های خرید الکترونیک از سایت‌های خرید و فروش الکترونیک کشور، در میان جامعه‌ی خریداران ایرانی بپردازد و در واقع به این سؤال پاسخ دهد که آیا در انگیزه‌های خرید الکترونیک در ایران، بین زنان و مردان تفاوت وجود دارد یا خیر. پاسخ‌گویی به این سؤال، به سازمان‌ها کمک خواهد کرد تا بتوانند استفاده از اینترنت و فروش الکترونیک را به صورتی بهره‌ورتر به کار گیرند.

### مروری بر ادبیات موضوع

آمارها نشان می‌دهند زنان از لحاظ روان‌شناختی تمایلی بیش از مردان به خرید نشان می‌دهند؛ مخصوصاً اگر هدف، خرید اجناسی غیر از کالاهای خانگی روزمره باشد؛ بر این اساس، متخصصان تبلیغات در برخی از کشورها، هم‌چون انگلستان، تلاش‌های خود را بیش‌تر بر روی زنان متمرکز می‌کنند. رفتار خرید زنان و مردان نیز با هم متفاوت است؛ مردان در خرید بسیار سریع عمل می‌کنند، تمام جای‌گزین‌های یک کالا را در نظر می‌گیرند، و در کل، اجناسی با کیفیت بهتر خریداری می‌کنند؛ در حالی که زنان، کند و با دقت خرید می‌کنند، آینده‌نگرتر اند، اجناسی با قیمت ارزان‌تر می‌خرند، و تنها در پوشاک و مواد غذایی است که اجناس را با کیفیت بهتر انتخاب می‌کنند (آرتور<sup>۱</sup>؛ ۱۹۹۲؛ خلاقیت ۱۳۸۶).

<sup>۱</sup> Arthyr, C.





اما پژوهش‌های انجام‌گرفته در مورد خرید الکترونیک در جامعه‌ی خریداران آمریکایی، عکس این موضوع را نشان می‌دهد؛ زیرا کاربران مرد، بیش از کاربران زن، از خرید اینترنتی استقبال می‌کنند و آمار موتور جست‌وجوی یاهو<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۲ نشان می‌دهد که ۵۸ درصد مردان، در مقابل ۴۲ درصد زنان، به خرید الکترونیک علاقه‌ی مثبت ابزار می‌دارند (یاهو فاینانس<sup>۲</sup> ۲۰۰۲). در کشور ما نیز، پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که بیش‌تر خریداران اینترنتی در ایران، مردان جوان دارای تحصیلات دانشگاهی اند، که مهم‌ترین دلیل خریدشان از طریق اینترنت، صرفه‌جویی در وقت است (لطیفی و زادون ۱۳۸۶).

### دلیل رغبت بیش‌تر مردان به خرید الکترونیکی

شاید بتوان رغبت بیش‌تر مردان، نسبت به زنان، را در خرید الکترونیکی به دلایل زیر دانست:

**دست‌رسی و استفاده‌ی بیش‌تر مردان از کامپیوتر و اینترنت** - در بیش‌تر کشورها، از جمله کشورهای اروپایی، آمریکا، و آمریکای لاتین، مردان بیش از زنان از کامپیوتر و اینترنت استفاده می‌کنند و این تفاوت در کشورهای در حال توسعه بیش‌تر است؛ هم‌چنین، مردان بیش از زنان به مشاغل کامپیوتری مشغول اند (بومانز<sup>۳</sup> ۲۰۰۷؛ سازمان ملل متحد<sup>۴</sup> ۲۰۰۵؛ ون اسلایک، کومونل، و بلنگر<sup>۵</sup> ۲۰۰۲).

**عدم تمایل زنان به استفاده از کامپیوتر** - پژوهش‌گران در بررسی‌های جدید خود دریافته‌اند که بیش‌تر دختران تمایل چندانی برای حضور در رشته‌های مرتبط با فن‌آوری اطلاعات و کامپیوتر ندارند؛ که البته این وضعیت، بیش‌تر در بین دختران دوره‌ی متوسطه دیده می‌شود؛ هم‌چنین، مطالعه‌ی که طی دو سال در ۱۳ کلاس از مدارس دوره‌ی متوسطه‌ی آمریکا انجام شده‌است نشان می‌دهد که تدریس در بیش‌تر کلاس‌های کامپیوتری آن‌ها به وسیله‌ی مردان صورت می‌گیرد و در دانشگاه‌ها نیز فقط ۱۶/۴ درصد از کلاس‌های مربوط به فن‌آوری به وسیله‌ی زنان تدریس می‌شود. عامل اصلی بروز تفاوت مشهود در میزان علاقه‌مندی زنان و مردان به کامپیوتر، نرم‌افزارها، و به‌خصوص بازی‌های کامپیوتری است. این نرم‌افزارها، از جمله انواع آموزشی آن‌ها، بیش‌تر با هدف جلب رضایت مردان ساخته می‌شوند و شخصیت‌های زن در آن‌ها معمولاً ضعیف‌تر اند. این امر به مرور زمان موجب ضعف این گروه در انجام بازی‌های کامپیوتری و سایر زمینه‌های فن‌آوری اطلاعات

<sup>1</sup> Yahoo! Search (<http://search.yahoo.com/>)

<sup>2</sup> Yahoo Finance

<sup>3</sup> Boumans, Jak

<sup>4</sup> United Nations

<sup>5</sup> Van Slyke, Craig, Christie L. Comunale, and France Belanger

شده است و در حالی که ۱۲ درصد مردان بر این باور اند که می‌توانند یک سایت اینترنت را به صورت کامل راه‌اندازی کنند، تنها سه درصد زنان این توانایی را در خود دیده‌اند (ون اسلایک، کومونل، و بلنر ۲۰۰۲؛ *آی‌تی ایران* ۱۳۸۵).

**تفاوت جنسیتی در الگوهای استفاده از اینترنت** - پژوهش‌ها نشان می‌دهند که زنان، بیش‌تر برای ارتباط‌های شخصی و جست‌وجوی مسائل علمی از اینترنت استفاده می‌کنند و مردان برای سرگرمی و گذراندن اوقات فراغت. مسائلی نظیر جست‌وجو در سایت‌ها، گذراندن دوره‌های آموزشی، انجام کارهای اداری و اموری مانند این، از مهم‌ترین اهداف زنان برای ورود به دنیای مجازی است. در مقوله‌ی وبلاگ‌نویسی نیز دید زنان متفاوت از مردان، و روزنه‌ی به کارهای خلاق (نه امور تفریحی) است (ویزر<sup>۱</sup> ۲۰۰۰؛ پدرس و مکافی<sup>۲</sup> ۲۰۰۷).

**فضای مجازی؛ فضایی مردسالارانه** - به دلیل آن که حاکمیت اینترنت برای سال‌های طولانی در دستان دولت آمریکا بود، کارشناسان دریافته‌اند بیش‌تر قوانین فضای مجازی به وسیله‌ی مردان تعیین می‌شود و زنان در این عرصه نقشی کم‌رنگ‌تر دارند؛ افزون بر این که، بیش‌تر سایت‌های خرید و فروش اینترنتی، کالاهای خاص مردان را می‌فروشند و تعداد سایت‌های مخصوص مردان، به‌مراتب، بیش از زنان است (ون اسلایک، کومونل، و بلنر ۲۰۰۲).

### بهبود وضعیت زنان در پژوهش‌های جدید

پژوهش‌های جدید بیان‌گر بهبود وضعیت زنان در دنیای فن‌آوری اطلاعات و اینترنت و نیز نگرش آن‌ها به این فن‌آوری است.

**بهبود روند گذشته و پیوستن زنان به فن‌آوری اطلاعات و اینترنت** - امروز زنان، بیش از گذشته، از فن‌آوری‌های موجود استفاده می‌کنند. آن‌ها در جوامع توسعه‌یافته، بیش از مردان از طریق اینترنت خرید می‌کنند و به کمک ابزارهای مجازی، به کنترل زندگی خود می‌پردازند. مطالعاتی که به وسیله‌ی مؤسسه‌ی پژوهشی نت‌والیو<sup>۳</sup> انجام شده، نشان می‌دهد در طی ماه می ۲۰۰۵، ۵/۸ میلیون زن انگلیسی از اینترنت استفاده کرده‌اند، که این رقم رشد ۳۰ درصدی یا ۱/۸ میلیون نفری را نسبت به ماه‌های آغازین این سال نشان می‌دهد. در طول این ماه هر یک از زنان، به طور میانگین، ۴۶۲ دقیقه را به بازدید از ۴۱۲ صفحه‌ی اینترنتی گذرانده‌اند، که این رقم برای مردان، تنها ۴۱۴ دقیقه برای بازدید از ۳۴۷ صفحه‌ی اینترنتی محاسبه شده است. آنچه طی این مدت در بین زنان بسیار پرطرفدار شده است، سایت‌هایی است که به طور اختصاصی برای خانم‌ها طراحی می‌شوند. بررسی‌های اخیر نیز

<sup>1</sup> Weiser, Eric B.

<sup>2</sup> Pedersen, Sarah, and Caroline Macafee

<sup>3</sup> Net Value



نشان می‌دهد که امروزه، بخشی عظیم از تصمیم‌گیری‌های کلان اینترنت را زنان انجام می‌دهند (راین و پلامپ<sup>۱</sup> ۱۹۹۷).

### اهمیت زنان در عرصه‌ی فن‌آوری اطلاعات و اینترنت؛ به‌خصوص خرید الکترونیکی

در این بخش، نقش زنان از دو جهت بر خرید الکترونیکی تأثیرگذار است:  
**نقش زنان در خانواده-** زنان در خانواده‌ها نقش اصلی تربیت کودکان را بر عهده دارند؛ بنا بر این، بیش‌ترین تأثیر را در افزایش نفوذ فن‌آوری اطلاعات و اینترنت در میان اعضای خانواده خواهند داشت.

**نقش زنان در خرید-** زنان تقریباً در همه‌ی خریدهای بازرگانی و مصرفی، تصمیم‌گیرنده‌ی قطعی یا مؤثر اند و می‌توان گفت خرید همه چیز با زنان است؛ افزون بر آن، زنان و مردان در روش ایجاد ارتباط و دلایل خرید، با مردان متفاوت اند؛ مردان، تنها در پی تکمیل دادوستد اند؛ در حالی که زنان به ایجاد ارتباط سازنده نیز فکر می‌کنند و با خرید برند<sup>۲</sup>ها، به آن‌ها می‌پیوندند؛ پس جامعه‌ی زنان، نه یک گوشه از بازار، بلکه بازاری پایدار است (پیترز<sup>۳</sup> ۱۳۸۵).

این طور به نظر می‌رسد که تعیین بازار بر اساس اهداف قشر زنان، کسب‌وکار را با احتمال موفقیتی بیش‌تر مواجه سازد؛ هم‌چنین، با توجه به پررنگ‌تر شدن حضور زنان در عرصه‌ی فن‌آوری اطلاعات و اینترنت و علاقه‌مندی آن‌ها به مقوله‌ی خرید، بررسی تفاوت‌های جنسیتی در عوامل مؤثر بر خرید افراد، به‌خصوص زنان، به عنوان بازاری پایدار، ضروری است.

### تفاوت‌های جنسیتی در خرید الکترونیک

بر پایه‌ی بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش و پژوهش‌های زیادی که در زمینه‌ی جنسیت، فن‌آوری اطلاعات، و اینترنت صورت گرفته و هر کدام جنبه‌ی خاص از فن‌آوری و به‌خصوص اینترنت را در بر می‌گیرند، تفاوت‌های مشهودی بین زنان و مردان به دست آمده‌است؛ برای مثال، در زمینه‌ی خرید الکترونیک، تفاوت در انگیزه‌ها، نوع دریافت این نوآوری، و درک ریسک این نوع خرید، می‌تواند یکسان نبودن میزان تمایل و خرید الکترونیک زنان و مردان را توجیه کند (جدول ۱).

<sup>۱</sup> Reinen, Ingeborg Janssen, and Tjeerd Plomp

<sup>۲</sup> Brand

<sup>۳</sup> Peters, Tom

جدول ۱- یافته‌های پژوهش‌های پیشین

پژوهش	روش پژوهش	ابزار گردآوری داده‌ها	یافته‌ها
سیر و بونانی (۲۰۰۵)	پیمایشی	پرسش‌نامه‌ی الکترونیک	تفاوت جنسیتی در ادراک از طراحی سایت وب و رضایت از آن
سازمان ملل متحد (۲۰۰۵)	پیمایشی	رتبه‌بندی جای‌گاه دولت الکترونیک کشورها با استفاده از پرسش‌نامه	تفاوت جنسیتی در دسترسی و استفاده از اینترنت
گاربارینو و استراهیل‌ویتز (۲۰۰۴)	پیمایشی	پرسش‌نامه	تفاوت جنسیتی در درک خطرپذیری و تأثیر توصیه‌ی دوستان
دیتمار، لانگ، و میک (۲۰۰۴)	پیمایشی	پرسش‌نامه‌ی باز، برای بررسی کیفی و پرسش‌نامه‌ی بسته، برای بررسی کمی	تفاوت جنسیتی در انگیزه‌های خرید الکترونیک
ون اسلایک، کومونل، و بلنگر (۲۰۰۲)	پیمایشی	پرسش‌نامه	تفاوت جنسیتی در درک خرید اینترنتی

چنانچه در جدول ۱ دیده‌می‌شود، نتایج پژوهش‌ها در برخی از کشورها بیان‌گر وجود تفاوت‌های جنسیتی در خرید الکترونیک، در موارد زیر است:

۱- رضایت از سایت و طراحی آن (سیر و بونانی<sup>۱</sup> ۲۰۰۵) - در این پژوهش به بررسی چه‌گونگی تفاوت جنسیتی ادراکات از امنیت تراکنش، اجزای طراحی سایت، تأثیر تجربه‌ی خرید الکترونیکی بر ادراک اطمینان به سایت وب، رضایت از آن، و وفاداری الکترونیک پرداخته‌می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امنیت تراکنش مسئله‌ی با اهمیت نیست و ادراکات از آن بین زنان و مردان تفاوتی نمی‌کند. در مورد وفاداری الکترونیک نیز تفاوت جنسیتی مشهودی به دست نیامد، اما تفاوت‌هایی چشم‌گیر در ادراکات از طراحی سایت وب و رضایت از آن در بین دو جنس مخالف وجود دارد.

۲- دسترسی و استفاده از کامپیوتر و اینترنت (سازمان ملل متحد ۲۰۰۵) - این بخش قسمتی از گزارش سازمان ملل متحد است که با عنوان «گزارش ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد درباره‌ی آمادگی برای دولت الکترونیک»<sup>۲</sup> انتشار یافته‌است. در این گزارش به‌صراحت اعلام می‌شود که در حال حاضر، در دسترسی و استفاده از فن‌آوری اطلاعات در سراسر جهان، تفاوت جنسیتی وجود دارد؛ هم‌چنین، بر پایه‌ی پژوهش‌ها، این تفاوت جنسیتی در کشورهای در حال توسعه بیش‌تر از کشورهای توسعه‌یافته است، که در توضیح آن به مواردی مانند کم بودن سواد و تحصیلات زنان در مقایسه با مردان؛ توانایی و امکانات کم‌تر در استفاده از فن‌آوری اطلاعات؛ نگرش‌های متداول اجتماعی در بسیاری از کشورها مبنی بر منع زنان از تحصیل علوم و ریاضیات؛ عدم دسترسی آسان به سرویس‌ها و تسهیلات فن‌آوری

<sup>۱</sup> Cyr, Dianne, and Carole Bonanni

<sup>۲</sup> "United Nations Global E-government Readiness Report 2005: From E-Government to E-Inclusion."



اطلاعات؛ تدارکات غیرکافی محتوایی و برنامه‌های کاربردی مرتبط؛ کم بودن قدرت خرید برای دستیابی به فن‌آوری‌های جدید؛ و کم بودن آگاهی زنان، به عنوان تصمیم‌گیرندگان در زمینه‌ی فن‌آوری اطلاعات، اشاره شده‌است. در گزارش بالا، از کم بودن تحصیلات زنان به عنوان مؤثرترین عامل در ایجاد تفاوت نام برده شده‌است. با توجه به این یافته‌ها، انتظار است در کشور در حال توسعه‌ی چون ایران، در مورد خرید الکترونیک، به عنوان یک پدیده‌ی مرتبط با فن‌آوری اطلاعات و اینترنت، تفاوت‌های جنسیتی مشهودی ملاحظه شود، که این مسئله در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳- ادراک از ریسک خرید الکترونیکی و تأثیر توصیه‌ی دوستان (گاربارینو و استراهیل ویتز<sup>۱</sup> ۲۰۰۴) - در این پژوهش، دو پژوهش‌گر با آزمون این مسئله که چه‌گونه زنان و مردان در ادراک از ریسک مرتبط با خرید الکترونیکی و نیز تأثیر دریافت توصیه در مورد یک سایت از یک دوست، متفاوت اند و نیز با بیان شش فرضیه و کنترل متغیر استفاده از اینترنت، به نتایج زیر دست یافتند:

- زنان، در مقایسه با مردان، احتمال ریسک بیشتری را در مقوله‌ی خرید اینترنتی درک می‌کنند (بارکه، جن‌کینز-اسمیت، و اسلوویک<sup>۲</sup> ۱۹۹۷؛ گاردنر و گولد<sup>۳</sup> ۱۹۸۹؛ اسلوویک و هم‌کاران<sup>۴</sup> ۱۹۹۷).

- زنان، در مقایسه با مردان، اهمیت بیشتری به از دست دادن «محرمانه بودن» می‌دهند؛ هرچند که احتمال این امر از نظر آنان (از دست رفتن محرمانه بودن)، کم‌تر است.

- کاهش ادراک از ریسک، پس از دریافت توصیه از دوستان، در میان زنان بیش‌تر از مردان است.

- دریافت توصیه از دوستان، بر زنان و تشویق آن‌ها به خرید اینترنتی مؤثر است، اما بر مردان نفوذی مشخص ندارد.

۴- انگیزه‌های خرید (دیتمار، لانگ، و میک<sup>۵</sup> ۲۰۰۴) - این پژوهش به وسیله‌ی دیتمار و هم‌کارانش در کشور انگلستان و در سال ۲۰۰۴ صورت گرفته‌است و از آن‌جا که مدل به‌دست‌آمده از این پژوهش، در پژوهش حاضر نیز مورد آزمون قرار گرفته، در این بخش به دو صورت مطالعه‌ی کیفی و مطالعه‌ی کمی به جزئیات آن پرداخته شده‌است.

<sup>1</sup> Garbarino, Ellen, and Michal Strahilevitz

<sup>2</sup> Barke, Richard P., Hank C. Jenkins-Smith, and Paul Slovic

<sup>3</sup> Gardner, Gerald T., and Leroy C. Gould

<sup>4</sup> Slovic, Paul, Torbjörn Malmfors, C. K. Mertz, N. Neil, and Iain F. H. Purchase

<sup>5</sup> Dittmar, Helga, Karen Long, and Rosie Meek

آ- مطالعه‌ی کیفی- جامعه‌ی آماری این مطالعه را دانشجویان یکی از دانشگاه‌های انگلستان تشکیل می‌دهد و تعداد پاسخ‌دهندگان نیز ۱۱۳ نفر (۵۷ نفر مرد و ۵۶ نفر زن)، در رده‌ی سنی بین ۱۹ تا ۲۴ سال، با میانگین سنی ۲۱ سال است. بیش از ۹۵ درصد پاسخ‌دهندگان سفیدپوست بودند؛ همه‌ی آن‌ها دسترسی رایگان به اینترنت و کامپیوتر، از طریق دانشگاه و منزل داشتند؛ و ۴۳ درصد نیز دست‌کم یک‌بار از طریق اینترنت خرید کرده‌اند. در این مطالعه پرسش‌نامه‌ی باز، شامل سه سؤال، در اختیار پاسخ‌دهندگان گذاشته شد و تحلیل، بر اساس سه تم عوامل کاربردی، سازه‌های احساسی، تجربی، و اجتماعی، و نیز ملاحظات هویتی صورت گرفت. نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه‌ی بالا، در موارد زیر خلاصه می‌شود:

- امنیت در فرآیند خرید اینترنتی، تنها یا حتی اصلی‌ترین مانع این نوع خرید نیست (چنانچه در پژوهش‌های گذشته گفته شده است) و مواردی دیگر، از جمله کم‌بود ارتباط مستقیم و ابعاد اجتماعی و تجربی خرید، که برای زنان مهم‌تر اند و مانعی جنسیتی برای خرید اینترنتی محسوب می‌شوند، نیز در این امر دخیل است.

- دانش عمومی در استفاده از کامپیوتر برای فهم موضوعات خاص مربوط به خرید اینترنتی کافی نیست و استفاده‌های معمولی مانند کار با پست الکترونیک، برای فهم و به‌کارگیری سایت‌های خرده‌فروشی کافی نخواهد بود (زنان بیش‌تر از سختی آن می‌نالند).

- طبیعت جنسیت‌گرایی خرید سنتی به‌وضوح پدیدار است؛ زنان در کل فرآیند خرید، مشارکت روان‌شناختی و احساسی دارند؛ در حالی که مردان بر کارایی و راحتی در به دست آوردن نتیجه (اجناس واقعی) تمرکز دارند.

ب- مطالعه‌ی کمی- در این مطالعه ۲۴۰ نفر از دانشجویان همان دانشگاه شرکت کردند که از این تعداد ۱۲۴ نفر زن، ۱۱۶ نفر مرد، و البته ۹۵ درصد سفیدپوست بوده‌اند. میانگین سن این افراد ۲۱/۷۵ سال است و تقریباً نیمی از آن‌ها (۴۵/۸ درصد) دست‌کم یک‌بار به صورت اینترنتی خرید کرده‌اند. بخش اول پرسش‌نامه شامل اطلاعات دموگرافیک افراد و این که آیا تا به حال از طریق اینترنت خرید کرده‌اند یا خیر است (در صورتی که تا به حال خرید نکرده بودند، باید پرسش‌نامه را به طور فرضی پر می‌کردند). بخش دوم (قسمت اصلی) شامل ۲۲ عبارت در برگزیده‌ی انگیزه‌های خرید کالاهای مصرفی است، که این انگیزه‌ها را در سه بعد کاربردی، احساسی-اجتماعی، و هویتی دسته‌بندی می‌کند. برای تحلیل



آماري این مطالعه، از روش تحلیل عاملی، و برای آزمون پایایی آن از آلفای کرون-باخ استفاده شده‌است. نتایج به‌دست‌آمده در این مطالعه به شرح زیر است:

- مردان، بیشتر به انگیزه‌های کاربردی توجه دارند؛ در حالی که زنان به انگیزه‌های روان‌شناختی، مخصوصاً مشارکت احساسی، و ملاحظات هویتی توجه می‌کنند.<sup>۱</sup>
- تأثیر محیط خرید بر زنان، بیشتر از مردان است.
- هنگام خرید اینترنتی، اولویت‌بندی انگیزشی زنان برعکس می‌شود؛ یعنی اول انگیزه‌های کاربردی، و سپس انگیزه‌های احساسی-اجتماعی برای آن‌ها اهمیت دارد.
- به طور مشخص، انتظاراتی غیرواقعی و غیرقابل‌تضمین از خرید اینترنتی، که بتواند مانعی جدی برای زنان باشد، وجود ندارد.
- انگیزه‌های روان‌شناختی، تسهیل‌کننده‌ی خرید سنتی و مانع خرید اینترنتی در زنان محسوب می‌شوند.<sup>۲</sup>

- انگیزه‌های مربوط به هویت، احتمال خرید اینترنتی زنان را افزایش می‌دهند.

**۵- ادراکات از خرید الکترونیک** (ون اسلایک، کومول، و بلنجر ۲۰۰۲) - در اولین گام این پژوهش مشخص شده‌است که جنسیت، عاملی تعیین‌کننده در قصد خرید افراد از اینترنت است، زیرا قصد خرید کالا از طریق اینترنت، در مردان مورد مطالعه بیشتر از زنان مورد مطالعه است (با میانگین ۴٫۶۴، در برابر ۳٫۸۵)؛ همچنین می‌توان گفت کسانی که احتمال خریدشان از طریق اینترنت بیشتر است، کسانی اند که آشنایی طولانی‌تری با کامپیوتر دارند؛ به پست الکترونیک خود بیش از یک بار در هفته مراجعه می‌کنند؛ و قبلاً از وب استفاده کرده‌اند. گام بعدی تفاوت بین ادراکات زنان و مردان، بیان‌گر آن است که مردان، سازه‌های سازگاری، مزیت نسبی، پیدایش نتیجه، و اطمینان را، بالاتر از زنان، و پیچیدگی را پایین‌تر از آنان درجه‌بندی می‌کنند؛ پس به طور خلاصه می‌توان گفت که احتمال خرید مردان از اینترنت و ادراکات آن‌ها از این نوآوری، بیشتر از زنان است.

<sup>۱</sup> این موضوع در فرضیه‌های یکم، دوم، و سوم این پژوهش بررسی می‌شود.

<sup>۲</sup> این موضوع در فرضیه‌ی پنجم این پژوهش بررسی می‌شود.

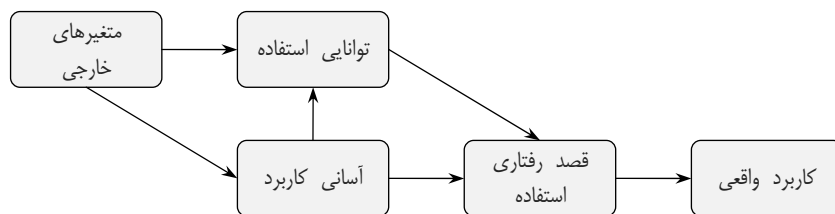
## تئوری‌ها و مدل‌های طرح‌شده در خرید الکترونیک

### تئوری اشاعه‌ی نوآوری

گزارش پژوهشی ون اسلایک، کومونل، و بلنجر (۲۰۰۲)، با عنوان «تفاوت‌های جنسیتی در ادراکات خرید اینترنتی»<sup>۱</sup>، به «تئوری اشاعه‌ی نوآوری» نیز اشاره کرده‌است (ون اسلایک، کومونل، و بلنجر ۲۰۰۲؛ مور و بن‌باسات<sup>۲</sup> ۱۹۹۱) و پژوهش‌گران آن معتقد اند که انتشار تئوری نوآوری، با چه‌گونگی گسترش استفاده از آن، از طریق سامانه‌های اجتماعی مرتبط است. بر پایه‌ی این تئوری، چهار نوع ادراک از ویژگی‌های نوآوری عبارت اند از مزیت نسبی<sup>۳</sup>، پیچیدگی<sup>۴</sup>، سازگاری<sup>۵</sup>، و مشهود بودن نتیجه<sup>۶</sup>، و چه‌گونگی درک یک ویژگی خاص از یک نوآوری، بر پذیرش آن تأثیر می‌گذارد.

### مدل پذیرش فن‌آوری

اخیراً پژوهش‌های زیادی بر پذیرش فن‌آوری متمرکز بوده و مدل دیویس و ونکاتش<sup>۷</sup> (۱۹۹۶)، یکی از مدل‌هایی است که در بسیاری از پژوهش‌های بعدی مورد استفاده‌ی پژوهش‌گران قرار گرفته‌است. این مدل در نمودار ۱ نمایش داده‌شده‌است.



نمودار ۱- مدل پذیرش فن‌آوری

مدل پذیرش فن‌آوری (TAM)<sup>۸</sup>، که به وسیله‌ی کلایپینگ و مک‌کینی<sup>۹</sup> (۲۰۰۴) برای تجارت الکترونیک سازگار شده، برای توضیح و پیش‌بینی رفتار کاربرد کامپیوتر توسعه یافته‌است. از لحاظ تئوریک، این مدل ریشه در تئوری رفتار منطقی فیش‌بین و آژرن<sup>۱۰</sup>

<sup>۱</sup> "Gender Differences in Perceptions of Web-based Shopping."

<sup>۲</sup> Moore, Gary C., and Izak Benbasat

<sup>۳</sup> Relative Advantage

<sup>۴</sup> Complexity

<sup>۵</sup> Compatibility

<sup>۶</sup> Result Demonstrability

<sup>۷</sup> Davis, Fred D., and Viswanath Venkatesh

<sup>۸</sup> Technology Acceptance Model (TAM)

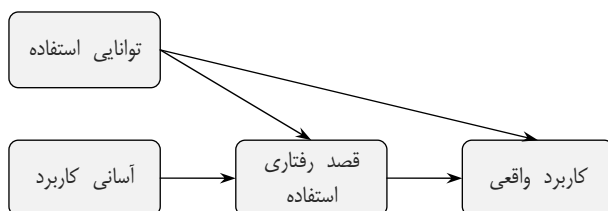
<sup>۹</sup> Kloppping, Inge M., and Earl McKinney

<sup>۱۰</sup> Fishbein, Martin, and Icek Ajzen





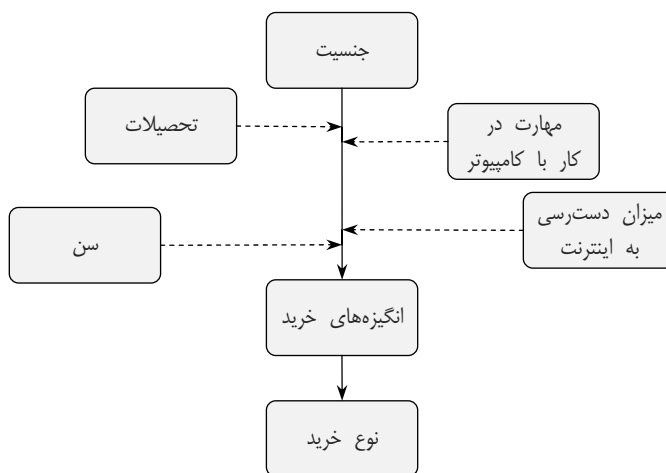
دارد، که معتقد است باورها<sup>۱</sup> بر نگرش‌ها<sup>۲</sup> تأثیر می‌گذارند و نگرش‌ها نیز به قصد<sup>۳</sup> و در نهایت رفتارها<sup>۴</sup> تبدیل می‌شوند (نمودار ۲).



نمودار ۲- مدل پذیرش فن‌آوری سازگار یافته برای تجارت الکترونیک

### مدل پژوهش حاضر

چنانچه گفته‌شد، مدل پژوهش حاضر از مدل دیتمار، لانگ، و میک (۲۰۰۴) برداشته‌شده و به صورت مدلی که در نمودار ۳ آمده، توسعه یافته‌است.



نمودار ۳- مدل پژوهش حاضر

در این مدل، سه گروه انگیزه‌ی خرید به شرح زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱- انگیزه‌های کاربردی- دربرگیرنده‌ی ملاحظات اقتصادی، صرفه‌جویی‌های زمانی، و اهداف کارکردی خرید است. هنگامی که فرد، خرید را عملی برای تهیه‌ی مایحتاج خود در

<sup>1</sup> Beliefs

<sup>2</sup> Attitudes

<sup>3</sup> Intentions

<sup>4</sup> Behaviours

نظر می‌گیرد و دوست دارد این فرآیند در کم‌ترین زمان ممکن صورت گیرد، به این دسته از انگیزه‌ها اهمیت بیشتری می‌دهد.

**۲- انگیزه‌های احساسی-اجتماعی-** در برگرفته‌ی ملاحظات احساسی و مسائل اجتماعی-تجربی خرید است. مواردی که افراد، بدون نیاز به کالایی خاص و تنها برای گذران اوقات فراغت، با دوستان خود به مراکز خرید می‌روند؛ هنگامی که به‌تنبه‌ای و بنا به عادت، برای دیدن فروشگاه مورد علاقه‌ی خود از منزل خارج می‌شوند و بدون داشتن قصد خرید قبلی، با دست پر باز می‌گردند؛ و نیز زمانی که علاقه دارند کالاها را پیش از خرید از نزدیک لمس کنند و از کیفیت آن مطمئن شوند، بیان‌گر آن است که این افراد به خرید به عنوان یک فعالیت اجتماعی می‌نگرند و به جنبه‌ی مشارکت اجتماعی آن اهمیت می‌دهند.

**۳- انگیزه‌های هویتی-** این انگیزه‌ها با مسائل شخصیتی و تصویر دل‌خواه هر فرد از خود مرتبط است. هر کسی در ذهن خود تصویری از خود دل‌خواه دارد که در طول زندگی با کارهای مختلف سعی می‌کند به آن نزدیک شود. یکی از جنبه‌های مشهود در این زمینه، خرید مارک‌های خاص پوشاک، لوازم ورزشی، عینک، و سایر کالاها، و نیز استفاده از نام‌های تجاری مشهور است؛ مثلاً، بسیاری از افراد دارای این نوع انگیزه، به اتومبیل، تنها به عنوان یک وسیله‌ی نقلیه نمی‌نگرند، بلکه دوست دارند اتومبیل یک کمپانی خاص را سوار شوند؛ در واقع، افراد با خرید این کالاها، که گاه در گروه کالاهای لوکس به شمار می‌آیند، احساس می‌کنند به خود دل‌خواه‌شان نزدیک‌تر شده‌اند و دیگران آن‌ها را به‌گونه‌ی می‌بینند که خودشان دوست دارند.

با اندکی تأمل در مدل بالا ملاحظه می‌شود که جنسیت، به عنوان عامل اصلی تأثیرگذار بر انگیزه‌های خرید، در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌است و پیش‌بینی می‌شود که این عامل، با ایجاد تفاوت نسبی در میزان اهمیت این سه دسته انگیزه (کاربردی، احساسی-اجتماعی، و هویتی) برای مردان و زنان، باعث شود که آن‌ها یکی از انواع خرید (الکترونیکی و سنتی) را انتخاب کنند. گفتنی است که تحصیلات، سن، مهارت در کار با کامپیوتر، و دسترسی به اینترنت، که پیکان‌های ارتباطی آن‌ها به صورت خط‌چین در مدل نشان داده‌شده‌است، متغیرهای تعدیل‌کننده‌ی رابطه‌ی جنسیت و انگیزه‌های خرید اند.



## روش پژوهش

### فرضیه‌های پژوهش

- پژوهش حاضر دارای هفت فرضیه، به صورت زیر است:
- ۱- انگیزه‌های کاربردی برای مردان مهم‌تر است؛
  - ۲- انگیزه‌های احساسی-اجتماعی برای زنان مهم‌تر است؛
  - ۳- انگیزه‌های هویتی برای زنان مهم‌تر است؛
  - ۴- انگیزه‌های کاربردی، تسهیل‌کننده‌ی خرید اینترنتی اند؛
  - ۵- انگیزه‌های احساسی-اجتماعی، مانع خرید اینترنتی اند؛
  - ۶- جذابیت‌های ظاهری سایت در خرید اینترنتی برای زنان مهم‌تر است؛
  - ۷- قیمت کالا در خرید اینترنتی برای مردان مهم‌تر است.
- هم‌چنین، پژوهش درصدد یافتن پاسخ برای این سؤال فرعی است که آیا بین نوع کالا و جنسیت در خرید اینترنتی رابطه وجود دارد یا خیر.

### متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش، بر پایه‌ی فرضیه‌های مورد آزمون، در جدول ۲ آمده‌است.

جدول ۲- متغیرهای پژوهش

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	متغیرهای تعدیل‌کننده
یکم	جنسیت	انگیزه‌های کاربردی	سن/تحصیلات/مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت/دست‌رسی به اینترنت
دوم	جنسیت	انگیزه‌های احساسی-اجتماعی	سن/تحصیلات/مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت/دست‌رسی به اینترنت
سوم	جنسیت	انگیزه‌های هویتی	سن/تحصیلات/مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت/دست‌رسی به اینترنت
چهارم	انگیزه‌های کاربردی	خرید اینترنتی	—
پنجم	انگیزه‌های احساسی-اجتماعی	خرید اینترنتی	—
ششم	جنسیت	جذابیت‌های ظاهری سایت	—
هفتم	جنسیت	قیمت	—
پرسش فرعی جنسیت	جنسیت	نوع کالا	—

## روئس پژوهش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات

پژوهش شامل دو بخش کیفی و کمی است. در بخش کیفی، پژوهش‌گران با جست‌وجوی سایت‌های خرید و فروش ایرانی از طریق اینترنت، فهرستی از نام و آدرس آن‌ها را به دست آورده‌اند و از میان این سایت‌ها، مدیران سایت‌های زیر علاقه‌مند به هم‌کاری بوده‌اند:

– دکه آن‌لاین (www.dakkehonline.com)؛ با زمینه‌ی کاری فروش کتاب، موبایل، کامپیوتر، فیلم، و مانند این‌ها، برای خریداران خارج از ایران.

– آریا طلا (www.ariatala.com)؛ با زمینه‌ی کاری فروش گل، کتاب، اسباب‌بازی، فیلم و موزیک، لوازم ورزشی، جواهر، و ساعت.

– دیارا دیزاین (www.diyaradesign.com)؛ با زمینه‌ی کاری مشاوره، طراحی، پشتیبانی، و تبلیغات برای سایت‌های وب.

– بخوان دات‌کام (www.bekhan.com)؛ با زمینه‌ی کاری فروش اینترنتی کتاب.

برای این پژوهش، انتخاب سایت‌هایی که مشتریان آن‌ها داخل ایران باشند و یا مدیریت آن‌ها در داخل کشور انجام شود مناسب‌تر بود؛ به همین دلیل، پژوهش‌گران، با صرف نظر کردن از بررسی سایت دکه آن‌لاین، با مدیران سه سایت آریا طلا، دیارا دیزاین، و بخوان دات‌کام مصاحبه‌هایی انجام دادند، که نتایج آن‌ها در جدول ۳ آمده‌است.

جدول ۳- مشخصات فروشگاه‌های الکترونیک مورد مطالعه‌ی پژوهش حاضر

نام سایت	آریا طلا	دیارا دیزاین	بخوان دات‌کام
زمینه‌ی کاری	تجاری به تجاری؛ تنوع کالا	تجاری به تجاری، خدمات	تجاری به تجاری؛ سازمان به مشتری؛ کتاب
نوع مشتریان	داخلی	داخلی و خارجی	داخلی
دسته‌بندی مشتریان	ندارد	ندارد	ندارد
درصد زنان و مردان	۶۵درصد زنان ۳۵درصد مردان	زنان بیشتر از مردان	۳۰درصد زنان ۷۰درصد مردان
بیش‌تر چه کالایی می‌خرند	زنان: گل و مردان: کتاب	تنوع فروش ندارد	تنوع فروش ندارد
برتری‌های سایت	دوست‌داشتنی؛ کاربری آسان؛ در دسترس بودن کالاها؛ خرید با دو کلیک	کاربرپسند؛ استفاده از عکس	کتاب‌شناسی حرفه‌یی؛ هویت برای کاربر؛ بن خرید اینترنتی کتاب؛ راهنمای خرید
روش جلب	زنان: تنوع کالا مردان: کالای ارزان	زنان: استفاده از پیش‌گویی؛ پرسش و پاسخ؛ متن‌های زیبا؛ سرگرمی مردان: نامشخص	کتاب‌های مورد پسند هر کدام
سازه‌های مهم	زنان: رنگ و تنوع کالا مردان: ارزان؛ در دسترس بودن	—	رنگ

<sup>1</sup> مدلی تجاری که بر خدمت‌رسانی به دیگر شرکت‌ها بیشتر از مشتری‌های انفرادی تأکید دارد: Business to Business (B2B)

<sup>2</sup> مدلی تجاری که بر پایه‌ی پیوند مستقیم اینترنتی سازمان تجاری با مشتری بنا شده‌است: Business to Consumer (B2C)

<sup>3</sup> User-Friendly



همان طور که در جدول ۳ نیز مشاهده می‌شود، در دو مورد از سه سایت مذکور، زنان بیش‌تر از مردان خرید اینترنتی می‌کنند و به نظر می‌رسد که این مسئله، نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های پیشین را، که در داخل و خارج از ایران صورت گرفته‌است، پوشش نمی‌دهد (لطیفی و زادون ۱۳۸۶؛ دیتمار، لانگ، و میک ۲۰۰۴؛ یاهو فاینانس ۲۰۰۲).

ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کمی، پرسش‌نامه‌یی شامل دو بخش است، که بخش اول، اطلاعات و پرسش‌های زیر را در بر می‌گیرد:

- اطلاعات دموگرافیک افراد شامل جنسیت، سن، میزان تحصیلات، مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت، و دسترسی به اینترنت.

- آیا پاسخ‌گویان تا به حال خرید الکترونیکی کرده‌اند؟

- چه کالایی را از چه نوع سایت‌هایی خریداری کرده‌اند؟

- ویژگی‌های سایت‌هایی که افراد از آن‌ها خرید می‌کنند. این ویژگی‌ها بر اساس انگیزه‌های خرید و به صورت سایت‌های با ظاهر جذاب (فرضیه‌ی ششم؛ جذابیت‌های ظاهری سایت)، سایت‌های دارای ارتباطات اجتماعی، مانند چت (مشارکت اجتماعی در انگیزه‌های احساسی-اجتماعی)، سایت‌های دارای تخفیف (صرفه‌جویی اقتصادی در انگیزه‌های کاربردی)، و سایت‌هایی با فرآیند خرید سریع و آسان (وجه کارایی انگیزه‌های کاربردی) دسته‌بندی شده‌اند.

- نقاط ضعف و نقاط قوت خرید اینترنتی، از دید پاسخ‌دهندگان (برای پاسخ دادن به این مورد نیازی نیست که فرد قبلاً خرید الکترونیک کرده‌باشد و می‌تواند تنها بر اساس دانسته‌ها و نتیجه‌گیری‌های خود به آن پاسخ دهد).

قسمت دوم پرسش‌نامه، که از پرسش‌نامه‌ی پژوهش دیتمار، لانگ، و میک (۲۰۰۴) ترجمه شده، شامل ۲۲ عبارت است، و این عبارات، میزان اهمیت انگیزه‌های خرید را در افراد می‌سنجند. طیف لیکرت استفاده‌شده بر این اساس، شامل گزینه‌های «کاملاً موافق ام»، «خیلی موافق ام»، «موافق ام»، «مخالف ام»، «خیلی مخالف ام»، و «کاملاً مخالف ام» است؛ هم‌چنین، برای جلوگیری از گرایش افراد به انتخاب میانه، از آوردن گزینه‌ی «نظری ندارم»، که بیان‌کننده‌ی حالت میانه و بی‌طرف است، خودداری شده‌است.

### جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش را خریداران اینترنتی مرد و زن سایت‌های ایرانی تشکیل می‌دهند؛ یعنی افرادی که دست‌کم یک‌بار از طریق اینترنت کالایی را خریداری کرده‌اند. به

دلیل آن که با توجه به بررسی اولیه و تجربه‌های برگرفته از پژوهش‌های مشابه در جامعه‌ی ایرانی، تعداد خریداران اینترنتی بسیار اندک، دسترسی به آن‌ها بسیار مشکل، و در صورت دسترسی، سرعت پاسخ‌گویی آن‌ها پایین است و با در نظر داشتن این موضوع که برای انجام خرید اینترنتی، افراد، نیازمند دانشی قابل‌قبول از کامپیوتر و دسترسی به اینترنت اند و احتمال برخورداری دانشجویان از این شرایط، بیش‌تر، و امکان دریافت اطلاعات از آن‌ها فراهم‌تر است، حجم عمده‌ی نمونه از میان دانشجویان مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری انتخاب شد. برای تعیین حجم نمونه، طبق جدول مورگان (تعیین حجم نمونه بر اساس نسبت)، بیش‌ترین حجم انتخاب شد که تعداد ۳۸۴ نفر را در بر می‌گیرد.

روش نمونه‌برداری به صورت تصادفی طبقه‌ی، و توزیع پرسش‌نامه‌ها در کلاس‌های متفاوت دانشگاهی و رده‌های مختلف کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری، و غیردانشگاهی (تعداد بسیار محدود) است؛ در واقع، دانشگاه، دانشکده، و یا کلاسی خاص برای نمونه‌گیری مد نظر نبوده و اصل تصادفی بودن نمونه‌برداری به‌خوبی رعایت شده‌است. با توجه به این که تقریباً تمام افراد نمونه را دانشجویان تشکیل می‌دهند، متغیرهای سن، تحصیلات، مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت، و دسترسی به اینترنت در آن‌ها دارای دامنه‌ی یکسان است، که اثر آن‌ها در این پژوهش کنترل شده‌است. یکی از گمانه‌های مهم پژوهش‌گران آن است که متغیرهای مذکور، در رابطه‌ی بین این دو متغیر در پژوهش حاضر اثر نداشته و به‌نوعی کنترل شده‌اند؛ پس می‌توان گفت این متغیرها، که در مدل، تعدیل‌کننده اند، در این پژوهش، با توجه به ویژگی‌های نمونه‌ی آماری (طبقه‌ی دانشجوی)، متغیر کنترل به شمار می‌روند.

### آزمون روایی و پایایی پرسش‌نامه

برای انجام آزمون روایی، این پرسش‌نامه در اختیار تنی چند از متخصصان و استادان رشته‌ی مدیریت قرار گرفت و به تأیید ایشان رسید. جهت اطمینان از درستی ترجمه‌ی قسمت دوم پرسش‌نامه نیز، نسخه‌ی فارسی آن دوباره به انگلیسی برگردانده شد و اصلاحات لازم انجام گرفت.

برای آزمون پایایی از آلفای کرون‌باخ استفاده شده‌است؛ به این ترتیب که ابتدا برای کلیه‌ی عبارات قسمت دوم پرسش‌نامه، شامل هر سه گروه انگیزه‌های خرید الکترونیکی، آلفا محاسبه شد و مقدار  $0/۸۴۳$  به دست آمد. سپس برای هر یک از انگیزه‌های کاربردی،



احساسی-اجتماعی، و هویتی، آلفایی جداگانه محاسبه شد و نتایجی به ترتیب برابر با ۰٫۷۴۲، ۰٫۸۴۶، و ۰٫۴۳۸ حاصل شد. کم بودن میزان آلفای انگیزه‌های هویتی احتمالاً به این دلیل است که عباراتی که در پرسش‌نامه به اندازه‌گیری و بررسی این گروه از انگیزه‌ها می‌پردازند، محدود به سه مورد اند.

### آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها در این پژوهش، از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده‌است، که آزمون‌های به‌کاررفته در آن عبارت اند از:

- آزمون  $t$  برای دو گروه مستقل، برای فرضیه‌های یکم تا سوم- استفاده از این آزمون برای فرضیه‌های بالا به این دلیل است که در هر سه‌ی آن‌ها یک متغیر (انگیزه‌های کاربردی در فرضیه‌ی یکم، انگیزه‌های احساسی-اجتماعی در فرضیه‌ی دوم، و انگیزه‌های هویتی در فرضیه‌ی سوم) و دو گروه مستقل (زنان و مردان) وجود دارد. نتایج این آزمون آماری در جدول ۴ آورده شده‌است.

جدول ۴- آزمون  $t$  برای دو گروه مستقل، برای فرضیه‌ها یکم تا سوم

فرضیه	$t$	معناداری	نتیجه
یکم	-۰٫۴۸۱	۰٫۶۳۱	عدم رد فرضیه‌ی $H_0$ : انگیزه‌های کاربردی برای مردان از زنان مهم‌تر نیست.
دوم	۳٫۶۹۱	۰٫۰۰۰	عدم رد فرضیه‌ی $H_1$ : انگیزه‌های احساسی برای زنان از مردان مهم‌تر است.
سوم	-۰٫۵۴۰	۰٫۹۵۷	عدم رد فرضیه‌ی $H_0$ : انگیزه‌های هویتی برای زنان از مردان مهم‌تر نیست.

$$\mu_{male} > \mu_{female} : H_1 \quad \mu_{male} \leq \mu_{female} : H_0$$

- آزمون  $\chi^2$  برای فرضیه‌های چهارم تا هفتم و سؤال فرعی پژوهش- در این موارد، به دلیل این که متغیرها دو مقوله‌ی اند، از این آزمون استفاده شده‌است؛ زیرا در فرضیه‌ی چهارم، انگیزه‌های کاربردی، یا تسهیل‌کننده‌ی خرید اینترنتی به شمار می‌روند یا خیر. به همین ترتیب برای فرضیه‌ی پنجم نیز، انگیزه‌های احساسی-اجتماعی یا مانع خرید اینترنتی اند یا خیر. فرضیه‌ی ششم و هفتم، به ترتیب میزان اهمیت «جذابیت‌های ظاهری سایت» و «قیمت» برای دو گروه مستقل زنان و مردان مطرح شده‌است و فرضیه‌ی هفتم نیز به دلیل عدم کفایت داده‌های به‌دست‌آمده، هنگام تحلیل حذف شد. نتایج این آزمون آماری در جدول ۵ آورده شده‌است.

جدول ۵- آزمون  $\chi^2$  برای فرضیه‌های چهارم تا هفتم

فرضیه	$\chi^2$	معناداری	نتیجه
چهارم	۰/۱۱۴	۰/۹۴۴	عدم رد فرضیه $H_0$ : انگیزه‌های کاربردی، آسان‌کننده‌ی خرید اینترنتی نیست.
پنجم	۱۵/۷۱۴	۰/۳۳۱	عدم رد فرضیه $H_0$ : انگیزه‌های احساسی-اجتماعی، مانع خرید اینترنتی نیست.
ششم	۳/۹۱۹	۰/۱۴۱	عدم رد فرضیه $H_0$ : جذابیت‌های ظاهری سایت برای زنان از مردان مهم‌تر نیست.

$H_0$ : عدم وجود رابطه  $H_1$ : وجود رابطه میان متغیر مستقل و وابسته

- آزمون  $\chi^2$  برای سؤال فرعی پژوهش- برای سؤال فرعی پژوهش، که به بررسی رابطه‌ی جنسیت و نوع کالا در خرید اینترنتی می‌پردازد، متغیر مورد نظر، نوع کالا در خرید اینترنتی (شامل کتاب، گل، پوشاک، و خدمات طراحی و پشتیبانی سایت، که بر پایه‌ی اطلاعات به‌دست‌آمده در مطالعه‌ی اولیه‌ی سایت‌های ایرانی، کالاها و خدمات رایج در این سایت‌ها بوده‌است) است، که در دو گروه مستقل زنان و مردان بررسی می‌شود. نتایج این آزمون آماری در جدول ۶ آورده شده‌است.

جدول ۶- آزمون  $\chi^2$  برای پرسش فرعی

نوع کالا	$\chi^2$	معناداری	نتیجه
کتاب	۳/۹۳۵	۰/۱۴۰	عدم رد فرضیه $H_0$ : رابطه‌ی معنادار بین نوع کالا و جنسیت به دست نیامد.
گل	۱/۸۹۸	۰/۳۸۷	عدم رد فرضیه $H_0$ : رابطه‌ی معنادار بین نوع کالا و جنسیت به دست نیامد.
پوشاک	۲/۴۰۱	۰/۳۰۱	عدم رد فرضیه $H_0$ : رابطه‌ی معنادار بین نوع کالا و جنسیت به دست نیامد.
خدمات طراحی و پشتیبانی سایت	۱۱/۴۰۱	۰/۰۰۳	عدم رد فرضیه $H_0$ : رابطه‌ی معنادار بین نوع کالا و جنسیت به دست نیامد.
پرسش فرعی			عدم رد فرضیه $H_0$ : رابطه‌ی معنادار بین نوع کالا و جنسیت به دست نیامد.

$H_0$ : عدم وجود رابطه  $H_1$ : وجود رابطه میان نوع کالا و جنسیت

گفتنی است که در مورد «خدمات طراحی و پشتیبانی سایت»، بر اساس سطح معناداری ( $p < ۰/۰۵$ )، فرضیه‌ی  $H_0$  رد و فرضیه‌ی  $H_1$  پذیرفته خواهد شد؛ اما به دلیل این که ضریب  $\phi$  در این رابطه بسیار ضعیف و غیرقابل توجه است ( $\phi = ۰/۱۷۲$ )، در این مورد نیز رابطه‌ی معنادار بین نوع کالا و جنسیت به دست نیامد.





## یافته‌ها

پس از انجام آزمون فرضیه‌ها، تنها فرضیه‌ی دوم پژوهش پذیرفته‌شد و سایر فرضیه‌ها رد شدند؛ به این ترتیب، نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان داد که انگیزه‌های احساسی-اجتماعی برای زنان مهم‌تر از مردان است؛ همچنین، دست‌آوردهای پژوهش، رابطه‌ی معنادار را بین انگیزه‌های کاربردی و انگیزه‌های هویتی با عامل جنسیت نشان نداد و در توضیح فرضیه‌های چهارم و پنجم نیز، رابطه‌ی معنادار بین خرید الکترونیک با انگیزه‌های کاربردی و انگیزه‌های احساسی-اجتماعی به دست نیامد؛ یعنی در جامعه‌ی مورد بررسی، نتایج بیان‌گر آن بود که انگیزه‌های کاربردی، تسهیل‌کننده‌ی خرید الکترونیک، و انگیزه‌های احساسی-اجتماعی، مانع این نوع خرید نیستند. در زمینه‌ی جذابیت‌های ظاهری و طراحی سایت نیز، تفاوت جنسیتی مشهود نبود؛ در حالی که پژوهش‌های گذشته در مورد طراحی سایت و رضایت از اجزای آن، وجود تفاوت را نشان می‌داد (سیر و بونانی ۲۰۰۵).

در پاسخ به سؤال فرعی پژوهش، رابطه‌ی معنادار بین نوع کالا در خرید الکترونیک و جنسیت به دست نیامد؛ به این معنا که در جامعه‌ی آماری حاضر، تفاوتی جنسیتی در خرید چهار گروه کالا و خدمات مورد بررسی (کتاب، گل، پوشاک، و خدمات طراحی و پشتیبانی سایت) مشاهده نشد. به این ترتیب، در مورد انگیزه‌های کاربردی و انگیزه‌های هویتی خرید الکترونیک در جامعه‌ی ایرانی، تفاوت جنسیتی معنادار وجود ندارد، اما در مورد انگیزه‌های احساسی-اجتماعی، تفاوتی آشکار مشهود است.

جدول ۷- مقایسه‌ی اهمیت انگیزه‌های خرید برای خریداران اینترنتی زن و مرد ایرانی و انگلیسی

پژوهش	کشور	جنسیت	انگیزه‌ها	
			کاربردی	احساسی-اجتماعی
پژوهش حاضر (۱۳۸۵)	ایران	زن	اهمیت یکسان	اهمیت بیشتر
		مرد	اهمیت یکسان	اهمیت کمتر
دیتمار، لانگ، و میک (۲۰۰۴)	انگلستان	زن	اهمیت کمتر	اهمیت بیشتر
		مرد	اهمیت بیشتر	اهمیت کمتر

با ملاحظه‌ی جدول ۷، که یافته‌های این پژوهش در ایران را، با پژوهشی همانند در انگلستان (دیتمار، لانگ، و میک ۲۰۰۴) مقایسه می‌کند، می‌توان ادعا کرد که دست‌آوردهای حاضر، به جز مورد انگیزه‌های احساسی-اجتماعی، با نتایج پیشین هم‌پوشانی ندارد.

## تفسیر دست‌آوردهای پژوهش

## تفاوت مفهوم زمان در فرهنگ‌های متفاوت

تفاوت‌های فرهنگی ناشی از ملیت‌های متفاوت، بر الگوهای رفتاری افراد تأثیر می‌گذارند و یکی از این تفاوت‌ها مفهوم زمان است، که در الگوهای رفتاری مربوط به فرآیند خرید، به‌خصوص خرید الکترونیک، مؤثر است.

«مفهوم زمان در بین کشورهای غربی و شرقی متفاوت است؛ چرا که مفهوم غربیان از زمان، خطی است؛ به این معنا که زمانی که گذشت دیگر قابل‌بازگشت نیست و لذا وقت طلا است؛ در صورتی که در مفهوم سیکلی که شرقیان به آن معتقد اند، زمان شامل سیکل‌های قابل‌بازگشت به زمان قبلی در این چرخه است.» (لطیفی ۸۵).

«مردمان فرهنگ‌های صنعتی، عموماً مردمانی مشغول و از نظر زمانی در تنگنا هستند [از جمله در انگلستان که تحقیقات مشابه پژوهش حاضر در آن جا صورت گرفته‌است]؛ در مقابل، مردمان فرهنگ‌های سنتی، یا به عبارتی غیرصنعتی [مثل ایران] کم‌تر زمان را مورد توجه قرار می‌دهند.» (فرهنگی ۸۲).

بنا بر این، وجه کارایی انگیزه‌های کاربردی، که در مورد صرفه‌جویی در زمان است، برای مردمان فرهنگ‌های مختلف یکسان نخواهد بود و جای شگفتی نیست اگر روی‌کرد خریداران ایرانی به خرید اینترنتی و انگیزه‌های آن، متفاوت از هم‌تایان انگلیسی و یا غیرایرانی آن‌ها باشد. کافی نبودن اطلاعات افراد از این فرآیند و در نتیجه، نبود اطمینان از امنیت آن، وجه کارایی انگیزه‌های کاربردی را در خرید الکترونیک تحت تأثیر قرار می‌دهد و به احتمال زیاد، مزایای آن (صرفه‌جویی‌های زمانی و اقتصادی) در سایه‌ی این عدم اطمینان کم‌رنگ‌تر می‌شود (تارو<sup>۱</sup> ۱۳۸۴؛ لی و تان<sup>۲</sup> ۲۰۰۳).

بر پایه‌ی نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های گذشته، وجه کارایی انگیزه‌های کاربردی (صرفه‌جویی در زمان) برای مردان اهمیت دارد؛ زیرا آن‌ها سریع‌تر از زنان خرید می‌کنند، و وجه اقتصادی آن (صرفه‌جویی اقتصادی) برای زنان مهم است؛ چون زنان کالاهای ارزان‌تر را ترجیح می‌دهند. به همین دلیل است که به طور مشخص نمی‌توان گفت زنان به انگیزه‌های کاربردی بیشتر اهمیت می‌دهند یا مردان؛ زیرا هر کدام از این دو گروه، وجهی خاص از این انگیزه‌ها را مد نظر دارند. این موضوع با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر در مورد نبود رابطه بین انگیزه‌های کاربردی و جنسیت، هم‌پوشانی دارد (علاقیت ۱۳۸۶).

<sup>1</sup> Thurow, Lester C.

<sup>2</sup> Lee, Khai Sheang, and Soo Jiuan Tan



جدید و جذاب بودن فرآیند خرید اینترنتی احتمالاً باعث می‌شود که افراد انجام آن را نوعی برتری تلقی کنند و از این ره‌گذر به ارضای نیاز جست‌وجوی خود دل‌خواه و در نتیجه انگیزه‌های هویتی بپردازند؛ بنا بر این، چون به نظر می‌رسد این پدیده برای زنان و مردان ایرانی به یک اندازه جالب و جذاب باشد، تفاوت جنسیتی آشکاری در این دسته از انگیزه‌ها برای خرید الکترونیک ایرانیان به دست نمی‌آید.

برخی از محدودیت‌های این پژوهش، مانند نبود دسترسی کافی به اطلاعات مشتریان سایت‌های ایرانی، تعداد اندک افرادی که دست‌کم یک بار خرید اینترنتی کرده‌باشند، و در بعضی موارد، نبود درک درست افراد از این فرآیند، به احتمال زیاد در نتایج به دست‌آمده مؤثر اند.

### یافته‌های دموگرافیک

در این قسمت، با استفاده از اطلاعات دموگرافیک قسمت اول پرسش‌نامه، رابطه‌ی بین جنسیت و مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت، جنسیت و میزان دسترسی به اینترنت، تحصیلات و مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت، تحصیلات و میزان دسترسی به اینترنت، و نیز سن و مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت مورد بررسی قرار گرفته، که نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۸ آمده‌است.

جدول ۸- آزمون  $\chi^2$  برای یافته‌های دموگرافیک

متغیر مستقل	متغیر وابسته	$\chi^2$	معناداری	نتیجه
مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت	جنسیت	۱۴٫۳۶۵	۰٫۰۰۱	عدم رد فرضیه $H_1$ : مهارت بیشتر زنان
دسترسی به اینترنت	جنسیت	۱۰٫۹۵۶	۰٫۰۰۴	عدم رد فرضیه $H_1$ : دسترسی بیشتر مردان
مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت	سن	۱۰٫۰۲۶	۰٫۱۲۴	عدم رد فرضیه $H_0$ : نبود رابطه
مهارت در کار با کامپیوتر و اینترنت	تحصیلات	۱٫۸۳۱	۰٫۴۰۰	عدم رد فرضیه $H_0$ : نبود رابطه
دسترسی به اینترنت	تحصیلات	۲۱٫۵۹۸	۰٫۰۰۰	عدم رد فرضیه $H_1$ : دسترسی بیشتر افراد با تحصیلات دانشگاهی

$H_0$ : عدم وجود رابطه  $H_1$ : وجود رابطه میان متغیر مستقل و وابسته

گفتنی است که نتیجه‌ی به‌دست‌آمده از بررسی رابطه‌ی جنسیت و میزان دسترسی به اینترنت در این پژوهش، هم‌راستای گزارش سازمان ملل متحد (۲۰۰۵) است.

توجه به یافته‌های بالا، به دارندگان کسب‌وکار الکترونیک (و حتا غیرالکترونیک) در شناخت بهتر بازار هدف، بهبود فرآیند شناسایی و تعیین مشتریان هدف، و نیز گسترش حوزه‌ی فعالیت افرادی که قصد ورود به این کار را دارند، سهم به‌سزایی خواهد داشت؛ به‌عنوان نمونه، سایتی که قصد فروش الکترونیک کالاها را دارد، خود را به افراد غیردانشگاهی دارد باید توجه کند که این گروه، نسبت به آن‌هایی که دارای تحصیلات دانشگاهی اند، دسترسی کم‌تری به اینترنت دارند، و یا در مورد فروش کالاها، مخصوص زنان از طریق اینترنت، دانستن این نکته ضروری است که میزان دسترسی آن‌ها به اینترنت، نسبت به مردان کم‌تر، و در مقابل، مهارت‌شان در کار با کامپیوتر و اینترنت بیش‌تر است (البته در جامعه‌ی خریداران ایرانی).

### جمع‌بندی

با توجه به یافته‌های این پژوهش، در جامعه‌ی خریداران سایت‌های داخل کشور، تنها در زمینه‌ی انگیزه‌های احساسی-اجتماعی تفاوتی معنادار در جنسیت خریداران وجود دارد؛ به این معنا که در انگیزه‌های کاربردی و هویتی بین زنان و مردان تفاوتی نیست، اما انگیزه‌های احساسی-اجتماعی برای زنان مهم‌تر از مردان است؛ بر این اساس، توجه به انگیزه‌های احساسی-اجتماعی در کسب‌وکار الکترونیک، خصوصاً برای سایت‌هایی که بازار هدفشان زنان است، عاملی مهم به شمار می‌آید.

در مورد وجود یا نبود تفاوت‌های جنسیتی در دو گروه دیگر از انگیزه‌ها در جامعه‌ی ایرانی، پژوهش‌های گسترده‌تر آینده شاید بتواند پاسخی روشن‌تر به دنبال داشته‌باشد و بررسی رابطه‌ی نوع کالا و جنسیت در خرید اینترنتی نیز، با در نظر گرفتن طیفی وسیع‌تر از کالاها، احتمالاً نتایجی بهتر به دست خواهد داد.

تأثیر عواملی چون مقولات فرهنگی-اجتماعی، میزان آگاهی افراد از فرآیند خرید الکترونیک، و امکانات دسترسی به کامپیوتر و اینترنت، در نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر قابل‌توجه است؛ هم‌چنین، به دلیل نو بودن مفهوم خرید الکترونیک در جهان، زوایای مختلف تفاوت‌های جنسیتی و تأثیرات آن‌ها بر این فرآیند، حتا در کشورهای پیشرفته، چندان روشن نیست و با توجه به این که در زمینه‌ی خرید الکترونیک و بررسی عوامل مؤثر بر آن، کشور ما تازه در ابتدای راه است، انجام پژوهش‌ها و مطالعات بیش‌تر می‌تواند پاسخی برای بسیاری از سوآل‌های بی‌جواب در این مقوله باشد. بدیهی است تلاش‌های مسئولان در



ایجاد و توسعه‌ی زیرساخت‌های فرهنگی-اجتماعی و فن‌آوری‌های لازم در فرآیند خرید اینترنتی می‌تواند در همه‌گیر شدن آن سهمی به‌سزا داشته‌باشد.

### پیشنهادهایی برای دارندگان کسب‌وکار الکترونیک

تمرکز بر فرضیه‌ی دوم پژوهش، که نشان‌دهنده‌ی اهمیت بیش‌تر انگیزه‌های احساسی-اجتماعی برای زنان، نسبت به مردان است، می‌تواند برای کسانی که در کارهای خاص زنان فعالیت می‌کنند (چه به صورت الکترونیک و چه به صورت سنتی) در خور اهمیت باشد؛ زیرا با توجه کافی به این انگیزه‌ها در سایت، می‌توانند زنان خریدار بیش‌تری را به سوی سایت جلب کنند و وفاداری آن‌ها را نیز افزایش دهند. باید توجه داشت که زنان، به دلیل تمایل ذاتی به خرید و نیز دارا بودن نقشی اساس در تربیت فرزندان و ترویج فرهنگ استفاده از فن‌آوری اطلاعات و اینترنت در خانواده، مشتریان بالقوه‌ی مناسبی اند، که با توجه اندک به خواسته‌ها و نیازهایشان، می‌توان آن‌ها را برای مدتی طولانی از آن خود ساخت؛ زیرا آن‌ها به ارتباطات سازنده و طولانی‌مدت می‌اندیشند و بازار آن‌ها بازاری پایدار است (خلایقی ۱۳۸۶؛ بیتز ۱۳۸۵). در این راستا، به دارندگان سایت‌های خرید و فروش الکترونیک پیشنهاد می‌شود:

- آن‌هایی که مشتریان هدف خود را زنان تعریف می‌کنند، با به‌کارگیری موارد زیر، به‌عنوان نمونه، بر جنبه‌های احساسی-اجتماعی سایت تمرکز کنند:

  - ۱- فراهم ساختن امکان ارتباط افراد با یک‌دیگر، از طریق ایجاد اتاق‌های گفت‌وگو و پست‌الکترونیک مخصوص سایت.
  - ۲- ارائه‌ی سرگرمی‌هایی هم‌چون پیش‌گویی، فال و نظایر آن، که مورد علاقه‌ی زنان است.
  - ۳- ارائه‌ی مشاوره و پیشنهادهای آن‌لاین در مورد کالاها به‌هنگام خرید الکترونیک از سایت، به وسیله‌ی مشاور آن.
  - ۴- ارائه‌ی آمار افرادی که به طور هم‌زمان مشغول خرید از سایت اند و تعداد دفعاتی که کالای مورد نظر هر خریدار تا کنون خریداری شده‌است.
  - ۵- در صورت فروش پوشاک، فراهم ساختن امکان امتحان لباس بر روی مانکن‌های موجود در سایت، مطابق با اندازه‌های معمول افراد.
  - ۶- قرار دادن عکس‌های واضح و اطلاعات کافی در مورد جنس و کیفیت کالاها بر روی سایت، در جهت انتخاب بهتر و راحت‌تر خریداران.

۷- تعویض و یا پس گرفتن کالا، در صورت انصراف افراد پس از خرید الکترونیک.

۸- غنی‌سازی و توجه کافی به تبلیغات دهان‌به‌دهان<sup>۱</sup>، به دلیل احتمال تأثیر مثبت بر خریداران زن.

با لحاظ نمودن موارد بالا، مشتری حس می‌کند در فروشگاه فیزیکی مشغول خرید است و حالت انزوای خرید الکترونیک را کم‌تر درک می‌کند؛ زیرا او افزون بر این که می‌داند افرادی دیگر نیز مشغول خرید از سایت اند، از مشاوره‌ی فروشنده‌ی سایت به هنگام خرید بهره‌مند است و در صورت نبود رضایت از کالای خریداری‌شده، می‌تواند آن را پس دهد.

• طراحی و توسعه‌ی سایت‌های اختصاصی زنان. این مسئله در کشور انگلستان با اقبالی بسیار زیاد روبه‌رو شده و توانسته‌است گروهی بزرگ از زنان را به سمت اینترنت بکشاند (آی‌تی ایران ۱۳۸۵).

• استفاده از رنگ‌های شاد و جذاب، اصول هارمونی رنگ، تصاویر زیبا، و موسیقی مناسب در طراحی صفحه‌های سایت؛ به طوری که افراد را به جست‌وجو و در پی آن خرید از سایت ترغیب و تشویق کند.

• بهبود و ساده‌سازی فرآیند خرید از سایت، به طوری که افراد بتوانند در کم‌ترین زمان ممکن و به راحت‌ترین شیوه، خرید خود را انجام دهند.

• تمرکز بر فروش کالاهایی که نیاز به لمس و امتحان پیش از خرید نداشته‌باشند و تنها از طریق دیدن عکس آن‌ها در صفحه‌های سایت، انتخاب، امکان‌پذیر شود.

• اهدای جایزه به مشتریانی که سایت را به دیگران توصیه کنند. کم‌هزینه‌ترین روش برای انجام این کار، استفاده از پیوند<sup>۲</sup> «به دوستان خود در مورد این سایت بگویید» است.

• توجه به متفاوت بودن رفتار خرید مردان و زنان. چنانچه پیش‌تر نیز گفته‌شد، مردان در خرید، سریع‌تر، و زنان، بادقت‌تر و آینده‌نگرتر اند؛ همچنین، زنان کالاهای ارزان‌تر، و مردان کالاهایی با کیفیت بهتر را ترجیح می‌دهند.

• در زمینه‌ی انگیزه‌های هویتی (که فرضیه‌ی سوم این پژوهش وجود رابطه‌ی معنادار را بین این گروه از انگیزه‌ها و جنسیت رد کرد)، بهره جستن از توجه خریداران به گروه‌هایی مرجع، همچون ورزش‌کاران، هنرمندان، و اهل شعر و ادب کشور (به تناسب نوع فعالیت سایت) و تقویت جنبه‌های هویتی فروشگاه الکترونیک از این طریق قابل‌توجه خواهد بود.

<sup>1</sup> Word of Mouth

<sup>2</sup> Link



## منابع

- آی‌تی ایران. ۱۳۸۵. «زنان آینده‌ی IT را رقم می‌زنند». برگردان سیدمیثم لطفی. وبسایت آی‌تی ایران، ۲۳ مهر. برگرفته در ۲۶ آذر ۱۳۸۶ (<http://www.itiran.com/?type=article&id=6933>).
- پیتز، تام. ۱۳۸۵. *بازانگاری*. برگردان عبدالرضا رضایی‌نژاد. تهران: نشر فرا.
- تارو، لستر. ۱۳۸۴. *ثروت‌آفرینان*. برگردان عزیز کیاوند. چاپ ۲. تهران: نشر فرا.
- خلایقیت. ۱۳۸۶. «تفاوت‌های زنان و مردان در خرید کردن». وبسایت خلاقیت، ۴ مهر. برگرفته در ۲۹ آبان ۱۳۸۶ (<http://www.creativity.ir/content/view/1906/179>).
- فرهنگی، علی‌اکبر. ۱۳۸۲. *ارتباطات انسانی*. چاپ ۷. تهران: مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا.
- لطیفی، فریبا. ۱۳۸۵. «ماهیت کار مدیران در ایران در مقایسه با سایر کشورها». *فصل‌نامه‌ی مدرسه‌ی علوم انسانی* ۱۰(۱):۲۴۵-۲۶۳.
- لطیفی، فریبا، و هدی زادون. ۱۳۸۶. «مشتریان ایرانی در بازارهای اینترنتی»، *گزیده‌ی مدیریت* ۶۸:۶۸-۷۸.
- Arthur, C. 1992. "Fifteen Million Americans are Shopping Addicts." *American Demographics* 14(3):14-15.
- Barke, Richard P., Hank C. Jenkins-Smith, and Paul Slovic. 1997. "Risk Perceptions of Men and Women Scientists." *Social Science Quarterly* 78(1):167-176.
- Boumans, Jak. 2007. "Flash: Gender Differences in ICT Use." *Buziaulane*, 28 November. Retrieved 15 December 2007 (<http://buziaulane.blogspot.com/2007/11/flash-gender-differences-in-ict-use.html>)
- Cyr, Dianne, and Carole Bonanni. 2005. "Gender and Website Design in E-Business." *International Journal of Electronic Business* 3(6):565-582.
- Davis, Fred D., and Viswanath Venkatesh. 1996. "A Critical Assessment of Potential Measurement Biases in the Technology Acceptance Model: Three Experiments." *International Journal of Human-Computer Studies* 45(1):19-45.
- Dittmar, Helga, Karen Long, and Rosie Meek. 2004. "Buying on the Internet: Gender Differences in On-line and Conventional Buying Motivations." *Sex Roles* 50(5-6):423-444.
- Fishbein, Martin, and Icek Ajzen. 1975. *Belief, Attitude, Intention, and Behavior: An Introduction to Theory and Research*. Reading, MA, USA: Addison-Wesley Pub.
- Garbarino, Ellen, and Michal Strahilevitz. 2004. "Gender Differences in the Perceived Risk of Buying Online and the Effects of Receiving a Site Recommendation." *Journal of Business Research* 57(7):768-775.
- Gardner, Gerald T., and Leroy C. Gould. 1989. "Public Perceptions of the Risks and Benefits of Technology." *Risk Analysis* 9(2):225-242.
- Klopping, Inge M., and Earl McKimney. 2004. "Extending the Technology Acceptance Model and the Task-Technology Fit Model to Consumer E-Commerce." *Information Technology, Learning, and Performance* 22(1):35-48.
- Lee, Khai Sheang, and Soo Jiuan Tan. 2003. "E-Retailing versus Physical Retailing: A Theoretical Model and Empirical Test of Consumer Choice." *Journal of Business Research* 56(11):877-885.

- Moore, Gary C., and Izak Benbasat. 1991. "Development of an Instrument to Measure the Perceptions of Adopting an Information Technology Innovation." *Information Systems Research* 2(3):192–222.
- Pedersen, Sarah, and Caroline Macafee. 2007. "Gender Differences in British Blogging." *Journal of Computer-Mediated Communication* 12(4):1472–1492.
- Reinen, Ingeborg Janssen, and Tjeerd Plomp. 1997. "Information Technology and Gender Equality: A Contradiction in Terminis?" *Computers and Education* 28(2):65–78.
- Slovic, Paul, Torbjörn Malmfors, C. K. Mertz, N. Neil, and Iain F. H. Purchase. 1997. "Evaluating Chemical Risks: Results of a Survey of the British Toxicology Society." *Human and Experimental Toxicology* 16(6):289–304
- United Nations. 2005. "United Nations Global E-government Readiness Report 2005: From E-Government to E-Inclusion." Department of Economic and Social Affairs, Division for Public Administration and Development Management, United Nations, New York, NY, USA. Retrieved 14 September 2007 (<http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/un/unpan021888.pdf>).
- Van Slyke, Craig, Christie L. Comunale, and France Belanger. 2002. "Gender Differences in Perceptions of Web-based Shopping." *Communications of the ACM* 45(8):82–86.
- Weiser, Eric B. 2000. "Gender Differences in Internet Use Patterns and Internet Application Preferences: A Two-Sample Comparison." *CyberPsychology and Behavior* 3(2):167–178.
- Yahoo Finance. 2002. "No April Fooling: Men Embrace Shopping While Women Battle Internet Villains." *Yahoo Finance Press Release*, 31 March. Retrieved 14 May 2007 ([http://web.archive.org/web/20020402114042/http://biz.yahoo.com/prnews/020331/sfsu001\\_1.html](http://web.archive.org/web/20020402114042/http://biz.yahoo.com/prnews/020331/sfsu001_1.html)).





## نویسندگان

**دکتر فریبا لطیفی،**

استادیار گروه مدیریت، دانشگاه الزهرا  
f\_latifi@alzahra.ac.ir

مدیر گروه مدیریت، دانشگاه الزهرا.

دانش‌آموخته‌ی دکترای مدیریت، دانشگاه برنل<sup>۱</sup>، انگلستان.

وی در زمینه‌های مدیریت سرمایه‌های انسانی و مدیریت اطلاعات در دانشگاه الزهرا و دانشگاه صنعتی شریف به آموزش و پژوهش اشتغال دارد و دارای سوابق پژوهشی و مشاوره‌یی در سازمان‌های متعدد است. از سوابق مدیریتی وی در بخش دولتی و خصوصی می‌توان مدیریت‌کل بهره‌وری و تحول و دبیری شورای عالی برنامه‌ریزی استراتژیک وزارت علوم، تحقیقات، و فن‌آوری را نام برد. از وی مقالات فراوانی در مجلات علمی داخل و خارج از کشور منتشر شده‌است.

**مهندس لیلا غفاری،**

کارشناس ارشد مدیریت فن‌آوری اطلاعات  
ghaffari\_l@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد مدیریت فن‌آوری اطلاعات، دانشگاه الزهرا.

وی پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود را با نام «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در انگیزه‌های خرید الکترونیک در ایران» در سال ۱۳۸۶ نگاشته‌است. این نوشتار برگرفته از این پایان‌نامه است.

<sup>1</sup> Brunel University, West London, England.

**Blank**

## بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین ابعاد مختلف صمیمیت در دانشجویان متأهل

دکتر اکرم خمسه

استادیار پژوهشکده‌ی زنان، دانشگاه الزهرا

دکتر سیمین حسینیان

دانشیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

### چکیده

صمیمیت در روابط زناشویی، به صورت الگوی رفتاری بسیار مهمی مفهوم‌سازی شده، که دارای جنبه‌های قوی عاطفی و اجتماعی. شکل‌گرفته بر پایه‌ی پذیرش، رضایت خاطر، و عشق است و هدف این پژوهش نیز مقایسه‌ی تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد مختلف این صمیمیت بین دانشجویان متأهل است. نمونه‌ی پژوهش را ۱۰۰ دانشجوی متأهل تشکیل می‌دهند، که به طور تصادفی از خوابگاه‌های دانشجویان در تهران انتخاب شدند و ابزار پژوهش نیز شامل سه پرسش‌نامه‌ی نیازهای صمیمیت، صمیمیت زناشویی (MIQ)، و اطلاعات فردی است. بر پایه‌ی نتایج به‌دست‌آمده، در نمره‌ی کل صمیمیت و نیز سایر ابعاد صمیمیت، مانند صمیمیت عاطفی، صمیمیت روان‌شناختی، صمیمیت جنسی، و صمیمیت جسمانی، تفاوت‌های جنسیتی معناداری وجود دارد، اما در ابعاد صمیمیت فکری-معنوی، اجتماعی-تفریحی، و زیبایی‌شناختی، تفاوت‌های جنسیتی معنادار مشاهده نمی‌شود؛ همچنین، در بُعد صمیمیت زمانی میان زوجها نیز تفاوتی معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش بر اساس الگوهای مختلف جامعه‌پذیری و نیز مدل چندبعدی صمیمیت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌است.

### واژگان کلیدی

صمیمیت؛ تفاوت‌های جنسیتی؛ روابط زناشویی؛ ابعاد صمیمیت؛

صمیمیت<sup>۱</sup>، به صورت الگوی رفتاری بسیار مهمی مفهوم‌سازی شده، که دارای جنبه‌های عاطفی-هیجانی و اجتماعی نیرومند است و بر پایه‌ی پذیرش (تجربه‌ی مثبت هم‌سویی و برابری)، رضایت خاطر (تجربه‌ی مثبت مشارکت)، و عشق شکل می‌گیرد (تن‌هاتن<sup>۲</sup> ۲۰۰۷). روان‌شناسان، صمیمیت را توانایی برقراری ارتباط (بدون کنترل) با دیگری و بیان عواطف (بدون بازداری) تعریف می‌کنند و آن را حق مسلم و از حالات طبیعی انسان می‌دانند (برگرفته از بلوم<sup>۳</sup> ۲۰۰۶). استرن‌برگ<sup>۴</sup> (۱۹۸۶، برگرفته از برانن<sup>۵</sup> ۲۰۰۲) در مدل سه‌وجهی خود از عشق، صمیمیت را احساس نزدیکی با دیگری می‌داند و معتقد است که مشارکت عادلانه در زندگی خانوادگی، صمیمیت را به دنبال خواهد داشت.

رابطه‌ی صمیمانه، به عنوان جنبه‌ی مهم از زندگی زناشویی، دارای تاریخی طولانی است، که تلاش برای طبقه‌بندی آن به زمان ارسطو باز می‌گردد و امروز بخشی از دانش موجود در این زمینه، مشاهدات وی را تأیید می‌کند (بارنز<sup>۶</sup> ۱۹۹۸)؛ اما مطالعه‌ی علمی درباره‌ی آن از دهه‌ی ۱۹۹۰ آغاز شده است. با مطرح شدن موضوعی مانند روابط بین‌فردی<sup>۷</sup> در روان‌شناسی خانواده و قلمداد کردن روابط صمیمی بین زن و شوهر، به عنوان یکی از انواع مهم آن، این رابطه جای‌گاه و معنایی خاص در زندگی زناشویی یافته است؛ به گونه‌ی که نظریه‌پردازی‌ها درباره‌ی خانواده، به اهمیت پیوند صمیمانه میان همسران تأکید می‌کند و آن را برای ایجاد هویت خانوادگی مطمئن لازم می‌داند. صمیمیت، با ایجاد بُعد خاص و مثبت در زندگی زناشویی و تأمین بهداشت روانی اعضای خانواده، عاملی محافظت‌کننده و نیرومند در برابر مشکلات فردی و اجتماعی است و تأکید بر روابط صمیمی بین زن و شوهر در خانواده، در مقایسه با تأکید بر دیدگاه‌های فردی، به درک و شناخت بهتر رفتارهای مسئله‌ساز و تغییر آن‌ها کمک می‌کند.

شناخت صمیمیت، به معنای شناخت تنوع در ساختارهای خانوادگی است؛ به همین دلیل، درمان‌گران خانواده سعی می‌کنند تا با در نظر گرفتن فرد در متن روابط صمیمانه‌ی که در خانواده دارد، مشکلات فردی را صرفاً حاصل رشد و تحول فردی ندانند و در درمان، موقعیتی را ایجاد کنند که زوجها صمیمیت خود را با یک‌دیگر افزایش دهند و سبک‌های متفاوت صمیمیت را درک کنند (بارنز ۱۹۹۸).

<sup>۱</sup> Intimacy

<sup>۲</sup> TenHouten, Warren D.

<sup>۳</sup> Blume, Thomas W.

<sup>۴</sup> Sternberg, Robert J.

<sup>۵</sup> Brannon, Linda

<sup>۶</sup> Barnes, Gill Gorell

<sup>۷</sup> Inter-Personal Relationships



## مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های روان‌شناسی صمیمیت در پی آن است تا چه‌گونه‌ی برقراری این نوع روابط صمیمانه را تبیین کند؛ به عنوان مثال، بر اساس نظریه‌های تقویت، که از سنت رفتارگرایی در روان‌شناسی سرچشمه گرفته‌اند، افراد با کسانی صمیمی می‌شوند که برای آن‌ها تقویت به همراه دارند. کاربرد اصول تقویت، در مطالعه‌ی رابطه‌ی صمیمانه، به وسیله‌ی کلاور و بایرن<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) گسترش یافته‌است و این نظریه‌پردازان با پذیرفتن اصل شرطی‌سازی عامل<sup>۲</sup>، پیش‌بینی می‌کنند که زوجها هنگامی با هم صمیمی می‌شوند که یک‌دیگر را تقویت کنند. جوهر این نظریه‌ها همان نظریه‌ی ارسطو است، که می‌گوید افراد با کسانی احساس صمیمیت می‌کنند که با آن‌ها خوب رفتار کرده‌باشند (ارسطو<sup>۳</sup> ۱۹۸۴). نظریه‌های تقویت هم‌چنین به اصول شرطی‌سازی کلاسیک<sup>۴</sup> نیز اهمیت می‌دهند؛ بر این اساس زوج‌هایی که تجارب تقویت‌کننده دارند، بیش‌تر احساس صمیمیت می‌کنند. کلاور و بایرن، تقویت را محرکی غیرشرطی می‌دانند که پاسخ شرطی، یعنی احساسات مثبت، را برمی‌انگیزد؛ پس هر فردی که با محرک غیرشرطی همراه است، پاسخ غیرشرطی را نیز ایجاد می‌کند و بدین ترتیب زوجها هم هر چه بیش‌تر در حضور هم تقویت دریافت کنند، صمیمیت‌شان افزایش می‌یابد. نظریه‌های تبادل اجتماعی<sup>۵</sup> و وابستگی متقابل<sup>۶</sup>، مانند نظریه‌های تقویت، بر نقش تقویت‌کننده‌ها در ارتباط صمیمانه تأکید دارند، اما این دو نظریه، به نوعی، از مدل‌های تقویت فراتر رفته‌اند؛ برای مثال، نظریه‌ی تبادل اجتماعی، به جای این که صرفاً بر کشش‌های اولیه میان زوجها تأکید کند، رفتار صمیمانه را در طی روابط پیش‌رونده مورد بررسی قرار می‌دهد و غیر از تقویت‌کننده‌ها، به ساختارهایی چون تعهد و رضایت‌مندی از رابطه نیز توجه دارد. در نظریه‌ی تبادل اجتماعی، پیش‌بینی می‌شود که اگرچه تقویت‌ها میزان رضایت‌مندی از ارتباط را تعیین می‌کنند، ساختارهایی چون دست‌رسی به گونه‌های ارتباطی دیگر و میزان سرمایه‌گذاری در ارتباط است که سطح تعهد زوجها را نسبت به یک‌دیگر مشخص می‌سازد.

نظریه‌ی وابستگی متقابل نیز، به دلیل تأثیر زیادی که از نظریه‌ی تبادل اجتماعی پذیرفته‌است، فرض بر آن دارد که افراد در رابطه‌ی صمیمی می‌شوند که تقویت‌های دریافتی‌شان، بیش از هزینه‌هایی باشد که صرف کرده‌اند؛ برای مثال، زوجها بازده حاصل از

<sup>۱</sup> Clore, Gerald L., and Donn Byrne

<sup>۲</sup> Operant Conditioning

<sup>۳</sup> Aristotle (384-322 BC)

<sup>۴</sup> Classical Conditioning

<sup>۵</sup> Social Exchange Theory

<sup>۶</sup> Interdependence Theory

ارتباطشان را با بازده روابط گذشته و بازدهی که بالقوه از روابط دیگر به دست می‌آورند، مقایسه می‌کنند و میزان صمیمیت آن‌ها به چه‌گونه‌گی این مقایسه بستگی دارد (فهر<sup>۱</sup> ۱۹۹۶). در نظریه‌ی برابری<sup>۲</sup>، بر موضوع عدالت و انصاف در رابطه تأکید می‌شود. این نظریه استدلال می‌کند که زوجها تنها هنگامی از رابطه‌ی زناشویی خود رضایت دارند و احساس صمیمیت می‌کنند که بازده و سودی را که از رابطه به دست آورده‌اند، قابل‌مقایسه با بازده‌هایی بدانند که شریک زندگی‌شان به دست آورده‌است؛ به عبارت دیگر، این نظریه بر اهمیت درک زوجها از میزان دریافت تقویت‌های شریک زندگی، نسبت به دریافت تقویت‌های خود تأکید دارد. بر اساس نظریه‌ی برابری، زوج‌هایی که بازده بیشتری در رابطه به دست می‌آورند، به دلیل احساس گناه، و زوج‌هایی که احساس می‌کنند کم‌تر از دیگری سود برده‌اند، به دلیل احساس خشم، نمی‌توانند با شریک زندگی‌شان صمیمی شوند و تنها در صورت روابط برابر است که صمیمیت شکل می‌گیرد (هت‌فیلد و تراپمان<sup>۳</sup> ۱۹۸۱).

در نظریه‌ی هماهنگی<sup>۴</sup> شناختی یا تعادل شناختی، فرض بر این است که زوجها در زندگی‌شان به ثبات یا تعادل نیاز دارند و این تعادل بر اساس نگرش‌های مثبت و یا منفی آن‌ها نسبت به امور و پدیده‌ها تعریف می‌شود (فهر<sup>۱</sup> ۱۹۹۶). در این نظریه، هنگامی که زوجها با هم هماهنگی و شباهت داشته‌باشند، نسبت به هم احساس صمیمیت می‌کنند و هنگامی که یک‌دیگر را دوست دارند ولی نگرش‌هایی مشابه به محیط و پدیده‌ها ندارند، عدم تعادل ایجاد می‌شود؛ در این حالت، یکی از آن‌ها و یا هر دو تلاش می‌کنند تا احساسات خود را نسبت به دیگری و یا نسبت به امور و پدیده‌ها تغییر دهند؛ پس نیاز به تعادل، انگیزه‌ی اصلی زوجها در رسیدن به یک رابطه‌ی صمیمانه است.

نظریه‌های رشد و تحول<sup>۵</sup> نیز، مانند نظریه‌ی تبادل اجتماعی، به تغییر رابطه در طی زمان توجه دارند (آلتمن و تیبلر<sup>۶</sup> ۱۹۷۳). در این نظریه بر خودابرازگری بیش‌تر زوجها به دنبال پیشرفت رابطه تأکید می‌شود و مشخصه‌ی روابط پایدار، خودابرازگری<sup>۷</sup> عمیق‌تر، و صمیمی‌تر شدن زوجها با یک‌دیگر است. در این نظریه، اعتقاد بر این است که زوجها در آغاز ارتباط با یک‌دیگر بیگانه اند، ولی با پیشرفت ارتباط، صمیمی‌تر می‌شوند و احساسات و افکار درونی خود را برای یک‌دیگر بازگو می‌کنند (فهر<sup>۱</sup> ۱۹۹۶). نظریه‌ی رشد و تحول، هم‌چنین با

<sup>1</sup> Fehr, Beverley

<sup>2</sup> Equality Theory

<sup>3</sup> Hatfield, Elaine, and Jane Traupmann

<sup>4</sup> Cognitive Consistency

<sup>5</sup> Developmental Theory

<sup>6</sup> Altman, Irwin, and Dalmas A. Taylor

<sup>7</sup> Self-Disclosure



نظریه‌ی ثابت‌شناختی وجوه اشتراک دارد؛ زیرا فرض بر آن است که با رشد و تحول ارتباط، یک تعادل ثابت در رابطه‌ی زوجها پدید می‌آید.

در پاسخ به این سؤال که چرا وقتی که بازده رابطه کم است باز هم زوجها به رابطه ادامه می‌دهند، نظریه‌ی تبادل اجتماعی و نظریه‌ی وابستگی متقابل چنین می‌گویند که گونه‌های ارتباطی دیگری در برابر رابطه‌ی کنونی زوجها وجود ندارد ولی نظریه‌ی برابری، هرچند مانند نظریه‌های تبادل اجتماعی فرض بر آن دارد که زوجها سعی می‌کنند بازده رابطه‌ی خود را به حد اکثر برسانند، در مورد این که بر پایه‌ی این نظریه، زوجها ارتباط خود را با بازده شریک زندگی‌شان، و نه ارتباط‌های دیگر، مقایسه می‌کنند، با دیگر نظریه‌ها تفاوت دارد.

افزون بر نظریه‌های بنیادی که در مورد صمیمیت گفته شد، مدل‌های نظری دیگر نیز به تبیین صمیمیت پرداخته‌اند، که از آن جمله مدل فرآیند صمیمیت است، که بر عناصر چندگانه‌ی صمیمیت و فرآیند بین‌فردی آن تأکید می‌کند (لورنسو، بارت، و راوین<sup>۱</sup> ۲۰۰۵). بر اساس الگوی ازدواج شکل‌گرفته بر پایه‌ی رفاقت و دوستی، زوج‌هایی که مسئولیت و وظایفی مشابه دارند و در کلیه‌ی امور خانوادگی با یک‌دیگر شریک‌اند، احساس صمیمیتی بیش‌تر دارند؛ در الگوی نهادی ازدواج فرض بر این است که در ازدواج‌های سنتی، که برای نهاد ازدواج اهمیت و تعهد وجود دارد، میزان صمیمیت در زوجها بیش‌تر است؛ و در الگوی جنسیتی ازدواج نیز، مردان و زنان هنگامی که در ایفای نقش‌های جنسیتی خود موفق‌اند، صمیمیتی بیش‌تر را تجربه می‌کنند (ویل‌کاکس و ناک<sup>۲</sup> ۲۰۰۶).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بر اساس هر یک از این نظریه‌ها و یا ترکیبی از آنها، می‌توان دریافت که چرا برخی زوجها در رابطه‌ی زناشویی بیش‌تر به سوی یک‌دیگر جذب می‌شوند و برخی دیگر از برقراری رابطه‌ی صمیمانه دوری می‌کنند و نسبت به آن متعهد و پای‌بند باقی نمی‌مانند.

### مروری بر پژوهش‌ها

مطالعات نشان می‌دهد که برخورداری از صمیمیت در میان زوج‌های متأهل، از عوامل مهم ایجاد ازدواج‌های پایدار است (کرافورد و آنگر<sup>۳</sup> ۲۰۰۴) و اجتناب از برقراری روابط صمیمانه، از عواملی است که موجب شکست در زندگی خانوادگی می‌شود (بلوم ۲۰۰۶).

<sup>1</sup> Laurenceau, Jean-Philippe, Lisa Feldman Barrett, and Michael J. Rovine

<sup>2</sup> Wilcox, W. Bradford, and Steven L. Nock

<sup>3</sup> Crawford, Mary, and Rhoda Unger

وجود تفاوت‌های جنسیتی در ایجاد روابط صمیمانه، یکی از جستارهای مهم در پژوهش‌های خانواده است، که مطالعه در مورد آن نشان می‌دهد این تفاوت‌ها در کیفیت زندگی زناشویی مؤثر اند و شناخت بهتر از آن‌ها در روابط زناشویی می‌تواند در درمان زوج‌های نابه‌سامان بهبود ایجاد کند. اگرچه همه‌ی مطالعات، تفاوت‌های جنسیتی را در صمیمیت گزارش نداده‌اند، به نظر می‌رسد زنان و مردان در زندگی خانوادگی، روابط صمیمانه را به گونه‌ی متفاوت تجربه می‌کنند (اسپاتز، پرس‌کات، و کندلر<sup>۱</sup> ۲۰۰۶).

مرور برخی مطالعات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در روابط صمیمانه نشان می‌دهد که رتبه‌های صمیمیت زنان در مقایسه با مردان بالاتر است و در برخی دیگر از آن‌ها نیز گزارش می‌شود که مردان فقط در دوستی‌های بسیار نزدیک می‌توانند مانند زنان صمیمانه عمل کنند (رایت<sup>۲</sup> ۱۹۸۲). برخی پژوهش‌گران معتقد اند که زنان صرفاً به این دلیل صمیمانه‌تر عمل می‌کنند که صمیمیت به شیوه‌ی زنانه و جهت‌دار مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری شده‌است و اگر در تعریف صمیمیت، اشتراک و نزدیکی در فعالیت‌های اجتماعی نیز گنجانده‌شود، مردان نیز به اندازه‌ی زنان صمیمیت نشان می‌دهند (راولینز<sup>۳</sup> ۱۹۹۳).

نکته‌ی دیگر در تفاوت‌های جنسی گزارش‌شده در الگوهای صمیمیت بیان‌گر آن است که زنان و مردان، به گونه‌ی یکسان، برای روابط صمیمانه اهمیت قائل اند، اما در ارزیابی صمیمیت، معیارهایی متفاوت دارند؛ زنان، خودابرازگری را صمیمیت در روابط می‌دانند و برای مردان، صمیمیت به معنای مشارکت در فعالیت‌ها است (اوتک، ریچی، و میل<sup>۴</sup> ۱۹۸۸). در مطالعه‌ی دیگر، ۵۶ درصد مردان و ۸۷ درصد زنان، خودابرازگری را معیار صمیمیت دانستند؛ در حالی که ۹ درصد مردان و صفر درصد زنان، صمیمیت را انجام فعالیت‌های مشترک تعریف کردند (مان‌سور<sup>۵</sup> ۱۹۹۲).

نتایج پژوهشی که به صورت مصاحبه با گروهی از مردان متأهل و مجرد انجام شد نشان داد که بسیاری از مردان از این که نمی‌توانند درباره‌ی مسائل شخصی و عاطفی خود صحبت کنند ناراضی اند، اما از روبه‌رو شدن با واکنش‌هایی منفی، که ممکن است به دنبال تعامل‌های صمیمانه‌تر بروز کند نیز هراس دارند و تنها در صورتی که شریک زندگی آن‌ها خواهان تعاملی بسیار صمیمی باشد، می‌توانند رفتارهایی صمیمانه‌تر نشان دهند (رید و فاین<sup>۶</sup> ۱۹۹۲)؛ بر این اساس، به نظر نمی‌رسد که مردان، فاقد توانایی صمیمیت باشند.

<sup>۱</sup> Spotts, Erica L., Carol Prescott, and Kenneth Kendler

<sup>۲</sup> Wright, Paul H.

<sup>۳</sup> Rawlins, William K.

<sup>۴</sup> Aukett, Richard, Jane Ritchie, and Kathryn Mill

<sup>۵</sup> Monsour, Michael

<sup>۶</sup> Reid, Helen M., and Gary H. Fine





این نکته که آیا زنان در روابط زناشویی صمیمی‌تر اند یا مردان، موضوعی بسیار پیچیده است، که پاسخی مشخص برای آن وجود ندارد و یافته‌های مطالعات مختلف نیز نتایجی متناقض را در مورد آن گزارش داده‌اند. با توجه به این که تفاوت در الگوهای مختلف صمیمیت باعث می‌شود که زوجها پیام‌هایی را درک کنند که مورد نظر دیگری نبوده‌است و شناخت این الگوها به حفظ و پیوستگی روابط زناشویی کمک خواهد کرد، پژوهش حاضر بر آن است که شیوه‌های مختلف رابطه‌ی صمیمانه را بین زوج‌های متأهل دقیق‌تر بررسی کند و با مشخص کردن شباهت‌ها و تفاوت‌های جنسیتی در رابطه‌ی صمیمانه میان زوج‌ها، الگوهای صمیمیت بین آن‌ها را مورد مقایسه قرار دهد. با در نظر گرفتن این اهداف و با توجه به پژوهش‌های جنسیتی در مورد رابطه‌ی صمیمانه بین زوج‌ها، فرضیه‌های مورد بررسی این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- زنان و مردان در ابعاد مختلف صمیمیت با یکدیگر تفاوت دارند؛
- ۲- زنان به صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، و جسمانی بیش‌تری نیاز دارند؛
- ۳- مردان به صمیمیت جنسی، فکری، اجتماعی-تفریحی، و معنوی بیش‌تری نیاز دارند.

### روش‌شناسی

این پژوهش، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است و پدیده‌ی مورد بررسی در آن، صمیمیت و ابعاد مختلف آن در دو گروه از دانشجویان متأهل است. نتایج بر اساس برنامه‌ی آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از آزمون‌های آماری  $F$ ،  $t$ ، و  $\chi^2$  استفاده شده‌است.

### جامعه و نمونه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه‌ی دانشجویان متأهل ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی سه دانشگاه در تهران تشکیل داده‌اند، که از میان آن‌ها، ۱۰۰ دانشجوی متأهل (۵۰ دانشجوی زن و ۵۰ دانشجوی مرد)، با روش تصادفی ساده انتخاب شدند. این دانشجویان در دامنه‌ی سنی ۱۹ تا ۳۴ سال با میانگین سنی ۲۳/۷ سال‌اند و میانگین طول مدت ازدواج آن‌ها سه سال و دو ماه گزارش شده‌است.

## ابزارهای پژوهش

در این پژوهش سه پرسش‌نامه به کار گرفته شد:

۱- پرسش‌نامه‌ی نیازهای صمیمیت زناشویی (MINQ)<sup>۱</sup> (باگاروزی<sup>۲</sup> ۲۰۰۱) - این پرسش‌نامه شامل یک مقیاس رتبه‌بندی است، که نیازهای صمیمیت را در هشت بُعد عاطفی، روان‌شناختی، فکری، جنسی، جسمانی، معنوی، زیبایی‌شناختی، و اجتماعی-تفریحی ارزیابی می‌کند و آزمودنی‌ها، به شکلی رتبه‌بندی شده، از «۱» به معنای «به هیچ وجه چنین نیازی وجود ندارد» تا «۱۰» به معنای «نیاز بسیار زیادی وجود دارد»، به هر نیاز پاسخ می‌دهند. بالاترین نمره در همه‌ی مقیاس‌ها ۵۰، و در مقیاس صمیمیت فکری ۶۰ است. این آزمون، همچنین نیاز به صمیمیت زمانی را، بر اساس سؤال در این باره که آیا مدت زمانی را با شریک زندگی خود صرف می‌کنید، از لحاظ ایجاد صمیمیت برای شما کافی است یا خیر، ارزیابی می‌کند. قبل از اجرای پژوهش، این پرسش‌نامه جهت تعیین ضریب پایایی آن به ۳۰ زوج در مدت دو هفته ارائه شد.

در تعیین پایایی<sup>۳</sup> پرسش‌نامه با روش آزمون-بازآزمون<sup>۴</sup>، ضریب آلفای کرونباخ برای صمیمیت عاطفی ۰/۸۹، صمیمیت روان‌شناختی ۰/۸۲، صمیمیت فکری ۰/۸۱، صمیمیت جنسی ۰/۹۱، صمیمیت جسمانی ۰/۸۰، صمیمیت زیبایی‌شناختی ۰/۷۶، صمیمیت اجتماعی-تفریحی ۰/۵۱، صمیمیت معنوی ۰/۶۵، و برای کل صمیمیت ۰/۸۲ به دست آمد. افزون بر آن، جهت تعیین روایی<sup>۵</sup> آزمون، این پرسش‌نامه همراه با پرسش‌نامه‌ی صمیمیت زناشویی، هم‌زمان به وسیله‌ی ۳۰ زوج پاسخ داده شده، که ضریب هم‌بستگی بین نتایج دو آزمون صمیمیت بیان‌گر هم‌بستگی معنادار ۰/۶۵ است. سایر مطالعات (اعتمادی و هم‌کاران ۱۳۸۵) نیز، پایایی و روایی این پرسش‌نامه را تأیید کرده‌اند.

۲- پرسش‌نامه‌ی صمیمیت زناشویی (MIQ)<sup>۶</sup> (وان در بروک، ورتومن، و وان‌درینگن<sup>۷</sup> ۱۹۹۵) - این پرسش‌نامه نیز یک مقیاس رتبه‌بندی شده‌ی شامل ۵۶ سؤال است، که پنج شاخص صمیمیت، یعنی میزان توافق، صادق بودن، دوست داشتن، تعهد، مشکلات صمیمیت، و نیز نمره‌ی کل صمیمیت را اندازه‌گیری می‌کند. از این پرسش‌نامه به منظور تعیین روایی پرسش‌نامه‌ی بررسی نیازهای صمیمیت استفاده شد و بررسی‌های آماری آن، در تأیید روایی و پایایی مناسب پرسش‌نامه است (امیری ۱۳۸۴).

<sup>۱</sup> Marital Intimacy Needs Questionnaire (MINQ)

<sup>۲</sup> Bagarozzi, Dennis A.

<sup>۳</sup> Reliability

<sup>۴</sup> Test-Retest

<sup>۵</sup> Validity

<sup>۶</sup> Marital Intimacy Questionnaire (MIQ)

<sup>۷</sup> Van den Broucke, Stephan, Hans Vertommen, and Walter Vandereycken



۳- پرسش‌نامه‌ی اطلاعات فردی- این پرسش‌نامه شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه مورد مطالعه است.

## نتایج

میانگین، انحراف معیار، و آزمون آماری  $t$  برای مقایسه‌ی نمره‌های دانشجویان متأهل زن و مرد در مقیاس‌های مختلف صمیمیت در جدول ۱ نشان داده شده‌است. همان گونه که دیده می‌شود، میزان  $t$  محاسبه شده برای مقایسه‌ی میانگین‌های دو گروه در ابعاد صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، جنسی، و جسمانی معنادار است؛ همچنین، دو گروه از دانشجویان متأهل مرد و زن، از لحاظ نمره‌ی کل صمیمیت نیز تفاوتی معنادار را با یکدیگر نشان داده‌اند؛ در عین حال، نتایج بیان‌گر آن است که دو گروه از لحاظ صمیمیت فکری، معنوی، زیبایی‌شناختی، و اجتماعی-تفریحی، تفاوتی معنادار ندارند.

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار، و آزمون آماری نمره‌های دانشجویان متأهل زن و مرد در ابعاد مختلف صمیمیت ( $N=100$ )

$t$	دانشجویان زن ( $N=50$ )		دانشجویان مرد ( $N=50$ )		ابعاد صمیمیت
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
* ۲٫۱۴	۹٫۷۵	۳۸٫۵۶	۶٫۹۰	۴۲٫۱۸	عاطفی
* ۲٫۰۶	۱۰٫۴۷	۳۷٫۲۲	۸٫۱۶	۴۲٫۱۰	روان‌شناختی
۱٫۶۵	۱۲٫۴۷	۳۸٫۱۰	۷٫۴۳	۴۱٫۵۰	فکری
* ۳٫۲۰	۱۳٫۴۹	۳۵٫۴۶	۷٫۷۷	۴۲٫۵۲	جنسی
* ۲٫۰۳	۸٫۸۳	۴۲٫۵۶	۱۱٫۳۳	۳۸٫۴۲	جسمانی
-۰٫۳۱	۱۲٫۶۲	۴۷٫۶۸	۱۰٫۸۱	۴۶٫۹۴	معنوی
۱٫۷۵	۱۳٫۲۶	۳۴٫۸۰	۹٫۱۶	۳۸٫۷۸	زیبایی‌شناختی
	۱۲٫۰۷	۳۸٫۳۲	۸٫۱۲	۳۹٫۶۴	اجتماعی-تفریحی
** ۲٫۵۶	۶۰٫۴۶	۳۱۱٫۵۰	۵۱٫۳۵	۳۳۱٫۵۲	کل

\*  $p < 0.05$  \*\*  $p < 0.01$  \*\*\*  $p < 0.001$

در جدول ۲، تحلیل واریانس یک‌سویه‌ی نمره‌های دانشجویان در ابعاد مختلف صمیمیت نشان داده شده‌است. همچنان که دیده می‌شود، نتایج در تأیید آزمون  $t$  است و  $F$  محاسبه شده نشان می‌دهد که بین دو گروه، از لحاظ صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، جنسی، و جسمانی و نیز نمره‌ی کل صمیمیت، تفاوتی معنادار وجود دارد، ولی دو گروه از لحاظ صمیمیت فکری، معنوی، زیبایی‌شناختی، و اجتماعی-تفریحی تفاوتی معنادار با یکدیگر ندارند.

جدول ۲- تحلیل واریانس یک‌سویه‌ی نمره‌های دانشجویان زن و مرد در ابعاد مختلف صمیمیت  
(N=۱۰۰)

ابعاد صمیمیت	منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
عاطفی	بین گروه‌ها	۳۲۷٫۶۱	۱	۳۲۷٫۶۱	۴٫۵۸۰	۰٫۰۳۵
	درون گروه‌ها	۷۰۱۱٫۷۰	۹۸	۷۱٫۵۵		
	کل	۷۳۳۹٫۳۱	۹۹			
روان‌شناختی	بین گروه‌ها	۳۷۶٫۲۶	۱	۳۷۶٫۲۶	۴٫۲۷۰	۰٫۰۴۲
	درون گروه‌ها	۸۶۴۵٫۰۸	۹۸	۸۸٫۲۲		
	کل	۹۰۲۱٫۴۴	۹۹			
فکری	بین گروه‌ها	۲۸۵٫۶۱	۱	۲۸۵٫۶۱	۲٫۷۲۰	۰٫۱۰۰
	درون گروه‌ها	۱۰۲۷۵٫۷۸	۹۸	۱۰۴٫۸۶		
	کل	۱۰۵۶۱٫۳۹	۹۹			
جنسی	بین گروه‌ها	۱۲۴۶٫۰۹	۱	۱۲۴۶٫۰۹	۱۰٫۲۷۰	۰٫۰۲۰
	درون گروه‌ها	۱۱۸۸۸٫۹۰	۹۸	۱۲۱٫۳۲		
	کل	۱۳۱۳۴٫۹۹	۹۹			
معنوی	بین گروه‌ها	۱۳٫۶۹	۱	۱۳٫۶۹	۰٫۰۹۹	۰٫۷۵۰
	درون گروه‌ها	۱۳۵۳۵٫۷۰	۹۸	۱۳۸٫۱۲		
	کل	۱۳۵۴۹٫۳۹	۹۹			
جسمانی	بین گروه‌ها	۴۲۸٫۴۹	۱	۴۲۸٫۴۹	۴٫۱۵۰	۰٫۰۴۴
	درون گروه‌ها	۱۰۱۲۰٫۵۰	۹۸	۱۰۳٫۲۷		
	کل	۱۰۵۴۸٫۹۹	۹۹			
زیبایی‌شناختی	بین گروه‌ها	۳۹۶٫۰۱	۱	۳۹۶٫۰۱	۳٫۰۴۸	۰٫۰۸۴
	درون گروه‌ها	۱۲۷۳۰٫۵۸	۹۸	۱۲۹٫۹۰		
	کل	۱۳۱۲۶٫۵۹	۹۹			
اجتماعی-تفریحی	بین گروه‌ها	۴۳٫۵۶	۱	۴۳٫۵۶	۰٫۴۱۰	۰٫۵۲۰
	درون گروه‌ها	۱۰۳۷۸٫۴۰	۹۸	۱۰۵٫۹۰		
	کل	۱۰۴۲۱٫۹۶	۹۹			
کل	بین گروه‌ها	۲۰۰۲۲٫۲۵	۱	۲۰۰۲۲٫۲۵	۶٫۶۰۰	۰٫۰۱۲
	درون گروه‌ها	۳۹۷۵۳۴٫۷۴	۹۸	۳۰۳۶٫۰۷		
	کل	۳۱۷۵۵۶٫۹۹	۹۹			

**جدول ۳** به مقایسه‌ی رضایت‌مندی از صمیمیت زمانی پرداخته، فراوانی و درصد رضایت‌مندی از صمیمیت زمانی بین دو گروه را نشان می‌دهد. همان گونه که دیده‌می‌شود، دو گروه در پاسخ به این سؤال که آیا از مدت زمانی که با شریک زندگی خود می‌گذرانند، برای ایجاد صمیمیتی که خواهان آن اند رضایت دارند یا خیر، تفاوتی بسیار معنادار را با یکدیگر نشان می‌دهند.



جدول ۳- فراوانی و درصد رضایت‌مندی از صمیمیت زمانی بین دو گروه از دانشجویان متأهل  
( $N=100$ )

$\chi^2$	درجه‌ی آزادی	عدم رضایت		رضایت‌مندی		گروه‌ها
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳۰٫۹۴***	۱	۶۶	۳۳	۳۴	۱۷	دانشجویان زن
		۱۰	۵	۹۰	۴۵	دانشجویان مرد
			۳۸		۶۲	کل

$p < 0.001$  \*\*\*  $p < 0.01$  \*\*  $p < 0.05$  \*

### بحث

تحلیل‌های توصیفی به‌دست‌آمده بیان‌گر تفاوت معنادار نمره‌ی کل صمیمیت در بین زنان و مردان است ( $t = 2.56$ ;  $p < 0.01$ ;  $df = 98$ ). مقایسه‌ی میانگین‌ها نشان می‌دهد که نیاز مردان به صمیمیت، در مقایسه با زنان، بیش‌تر است؛ پس با تأیید فرضیه‌ی اول پژوهش، این کلیشه که زنان نیاز بیش‌تری به صمیمیت در زندگی زناشویی دارند، نقض می‌شود؛ بر این اساس، تفاوت موجود را می‌توان به تفاوت در جامعه‌پذیری زنان و مردان نسبت داد؛ مردان به‌رغم نیاز به صمیمیت، گاه در عمل برای ابراز آن و برقراری رابطه‌ی صمیمانه دچار مشکل می‌شوند و این تفاوت می‌تواند به درک متفاوت زنان و مردان از رابطه‌ی زناشویی منجر شود. البته گفتنی است که اثرات جنسیتی مشاهده‌شده می‌تواند به متغیرهایی قابل‌اسناد باشد که با جنسیت هم‌بستگی یافته‌اند و در واقع شاید این نقش‌های جنسیتی شکل‌گرفته بر پایه‌ی انتظارات جامعه و فرهنگ از مردانگی و زنانگی است که این تفاوت را ایجاد کرده‌است.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه‌ی دوم پژوهش که نیاز زنان به صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، و جسمانی را بیش‌تر می‌داند، در ابعاد عاطفی و روان‌شناختی نقض، و تنها در بعد صمیمیت جسمانی تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر، مردان در این پژوهش نیاز بیش‌تری به صمیمیت عاطفی، برقراری ارتباط، و سهیم کردن احساس شادی، اشتیاق، غم، ترس، و خشم با شریک زندگی خویش دارند ( $t = 2.14$ ;  $p < 0.05$ ;  $df = 98$ )؛ افزون بر آن که نیاز آنان به صمیمیت روان‌شناختی، یعنی نیاز به برقراری ارتباط، سهیم کردن شریک زندگی در مطالب، اطلاعات، و احساسات شخصی، و نیز بیان ایده‌ها، رویاها، آرزوها، و طرح‌های آینده، در مقایسه با زنان، بیش‌تر است ( $t = 2.06$ ;  $p < 0.05$ ;  $df = 98$ ).

رابین<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) این نوع تفاوت‌های میان مردان و زنان را به همانندسازی پسران و دختران در فرآیند رشد و تحول نسبت می‌دهد. همانندسازی منفی پسران با مادر و همانندسازی مثبت با پدر قوی و محکم باعث می‌شود تا آن‌ها نیاز به برقراری پیوندهای عاطفی را کمتر تشخیص دهند و پس از ورود به عرصه‌ی ازدواج، به دلیل آموزش‌هایی که درباره‌ی مردانگی دریافت می‌کنند، احساسات خود را زیر پوششی از آرامش، قدرت، و منطق پنهان سازند.

زنان در بعد صمیمیت جسمانی، تفاوتی معنادار را با مردان نشان داده‌اند ( $df=98$ ;  $p < 0.05$ ;  $t=2.03$ )؛ یعنی آنان به برقراری نزدیکی جسمانی و روابطی چون بغل گرفتن، نوازش کردن، بوسیدن، و گرفتن دست‌ها، بدون برقراری رابطه‌ی جنسی، بیش‌تر از مردان نیازمند اند. به نظر می‌رسد که اگر به نیاز صمیمیت جسمانی زنان در زندگی زناشویی پاسخ داده‌شود، امکان برقراری بهتر صمیمیت جنسی نیز بیش‌تر می‌شود و فرصت رشد و تحول صمیمیت عاطفی فراهم می‌آید (کلو<sup>۲</sup> ۲۰۰۱).

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه‌ی سوم پژوهش، که پیش‌بینی می‌کرد مردان از لحاظ صمیمیت فکری، اجتماعی-تفریحی، معنوی، زیبایی‌شناختی، و جنسی، نیاز بیش‌تری به صمیمیت دارند، تنها در بعد صمیمیت جنسی تأیید می‌شود ( $df=98$ ;  $p < 0.05$ ;  $t=3.20$ ). صمیمیت جنسی، نیاز به برقراری و سهیم کردن دیگری در افکار، احساسات، و رویاهایی است که ماهیت جنسی دارند. این یافته، هم‌راستا با سایر مطالعات جهانی است که نشان می‌دهد مردان در تعریف و توصیف خود از صمیمیت، دو برابر زنان، ارتباط جنسی را عاملی مهم می‌دانند؛ در حالی که زنان، کم‌تر با این موضوع توافق دارند (فهر ۱۹۹۶). در واقع رفتار جنسی در زنان پدیده‌ی پیچیده و درهم‌تنیده است، که نمی‌تواند به تنهایی و جدا از سایر جنبه‌های ارتباطی در نظر گرفته‌شود. زنان در زندگی جنسی خود بر مشکلات ارتباطی در سایر زمینه‌ها نیز متمرکز اند و نمی‌توانند مسائل موجود در ابعاد دیگر رابطه‌ی صمیمانه را از صمیمیت جنسی جدا کنند (کلی‌تون<sup>۳</sup> ۲۰۰۷). به بیان دیگر، وجود یک مشکل ارتباطی در زمینه‌های دیگر، بر رابطه‌ی جنسی صمیمانه‌ی زنان تأثیر می‌گذارد. رفتار جنسی برای زنان، حتا با برخورداری از تمایل جنسی یکسان با مردان، معانی مختلفی پیدا می‌کند که به انتظارات و ارزیابی‌های ذهنی و عاطفی آنان از تحریک جنسی بستگی دارد (خمسه ۱۳۸۵). بنا بر این، شاید بتوان گفت چون در این مطالعه نیاز زنان به صمیمیت جسمانی برآورده نشده، این امر بر کاهش نیاز جنسی گزارش‌شده‌ی آنان، در مقایسه با مردان، کمک کرده‌است.

<sup>1</sup> Rubin, Lillian B.

<sup>2</sup> Chulow, Christopher

<sup>3</sup> Clayton, Anita



با توجه به این که در این پژوهش، مردها نیاز بیشتری را به صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، و جنسی گزارش داده‌اند، بر اساس نظریه‌ی تبادل اجتماعی (فهر ۱۹۹۶) می‌توان چنین تبیین کرد که تقویتی که مردان در این زمینه دریافت می‌کنند کم‌تر از نیاز و سودی است که از رابطه می‌گیرند و این عدم تعادل است که گاه به ناراضی‌تری بیشتر در زندگی زناشویی، کاهش صمیمیت بین زوجها، و برقراری ارتباط‌های عاطفی و صمیمانه بیرون از چهارچوب روابط آن‌ها منجر می‌شود.

وجود عدم تفاوت معنادار بین زنان و مردان در سایر نیازهای صمیمیت (اجتماعی-تفریحی، فکری، معنوی، و زیبایی‌شناختی) نیز در راستای برخی از یافته‌های جهانی است که با تأکید بر شباهت میان زنان و مردان در روابط صمیمانه، معتقد اند که زنان و مردان اهمیتی یکسان برای روابط صمیمانه قائل اند، ولی از واکنش دیگری نسبت به این صمیمیت مطمئن نیستند (فهر ۱۹۹۶).

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد در ابعادی که مستلزم سهیم کردن دیگری در افکار، احساسات، و باورهایی است که با مذهب، ارزش‌های اخلاقی، هستی‌شناسانه، هنری، و اجتماعی سر و کار دارد، در میان زوجها شباهت‌های جنسیتی در نیازهای صمیمیت وجود دارد. این رفتارها، که باعث نزدیکی زوجها به هم می‌شود و به انطباق آن‌ها با جهان بیش‌تر کمک می‌کند، بر اساس نظریه‌ی هماهنگی شناختی (فهر ۱۹۹۶)، کارکردی تعادل‌بخش دارد و به قول بالبی<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) با ایجاد احساس امنیت، باعث می‌شود تا زوجها برای تداوم رابطه‌شان ارزش قائل شوند.

بررسی‌ها همچنین نشان داد که در بعد صمیمیت زمانی، که مدت زمان لازم را برای ایجاد رابطه‌ی صمیمانه در زوجها بررسی می‌کند، تفاوت، معنادار است ( $df=1$ ;  $p < 0.001$ ؛  $\chi^2 = 30.94$ ) و نیاز زنان به صمیمیت زمانی بیش‌تر است؛ به گونه‌ی که ۶۶ درصد زنان از صمیمیت زمانی موجود ناراضی بودند، در حالی که تنها ۱۰ درصد مردان از این مسئله ابراز ناراضی‌تری می‌کردند. تفاوت در بعد صمیمیت زمانی به این معنا است که زنان، بیش‌تر از مردان نیاز دارند که با همسر خود مدت زمان بیش‌تری را صرف کنند؛ به عبارت دیگر، صمیمیت برای زنان، با میزان زمان صرف‌شده با همسر مفهوم‌سازی می‌شود.

در تبیین تفاوت میان زنان و مردان از لحاظ نیاز به صمیمیت زمانی و جسمی، بر اساس نظریه‌ی برابری، این احتمال را می‌توان مطرح کرد که بازده حاصل از روابط در زنان نمی‌تواند با بازده در مردان قابل‌مقایسه باشد و این نابرابری در بازده رابطه می‌تواند به کاهش صمیمیت منجر شود.

<sup>1</sup> Bowlby, John

بر اساس این پژوهش، زنان و مردان از سبک‌های مختلف صمیمیت استفاده می‌کنند؛ برای مثال، تلاش مردان برای برقراری صمیمیت از طریق بعد جنسی، با انتخاب زنان برای ایجاد صمیمیت از طریق بعد جسمی و زمانی، نمی‌تواند کاملاً متفاوت باشد، زیرا از طریق رابطه‌ی جسمانی و صرف وقت مناسب است که امکان گفت‌وگو فراهم می‌شود و به طور طبیعی شرایطی شکل می‌گیرد که در آن دل‌بستگی و مراقبت، ارزشمند می‌شود و بر سایر ابعاد صمیمیت نیز تأثیر می‌گذارد؛ افزون بر آن که، سبک‌های متفاوت صمیمیت در زوجها مکمل یکدیگر است و می‌تواند بر هم مؤثر باشد. وضعیت بهینه، وضعیتی است که در آن همه‌ی زوجها صرف نظر از جنسیت، شیوه‌های مختلف صمیمیت را در روابط خود به کار گیرند؛ پس برخورداری از انتخاب سبک‌های صمیمیت متقابل و انعطاف‌پذیری در پذیرش سبک‌های مختلف، به زوجها کمک می‌کند که در انتخاب‌های خود صرفاً به انتخاب‌های مبتنی بر سبک مردانه یا زنانه محدود نشوند و امکان دستیابی به دامنه‌ی وسیع‌تر انتخاب‌های انسانی را پدید آورند. با شناخت بیشتر از شیوه‌های متفاوت برقراری رابطه‌ی صمیمانه، زوجها می‌توانند به نیاز شریک زندگی خود بهتر پاسخ دهند.

بر اساس آنچه گفته‌شد درمی‌یابیم که صمیمیت، نه یک ساختار مستقل، بلکه ساختاری چندبعدی و چندوجهی است، و تفاوت دو جنس از لحاظ این ابعاد نیز تفاوتی کمی است. بر پایه‌ی نظریه‌ی برابری (فهر ۱۹۹۶)، تا مادامی که مردان از موقعیت‌ها و نقش‌های بالاتری در رابطه بهره‌مند اند، صمیمیت واقعی بین زوجها امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، فرصت ناکافی زوجها برای تعامل با یکدیگر، خصوصاً در یک متن اجتماعی برابر نیز عاملی است که به کاهش و تفاوت صمیمیت بین زوجها منجر می‌شود؛ پس اگر این دو مانع، یعنی نابرابری و فرصت ناکافی برای شناخت از سبک‌های یکدیگر برطرف شود، زوجها به‌خوبی می‌توانند با چالش‌های روابط صمیمانه‌ی خود هماهنگ شوند و صمیمیت را در زندگی افزایش دهند. گفتنی است که در نظام‌های صمیمی انسانی، که به مرور شکل می‌گیرد، هیچ قهرمان یا قربانی وجود ندارد و هر یک از زوجها، در تعامل با رفتار دیگری، در چهارچوب کلی تعادل خانواده (به عنوان یک کل) قرار می‌گیرد. شیوه‌ی کارکرد هر فرد بازتاب عناصری از یک کل بزرگ‌تر است و روابط صمیمانه‌ی که میان یک زوج رشد می‌کند، خود بر اساس نظریه‌ی رشد و تحول، و در پاسخ به نیازهای متفاوت آن‌ها در حال تغییر است.

به دلیل آن که دانشجویان مورد مطالعه، در سال‌های اول زندگی مشترکشان به سر می‌برند (میانگین مدت ازدواج آزمودنی‌ها سه سال و دو ماه است)، بر اساس نظریه‌ی رشد





و تحول (آلتمن و تیلر ۱۹۷۳)، می‌توان پیش‌بینی کرد که مؤلفه‌های ارتباطی آن‌ها در آینده دگرگونی بیش‌تری پیدا می‌کند، در عین این که هیچ صمیمیتی، حتا در طول رشد، به این معنا نیست که زوجها در یک‌دیگر ذوب شوند. صمیمیت، توانایی جداسازی خویشتن از دیگری را نیز در بر دارد و این جداسازی، که هم حاصل رابطه‌ی صمیمی است و هم به برقراری رابطه‌ی صمیمانه‌تر کمک می‌کند، از زوجها در برابر رویدادهای فشارآور زندگی محافظت می‌کند.

در مجموع، الگوهای مختلف صمیمیت نشان می‌دهد مسیری که خانواده‌های نوین و موفق باید طی کنند، مسیری پر پیچ و خم و ناهموار است و چنان‌چه زوجها بتوانند ترکیبی از این الگوهای صمیمیت و نیز عناصر نوین و کهن موجود در مدل‌ها و نظریه‌های مختلف ازدواج (ویل‌کاکس و ناک ۲۰۰۶) را در ازدواج‌های خود به کار گیرند، در رسیدن به صمیمیت بیش‌تر و تحکیم رابطه‌ی زناشویی خود موفق خواهند شد؛ بدین منظور پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌های آموزش قبل از ازدواج، که در مراکز مشاوره‌ی دانشگاه‌ها و سایر مراکز بر پا می‌شود، به آموزش تفاوت‌های جنسیتی زوجها در الگوهای رفتاری مختلف صمیمیت تأکید شود.

## منابع

- اعتمادی، عذرا، شکوه نوایی‌نژاد، سیداحمد احمدی، و ولی‌الله فرزاد. ۱۳۸۵. «بررسی اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری بر صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان.» *مطالعات روان‌شناختی* ۲(۱-۲): ۶۹-۸۷.
- امیری، ربابه. ۱۳۸۴. «ارتباط بین عمل به باورهای دینی و میزان صمیمیت زنان دانشجوی تهرانی با همسران‌شان.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- خمسه، اکرم. ۱۳۸۵. «بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرح‌واره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل: مقایسه‌ی رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده.» *خانواده‌پژوهی* ۲(۸): ۳۲۷-۳۳۹.
- Altman, Irwin, and Dalmas A. Taylor. 1973. *Social Penetration: The Development of Interpersonal Relationship*. New York, NY, USA: Holt, Rinehart, and Winston.
- Aristotle. 1984. "Rhetoric." Pp. 2152-2269 in *The Complete Works of Aristotle: The Revised Oxford Translation, Volume Two* edited by Jonathan Barnes. Princeton, NJ, USA: Princeton University Press.
- Aukett, Richard, Jane Ritchie, and Kathryn Mill. 1988. "Gender Differences in Friendship Patterns." *Sex Roles* 19(1-2):57-66.
- Bagarozzi, Dennis A. 2001. *Enhancing Intimacy in Marriage: A Clinician's Handbook*. London, UK: Brunner-Routledge.
- Barnes, Gill Gorell. 1998. *Family Therapy in Changing Times: Basic Texts in Counselling and Psychotherapy*. New York, NY, USA: Palgrave Macmillan.
- Blume, Thomas W. 2006. *Becoming a Family Counselor: A Bridge to Family Therapy Theory and Practice*. Hoboken, NJ, USA: Wiley.
- Bowlby, John. 1988. *A Secure Base: Parent-Child Attachment and Healthy Human Development*. New York, NY, USA: Basic Books.
- Brannon, Linda. 2002. *Gender: Psychological Perspectives*. London, UK: Allyn and Bacon.
- Clayton, Anita. 2007. *Satisfaction: Women, Sex, and the Quest for Intimacy*. New York, NY, USA: Ballantine Books.
- Clore, Gerald L., and Donn Byrne. 1974. "A Reinforcement-Affect Model of Attraction." Pp. 143-170 in *Foundations of Interpersonal Attraction* edited by Ted L. Huston. New York, NY, USA: Academic Press.
- Chulow, Christopher, ed. 2001. *Adult Attachment and Couple Psychotherapy: The 'Secure Base' in Practice and Research*. New York, NY, USA: Brunner/ Rutledge.
- Crawford, Mary, and Rhoda Unger. 2004. *Women and Gender: A Feminist Psychology*. 4<sup>th</sup> edition. New York, NY, USA: McGraw-Hill.
- Fehr, Beverley. 1996. *Friendship Processes*. London, UK: Sage Publications.
- Hatfield, Elaine, and Jane Traupmann. 1981. "Intimate Relationships: A Perspective from Equity Theory." Pp. 165-178 in *Personal Relationships*, Vol. 1: *Studying personal Relationships*, edited by Steve Duck and Robin Gilmour. London: Academic Press.



- Laurenceau, Jean-Philippe, Lisa Feldman Barrett, and Michael J. Rovine. 2005. "The Interpersonal Process Model of Intimacy in Marriage: A Daily-Diary and Multilevel Modeling Approach." *Journal of Family Psychology* 19(2):314–323.
- Monsour, Michael. 1992. "Meanings of Intimacy in Cross- and Same-Sex Friendships." *Journal of Social and Personal Relationships* 9(2):277–295.
- Rawlins, William K. 1993. "Communication in Cross-Sex Friendships." Pp. 51–70 in *Women and Men Communicating: Challenges and Changes*, edited by Laurie P. Arliss, and Deborah J. Borisoff. Fort Worth, TX, USA: Harcourt Brace Jovanovich College Publishers.
- Reid, Helen M., and Gary H. Fine. 1992. "Self-disclosure in Men's Friendships: Variations Associated with Intimate Relations." Pp. 132–152 in *Men's Friendships*, edited by Peter M. Nardi. Newbury Park, CA, USA: Sage Publications.
- Rubin, Lillian B. 1983. *Intimate Strangers: Men and Women Together*. New York, NY, USA: Harper & Row.
- Spotts, Erica L., Carol Prescott, and Kenneth Kendler. 2006. "Examining the Origins of Gender Differences in Marital Quality: A Behavior Genetic Analysis." *Journal of Family Psychology* 20(4):605–613.
- TenHouten, Warren D. 2007. *A General Theory of Emotions and Social Life*. London, UK: Routledge.
- Van den Broucke, Stephan, Hans Vertommen, and Walter Vandereycken. 1995. "Construction and Validation of a Marital Intimacy Questionnaire." *Family Relations* 44(3):285–290.
- Wilcox, W. Bradford, and Steven L. Nock. 2006. "What's Love Got to Do with It? Equality, Equity, Commitment, and Women's Marital Quality." *Social Forces* 84(3):1321–1345.
- Wright, Paul H. 1982. "Men's Friendships, Women's Friendships, and the Alleged Inferiority of the Latter." *Sex Roles* 8(1):1–20.

## نویسندگان

## دکتر اکرم خمسه،

استادیار پژوهشکده‌ی زنان، دانشگاه الزهرا  
akramkhamseh@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای تخصصی روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.  
از وی تا کنون کتاب‌های *آسیب‌شناسی عضوی مغز، روان‌شناسی زنان، و آموزش قبل از ازدواج* چاپ شده و کتاب *راهبردهای جدید در زوج‌درمانی* به‌زودی چاپ خواهد شد. وی همچنین مقالات بسیاری در زمینه‌ی نقش‌های جنسیتی، کلیشه‌های فرهنگی، افسردگی، وسواس، حافظه، و خلاقیت نگاشته‌است.

## دکتر سیمین حسینیان،

دانشیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا  
hosseins1381@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای تخصصی مشاوره، دانشگاه UCLA<sup>۱</sup>، لوس‌آنجلس، کالیفرنیا، آمریکا.  
از وی تا کنون کتاب‌های *مفاهیم بنیادی و مباحث تخصصی در مشاوره، ناسازگاری و مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان، اخلاق حرفه‌یی در مشاوره و روان‌شناسی، زمینه‌ی مشاوره و راهنمایی، و واقعیت مجازی در روان‌درمانی* چاپ شده‌است. وی همچنین مقالات بسیاری در زمینه‌ی مشاوره و زنان نگاشته‌است.

<sup>۱</sup> University of California at Los Angeles (UCLA), Los Angeles, CA, USA

## تأثیر دشواری کار زنان شاغل و هم‌کاری همسران در امور منزل بر رضایت از روابط زناشویی و اختلال‌های رفتاری فرزندان

زهرا اقدامی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

دکتر مسعود حسین‌چاری

استادیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر دشواری کار زنان شاغل و هم‌کاری همسران آن‌ها در امور منزل، بر رضایت از روابط زناشویی در وهله‌ی اول، و سپس بر اختلالات رفتاری فرزندان انجام گرفته‌است. ۱۵۰ مادر شاغل دارای فرزند در مهد کودک‌های شهر شیراز، به عنوان نمونه‌ی پژوهش، چهار پرسش‌نامه‌ی اختلالات رفتاری کودکان، دشواری کار، هم‌کاری همسر، و رضایت از روابط زناشویی را تکمیل کردند و نتایج نشان‌گر آن بود که دشواری کار زنان شاغل، پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت از روابط زناشویی نیست، اما هم‌کاری مردان در امور خانه، به طور مثبت پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت از روابط زناشویی است؛ همچنین، در حالی که دشواری کار، تنها می‌تواند پرخاش‌گری کودکان را به طور مثبت پیش‌بینی کند، بر اساس رضایت از روابط زناشویی می‌توان پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب کودکان را به طور منفی پیش‌بینی کرد. با توجه به یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های پیشین، پیشنهادهایی برای بررسی بیش‌تر این موضوع مطرح شده‌است.

### واژگان کلیدی

دشواری کار زنان؛ هم‌کاری همسر؛ رضایت از روابط زناشویی؛ اختلال‌های رفتاری کودکان؛

با رشد روزافزون و گسترش اشتغال زنان در بیرون از خانه، ساخت خانواده و نقش‌های والدین دچار دگرگونی شده و در روابط همسران با یکدیگر و روابط مادر و پدر با فرزندان نیز تغییراتی به وجود آمده است (پارسل و مناغان<sup>۱</sup> ۱۹۹۴). اشتغال مادر و عدم حضور تمام‌وقت وی در خانه، با تأثیر کمی و کیفی بر مراقبت از کودکان، به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر سلامت روانی کودکان مطرح می‌شود (روبرتز<sup>۲</sup> ۲۰۰۲) و با در بر گرفتن دامنه‌یی وسیع از الگوهای کاری، از تمام‌وقت تا پاره‌وقت، ممکن است بر شاخص‌هایی چون سازگاری اجتماعی و عاطفی، رشد هوشی، و کارکرد فرزندان در مدرسه نیز اثری طولانی‌مدت گذارد (گات‌فرید، گات‌فرید، و بئراست<sup>۳</sup> ۱۹۸۸؛ بایدر و بروکس-گان<sup>۴</sup> ۱۹۹۱؛ هان، والدفولگ، و بروکس-گان<sup>۵</sup> ۱۹۹۹؛ بائوم<sup>۶</sup> ۲۰۰۴).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اشتغال زن، زمانی موجب بروز اضطراب و یا سایر علائم روانی در او و همسرش می‌شود، که زن در اثر نقش‌های متعدد شغلی و خانوادگی دچار تعارض شود (اونادی ۱۳۸۰). در مواردی که زنان، به‌ویژه آنان که دارای فرزند اند، به علت حجم زیاد فعالیت‌ها، برای انجام بهینه‌ی نقش مادری و همسری همراه با اشتغال تحت فشار قرار می‌گیرند، اگر مردان با هم‌کاری در امور خانه، همسر شاغل خود را تحت حمایت عاطفی قرار دهند، کیفیت مطلوب زندگی مشترک حاصل خواهد شد. پژوهش عباسی‌گرم‌رودی (۱۳۷۵) نشان داد که زنان شاغل، بیش از زنان غیرشاغل، از زندگی زناشویی احساس رضایت می‌کنند، ولی این رضایت با افزایش سطح رضایت شغلی، تحصیلات، سن، و درآمد خود آنان تغییری نمی‌کند. از نظر مادران شاغل، اشتغال، اثراتی مفید بر روابط خانوادگی با همسر و فرزندان دارد و به عنوان راهی برای برآورده کردن نیازهای عاطفی، رشدی، اجتماعی، و مادی فرزندان مطرح می‌شود (واندل و رامانان<sup>۷</sup> ۱۹۹۲؛ بناسیچ و بروکس-گان<sup>۸</sup> ۱۹۹۶).

هیوس‌تون و آرون‌سون<sup>۹</sup> (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که اشتغال تمام‌وقت مادران، بهداشت روانی خانواده را به طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در خانواده‌های زنان شاغل، آنچه موجب بروز اختلافات خانوادگی می‌شود سختی کار است (یوسفی ۱۳۸۰). هرچند که متغیرهای دیگر مانند تعداد فرزندان، سواد زن و شوهر، مدت ازدواج، سابقه‌ی خدمت زن، و سن و درآمد او نیز نباید از نظر دور بماند. بروز اختلافات، با سواد و درآمد زن و شوهر، رابطه‌یی

<sup>1</sup> Parcel, Toby L., and Elizabeth G. Menaghan

<sup>2</sup> Roberts, Paul

<sup>3</sup> Gottfried, Adele Eskeles, Allen W. Gottfried, and Kay Bathurst

<sup>4</sup> Baydar, Nazli, and Jeanne Brooks-Gunn

<sup>5</sup> Han, Wen-Jui, Jane Waldfogel, and Jeanne Brooks-Gunn

<sup>6</sup> Baum, Charles L.

<sup>7</sup> Vandell, Deborah Lowe, and Janaki Ramanan

<sup>8</sup> Benasich, April Ann, and Jeanne Brooks-Gunn

<sup>9</sup> Huston, Aletha C., and Stacey Rosenkrantz Aronson



منفی، و با بقیه‌ی متغیرها رابطه‌ی مثبت دارد؛ بدین صورت که با افزایش سواد و درآمد زن و شوهر، اختلافات کاهش می‌یابد (همان). بوث و هم‌کاران<sup>۱</sup> (۱۹۸۴)، برگرفته از یوسفی (۱۳۸۰) اعتقاد دارند که اشتغال زن، در بسیاری از موارد، با نقش‌های وی در خانه سازگار نیست و آغاز بگومگوهای لفظی میان زن و شوهر، به همین دلیل، در نهایت می‌تواند به عدم ثبات زندگی زناشویی منجر شود.

نتایج پژوهش مهدی‌زادگان (۱۳۷۰) نشان داد که اختلالات هفت‌گانه‌ی کودکان (شامل اختلال خواب، افسردگی، اضطراب، مکیدن انگشت، شب‌ادراری، جویدن ناخن، و بهانه‌گیری) در فرزندان مادران خانه‌دار کمی بیش‌تر از مادران شاغل است، اما برخی پژوهش‌گران (برای نمونه، روزن‌تال<sup>۲</sup> ۱۹۹۳) معتقد اند که اشتغال مادر در سنین پایین فرزندان، بر نمره‌های آزمون‌های شناختی تأثیری منفی دارد و می‌تواند رشد رفتاری کودکان را متأثر سازد؛ هم‌چنین یافته‌های این پژوهش‌گران نشان داد کودکانی که شغل مادران آن‌ها ثبات و پیچیدگی بیش‌تری دارد، مسائل و مشکلات رفتاری را کم‌تر تجربه می‌کنند. در پژوهشی که هوشنگ (۱۳۷۸) انجام داد، معلوم شد که اشتغال مادران تأثیری مثبت بر کاهش بروز اختلالات عاطفی-رفتاری کودکان دارد، ولی کلووسیان و کدیور (۱۳۸۴) گزارش داده‌اند که بین اشتغال مادر و خودپنداره‌ی نوجوانان دبیرستانی، رابطه‌ی منفی وجود دارد. دانش و سلیمی‌نیا (۱۳۸۵) نیز شدت نیاز به اکتساب و سازندگی را در فرزندان مادران شاغل بیش‌تر می‌دانند. گوردون، کستنر، و کورنمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) نتیجه گرفتند که اشتغال مادران، به‌تنهایی، تأثیری معنادار بر میزان بیماری‌های کودکان ۱۲ تا ۳۶ ماهه ندارد و یافته‌های برخی پژوهش‌گران (برای نمونه، واندل و رامانان ۱۹۹۲؛ راجرز، پارسل، و مناغان<sup>۴</sup> ۱۹۹۱؛ پارسل و مناغان ۱۹۹۰) نیز حکایت از آن دارد که مشکلات رفتاری یا کارکرد شناختی (مثلاً نمره‌های آزمون واژگان تصویری پی‌بادی<sup>۵</sup>) در کودکانی که مادران شاغل دارند، در مقایسه با کودکانی که مادران‌شان شاغل نیستند، از نظر آماری متفاوت نیست. پارسل و مناغان (۱۹۹۴) و مک‌کارتنی و روزن‌تال<sup>۶</sup> (۱۹۹۱) بر آن اند که اثرات اشتغال مادران بر وضعیت رفتاری فرزندان، به کیفیت و کمیت کار آن‌ها بستگی دارد. بر پایه‌ی نظر این دو پژوهش‌گر، زمانی که کار، مورد علاقه‌ی مادران و دارای فشاری کم‌تر باشد، آن‌ها می‌توانند پاسخ‌گوی فرزندان و فراهم‌کننده‌ی محیط‌هایی محرک برای آن‌ها شوند.

<sup>1</sup> Booth, Alan, David R. Johnson, Lynn White, and John N. Edwards

<sup>2</sup> Rosenthal, Saul

<sup>3</sup> Gordon, Rachel A., Robert Kaestner, and Sanders Korenman

<sup>4</sup> Rogers, Stacy J., Toby L. Parcel, and Elizabeth G. Menaghan

<sup>5</sup> Peabody Picture Vocabulary Test (PPVT)

<sup>6</sup> McCartney, Kathleen, and Saul Rosenthal

نتایج برخی پژوهش‌ها (برای نمونه، احمدی و تقوی ۱۳۸۲؛ ابراهیمی ۱۳۷۲) بیان‌گر آن است که فرزندان مادران شاغل، نسبت به کودکان مادران غیرشاغل، سازگاری بیش‌تری دارند؛ هرچند که صرف اشتغال مادر منجر به افزایش سازگاری نمی‌شود و با در نظر گرفتن سطح تحصیلات و رضایت مادر از کار است که تأثیر مثبت اشتغال مادران بر سازگاری فرزندان قابل‌تبیین است؛ یعنی هر چه سطح تحصیلات مادران شاغل بالاتر باشد، سازگاری فرزندان به طوری معنادار بیش‌تر است (ابراهیمی ۱۳۷۲). بر پایه‌ی نظر رام<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، شاغل بودن مادر باعث ایجاد اضافه وزن، رفتارهای مخاطره‌آمیز مانند سیگار کشیدن و مصرف الکل نوجوانان، و پی‌آمدهایی زیان‌بار برای رشد شناختی است، اما یافته‌های *اوفن‌باو* و *جیتل‌من*<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که اشتغال مادران، نه‌تنها با افزایش درگیری نوجوانان در فعالیت‌های مخاطره‌آمیز نوجوانی ارتباط ندارد، بلکه اثرات مثبت آن، مانند الگودهی، نقش مثبت، و اجازه دادن به نوجوان برای کسب استقلال، اثرات زیان‌بار این فعالیت‌ها را کاهش می‌دهد.

به نظر می‌رسد تکیه بر این نظر معقول است که هر چه تقسیم وظایف و مشارکت همسران در منزل بیش‌تر باشد، رضایت از روابط زناشویی نیز افزایش می‌یابد و این امر موجب روابط بهتر پدر و مادر با فرزندان و کاهش ناسازگاری‌ها و اختلالات رفتاری آنان می‌شود. بنا بر این، در خانواده‌هایی که مادران شاغل اند، می‌توان همکاری مردان در امور منزل را به عنوان متغیری که اختلالات رفتاری فرزندان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند در نظر گرفت.

با توجه به یافته‌های ناهماهنگ (و در برخی موارد متناقض) در مورد تأثیر اشتغال زن بر خانواده، پژوهش حاضر بدین منظور انجام شد که در وهله‌ی اول اثر دشواری کار مادران و میزان همکاری همسران آن‌ها در امور منزل را بر رضایت آنان از روابط زناشویی مورد بررسی قرار گیرد و سپس تأثیر این متغیرها (یعنی دشواری کار مادران، رضایت آنان از روابط زناشویی، و همکاری همسران آنان در امور منزل) بر اختلالات رفتاری فرزندان تحلیل شود؛ بدین ترتیب پژوهش حاضر بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- آیا دشواری کار زنان، رضایت از روابط زناشویی را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند؟
- ۲- آیا دشواری کار زنان، اختلالات رفتاری کودکان را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کند؟
- ۳- آیا مشارکت مردان در امور خانه، رضایت از روابط زناشویی را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کند؟
- ۴- آیا مشارکت مردان در امور خانه، اختلالات رفتاری کودکان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند؟

<sup>1</sup> Ruhm, Christopher J.

<sup>2</sup> Aughinbaugh, Alison, and Maury Gittleman





- ۵- آیا رضایت از روابط زناشویی، اختلالات رفتاری فرزندان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند؟
- ۶- آیا دشواری کار زنان (به صورت مثبت)، و همکاری مردان و رضایت از روابط زناشویی (به طور منفی)، به طور هم‌زمان اختلالات رفتاری فرزندان را پیش‌بینی می‌کنند؟

## روش

### جامعه‌ی آماری، نمونه، و روش جمع‌آوری اطلاعات

پژوهش حاضر در سطح مهد کودک‌های شهر شیراز انجام شد و اعضای نمونه، ۱۵۰ نفر از مادران شاغل بودند که فرزندی در دوره‌ی مهدکودک داشتند. برای انتخاب این نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌یی تصادفی استفاده شد؛ بدین ترتیب که از بین مهد کودک‌های سطح شهر شیراز، ۱۱ مهد کودک، به طور تصادفی، انتخاب شد و مادران شاغلی که فرزندی در مهد کودک داشتند، مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد و درصد مشاغل مادران حاضر در این پژوهش، بر اساس رتبه‌بندی مشاغل خیر (۱۳۷۶) در جدول ۱ ارائه شده‌است. پس از شناسایی مادران شاغل و قبل از ارائه‌ی پرسش‌نامه‌ها، به منظور جلب همکاری مادران، به طور شفاهی، توضیحاتی در مورد شیوه‌ی تکمیل پرسش‌نامه‌ها و هدف پژوهش ارائه شد.

جدول ۱- فراوانی و درصد مادران بر حسب شغل

مشاغل	فراوانی	درصد
پزشک متخصص/استاد دانشگاه	۶	۴٫۰
پزشک/دندان‌پزشک/روان‌شناس	۱۳	۸٫۷
وکیل/قاضی	۶	۴٫۰
دبیر/پرستار/نظامی	۴۱	۲۷٫۳
حساب‌دار/کتاب‌دار/کاردان بیهوشی	۴	۲٫۷
کارمند/ماشین‌نویس	۷۷	۵۱٫۳
فروشنده	۳	۲٫۰
جمع	۱۵۰	۱۰۰

### ابزارهای گردآوری اطلاعات

- ۱- پرسش‌نامه‌ی دشواری کار- جهت جمع‌آوری اطلاعات در مورد دشواری کار، از مقیاس پژوهش‌گرساخته‌یی از نوع لیکرت پنج‌بخشی، با امکان انتخاب گزینه‌های «کاملاً

موافق ام»، «موافق ام»، «نظری ندارم»، «مخالف ام»، و «کاملاً مخالف ام» استفاده شد، که نمره‌ی پنج، به گزینیه‌ی «کاملاً موافق ام» و نمره‌ی یک، به گزینیه‌ی «کاملاً مخالف ام» تعلق گرفت. به منظور تهیه‌ی ابزار، با مراجعه به متون پژوهشی مربوط به موضوع اشتغال، شرایط کاری، رفتار سازمانی، روابط کارفرما و کارکنان، و نظایر آن، تعدادی گویه در مورد دشواری کار به دست آمد. با توجه به این که در پژوهش حاضر از سه مقیاس دیگر هم استفاده می‌شد، محتوای گویه‌ها به گونه‌ی تنظیم شده بود که با وجود کم بودن، دربرگیرنده‌ی جامعیت و شمول بیش‌تری باشد. پرسش‌نامه‌ی اولیه (شامل ده گویه) در اختیار تعدادی از استادان و دانشجویان دکتری روان‌شناسی و نیز استادان مدیریت قرار گرفت و از آنان خواسته شد روایی محتوایی گویه‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. در نهایت، تنها هشت گویه، که مورد توافق بیش‌ترین ارزیابی‌کنندگان (هفت نفر از ۱۰ نفر) بود، در نسخه‌ی اصلی پرسش‌نامه گنجانده شد.

به منظور بررسی روایی سازه‌ی پرسش‌نامه، شیوه‌ی آماری تحلیل عاملی<sup>۱</sup> به روش مؤلفه‌های اصلی<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار گرفت. در تحلیل انجام‌شده، چهار گویه به دلیل بار عاملی<sup>۳</sup> پایین حذف شدند و بر روی گویه‌های باقی‌مانده، تحلیل عاملی مجدد انجام شد. مقدار عددی شاخص کفایت نمونه‌گیری کای-زر-مه-یر-اولکین<sup>۴</sup> (۰/۷۳) و نیز مقدار عددی شاخص  $\chi^2$  در آزمون کرویت بارتلت<sup>۵</sup> معنادار بود و حکایت از کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب‌شده برای انجام تحلیل عاملی داشت ( $p < 0/0001$ ;  $df = 6$ ;  $\chi^2 = 102/253$ ). با ملاک قرار دادن بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳۰ و شیب نمودار اسکری<sup>۶</sup>، نمره‌ی نهایی آزمودنی‌ها در یک عامل اصلی، به نام دشواری کار، محاسبه شد و در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفت. گفتنی است که بار عاملی گویه‌ها در تحلیل عاملی نهایی، از ۰/۶۲ تا ۰/۸۱ در نوسان بود.

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ی دشواری کار، از روش آلفای کرون‌باخ استفاده شد، که مقدار عددی ضریب پایایی حاصل، برابر با ۰/۷۴ بود.

**۲- مقیاس هم‌کاری همسر** - مقیاس میزان هم‌کاری همسران در امور خانه، که به وسیله‌ی خیر و سامانی (۱۳۸۳) طراحی شده و شامل هفت گویه است، میزان هم‌کاری مردان را در هفت بُعد تمیز کردن خانه، خرید مواد مورد نیاز، آشپزی، تربیت فرزندان، رفت و آمد، امور تحصیلی فرزندان، و تعمیر و سرویس لوازم خانه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این

<sup>۱</sup> Factor Analysis

<sup>۲</sup> Principal Components

<sup>۳</sup> Factor Load

<sup>۴</sup> Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

<sup>۵</sup> Bartlett's Test of Sphericity

<sup>۶</sup> Scree Plot



مقیاس، که گویه‌های آن با امکان انتخاب گزینه‌های «کاملاً موافق ام»، «موافق ام»، «نظری ندارم»، «مخالف ام»، و «کاملاً مخالف ام» ارائه می‌شود، نمره‌ی پنج به گزینه‌ی «کاملاً موافق ام»، و نمره‌ی یک به گزینه‌ی «کاملاً مخالف ام» تعلق می‌گیرد.

خیر و سامانی (۱۳۸۳) با ارائه‌ی شواهدی دایر بر روایی مقیاس مذکور، پایایی مقیاس همکاری همسر را به روش آلفای کرون‌باخ برابر با ۰/۸۰ گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر نیز مقدار عددی ضریب آلفای کرون‌باخ برابر با ۰/۸۲ است.

۳- پرسش‌نامه‌ی رضایت از روابط زناشویی - مقیاس رضایت از روابط زناشویی دارای ۱۷ گویه، با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ی از «کاملاً موافق ام» تا «کاملاً مخالف ام»، است و نمره‌ی پنج به «کاملاً موافق ام» و نمره‌ی یک به «کاملاً مخالف ام» تعلق می‌گیرد. گویه‌های این مقیاس بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با خانواده‌ها و مرور متون پژوهشی مربوط به دست آمد و روایی محتوایی آن‌ها نیز با استفاده از نظر متخصصان تأیید شد. با بررسی روایی این آزمون از روش تحلیل عاملی، مقدار شاخص کیفیت نمونه‌گیری کای‌زر-میر-اولکین ۰/۹۳ به دست آمد و مقدار  $\chi^2$  در آزمون کرویت بارتلت نیز معنادار بود ( $p < 0.0001$ ;  $df = 136$ ;  $\chi^2 = 1880.53$ ). تحلیل عاملی، به استخراج یک عامل کلی با ارزش ویژه‌ی ۹ منجر شد، که این عامل ۵۶ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کرد. بار عاملی گویه‌ها در دامنه‌ی ۰/۴۹ تا ۰/۸۶ در نوسان بود و تنها یک گویه به دلیل بار عاملی پایین حذف شد، که با حذف این گویه، ضریب آلفای کرون‌باخ از ۰/۷۰ (برای مقیاس اولیه) به ۰/۹۴ تغییر یافت و بیان‌گر پایایی مطلوب مقیاس مورد بحث بود.

۴- پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان<sup>۲</sup> - در زمینه‌ی اختلالات رفتاری کودکان، از پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان (آخن‌باخ و ادل‌بروک<sup>۳</sup> ۱۹۸۳، برگرفته از سامانی ۱۳۷۵) استفاده شد. این مقیاس شامل ۷۱ گویه است، که شش عامل پرخاش‌گری، ناپختگی رفتار، گوشه‌گیری اجتماعی، اختلال‌های کرداری، وسواس، و اضطراب را می‌سنجد. در مقابل هر کدام از گویه‌ها، سه گزینه‌ی «بیش‌تر اوقات»، «گاهی اوقات»، و «هرگز» قرار دارد و نمره‌ی دو به گزینه‌ی «بیش‌تر اوقات»، یک به «گاهی اوقات»، و صفر به «هرگز» تعلق می‌گیرد.

در پژوهش سامانی (۱۳۷۵)، به منظور بررسی روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان، علاوه بر نظرخواهی از متخصصان رشته‌ی روان‌شناسی، گفته‌شده‌است که مقایسه‌ی محتوای این پرسش‌نامه با دیگر مقیاس‌های رفتاری (نظیر مقیاس رفتاری کوای<sup>۴</sup> و مقیاس

<sup>1</sup> Eigen Value

<sup>2</sup> The Child Behavior Checklist (CBCL)

<sup>3</sup> Achenbach, Thomas M., and Craig Edelbrock

<sup>4</sup> Quay, Herbert C.

رفتاری کانرز<sup>۱</sup>) نیز بیان‌گر روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان است؛ هم‌چنین، در پژوهش سامانی (۱۳۷۵) برای احراز روایی سازه‌ی پرسش‌نامه‌ی مذکور از تحلیل عامل استفاده شد، که در آن ارزش ویژه‌ی عامل‌های پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب بیش از سایر عوامل مطرح شده‌است. این پژوهش نیز به همین دلیل، با انتخاب سه عامل مذکور، ۳۴ سؤال مربوط به این عوامل را در پرسش‌نامه گنجانده‌اند.

در پژوهش حاضر به منظور بررسی روایی سازه‌ی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری کای-زر-مه-یر-اولکین برابر با ۰/۶۹ و مقدار  $\chi^2$  در آزمون کرویت بارتلت معنادار بود ( $p < ۰/۰۰۰۱$ ;  $df = ۵۶۱$ ؛  $\chi^2 = ۱۹۶۰/۸۷$ ). سه عامل مطرح‌شده، که ۵۷/۷۳ درصد از کل واریانس را تبیین می‌کردند، نیز به وسیله‌ی سامانی (۱۳۷۵) تأیید شد.

پایایی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان، با استفاده از روش بازآزمایی، به وسیله‌ی سامانی (۱۳۷۵) مورد بررسی قرار گرفته‌است. در پژوهش حاضر نیز به منظور بررسی پایایی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان، از روش آلفای کرون‌باخ استفاده شد، که مقدار عددی این ضریب برای سؤال‌های مربوط به عوامل خرده‌مقیاس‌های پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب، برابر با ۰/۸۴، ۰/۸۲، و ۰/۶۱ بود.

### یافته‌ها

سؤال اول پژوهش حاضر، پیش‌بینی رضایت از روابط زناشویی بر اساس دشواری کار زنان بود، که بدین منظور از تحلیل رگرسیون استفاده شد و نتیجه نشان داد که دشواری کار زنان شاغل، پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار برای رضایت از روابط زناشویی نیست ( $p < ۰/۰۸$ ؛  $\beta = -۰/۱۴$ ).

در مورد سؤال دوم و این که آیا دشواری کار زنان، اختلالات رفتاری کودکان (شامل پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب) را پیش‌بینی می‌کند یا خیر، در تحلیل‌های رگرسیونی جداگانه، سه نمره‌ی مربوط به اختلالات پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب به عنوان متغیر پیش‌بینی‌شونده وارد معادله شدند و نتایج نشان داد دشواری کار زنان در زمینه‌ی اولین بُعد اختلالات رفتاری، یعنی پرخاش‌گری، پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار است ( $p < ۰/۰۲$ ؛  $\beta = ۰/۱۸$ )، اما در دو بُعد دیگر، یعنی گوشه‌گیری ( $p < ۰/۰۷۶$ ؛  $\beta = ۰/۱۰$ ) و اضطراب ( $p < ۰/۰۹$ )؛ این امر صادق نیست. خلاصه‌ی نتایج این تحلیل‌ها در جدول ۲ ارائه شده‌است.

<sup>۱</sup> Conners Behavior Rating Scale



جدول ۲- پیش‌بینی اختلال‌های رفتاری فرزندان، بر اساس دشواری کار مادران

متغیر پیش‌بین	متغیر وابسته	R	R <sup>۲</sup>	$\beta$	p
دشواری کار مادران	پرخاش‌گری	۰/۱۸	۰/۰۳۴	۰/۱۸	۰/۰۲
	گوشه‌گیری	۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۰۸
	اضطراب	۰/۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۸	۰/۰۷

برای پاسخ‌گویی به سؤال سوم پژوهش حاضر و این که «آیا مشارکت مردان (یا هم‌کاری همسر) در امور خانه، رضایت از روابط زناشویی را پیش‌بینی می‌کند؟»، بر پایه‌ی نتیجه‌ی تحلیل رگرسیونی، هم‌کاری همسر به طوری معنادار رضایت از روابط زناشویی را پیش‌بینی می‌کند ( $p < ۰/۰۰۰۱$ ;  $\beta = ۰/۶۵$ ). در جدول ۳ خلاصه‌ی نتایج این تحلیل ارائه شده‌است.

جدول ۳- پیش‌بینی رضایت از روابط زناشویی، با توجه به هم‌کاری همسران

متغیر پیش‌بین	متغیر وابسته	R	R <sup>۲</sup>	$\beta$	p
هم‌کاری همسران	روابط زناشویی	۰/۶۵	۰/۴۲	۰/۶۵	۰/۰۰۰۱

در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش، و این که آیا مشارکت مردان در امور خانه، اختلالات رفتاری کودکان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند یا خیر، تحلیل‌های رگرسیونی نتایج، برای ابعاد پرخاش‌گری ( $p < ۰/۰۹$ ;  $\beta = ۰/۱۱$ )، گوشه‌گیری ( $p < ۰/۰۶۶$ ;  $\beta = -۰/۸۵$ )، و اضطراب ( $p < ۰/۰۰۷$ ;  $\beta = -۰/۰۳$ ) نشان داد که متغیر مشارکت مردان هیچ کدام از این ابعاد اختلالات رفتاری را پیش‌بینی نمی‌کند.

سؤال پنجم این پژوهش، در مورد امکان پیش‌بینی اختلالات رفتاری فرزندان بر اساس رضایت از روابط زناشویی بود. یافته‌ها نشان داد که رضایت از روابط زناشویی، بعد پرخاش‌گری ( $p < ۰/۰۰۱$ ;  $\beta = -۰/۲۰$ ) و گوشه‌گیری ( $p < ۰/۰۰۳$ ;  $\beta = -۰/۲۴$ ) را به طوری معنادار پیش‌بینی می‌کند، اما در مورد بعد اضطراب، پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار نیست ( $p < ۰/۰۷۸$ ;  $\beta = ۰/۰۴$ ). در جدول ۴ خلاصه‌ی نتایج تحلیل‌های مربوط به این سؤال نشان داده شده‌است.

جدول ۴- پیش‌بینی اختلال‌های رفتاری فرزندان، بر اساس رضایت از روابط زناشویی والدین

متغیر پیش‌بین	متغیر وابسته	R	R <sup>۲</sup>	$\beta$	p
رضایت از روابط زناشویی	پرخاش‌گری	۰/۲۰	۰/۰۴	-۰/۲۰	۰/۰۱
	گوشه‌گیری	۰/۲۲	۰/۰۵	-۰/۲۲	۰/۰۳
	اضطراب	۰/۱۲	۰/۰۱	-۰/۱۲	بی‌معنا

در مورد سؤال ششم و این که آیا دشواری کار و هم‌کاری همسر با حضور متغیر رضایت از روابط زناشویی در معادله‌ی رگرسیون، اختلالات رفتاری کودکان را پیش‌بینی می‌کنند یا خیر، نتایج نشان داد از میان سه متغیر پیش‌گفته برای پیش‌بینی پرخاش‌گری، متغیر دشواری کار ( $\beta = 0.19$ ;  $p < 0.01$ ) دارای قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری است، اما در مورد متغیرهای رضایت از روابط زناشویی ( $\beta = -0.17$ ;  $p < 0.08$ ) و هم‌کاری همسر ( $\beta = -0.68$ ;  $p < 0.01$ )، چنین وضعیتی حکم‌فرما نیست؛ همچنین، در مورد تأثیر هم‌زمان متغیرهای دشواری کار و هم‌کاری همسر بر بُعد گوشه‌گیری، با حضور متغیر رضایت از روابط زناشویی در معادله رگرسیونی، یافته‌ها نشان دادند که تنها رضایت از روابط زناشویی است که گوشه‌گیری کودکان را به طوری معنادار پیش‌بینی می‌کند ( $\beta = -0.28$ ;  $p < 0.005$ ) و دو متغیر دشواری کار ( $\beta = -0.07$ ;  $p < 0.07$ ) و هم‌کاری همسر ( $\beta = -0.14$ ;  $p < 0.061$ ) نمی‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار برای گوشه‌گیری باشند. در جدول ۵ خلاصه‌ی نتایج آماری تحلیل‌های اخیر ارائه شده‌است.

جدول ۵- پیش‌بینی اختلال‌های فرزندان، با توجه به دشواری کار مادر، هم‌کاری همسر، و رضایت از روابط زناشویی

متغیر وابسته	متغیر پیش‌بین	R	R <sup>2</sup>	$\beta$	p
پرخاش‌گری	دشواری کار	0.28	0.08	0.19	0.01
	هم‌کاری همسر			-0.09	بی‌معنا
	روابط زناشویی			-0.17	بی‌معنا
گوشه‌گیری	دشواری کار	0.26	0.06	0.07	بی‌معنا
	هم‌کاری همسر			0.14	بی‌معنا
	روابط زناشویی			-0.30	0.005
اضطراب	دشواری کار	0.19	0.03	0.06	بی‌معنا
	هم‌کاری همسر			0.17	بی‌معنا
	روابط زناشویی			-0.23	0.04

همان گونه که از جدول ۵ برمی‌آید، نتیجه‌ی تحلیل رگرسیونی برای عامل اضطراب، به عنوان متغیر پیش‌بینی‌شونده، نشان داد که متغیرهای دشواری کار ( $\beta = 0.19$ ;  $p < 0.08$ ) و هم‌کاری همسر ( $\beta = 0.06$ ;  $p < 0.075$ ) نتوانسته‌اند مقدار معنادار از واریانس اضطراب را تبیین کنند، ولی رضایت از روابط زناشویی ( $\beta = -0.23$ ;  $p < 0.04$ ) توانسته‌است پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار برای اضطراب کودکان باشد.



## بحث و نتیجه‌گیری

بررسی تأثیر دشواری کار زنان شاغل و هم‌کاری همسران آن‌ها در امور منزل بر رضایت آنان از روابط زناشویی و نیز بررسی تأثیر همه‌ی این متغیرها بر اختلالات رفتاری فرزندان، هدف پژوهش حاضر است؛ در همین راستا شش سؤال پژوهشی مطرح شد که در ادامه، ضمن ارائه‌ی نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، نکات قابل‌بحث و تبیین‌های مرتبط با آن‌ها ارائه شده‌اند.

در بررسی سؤال اول پژوهش معلوم شد که دشواری کار زنان، رضایت از روابط زناشویی را، دست‌کم با توجه به اطلاعات جمع‌آوری‌شده در این پژوهش، به طوری معنادار پیش‌بینی نمی‌کند و این یافته از چند جنبه نیازمند توجه و تبیین است؛ اول آن که تقریباً بخشی عمده از ادبیات پژوهشی، بیان‌گر رابطه (اعم از مثبت و منفی) اشتغال زنان و رضایت از روابط زناشویی است (برای نمونه، ری‌نولدز، کالندر، و ادواردز<sup>۱</sup> ۲۰۰۳) و هرچند برخی پژوهش‌ها رابطه‌ی در این مورد به دست نیاوردند (برای نمونه، عباسی گرمودی ۱۳۷۵)، یافته‌ی مورد بحث را می‌توان به نوعی با یافته‌های گروه دوم هم‌سو دانست. دوم آن که مشاغل مادرانی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفتند، واریانس کمی دارد؛ یعنی به طور کلی، مادرانی که به مشاغل سطح متوسط و بالاتر (مانند پزشکی، وکالت، دبیری، پرستاری، و نظایر آن، که به طور ذاتی مستلزم رشد فرهنگی بالاتر اند) اشتغال دارند، با ثبت‌نام فرزندان خود در مهد کودک (با تنوع و تفاوت در نوع خدمات ارائه‌شده)، سعی در جبران عدم حضور خود در کنار فرزندان‌شان دارند. این مسئله زمانی مهم‌تر می‌شود که بدانیم استفاده از خدمات و امکانات مهدکودک‌ها، در بسیاری از موارد نیازمند صرف هزینه‌های مالی است و این امر نمی‌تواند با درآمد مادران شاغل در سطوح پایین رده‌بندی مشاغل هماهنگ باشد. مسئله‌ی دیگر این یافته نیز تعداد آزمودنی‌ها و امکان حصول یافته‌هایی متفاوت در مورد رابطه‌ی بین متغیرهای مورد بحث، هنگام انجام پژوهش با حجم نمونه‌ی بیش‌تر است.

یافته‌ی دیگر این پژوهش، که در واقع حاصل تحلیل‌های انجام‌شده برای پاسخ‌گویی به سؤال دوم پژوهش بود، نشان داد که دشواری کار مادر، از بین اختلالات رفتاری کودکان، تنها عامل پرخاش‌گری را پیش‌بینی می‌کند. تبیینی که می‌توان مطرح کرد این است که مشاغل دشوار و سخت، فشار بیش‌تری را بر مادر وارد می‌کند و در نتیجه انتظار است که این خستگی و فشار، هنگام درخواست‌ها و اشتباه‌های کودک، به صورت خشونت

<sup>1</sup> Reynolds, Tracey, Claire Callender, and Rosalind Edwards

در کلام و رفتار نمود پیدا کند و با توجه به این که اولین الگوی رفتاری کودک، مادر است، این روش ارتباطی مورد الگوبرداری کودک واقع شود؛ بنا بر این، ممکن است فشار واردشده از کار بر مادر، پس از انتقال به کودک، منجر به ناسازگاری در رفتار و متوسل شدن به خشونت و پرخاش‌گری در برابر دیگران شود. این یافته با پژوهش بلسکی و اگه‌بین<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) و گرین‌شتاین<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) هم‌سوئی دارد و بر پایه‌ی یافته‌های پژوهش‌گران مذکور، کودکان مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران غیرشاغل، به طوری معنادار، نمرات سازگاری رفتاری پایین‌تری را کسب کرده‌اند.

در زمینه‌ی عدم پیش‌بینی گوشه‌گیری بر اساس دشواری کار مادر، این توجیه قابل‌طرح است که مادران شاغل، به دلیل اشتغال، فرصت نگاه‌داری تمام‌وقت از کودک را ندارند؛ بنا بر این در زمان عدم حضور مادر در خانه، دیگر اعضای خانواده و یا مؤسسه‌های نگاه‌داری از کودکان، این مسئولیت را به عهده می‌گیرند، که این امر منجر به تعامل بیش‌تر کودک با دیگر اعضای جامعه و افزایش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی می‌شود؛ پس دور از انتظار نیست که اشتغال مادر در زمینه‌ی گوشه‌گیری، تأثیری معنادار نداشته‌باشد.

اضطراب یکی از اختلالات روان‌شناختی است که بی‌قراری، پرخاش‌گری، و تحمل نکردن دیگران از مشخصات آن است و در برخی از کودکان به صورت ناخن جویدن و کج‌خلقی بروز می‌کند؛ بنابراین با توجه به این که نمود رفتاری اضطراب، به‌صورت اختلالات دیگر بیرونی است، ممکن است والدین در شناسایی آن دچار اشتباه شده، آن را به عنوان اختلالات بیرونی آشکار، تشخیص دهند. هاول<sup>۳</sup> (۱۹۷۳)، برگرفته از یارای (۱۳۷۸) و فالین، گاریبولدی، و بونی<sup>۴</sup> (۱۹۹۳) در زمینه‌ی اضطراب و دیگر رفتارهای ضداجتماعی، عدم تفاوت معنادار را بین کودکان مادران شاغل و غیرشاغل گزارش داده‌اند؛ بدین ترتیب، عدم پیش‌بینی اضطراب را با توجه به دشواری کار مادر می‌توان تبیین کرد.

سوال سوم پژوهش، مربوط به همکاری همسران در خانواده‌هایی است که مادران، شاغل اند. پس از بررسی نقش این همکاری در افزایش رضایت از روابط زناشویی در قالب یکی از سوال‌های پژوهشی، نتایج نشان داد که مشارکت همسران زنان شاغل در امور منزل، تأثیری مستقیم و معنادار بر رضایت از روابط زناشویی دارد. این یافته با نتایجی که سایر پژوهش‌گران (برای نمونه، اریکسون<sup>۵</sup> (۱۹۹۳) گزارش داده‌اند نیز هم‌سو است.

<sup>۱</sup> Belsky, Jay, and David Eggebeen

<sup>۲</sup> Greenstein, Theodore N.

<sup>۳</sup> Howell, Mary C.

<sup>۴</sup> Fein, Greta G., Antonio Gariboldi, and Raffaella Boni

<sup>۵</sup> Erickson, Rebecca J.





سوال چهارم پژوهش بر این اساس مطرح شده‌بود که هر چه تقسیم وظایف و مشارکت همسران در منزل بیشتر باشد، رضایت از روابط زناشویی و به دنبال آن، تعامل والدین با فرزندان نیز بیشتر می‌شود و در نهایت ناسازگاری‌ها و اختلالات رفتاری کودکان کاهش می‌یابد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که هم‌کاری مردان در خانه، دست‌کم با توجه به اطلاعات جمع‌آوری‌شده در این پژوهش، اختلالات رفتاری کودکان را پیش‌بینی نمی‌کند. گفتنی است که در این زمینه، از پژوهش‌های پیشین نیز نتیجه‌ی مشخص قابل‌استنباط نیست و به منظور اظهار نظر و مشخص شدن وجود و عدم وجود ارتباط بین متغیرهای ذکرشده، نیاز به بررسی‌های بیشتر است.

در پاسخ به سوال پنجم، در مورد تأثیر رضایت از روابط زناشویی بر اختلالات رفتاری فرزندان، تحلیل‌ها نشان داد که رضایت از روابط زناشویی، از بین اختلالات رفتاری کودکان، دو عامل پرخاش‌گری و گوشه‌گیری را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند. بر پایه‌ی نظر جیکوبسن و فری<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) نیز انتظار چنین است که هر چه والدین رابطه‌ی بهتر با یکدیگر داشته‌باشند، رفتارهای فرزندان نیز به طور مثبت تأثیر پذیرد و اختلالات رفتاری کاهش پیدا کند. در زمینه‌ی اضطراب اما، رضایت از روابط زناشویی نتوانست پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار باشد.

بررسی این که آیا دشواری کار زنان، مشارکت مردان در امور خانه، و رضایت از روابط زناشویی، به طور هم‌زمان، اختلالات رفتاری کودکان را پیش‌بینی می‌کنند یا خیر، با توجه به نتایج حاصل می‌توان چنین فرض کرد که رضایت از روابط زناشویی، علاوه بر این که بر اختلالات رفتاری کودکان تأثیر مستقیم دارد، می‌تواند به عنوان یک متغیر واسطه‌ی بین هم‌کاری همسر و اختلالات رفتاری نیز ایفای نقش کند. بررسی درستی این فرض نیازمند انجام پژوهش‌های مقدماتی بیشتر و در نهایت، استفاده از تحلیل مسیر است.

بدین ترتیب، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که بین رضایت از روابط زناشویی و اختلالات رفتاری کودکان، رابطه‌ی منفی؛ بین اختلالات رفتاری کودکان (و به طور مشخص پرخاش‌گری) و دشواری کار مادران شاغل، ارتباط مثبت؛ و بین هم‌کاری مردان در امور خانه و اختلالات رفتاری کودکان هیچ رابطه‌ی وجود ندارد.

از میان محدودیت‌های پیش روی پژوهش حاضر می‌توان به این مسئله اشاره کرد که بیشتر افراد حاضر نیستند برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها وقت و دقت کافی صرف کنند و ایجاد انگیزه‌ی درونی برای همه‌ی آن‌ها و در همه‌ی موقعیت‌ها مشکل است؛ از سوی دیگر،

<sup>1</sup> Jacobson, Sandra W., and Karen F. Frye

امکانات لازم جهت ایجاد انگیزه‌ی بیرونی هم در اختیار پژوهش‌گران قرار نمی‌گیرد و این امر به طور حتم از روایی نتایج خواهدکاست. در این پژوهش، برخی مادران شاغل، به‌رغم ارائه‌ی تشویق‌های کلامی و توضیحات لازم در مورد علمی و محرمانه بودن اطلاعاتی که از طریق تکمیل پرسش‌نامه در اختیار پژوهش‌گران قرار می‌دهند، حاضر به همکاری با پژوهش‌گران و تکمیل پرسش‌نامه‌های مربوط به پژوهش نشدند و این مسئله باعث کاهش حوزه‌ی تعمیم‌دهی نتایج شد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، حجم نمونه‌ی بیشتری مورد بررسی قرار گیرد و نیز به این مسئله توجه شود که انجام پژوهش‌های مشابه با این پژوهش، در دوره‌های تحصیلی دیگر، مقایسه‌ی فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار، و تأثیر اشتغال مادر بر فرزندان دختر و پسر می‌تواند مفید باشد.



## منابع

- ابراهیمی، عصمت. ۱۳۷۲. «بررسی تأثیر اشتغال مادر بر سازگاری اجتماعی دختران دوره‌ی دبستانی در شهر تهران». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران.
- احمدی، علی‌اصغر، و سیدحسن تقوی. ۱۳۸۲. «تأثیر اشتغال مادران بر کارکرد رفتاری و آموزشی فرزندان». *پژوهش زنان* ۱۱(۵):۱۰۵-۱۲۴.
- اونادی، مریم. ۱۳۸۰. «بررسی تأثیر اشتغال زن بر سلامت روانی همسر». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- خیر، محمد. ۱۳۷۶. «بررسی رابطه‌ی برخی از شاخص‌های طبقه‌ی اجتماعی با پیشرفت تحصیلی در گروهی از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان نظام جدید». *مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز* ۱۲(۲):۷۷-۱۱۴.
- خیر، محمد، و سیامک سامانی. ۱۳۸۳. «مقایسه‌ی سلامت روانی-اجتماعی، بهداشت عمومی، رضایت از زندگی در بین مادران شاغل و خانه‌دار در شهر شیراز». گزارش طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه شیراز، شیراز.
- دانش، عصمت، و نرگس سلیمی‌نیا. ۱۳۸۵. «نیازهای دسته‌ی الف مورای در کودکان سه تا ۱۰ساله‌ی مادران شاغل و خانه‌دار». *اندیشه و رفتار: مجله‌ی روان‌پژوهی و روان‌شناسی بالینی ایران* ۱۲(۴):۳۷۹-۳۷۹.
- سامانی، سیامک. ۱۳۷۵. «بررسی اعتبار و قابلیت اطمینان مقیاس CBCL». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- عباسی گرمرویی، علی‌اکبر. ۱۳۷۵. «بررسی رابطه‌ی بین اشتغال زنان و رضایت زناشویی آنان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن، رودهن.
- کاووسیان، جواد، و پروین کدیور. ۱۳۸۴. «نقش برخی عوامل خانوادگی در خودپنداره‌ی خانوادگی دانش‌آموزان دبیرستانی». *رفاه اجتماعی* ۵(۱۹):۹۱-۱۱۱.
- مهدی‌زادگان، ایران. ۱۳۷۰. «اشتغال مادران و اختلالات رفتاری کودکان». *بهداشت جهان* ۱۳(۳۸):۳۲-۳۷.
- هوشنگ، محمدعلی. ۱۳۷۸. «بررسی اختلالات عاطفی-رفتاری میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی دارای مادران شاغل و غیرشاغل در سطح شهرستان جهرم». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- یارابی، طاهره. ۱۳۷۸. «تأثیر اشتغال مادران در پنج سال اول زندگی کودک بر رشد شناختی و اجتماعی کودکان دبستانی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- یوسفی، معصومه. ۱۳۸۰. «بررسی تأثیر عوامل مرتبط با اشتغال زنان بر بروز اختلالات خانوادگی: مطالعه‌ی واحدهای تولیدی شهر شیراز». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- Aughinbaugh, Alison, and Maury Gittleman. 2004. "Maternal Employment and Adolescent Risky Behavior." *Journal of Health Economics* 23(4):815-838
- Baum, Charles L. 2004. "The Long-Term Effects of Early and Recent Maternal Employment on a Child's Academic Achievement." *Journal of Family Issues* 25(1):29-60.

- Baydar, Nazli, and Jeanne Brooks-Gunn. 1991. "Effects of Maternal Employment and Child-Care Arrangements on Preschoolers' Cognitive and Behavioral Outcomes: Evidence from the Children of the National Longitudinal Survey of Youth." *Developmental Psychology* 27(6):932-945.
- Belsky, Jay, and David Eggebeen. 1991. "Early and Extensive Maternal Employment and Young Children's Socioemotional Development: Children of the National Longitudinal Survey of Youth." *Journal of Marriage and the Family* 53(4):1083-1098.
- Benasich, April Ann, and Jeanne Brooks-Gunn. 1996. "Maternal Attitudes and Knowledge of Child-Rearing: Associations with Family and Child Outcomes." *Child Development* 67(3):1186-1205.
- Erickson, Rebecca J. 1993. "Reconceptualizing Family Work: The Effect of Emotion Work on Perceptions of Marital Quality." *Journal of Marriage and the Family* 55(4):888-900.
- Fein, Greta G., Antonio Gariboldi, and Raffaella Boni. 1993. "Antecedents of Maternal Separation Anxiety." *Merrill-Palmer Quarterly* 39(4):481-495.
- Gordon, Rachel A., Robert Kaestner, and Sanders Korenman. 2007. "The Effects of Maternal Employment on Child Injuries and Infectious Disease." *Demography* 44(2):307-334.
- Gottfried, Adele Eskeles, Allen W. Gottfried, and Kay Bathurst. 1988. "Maternal Employment, Family Environment, and Children's Development: Infancy through the School Years." Pp. 11-58 in *Maternal Employment and Children's Development: Longitudinal Research*, edited by Adele Eskeles Gottfried and Allen W. Gottfried. New York, NY, USA: Plenum Press.
- Greenstein, Theodore N. 1993. "Maternal Employment and Child Behavioral Outcomes: A Household Economics Analysis." *Journal of Family Issues* 14(3):323-354.
- Han, Wen-Jui, Jane Waldfogel, and Jeanne Brooks-Gunn. 1999. "Long-Run Effects of Early Maternal Employment on Children's Achievement and Behavior." Paper presented at the 64<sup>th</sup> Annual Meeting of Population Association of America, 25-27 March 1999, New York, NY, USA.
- Huston, Aletha C., and Stacey Rosenkrantz Aronson. 2005. "Mothers' Time with Infant and Time in Employment as Predictors of Mother-Child Relationships and Children's Early Development." *Child Development* 76(2):467-482.
- Jacobson, Sandra W., and Karen F. Frye. 1991. "Effect of Maternal Social Support on Attachment: Experimental Evidence." *Child Development* 62(3):572-582.
- McCartney, Kathleen, and Saul Rosenthal. 1991. "Family Mediators of the Effects of Maternal Employment in the First Year of Life." Paper Presented at the Biennial Meetings of the Society for Research in Child Development, 18-20 April 1991, Seattle, WA, USA.
- Parcel, Toby L., and Elizabeth G. Menaghan. 1990. "Maternal Working Conditions and Children's Verbal Facility: Studying the Intergenerational Transmission of Inequality from Mothers to Young Children." *Social Psychology Quarterly* 53(2):132-147.
- . 1994a. "Early Parental Work, Family Social Capital, and Early Childhood Outcomes." *The American Journal of Sociology* 99(4):972-1009.
- . 1994b. *Parents' Jobs and Children's Lives*. New York, NY, USA: Aldine de Gruyter.



- Reynolds, Tracey, Claire Callender, and Rosalind Edwards. 2003. *Caring and Counting: The Impact of Mothers' Employment on Family Relationships*. New York, NY, USA: Policy Press.
- Roberts, Paul. 2002. "The Effect of Changes in Maternal Employment and Family Composition on Children's Behavior." Working Paper No. W-02-3-2E, Applied Research Branch, Strategic Policy, Human Resources Development Canada, Hull, Quebec, Canada. Retrieved 1 May 2006 (<http://www.hrsdc.gc.ca/en/cs/sp/sdc/pkrf/publications/research/2002-002373/page00.shtml>).
- Rogers, Stacy J., Toby L. Parcel, and Elizabeth G. Menaghan. 1991. "The Effects of Maternal Working Conditions and Mastery on Child Behavior Problems: Studying the Intergenerational Transmission of Social Control." *Journal of Health and Social Behavior* 32(2):145-164.
- Rosenthal, Saul. 1993. "The Social Ecology of Early Maternal Employment: Effects on Verbal Intelligence and Behavior Problems in a National Sample." Paper Presented at the Biennial Meetings of the Society for Research in Child Development, 25-28 March 1993, New Orleans, LA, USA.
- Ruhm, Christopher J. 2006. "Maternal Employment and Adolescent Development." Retrieved 26 September 2007 (<http://www.uncg.edu/eco/cjruhm/papers/maternal.pdf>).
- Quay, Herbert C. 1983. "A Dimensional Approach to Behavior Disorder: The Revised Behavior Problem Checklist." *School Psychology Review* 12(3):244-249.
- Vandell, Deborah Lowe, and Janaki Ramanan. 1992. "Effects of Early and Recent Maternal Employment on Children from Low-Income Families." *Child Development* 63(4):938-949.

### نویسندگان

#### زهرا اقدامی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی  
z\_eghdami@yahoo.com

مدرس مدعو دانشگاه پیام نور و جامع علمی-کاربردی، شیراز؛  
هم‌کار مراکز مشاوره‌ی شیراز.

#### دکتر مسعود حسین‌چاری

استادیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز  
hchari@shirazu.ac.ir

از وی تا کنون مقالاتی در زمینه‌ی فرهنگ مدرسه، مهارت‌های ارتباطی، اختلالات رفتاری و روان‌شناسی مذهبی به چاپ رسیده‌است.

**Blank**

## بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان با تأکید بر تغییرات سیاسی-اجتماعی

جواد صادقی جعفری

مریی دانشگاه سوره

### چکیده

نوشتار حاضر بر آن است که با تأکید بر تغییرات سیاسی-اجتماعی دهه‌های اخیر در ایران، به بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان بپردازد. تغییرات سیاسی-اجتماعی در این مقاله، با مؤلفه‌های جنگ، دوره‌ی سازندگی، و دوره‌ی موسوم به اصلاحات مشخص شده و پس از مقایسه با واقعیات (آمارهای رسمی)، تغییر سیمای زن در ۲۲ داستان نمونه، مورد بررسی قرار گرفته‌است. منابع مورد بررسی، کتاب‌های داستانی منتشرشده به وسیله‌ی کانون پرورش فکری کودکان در طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۴ است و در بررسی نمونه‌ی آماری از روش تحلیل محتوا استفاده شده‌است. نتیجه‌ی به‌دست‌آمده بیان‌گر عدم تغییر نگرش نویسندگان نسبت به نقش‌های جنسیتی طی سه دوره‌ی زمانی، به‌رغم تغییر در واقعیات‌ها، است. حضور کمی، نقش‌های خانوادگی، سواد، اشتغال، و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان. شاخص‌های مربوط به سیمای زن در این مقاله است.

### واژگان کلیدی

نقش زن؛ نقش‌های جنسیتی؛ سیمای زن؛ تغییرات اجتماعی-سیاسی؛ ادبیات کودکان؛ کانون پرورش فکری کودکان؛

زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و مشارکت آن‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، برای رسیدن به اهداف توسعه‌ی پایدار، ضرورتی انکارناپذیر محسوب می‌شود؛ پس نمی‌توان از توسعه‌یافتگی سخن گفت، در حالی که نیمی از جمعیت کشور امکان بروز و پیدایش استعدادهای خود را، آن‌چنان که مطلوب است، ندارد و نقش‌هایی را که به عهده می‌گیرد با معیارهای توسعه‌یافتگی هماهنگ نیست. به نظر برخی از صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان، یکی از عوامل بازدارنده‌ی زنان از دستیابی به نقش‌های در خور استعدادشان در بزرگ‌سالی، آموزه‌هایی است که زنان در طی زمان، به‌ویژه در دوران کودکی و نوجوانی، و در فرآیند اجتماعی شدن<sup>۱</sup>، از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی و نیز سایر نهادهای اجتماعی دریافت می‌کنند.

متغیر شیوه‌ی اجتماعی شدن، در کنار سایر عوامل، اهمیتی خاص دارد و شناخت عوامل مؤثر در این فرآیند ضروری است. گیلنر<sup>۲</sup>، جامعه‌شناس معاصر، در فصل «اجتماعی شدن و امور زندگی». کتاب معروف خود، *جامعه‌شناسی*<sup>۳</sup> (۱۳۸۲)، به عوامل اجتماعی شدن اشاره می‌کند و خانواده، روابط هم‌سالان، و رسانه‌های همگانی را جزئی از عوامل اجتماعی شدن می‌داند. گیلنر در توضیح رسانه‌های همگانی می‌گوید: «روزنامه‌ها، کتاب‌ها، رادیو، تلویزیون، فیلم‌ها، موسیقی ضبط‌شده، و مجلات عمومی، ما را در ارتباط نزدیک با تجاری قرار می‌دهند که به گونه‌ی دیگری نمی‌توانستیم آگاهی چندانی از آن‌ها داشته باشیم.» (ص ۱۰۶). او کتاب، به طور کلی، و در نتیجه کتاب‌های کودکان را از جمله عوامل اجتماعی شدن در دنیای معاصر می‌داند و معتقد است تأثیری غیرقابل‌انکار بر روند اجتماعی شدن افراد دارند.

*آسیموف*<sup>۴</sup> نیز در برشمردن اهداف ادبیات کودکان، با بیان آماده کردن کودک برای شناختن، دوست داشتن، و ساختن محیط، به عنوان نخستین هدف، می‌گوید: «از طریق ادبیات است که کودکان و نوجوانان مسائل مختلف را می‌شناسند و راه‌های گوناگون روبه‌رو شدن با آن‌ها را می‌بینند و تجربه می‌کنند و در نتیجه‌ی این گسترش دید و تخیل، قدرت تفکر و سازندگی بیش‌تر به دست می‌آورند.» (برگرفته از حجازی ۱۳۷۴: ۲۱). کودکان از طریق کتاب با واقعیت‌های اجتماعی آشنا می‌شوند و به عبارت بهتر، خود را با آنچه به عنوان واقعیت اجتماعی برای آن‌ها ترسیم می‌شود هماهنگ می‌کنند. «در واقع، از راه کتاب است

<sup>1</sup> Socialization

<sup>2</sup> Giddens, Anthony

<sup>3</sup> *Sociology*

<sup>4</sup> Asimov, Isaac





که کودک چهره‌ی اجتماع را می‌بیند و با نقش‌ها و روش‌هایی که باید رعایت کند آشنا می‌شود.» (اسکونس‌برگ<sup>۱</sup> ۱۹۷۴، برگرفته از جعفرزاد ۱۳۶۳: ۱۸).

با قبول این دیدگاه، کتاب‌های کودکان را می‌توان از جمله ابزاری دانست که در آموزش و نهادینه کردن ارزش‌ها، اعتقادات، و هنجارهای اجتماعی نقشی مؤثر دارند و با شکل دادن قالب‌های ذهنی کودکان و مخاطبان، آن‌ها را برای زندگی اجتماعی آماده می‌سازند.

با توجه به آنچه گفته‌شد، این پرسش پیش می‌آید که کارکرد کتاب‌های کودکان، در گذشته و حال و در مورد آماده‌سازی زنان برای پذیرفتن نقش‌های اجتماعی مناسب در جامعه چه‌گونه بوده‌است؟ آیا ارزش‌های ترویج و تقویت‌شده در کتب آموزشی و غیرآموزشی، منطبق بر واقعیت‌ها و متناسب با نیازهای امروز زندگی اجتماعی است؟

پژوهش‌های داخلی و خارجی پاسخی مثبت به این پرسش نمی‌دهند. به گفته‌ی میشل<sup>۲</sup> (۱۳۸۱) «کتاب‌های کودکان و نوجوانان از مؤثرترین عوامل انتقال ارزش‌ها و عقاید مبتنی بر تبعیض جنسی است.» (ص ۳۶). وی توضیح می‌دهد که این کتاب‌ها از دو روش انکار واقعیت‌های اجتماعی و تنوع موقعیت‌ها، و نیز قبول وضع موجود، عدم انتقاد به آن، و پذیرش ضمنی نابرابری‌های جنسی، به موضوع دامن می‌زنند و به القای تبعیض جنسی در ذهن کودکان می‌پردازند.

گرت<sup>۳</sup> (۱۳۸۲) می‌گوید: «پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد ادبیات کودکان، کلیشه‌های جنسیتی سنتی را تقویت می‌کند. این به معنای وجود کلیشه‌ها، تصویر جهانی مردسالار، و ماهیت غیرواقعی جهان در اکثر داستان‌ها است. در افسانه‌های پریان (نظیر زیبای خفته یا سیندرلا) زنان و دختران را وابسته و قربانی جلوه می‌دهند؛ حال آن که مردان، قهرمانانی عاشق‌پیشه و مشکل‌گشایانی زیرک اند. معمولاً شخصیت اصلی داستان‌ها مرد یا پسر است.» (ص ۴۲). وی به پژوهش‌های بری‌من<sup>۴</sup> (۱۹۷۷)، شارپ<sup>۵</sup> (۱۹۷۶؛ ۱۹۸۴)، و واکرداین<sup>۶</sup> (۱۹۸۴) در این زمینه اشاره کرده، توضیح می‌دهد که چه‌گونه داستان‌های کودکان به لحاظ موضوع داستان، نوع شخصیت‌ها، و فعالیت شخصیت‌های داستانی، به تبعیض جنسی<sup>۷</sup> دامن می‌زنند و وضعیت موجود را طبیعی نشان می‌دهند. نتیجه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده به وسیله‌ی یونسکو<sup>۸</sup> در سال ۱۹۸۱، نشان داد که کلیشه‌های تبعیض‌آمیز جنسی در کتاب‌های کودکان همه‌ی کشورهای مورد مطالعه وجود دارد و عمده‌ی این کلیشه‌ها به ضرر زنان است (میشل ۱۳۸۱).

<sup>1</sup> Skjongsberg, Kari

<sup>2</sup> Michel, Andrée

<sup>3</sup> Garrett, Stephanie

<sup>4</sup> Braman, O.

<sup>5</sup> Sharpe, S.

<sup>6</sup> Walkerdine, N.

<sup>7</sup> Sexism

<sup>8</sup> United Nations Educational Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

مطالعات صورت گرفته در ایران نیز بیانگر این نکته است که در کتاب‌های درسی و غیردرسی منتشرشده، عمدتاً نوعی سوبه‌گیری آشکار یا پنهان در ارائه‌ی تصویر زنان به چشم می‌خورد و واقعیت‌های موجود در زمینه‌ی نقش‌های شغلی، خانوادگی، و اجتماعی زنان به‌خوبی منعکس نشده‌است (اعزازی ۱۳۷۰؛ کاوکانی اصل ۱۳۷۶؛ رضایی‌نژاد ۱۳۸۰؛ محمدی اصل ۱۳۸۱). این در حالی است که جامعه به لحاظ شرایط اجتماعی و سیاسی (انقلاب اسلامی، جنگ هشت‌ساله، و حاکمیت جناح‌های مختلف سیاسی در قوای مقننه و مجریه) طی دهه‌های گذشته، به‌ویژه در دوره‌ی موسوم به اصلاحات، از جهت توجه به مسائل زنان، تغییراتی قابل‌ملاحظه را تجربه کرده‌است.

انقلاب‌های سیاسی معمولاً تغییر در نظام ارزشی جامعه را به همراه دارند. انقلاب اسلامی سال ۵۷ نیز با توجه به ماهیت دینی خود، نگاهی تازه و متناسب با ارزش‌های برگرفته از دین اسلام، نسبت به زنان ایجاد کرد (به‌ویژه در ادبیات رسمی). جنگ هشت‌ساله نیز در زندگی زنان بی‌تأثیر نبود. حضور پررنگ زنان در جریان انقلاب اسلامی و سپس سامان‌دهی ستادهای حمایت از رزمندگان و مدیریت خانه در نبود مردان، از جمله اتفاقاتی مهم زندگی زنان در این دوره است، ولی شرایط خاص دوره‌ی جنگ موجب شد تا ارتقای سطح زندگی آنان نتواند خود را به صورت یک مسئله‌ی اولویت‌دار در برنامه‌ریزی‌های کشور نشان دهد. پس از خاتمه‌ی جنگ و شروع دوره‌ی موسوم به سازندگی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵، با تدوین برنامه‌های اول و دوم توسعه، مسائلی چون بالا بردن سطح تحصیلات دختران، افزایش مشارکت زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، و اقتصادی، تأمین اجتماعی زنان و کودکان بی‌سرپرست، و ایجاد مکان‌های ورزشی مخصوص زنان و دختران مورد توجه قرار گرفت. طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، یعنی دوره‌ی موسوم به اصلاحات نیز، با تدوین برنامه‌های سوم و چهارم توسعه، به بالا بردن سطح زندگی زنان توجه شد؛ تا جایی که در برنامه‌ی چهارم، ۴۳ بند و ماده به مسائل زنان اختصاص یافت.

در واقعیت نیز شاخص‌های زندگی زنان طی سال‌های گذشته، همواره روندی رو به رشد داشته‌است. نسبت دانشجویان دختر به پسر از ۳۱ درصد در سال ۱۳۶۵، به ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۴ رسیده و در گستره‌های شغلی و عرصه‌های مدیریتی نیز حضور زنان افزایش یافته‌است؛ به گونه‌ی که طی سال‌های ۷۵ تا ۸۰، تعداد مدیران زن با ۱۰/۳۲ درصد رشد سالانه، از ۷۲۶ نفر به ۱۱۸۶ نفر رسیده‌است (کدیور ۱۳۸۴: ۱۳۵).

در فعالیت‌های سیاسی، به‌ویژه در دوره‌ی اصلاحات، نیز زنان حضوری فعال داشته‌اند و در دوره‌های ششم و هفتم مجلس، به ترتیب، ۷/۳ درصد و ۹/۹ درصد کاندیداها زن



بوده‌اند، که این نسبت در مجلس اول و دوم، ۳درصد و ۲درصد بوده‌است. رشد محسوس فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی زنان به‌گونه‌یی است که تعداد سازمان‌های غیردولتی زنان از ۵۵ مورد در سال ۱۳۷۵، به ۴۸۰ سازمان در سال ۸۳ رسیده‌است (مرکز امور مشارکت زنان ۱۳۸۱: ۱۳۸۴) و تعداد کتاب‌های تألیف، ترجمه، و یا تجدیدچاپ‌شده به وسیله‌ی زنان نیز از ۳۲۲۲ عنوان در سال ۷۶، به ۵۶۱۳ عنوان در سال ۷۹ افزایش یافته‌است (مؤسسه‌ی تحقیقات، بازتوانی، و بهبود زندگی زنان ۱۳۸۳).

با توجه به آنچه گفته‌شد، سؤال‌های مطرح‌شده این است که آیا با وجود چنین آماري از رشد حضور زنان، نگاه تولیدکنندگان و نویسندگان کتاب‌های کودکان، به عنوان بخشی از تاثیرگذاران امور فکری و فرهنگی، نسبت به زنان تغییر کرده‌است؟ وضعیت کتاب‌های داستانی منتشرشده‌ی کودکان در کشور، از نظر ارائه‌ی سیمای زن چه‌گونه است؟ تغییرات و اتفاقات مهم سیاسی-اجتماعی دهه‌های گذشته، مانند جنگ ایران و عراق و اجرای طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی و به دنبال آن تغییر در شاخص‌های مربوط به زندگی زنان، چه تأثیری در وضعیت آنان داشته و انعکاس آن در نوع نگاه جامعه (کتاب‌های کودکان) چه‌گونه بوده‌است؟

پژوهش حاضر در صدد آن است که به سؤال‌های مطرح‌شده پاسخ دهد.

### روش بررسی

۱- برای آگاهی از تغییرات سیاسی-اجتماعی، سه اتفاق مهم سال‌های اخیر، یعنی جنگ، دوره‌ی سازندگی، و دوره‌ی اصلاحات، به همراه شاخص‌های زندگی زنان در این سه دوره مورد بررسی قرار گرفت:

آ- پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ ایران و عراق (۱۳۵۷-۱۳۶۷)

ب- دوره‌ی سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۵)

پ- دوره‌ی اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴)

۲- با توجه به انتشار بخشی قابل‌توجه از کتاب‌های کودکان به وسیله‌ی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، داستان‌های منتشرشده‌ی این کانون، جامعه‌ی آماری را تشکیل داد و پس از فهرست‌بندی داستان‌ها در سه دوره‌ی زمانی و نمونه‌گیری تصادفی روش‌مند، ۲۲ داستان گروه سنی «ج» و بالاتر انتخاب شد.

۳- برای بررسی دقیق و کمی سیمای زن در کتابها، مقوله‌های مورد بررسی به صورت حضور کمی شخصیت‌های زن داستانی، نقش خانوادگی زن، نقش شغلی، وضعیت سواد، و فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی، تعیین، تعریف، و کدگذاری شد.

### مقایسه‌ی سیمای زن در داستان‌های سه دوره و هماهنگی آن با واقعیت

#### ۱- توزیع کمی شخصیت‌های زن و مرد

میزان حضور شخصیت‌های زن و مرد در داستان‌ها، یکی از مقوله‌هایی است که تفاوت آنان را در کتاب‌ها نشان می‌دهد. صاحب‌نظران معتقد اند با توجه به این که جمعیت زن و مرد در دنیای واقعی تقریباً برابر است، چنانچه در داستان‌ها تفاوتی محسوس در این زمینه وجود داشته‌باشد، آن داستان‌ها دارای سوپه‌گیری به نفع یک جنس است (میشل ۱۳۸۱: ۱۳). موضوع حضور کمی زنان از دو بعد قابل‌بررسی است؛ اول، حضور کلی زنان، که از شمارش تعداد شخصیت‌های زن و مرد داستان به دست می‌آید (بدون توجه به میزان حضور و نوع شخصیت آن‌ها)؛ و دوم، بررسی شخصیت‌های اصلی (شخصیتی که در طرح داستان، محور است). چنانچه در جدول ۱ دیده‌می‌شود، از مجموع شخصیت‌های داستانی سه دوره، ۲۹ درصد زن اند و تفاوتی قابل‌ملاحظه بین دو جنس، به ضرر زنان، به چشم می‌خورد. این تفاوت در هر سه دوره‌ی زمانی مورد بررسی وجود دارد، اما کم‌ترین میزان حضور در دوره‌ی اول (جنگ) است و مقایسه‌ی آمارهای دوره‌ی سوم (اصلاحات) با دوره‌ی اول (جنگ) نشان می‌دهد که کتاب‌ها از این نظر تفاوتی اندک داشته‌اند. در دوره‌ی دوم (سازندگی)، نسبت حضور شخصیت‌های زن بیشتر شده؛ هرچند که این تفاوت آماری، مربوط به یک داستان (مرغ عشق) است. در برخی از داستان‌ها نیز شخصیت زن به طور کلی (فرعی/اصلی) حضور ندارد و داستان‌های برای پدربزرگ و روز سرد دل‌های گرم از این دسته داستان‌ها است. مقایسه‌ی آمار شخصیت‌های داستانی با آمار جمعیتی نشان می‌دهد که میان واقعیت و داستان، تفاوتی قابل‌ملاحظه وجود دارد و در حالی که در دوره‌ی سوم، ۴۹ درصد جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، تنها ۲۸ درصد شخصیت‌های داستان‌ها زن اند.

صرف نظر از این که چه تعداد از شخصیت‌های داستانی را زنان تشکیل می‌دهند، این پرسش مطرح است که چند درصد شخصیت‌های اصلی داستان، مرد، و چند درصد



زن اند؟ آیا زنان در قالب شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار داستان نشان داده شده‌اند یا شخصیت‌های فرعی؟

جدول ۱- مقایسه‌ی نسبت زنان در واقعیت و داستان در سه دوره

دوره	درصد زنان		درصد شخصیت‌های اصلی زن به کل شخصیت‌های اصلی
	در جمعیت	در داستان	
دوره‌ی جنگ <sup>۱</sup>	٪۴۸٫۹	٪۲۱	٪۰
دوره‌ی سازندگی <sup>۲</sup>	٪۴۸٫۵	٪۳۸	٪۲۸
دوره‌ی اصلاحات <sup>۳</sup>	٪۴۹٫۰	٪۲۸	٪۱۰
جمع	—	٪۲۹	٪۱۲

<sup>۱</sup> سرشماری سال ۱۳۶۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۶۷) <sup>۲</sup> آمارگیری سال ۱۳۷۰ (مرکز آمار ایران ۱۳۷۳)

<sup>۳</sup> سرشماری سال ۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۷۶)

در مجموع ۲۲ داستان بررسی شده، ۲۴ شخصیت اصلی حضور دارند، که شخصیت اصلی سه داستان از ۲۲ داستان، (۱۳٫۶ درصد) زن، و سایر موارد (۱۹ داستان) مرد اند. در داستان *مثل چشم‌های بابا*، داستان در مورد دختری در سن دبستان است، اما موضوع اصلی را فداکاری پدر این شخصیت در جنگ تشکیل می‌دهد و در داستان *قلب زیبای بابور* نیز دختری نوجوان در تعریف خاطره‌ی سفر به بندر لنگه، به نقل داستانی می‌پردازد که در آن جا شنیده و قهرمان اصلی آن مرد است؛ بدین ترتیب، از سه شخصیت اصلی زن، دو شخصیت اصلی، بدون انجام کاری قهرمانانه یا مثبت، صرفاً بهانه‌ی برای تعریف داستانی دیگر اند و تنها در داستان *مرغ عشق* است که شخصیت اول و دوم زن اند و موضوع داستان تا حدودی زیاد مرتبط با مسائل زنان است؛ پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که تغییر در پرداخت به شخصیت‌های اصلی، در سه دوره‌ی مورد بررسی، تفاوت چندانی نداشته‌است (در دوره‌ی اصلاحات، تنها ۱۰ درصد از شخصیت‌های اصلی زن بوده‌اند).

اختصاص شخصیت اول داستان به مردان و پسران، می‌تواند تأثیراتی خاص را بر خواننده داشته‌باشد؛ زیرا در داستان‌های کودکان و نوجوان، عموماً شخصیت‌ها، به‌ویژه شخصیت‌های اصلی داستان، ویژگی‌هایی مثبت دارند و رفتارهای شجاعانه و انسانی نشان می‌دهند؛ پس به مخاطبان این گونه القا می‌شود که رفتارهای مثبت، شجاعانه، و جسورانه، ویژه‌ی مردان است (چنانچه اسماعیل در داستان *اسماعیل، اسماعیل و نوجوان داستان نخل و باران* عمل می‌کنند).

## ۲- نقش زن در خانواده

نوع خانوادگی که معمولاً در داستان‌ها تبلیغ می‌شود، خانوادگی متشکل از پدر، مادر، و فرزندان است؛ در صورتی که خانواده‌هایی که به صورت زن تنها و مرد تنها زندگی می‌کنند نیز وجود دارد و پررنگ جلوه دادن نقش زنان به عنوان مادر و همسر و محروم کردن آن‌ها از نقش‌های اجتماعی<sup>۱</sup>، جدا از مادری و همسری قابل‌تأمل است. منتقدان همواره به تقسیم کار سنتی در خانواده، به صورت زن خانه‌دار و مرد نان‌آور انتقاد کرده‌اند و معتقد اند تقسیم کار در خانواده، هم در حال تغییر است و هم لازم است که تغییر کند؛ اما باید دید در این داستان‌ها نوع خانواده و وضعیت خانوادگی زنان از نظر نقش خانوادگی چه‌گونه است و آیا تعداد زنانی که در تأمین معاش خانواده نقشی مؤثر دارند، بیشتر شده‌است یا خیر.

در سال‌های گذشته، جنگ، افزایش آمار طلاق، و زندانی شدن مردان به دلیل افزایش جرائم سبب شده‌است تا زنان بیش‌تری عملاً سرپرست خانوار باشند. مراجعه به آمارهای رسمی کشور نشان می‌دهد در سرشماری سال ۱۳۶۵، ۷/۱ درصد خانواده‌های معمولی دارای سرپرست زن بوده‌اند، که این نسبت در طرح نمونه‌گیری سال ۱۳۷۰، ۵/۹۲ درصد و در سرشماری سال ۱۳۷۵، به ۸/۳۷ درصد رسیده‌است. در این زمینه، سه شاخص نسبت زنان نان‌آور، نسبت زنان ازدواج‌نکرده، و نسبت زنان سرپرست خانوار مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که از مجموع ۶۷ زن، که در نقش خانوادگی نشان داده شده‌اند (همسر، مادر، و دختر جوان)، تنها ۱۰/۴ درصد در تأمین معاش خانواده نقش داشته‌اند (جدول ۲). این زنان علاوه بر عهده‌داری مسئولیت‌های خانه (خانه‌داری) به‌نوعی در درآمد خانواده سهیم بوده‌اند.

جدول ۲- نقش خانوادگی زنان در داستان‌های سه دوره

دوره	درصد زنان نان‌آور	درصد زنان سرپرست خانوار
دوره‌ی جنگ	۲۱/۰٪	۷/۱۴٪
دوره‌ی سازندگی	۷/۰٪	۳/۵۰٪
دوره‌ی اصلاحات	۸/۰٪	۴/۰۰٪
جمع	۱۰/۴٪	۴/۴۷٪

بررسی زنان سرپرست خانوار نیز در جای خود قابل‌تأمل است و تعداد زنان سرپرست خانوادگی که به‌تنهایی مسئول اداره‌ی زندگی باشند، در مجموع داستان‌های مورد بررسی بیش‌تر از سه نفر نیست؛ بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت نویسندگان، زنان سرپرست خانوار را نادیده گرفته‌اند و این وضعیت در سه دوره‌ی زمانی تغییر نداشته‌است.

<sup>۱</sup> Social Roles



چنانچه گفته شد، شاخصی دیگر در خصوص نقش خانوادگی زنان، وضعیت تأهل آنها است و در بررسی این شاخص باید مشخص شود نقش شخصیت‌های زن داستانی از این دیدگاه چه‌گونه است؟ آیا زنان بیشتر در نقش زنان همسر دار ظاهر می‌شوند و هویت آنها به هویت همسری و مادری گره خورده است یا به شکل زنان مجرد و مستقل نیز نشان داده می‌شوند؟

در مجموع داستان‌های مورد بررسی (جدول ۳)، ۶۴ درصد زنان همسر دار بوده و در نقش همسر ظاهر شده‌اند (چنانچه تعداد زنان با وضعیت نامشخص را از مجموع زنان حذف کنیم، نزدیک به ۷۸ درصد زنان همسر دار اند). آمار زنان همسر دار در سه دوره‌ی مورد بررسی، به ترتیب، ۶۹ درصد در دوره‌ی اول، ۶۷ درصد در دوره‌ی دوم، و ۶۰ درصد در دوره‌ی سوم است. مقایسه‌ی نسبت‌ها نشان می‌دهد که تعداد زنان در نقش همسر، کاهش یافته، ولی بخشی از این کاهش مربوط به افزایش زنان با وضعیت نامشخص است. آمار دختران جوان یا زنان ازدواج‌نکرده نیز تفاوت زیادی را نشان نمی‌دهد. در دو داستان دوره‌ی سوم، چهار زن جوان حضور دارند، که سه نفر از آنها در پایان داستان ازدواج می‌کنند؛ یعنی در ۱۸ درصد داستان‌ها (۴ داستان از ۲۲ داستان)، زنان در نقش زنان جوان ظاهر شده‌اند. زنان بیوه نیز از نظر کمی نسبتی بالا را به خود اختصاص نداده‌اند. در هفت داستان از ۲۲ داستان (۳۲ درصد داستان‌ها)، زنانی بیوه حضور دارند که بعضی از آنها نیز در پایان داستان ازدواج می‌کنند؛ به عبارت دیگر، هویت زنان در داستان‌های دوره اصلاحات، مثل گذشته، به ازدواج و نقش‌های همسر-مادری آنها گره خورده و خود به‌تنهایی ارزش مطرح شدن را نیافته است. این در حالی است که مردان، بدون اشاره به وضعیت خانوادگی معرفی می‌شوند؛ مثلاً در داستان *کوچه‌ی صمصام*، مردان بیشتر با موقعیت شغلی، مانند «احمد سلمانی»، «اوستاجعفر»، و «مشرحیم سرای‌دار»، و یا عناوینی مستقل، مانند «حاجی لیمویی»، «شازده»، «آقای احمدی»، و «حاج عباس» معرفی می‌شوند؛ در حالی که زنان با عناوین وابسته به مردان، مانند «مادر صفرعلی»، «مادر حبیب»، «همسر شازده»، «زن آقاماشالله»، و «خواهر کوچیکه‌ی حبیب»، به خواننده معرفی و بر اساس نقش همسری و مادری شناخته می‌شوند. در داستان *یک وجب از آسمان*، زنان به نام «خانم آقای پول»، «عمه‌ی خانم آقای پول»، و «دخترخاله» معرفی می‌شوند و مردان به نام «آقای پول»، «آقای بنگاهی»، «قلدرداش»، و «مرد خال‌کوب». در داستان *قلب زیبای بابور* نیز همین موضوع مشاهده می‌شود. زنانی چون «کنیز خانه‌ی حاجی‌بندو»، و «دختر ناخدا»، که انتساب به هویت مردان دارند، در مقابل مردانی چون «ناخدا»، «حاجی‌بندو»، و «کهپور» معرفی

می‌شوند. بر این اساس، همان طور که گفته شد، داستان‌های سه دوره از این نگاه تفاوتی محسوس ندارند و نسبت زنان مجرد (هرگز ازدواج نکرده) و زنان بیوه در داستان‌های دوره‌ی سوم، نسبت به دوره‌های پیش، افزایشی اندک را نشان می‌دهد، که دست‌کم در خصوص زنان ازدواج نکرده قابل‌اعتنا نیست (۱۰ درصد دوره‌ی دوم و ۱۱/۵ درصد دوره‌ی سوم). جدول ۳ وضعیت تأهل زنان را در داستان‌های مورد بررسی و آمارهای رسمی نشان می‌دهد.

جدول ۳- مقایسه‌ی وضعیت تأهل زنان در واقعیت و داستان

دوره	درصد زنان					
	در داستان			در جمعیت		
	بیوه	مجرد	متاهل	بیوه	مجرد	متاهل
دوره‌ی جنگ	۵/۰۰٪	۰/۰۰٪	۶۹/۰۰٪	۸/۰۰٪	۳۰/۸۸٪	۵۹/۰۰٪
دوره‌ی سازندگی <sup>۱</sup>	۶/۵۰٪	۱۰/۰۰٪	۶۷/۰۰٪	۷/۰۰٪	۳۵/۳۵٪	۵۶/۹۷٪
دوره‌ی اصلاحات <sup>۲</sup>	۸/۵۰٪	۱۱/۵۰٪	۶۰/۰۰٪	۶/۵۹٪	۳۸/۶۸٪	۵۴/۰۰٪
جمع	۷/۰۰٪	۸/۰۰٪	۶۴/۰۰٪	-	-	-

<sup>۱</sup> سرشماری سال ۱۳۶۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۶۷) <sup>۲</sup> آمارگیری سال ۱۳۷۰ (مرکز آمار ایران ۱۳۷۳)

<sup>۳</sup> سرشماری سال ۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۷۶)

یادداشت: در سرشماری سال ۱۳۷۵، نسبت ازدواج نکرده بر پایه‌ی جمعیت زن بالای ۱۵ سال برآورد شده است.

آن چه می‌توان با اطمینان گفت، تفاوت آشکار میان واقعیت و تصویر زن در داستان است؛ در حالی که دست‌کم در سال ۱۳۷۵، ۳۸/۶۸ درصد زنان بالای ۱۵ سال ازدواج نکرده بودند. در داستان‌های کودکان، این زنان کم‌تر به حساب آمده‌اند و به نظر می‌رسد هویت زنان در داستان‌ها، بیش‌تر مربوط به تأهل و حضور آن‌ها در نقش همسری و مادری است. زنان بیوه‌ی داستان، که همه شوهرمرده اند نیز، تنها در نقش مادری ظاهر شده‌اند.

### ۳- نقش شغلی

موضوع اشتغال زنان، با موضوع پیشین (نقش زن در خانواده) ارتباطی تنگاتنگ دارد. در شرایطی که زنانی صرفاً در نقش همسر/مادر ظاهر می‌شوند، در تقسیم وظایف خانواده نیز نقش تیماردار و ارائه‌دهنده‌ی خدمات عاطفی و جنسی را به عهده دارند و از نقش‌های شغلی دور می‌شوند؛ بدین ترتیب، زنان، وابسته به مردان اند و ارائه‌ی خدمات خانه‌داری، که معمولاً تمام وقت آن‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، ایشان را از ظاهر شدن در نقش‌های شغلی باز می‌دارد. به گمان برخی منتقدان، بی‌کاری زنان اصولاً مشکل حاد جامعه به حساب نمی‌آید، اما واقعیت‌های اجتماعی رو به تغییر است و امروز زنان بیش‌تری در





کارگاه‌ها، فروشگاه‌ها، اداره‌های دولتی، و مراکز درمانی و بهداشتی مشغول به کار اند. آمار زنان در مشاغل تخصصی مانند وکالت، پزشکی، و مهندسی نیز رو به افزایش است. چنانچه در جدول ۴ مشخص است، ۱۳ درصد شخصیت‌های زن داستانی شاغل بوده‌اند (هر نوع فعالیت منجر به درآمد؛ اعم از رسمی یا غیررسمی/تمام‌وقت یا نیمه‌وقت)، اما میزان اشتغال آن‌ها در داستان‌های سه دوره، روندی منظم و بیان‌گر توجه نویسندگان به زنان شاغل ندارد. از هفت داستان دوره‌ی جنگ، در سه داستان (۴۳ درصد) اگر می‌توانستیم (نقش معلم)، *نخل و باران* (چهار زن شاغل حضور دارند)، و *خانه‌ی چوب‌کبریتی* (مادر خیاطی می‌کند) زنان شاغل حضور دارند؛ در داستان‌های دوره‌ی دوم، یعنی داستان‌های *باران* و *تابستان و مرغ عشق*، دو زن در شغل غیررسمی (خیاطی در خانه) تصویر شده‌اند (۲۹ درصد داستان‌ها)؛ و در دوره‌ی سوم، در دو داستان زن شاغل وجود دارد؛ یکی در نقش دست‌فروشی و دیگری در نقش پرستار (در ۲۵ درصد داستان‌ها)؛ پس، در دوره‌ی سازندگی و اصلاحات، تعداد زنان شاغل، کم‌تر از دوره‌ی اول است. نکته‌ی مهم‌تر آن که از ۱۱ زن شاغل، تنها سه زن در محیط کار تصویر شده‌اند و با تأکید بر نقش شغلی آن‌ها، صرفاً در نقش شغلی ظاهر شده‌اند. در سایر موارد تقریباً نقش مادری یا همسری اهمیت داشته‌است؛ به طور مثال، مادر در داستان *نخل و باران*، هرچند شاغل است (معلم)، هیچ‌گاه در محیط کاری خود ظاهر نمی‌شود.

جدول ۴- مقایسه‌ی وضع اشتغال زنان در واقعیت و داستان

دوره	درصد زنان شاغل	
	در جمعیت	در داستان
دوره‌ی جنگ <sup>۱</sup>	۸/۱۶٪	۳۱/۵۰٪
دوره‌ی سازندگی <sup>۲</sup>	۹/۱۱٪	۶/۶۷٪
دوره‌ی اصلاحات <sup>۳</sup>	۱۲/۳۸٪	۸/۵۰٪
جمع	—	۱۴/۰۰٪

<sup>۱</sup> سرشماری سال ۱۳۶۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۶۷) <sup>۲</sup> آمارگیری سال ۱۳۷۰ (مرکز آمار ایران ۱۳۷۳)

<sup>۳</sup> سرشماری سال ۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۷۶)

یادداشت: در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ آمار جمعیت فعال (شاغل و کار)، و در سال ۱۳۸۰ آمار جمعیت شاغل برآورد شده‌است.

بی‌توجهی به زنان شاغل در داستان‌ها، در حالی اتفاق می‌افتد که در دنیای واقعی روند اشتغال زنان رو به رشد است و نسبت زنان شاغل به کل زنان، از ۸/۱۶ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۲/۳۸ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده‌است. بررسی نوع مشاغل زنان نیز نکته‌ی مهم است. مجموعاً ۱۱ عنوان شغلی برای شخصیت‌های زن داستانی مشخص شده‌است، که

پنج شغل (۴۵/۵ درصد) از آن‌ها مربوط به خیاطی (بدون حضور در کارگاه صنعتی)، کلفتی، و دست‌فروشی است— که هیچ کدام شغل تخصصی نیست و بدون نیاز به تحصیلات و سواد، جزو مشاغل سطح پایین محسوب می‌شوند—؛ سه نفر (۳/۲۷ درصد) در شغل پرستاری و دو نفر (۴/۱۸ درصد) در شغل معلمی اند، که این نوع مشاغل نیز مشاغل سرپرستی و مدیریتی نیست؛ و شغل یک نفر هم مشخص نشده‌است. در دو مورد که شغل معلمی و پرستاری برای زنان داستان مشخص شده‌است، ناظم مدرسه و پزشک بیمارستان مرد بوده‌اند و زنان داستان زیر نظارت مردان مشغول به کار بوده‌اند.

فمنیست‌ها این نوع ارائه‌ی تصویر از زنان را مشاغل کلیشه‌ی شخصیت‌های زن داستان کودکان، و نشانه‌ی تبعیض علیه آنان می‌دانند. به عقیده‌ی آنان، مشاغلی مانند پرستاری، دوزندگی، آموزگاری، آرایش‌گری، و بچه‌داری، به‌نوعی ادامه‌ی فعالیت‌های سنتی زنان در خانه است که در بیرون از خانه تداوم می‌یابد؛ در حالی که در جامعه، زنان وکیل، جراح، فیزیک‌دان، و مانند این‌ها نیز وجود دارند (میشل ۱۳۸۱: ۱۱۰).

#### ۴- وضعیت سواد زنان

میزان سواد یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جامعه، و یکی از نشانه‌های رشد و تکامل فردی است و در صورتی که داستان‌های کودکان، سطح سواد دو جنس را نابرابر نشان دهند و چنین القا کنند که زنان از سطح سواد کم‌تر برخوردار اند، در دید خود نسبت به واقعیت موجود در جامعه دچار انحراف شده‌اند و با دامن زدن به این نگرش اشتباه، که زنان جامعه از سطح سواد کم‌تر برخوردار اند، بی‌سوادی زنان را در ذهن مخاطبان خود امری طبیعی جلوه داده‌اند.

همان‌طور که گفته شد، وضعیت سواد و آموزش عالی دختران در جامعه‌ی ما، طی سال‌های گذشته، به صورتی قابل‌توجه رشد کرده‌است. توسعه‌ی مدارس در مناطق روستایی و عشایری، نسبتی قابل‌توجه از دختران نیازمند آموزش را به گونه‌ی تحت پوشش قرار داده‌است که بنا به بیانیه‌ی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (۱۳۸۷) در سال ۱۳۸۴، بیش از ۹۷ درصد دختران، تحت پوشش تحصیلی بوده‌اند.

برای بررسی وضعیت سواد زنان، با مشخص کردن تعداد زنان بالای ۶ سال داستان، زنانی که وضعیت سواد آن‌ها (باسواد/بی‌سواد) به طور مستقیم یا غیرمستقیم مورد اشاره قرار گرفته‌است، شمارش شد. چنان که جدول ۵ نشان می‌دهد، نویسندگان کتاب‌های داستانی، ۱۵ درصد شخصیت‌های داستانی زن بالای شش‌سال را با سواد نشان داده‌اند و این در حالی



است که در طرح نمونه‌گیری سال ۱۳۸۰، ۸۰ درصد زنان بالای شش‌سال جمعیت کشور باسواد بوده‌اند.

جدول ۵- وضع سواد زنان در واقعیت و داستان در سه دوره

دوره	درصد زنان باسواد به کل زنان	
	در جمعیت شهری	در داستان <sup>ت</sup>
دوره ی جنگ <sup>ا</sup>	۶۵/۴۳٪	۲۸/۰۰٪
دوره ی سازندگی <sup>ب</sup>	۷۶/۷۷٪	۱۳/۰۰٪
دوره ی اصلاحات <sup>پ</sup>	۸۰/۰۰٪	۱۱/۰۰٪
جمع	—	۱۵/۰۰٪

<sup>ا</sup> سرشماری سال ۱۳۶۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۶۷) <sup>ب</sup> آمارگیری سال ۱۳۷۰ (مرکز آمار ایران ۱۳۷۳)

<sup>پ</sup> سرشماری سال ۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران ۱۳۷۶)

<sup>ت</sup> زنانی که سواد داشتن آن‌ها مشخص شده‌باشد.

در داستان‌های مورد بررسی، به‌جز چهار شخصیت (دخترپچه‌ی داستان *مثل چشم‌های بابا*؛ دختر نوجوان داستان *قلب زیبای بابور*؛ و سهیلا و مریم، دختران نوجوان داستان *مرغ عشق*)، در سایر موارد اشاره‌ی به سواد زنان نشده‌است. در هفت مورد دیگر، سواد داشتن زنان، از شغل یا مشخصه‌های دیگر آنان به دست می‌آید؛ مثلاً دو زن معلم، سه زن پرستار، و یک خانم جلسه‌ی دیده‌می‌شوند؛ بدین ترتیب، به‌رغم رشد آمار ی زنان باسواد در سال‌های گذشته و حضور گسترده‌ی آن‌ها در سطوح آموزش عالی و دانشگاه‌ها، این زنان در داستان‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در مورد مردان، وضعیت متفاوت است و هرچند مردان نیز هیچ‌گاه به طور مستقیم در سطوح آموزش عالی تصویر نشده‌اند (به‌جز یک مورد در داستان *کوچه‌ی صمصام*، که یکی از شخصیت‌های مرد، دانشجو بوده و شهید شده‌است)، اما قهرمانان پسر داستان‌ها در بیشتر موارد یا در مدرسه و یا در حال درس خواندن نمایش داده‌شده‌اند؛ آن‌ها معمولاً محصل اند، نامه می‌نویسند، به کتاب‌خانه می‌روند، و مطالعه می‌کنند.

نکته‌ی دارای اهمیت آن که طی سال‌های گذشته، هیچ تغییری در این خصوص صورت نگرفته و بررسی داستان‌هایی که بین سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ تألیف شده‌است و مقایسه‌ی آن‌ها با داستان‌های دهه‌ی ۱۳۶۰، نشان می‌دهد که تغییری مثبت در این خصوص وجود ندارد و درصد زنان باسواد کاهش نیز داشته‌است.

### ۵- فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی زنان

یکی از مقوله‌های قابل‌بررسی در تغییر نگرش نسبت به زنان، پرداختن نویسندگان به نقش‌های سیاسی-اجتماعی زنان است. اگر زنان داستان‌ها، در نقش‌هایی خارج از چهارچوب خانه فعال باشند، نگرشی نو به موضوع ایجاد می‌شود، اما چنان‌چه زنان صرفاً در نقش سنتی خانه‌داری تصویر شده‌باشند، نشان از باوری دارد که زنان را در جنبه‌ی فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی ناتوان می‌داند و تأثیر آن‌ها را در مسائل خارج از خانه به حساب نمی‌آورد. «اعتقاد به قلمروهای عمومی و خصوصی، و حذف زنان از قلمرو عمومی، محصول فرآیندهای سیاسی است؛ یعنی قوانین حکومتی و سیاست‌های دولت، مصوبه‌های قانونی و سخنرانی‌ها و بیانیه‌های احزاب سیاسی، هر دو، به ایده‌ئولوژی خانواده، که زنان را در مقام همسر و مادر در درون قلمرو خانگی جای می‌دهد دامن می‌زنند.» (ابوت و والاس<sup>۱</sup>: ۱۳۸۳: ۲۷۰).

آمارهای موجود بیان‌گر رشد حضور زنان در عرصه‌های عمومی است. افزایش داوطلبان زن نمایندگی مجلس در دوره‌های اخیر، نسبت به دهه‌ی ۶۰ افزایش سازمان‌های غیردولتی زنان، افزایش ناشران زن و مراجعان زن به کتاب‌خانه‌ها، و افزایش آمار زنان ورزش‌کار تحت پوشش سازمان تربیت بدنی نشان می‌دهد تعداد زنانی که از عرصه‌ی خصوصی، پا به عرصه‌های عمومی گذاشته‌اند رو به فزونی است.

با وجود تغییرات مورد اشاره، از مجموع ۸۴ زن بزرگ‌سال داستان‌ها (به‌جز کودکان)، تنها دو زن در یک داستان (*مرغ عشق*) به سفر زیارتی می‌روند (فعالیت مذهبی) و یک بار نیز مادر داستان *کوچه‌ی صمصام*، که از قضا زنی بی‌سواد، خرافاتی، و کم‌اطلاع است، به جلسه‌ی مذهبی زنان می‌رود. این دو فعالیت، فعالیتی مستمر به شمار نمی‌رود و در سایر موارد نیز هیچ زنی در نقش‌های اجتماعی و سیاسی ظاهر نمی‌شود. نکته‌ی جالب آن که دو زن نام‌برده، با اجازه‌ی همسر خود فعالیت‌های مذهبی را انجام می‌دهند و این موضوع به‌صراحت در داستان طرح می‌شود. از سوی دیگر، مردان داستان و حتا پسرهای نوجوان، در مبارزات سیاسی انقلاب مشارکت می‌کنند، به جنگ و جبهه می‌روند، و شهید می‌شوند.

زنان در برخی موارد، مانعی در مقابل فعالیت‌های اجتماعی مردان محسوب می‌شوند و با رفتارهای نامعقول خود، مردان را از ایفای نقش مهم‌شان باز می‌دارند؛ به طور مثال، در داستان *اسماعیل، اسماعیل*، مربوط به دوره‌ی جنگ، وقتی مردان خانواده برای حفظ وطن و شهر خود در مقابل دشمن، با استدلالی محکم قصد رفتن به منطقه‌ی جنگی را دارند، مادر با شیون و زاری و پرتاب نوزاد خود به سمت پدر، قصد دارد مانع این کار شود؛ هم‌چنین،

<sup>1</sup> Abbott, Pamela, and Claire Wallace



مادر داستان *باران و تابستان*، در مورد رفتن پدر (همسر خود) به تظاهرات علیه شاه مقاومت می‌کند و قصد دارد او را منصرف کند. در داستان *کوچه‌ی صمصام*، مادر با پرخاش‌گری و رفتاری غیرمنطقی به خدمات خیرخواهانه‌ی همسر خود به اهالی محل یا کمک او به مردم آسیب‌دیده از موشک‌باران شهر تهران، اعتراض می‌کند. در برخی از داستان‌ها نیز، درحالی که مردان در تظاهرات سیاسی شرکت می‌کنند، زنان، کاملاً بی‌تفاوت‌اند؛ شخصیت مادر داستان‌های *بادبادک‌ها در شهر و آبی + قورمز* چنین عمل می‌کنند. این تصویرگری‌ها در حالی است که زنان به طور مستقیم در مبارزات سیاسی قبل از انقلاب نقشی نسبتاً فعال داشتند و نقش آن‌ها در شرکت در تظاهرات، پخش اعلامیه، و مواردی از این دست غیرقابل‌انکار است؛ به گونه‌یی که در جریان انقلاب اسلامی، تعداد ۱۵۲ زن، و در مقابله با ضد انقلاب ۱۲۱ زن شهید شده‌اند (فرهنگ ایشار و شهادت ۱۳۸۴: ۵). حضور زنان در جنگ نیز، هرچند به دلیل مسائل فرهنگی و مذهبی، به طور مستقیم نبوده‌است، در قالب ستادهای پشتیبانی، جمع‌آوری کمک‌های نقدی و جنسی برای جنگ، حمایت از خانواده در نبود مرد نان‌آور، و سایر موارد، عملی شده‌است. در جریان جنگ ایران و عراق، ۴۳۶۳ زن شهید، ۵۶۲۹ زن جانباز، و پنج زن اسیر شده‌اند (فرهنگ ایشار و شهادت ۱۳۸۴). زنان زندانی سیاسی در زمان قبل از انقلاب نیز ۵۱ نفر ذکر شده‌است (مرکز امور مشارکت زنان ۱۳۸۴: ۷۳). به‌رغم این آمار، در داستان‌ها، شهادت و جانبازی ویژه‌ی مردان است و فقط در یک داستان از ۲۲ داستان، شخصیت زن در تظاهرات شهر مکه زخمی می‌شود و در سایر فعالیت‌های سیاسی نیز زنان حضور ندارند. بنا بر این می‌توان گفت داستان‌ها توجهی به فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی زنان نداشته‌اند.

### نتیجه‌گیری

پس از انقلاب صنعتی و رشد روزافزون پیشرفت‌های علمی، سرعت تغییرات نیز در زندگی بشر فزونی گرفت. رشد و گسترش فن‌آوری، زندگی جمعی را در تمامی زمینه‌ها تحت تاثیر خود قرار داد، که این تغییرات در تمامی نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و آموزشی آشکار است. نوع نگاه به سیاست و نهادهای سیاسی و فرهنگی، ارتباطات، خانواده، تجارب بازرگانی، توسعه‌ی گردش‌گری، و هنر تغییر کرده‌است و در پی این تغییرات برخی از نگرش‌ها، رفتارها، هنجارها، و ابزارها نیز کارکرد خود را از دست داده، یا کارکردی جدید یافته‌است. در این میان، ابزارهای آموزشی و کمک‌آموزشی باید نسل‌های نو را با شرایط جدید آشنا کنند و با آموزش الزام‌ها و هنجارهای زندگی نوین، همراه با حفظ ارزش‌های

قابل قبول گذشته، آن‌ها را برای زندگی امروز و فردا آماده سازند؛ زیرا تأکید شدید بر باورهای دیروز، بدون در نظر گرفتن شرایط جدید، می‌تواند جامعه را با مشکلات و بن‌بست‌ها روبه‌رو سازد؛ بر این اساس و چنان که در این نوشتار بررسی شد، کتاب‌های داستانی کنون پرورش فکری کودکان، تصویری مناسب را از زنان ارائه نمی‌دهند. مشکل اساسی این داستان‌ها، به حساب نیامدن و در حاشیه بودن زنان است؛ چرا زنان در کتاب‌های داستانی نقش حاشیه‌ی و کم‌رنگ دارند؟ چرا تنها در یک داستان دیگر این اختلاف جمعیت مردان بیشتر است (داستان *مرغ عشق*) و تنها در یک داستان دیگر این اختلاف نزدیک است (*قلب زیبای بابور*)؟ چرا زنان حتا در داستان‌هایی که به وسیله‌ی نویسندگان زن تألیف شده‌است حضوری جدی ندارند و نویسندگان زن نیز تصویری ضعیف، منفعل، مطیع، و در حال خدمت‌رسانی به مردان را از زن ارائه می‌دهند؟ چرا شخصیت‌های زن داستانی معمولاً از نظر ذهنی توانا نیستند، در حالی که مردان باهوش اند، رفتارهای جسورانه دارند، به جنگ می‌روند، در نوجوانی فعالیت اقتصادی می‌کنند، در مبارزات سیاسی شرکت می‌کنند، و شرایط زندگی و خانواده را تغییر می‌دهند؟ آیا می‌توان توضیح نویسندگان و ناشران امریکایی را در مقابل انجمن فمینیست‌های پرینستون<sup>۱</sup>، مبنی بر این که دخترها هر کتابی را می‌خوانند، ولی پسرها کتاب‌های خاص دخترها را نمی‌خوانند، توضیحی مناسب در این زمینه دانست (جانینی بلوتی<sup>۲</sup> ۱۳۸۰: ۱۲۹)، یا چنان‌چه محمدی اصل (۱۳۸۱) در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد، موضوع به حاکمیت روح فرهنگ مردسالار بر جامعه و بازتولید آن از طریق تصویب قوانین و هنجارسازی از طریق منابع آموزشی به وسیله‌ی طبقه‌ی حاکم و در راستای منافع آنان برمی‌گردد؟

گذشته از دلیل یا دلایل این پدیده، که بر اساس پژوهش‌ها جهان‌شمول است، باید توجه داشت که برخوردی چنین (به حساب نیامدن)، منجر به تحقیر و احساس فرومایگی در زنان و استمرار و بازتولید آن در نسل‌های بعدی می‌شود؛ هم‌چنین، آموزش‌های رسمی در مدرسه و مطالعه‌ی داستان‌هایی با این نگرش، با عادی جلوه دادن در حاشیه بودن، برای دختران و پسران، در رفتارهای اجتماعی هر دو جنس (مانند مشارکت اجتماعی) تأثیری غیرقابل‌انکار خواهد داشت.

یافته‌های به‌دست‌آمده در این بخش، با یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی هم‌پوشانی دارد. آن گونه که *اعزازی* (۱۳۷۰) در بررسی کتاب اول دبستان نشان داد، تصویر پسر، در مجموع ۱۰۸ بار و تصویر دختر ۵۳ بار ارائه شده‌است؛ پژوهشی دیگر بر روی ۲۲۵ کتاب

<sup>۱</sup> Princeton University, NJ, USA

<sup>۲</sup> Gianini Belotti, Elena



مشخص کرد که تنها ۳۲ درصد شخصیت‌های داستانی زن اند؛ و پژوهش‌های دانشگاه پرنس‌تون روی ۱۵ مجموعه کتاب برای کودکان و ۱۴۴ کتاب آموزشی برگزیده نیز نشان می‌دهد که پسر بچه‌ها قهرمان ۸۸۱ قصه، و دختر بچه‌ها قهرمان ۳۴۴ قصه اند (جانینی بلوتی ۱۳۸۰).

جدا از باورهای فرهنگی جامعه، که ظاهراً به‌کندی تغییر می‌کنند و مربوط به بعد شناختی فرهنگ می‌شود، تغییراتی دیگر نیز، که خارج از اراده‌ی افراد بروز می‌کنند و بخشی از آن‌ها مربوط به تغییر در فن‌آوری و تغییرات بیرونی است، خود را به جامعه تحمیل می‌کنند. افزون بر آن، همان‌گونه که در دوره‌ی اصلاحات (دوره‌ی سوم) اتفاق افتاد، نخبگان فکری و سیاسی جامعه نیز بنا بر الزام‌ها و ضرورت‌ها، تغییراتی ایجاد می‌کنند؛ اما این تغییرات هم‌زمان خود را در کتاب‌های داستانی کانون نشان نداده‌است و عدم تغییر دیدگاه نویسندگان نسبت به زنان و عدم تطابق واقعیت جامعه با داستان، در هر سه دوره و در بیش‌تر موارد پژوهش مشخص است.

به هر حال آنچه نتایج این بررسی تأیید می‌کند، چیرگی کامل ارزش‌های مربوط به ایده‌ئولوژی مردسالارانه در ذهن نویسندگان و احتمالاً خوانندگان (چنانچه بپذیریم نویسندگان بر پایه‌ی شناخت از سلیقه‌ی خوانندگان طرح داستان خود را تنظیم می‌کنند) است؛ به گونه‌ی که حتی نویسندگان زن نیز در بیش‌تر داستان‌های خود شخصیت‌های اصلی را از میان مردان (پسر بچه‌ها) انتخاب کرده‌اند؛ یعنی به نظر می‌رسد فرهنگ مردسالار از چنان عمقی برخوردار است که تغییرات ملموس اجتماعی هم‌زمان نتوانسته‌است قالب‌های ذهنی را در حد انتظار کاهش دهد و حتی نخبگان فکری جامعه (مانند نویسندگان) نیز به‌سادگی نمی‌توانند از کلیشه‌های آن دوری گزینند. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش، با نتایج پژوهش اسکینوسبرگ (۱۹۷۴، برگرفته از جعفرزاد ۲۰۱۳:۶۳) در نروژ هم‌پوشانی دارد. وی نیز با مقایسه‌ی کتاب‌های منتشرشده‌ی سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴ به این نتیجه رسید که کتاب‌های سال ۱۹۷۴ با کتاب‌های ۱۹۶۰ متفاوت است، ولی این تغییر، هم‌پایه‌ی تغییرات اجتماعی نیست و کتاب‌ها تاحدی ارزش‌های دیروز را منعکس می‌کنند. نبود تغییرات محسوس را می‌توان به این دلیل دانست که همواره، تغییرات فرهنگی، به‌ویژه در بخش فرهنگ غیرمادی و آنچه مربوط به عادت‌های دیرینه و باورهای مانده از روزگاران دور است، به‌کندی تغییر می‌کند؛ بنا بر این، به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت موضوع و لزوم هم‌سویی جامعه با ارزش‌های منجر به توسعه‌یافتگی، ضرورت دارد تا برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کتاب‌های کودکان و نوجوانان، با دقتی بیش‌تر در جهت زدودن نگرش‌ها و افکار کلیشه‌ی نامناسب با شرایط موجود برنامه‌ریزی کنند.

جدول ۶- فهرست و مشخصات کتاب‌های بررسی‌شده

ردیف	نام داستان	نویسنده	گروه سنی	سال نشر
۱	اسماعیل، اسماعیل	محمود گلاب‌دره‌ای	د-۵	۱۳۶۰
۲	آن‌جا که خانه‌ام نیست	رضا رهگذر	د	۱۳۶۱
۳	اگر می‌توانستم	نوال‌الدین زرین‌کلک	د	۱۳۶۲
۴	جوراب پشمی	فرورزنده خداجو	ج-د	۱۳۶۲
۵	خانه‌ی چوب‌کبریتی	فرورزنده خداجو	ج-د	۱۳۶۲
۶	برای پدر بزرگ	جمشید سپاهی	د-۵	۱۳۶۳
۷	نخل و باران	مرضیه دانش‌وزاده	د-۵	۱۳۶۷
۸	ماهی دم‌طلا	محمد رضا یوسفی	د	۱۳۷۰
۹	یک دانه زیتون؛ یک دانه خرما	سید مهدی مجتهد	ج-د	۱۳۷۱
۱۰	مثل چشم‌های بابا	راضیه دهقان سلماسی	د	۱۳۷۲
۱۱	زنگ دوچرخه	حمید نوابی لوانانی	د	۱۳۷۳
۱۲	سرزمین آبی	محمد رضا یوسفی	د-۵	۱۳۷۳
۱۳	باران و تابستان	حمید رضا شاه‌آبادی	د	۱۳۷۵
۱۴	مرغ عشق	زهرا دیهیمی	د-۵	۱۳۷۵
۱۵	اشک پهلوان	محمد میرکیانی	د	۱۳۷۶
۱۶	یک وجب از آسمان	محمد رضا یوسفی	د-۵	۱۳۷۶
۱۷	آبی + قرمز	محمد جوانبخت	د	۱۳۷۷
۱۸	بادبادک‌ها در شهر	یوسف قوچق	د	۱۳۷۹
۱۹	روز سرد دل‌های گرم	یوسف قوچق	د	۱۳۷۹
۲۰	آخرین پدر بزرگ	محمد حسن حسینی	د-۵	۱۳۸۲
۲۱	قلب زیبای بابور	جمشید خانیان	د-۵	۱۳۸۲
۲۲	کوچه‌ی صمصام	یوسف قوچق	د-۵	۱۳۸۲





## منابع

- ایوب، پاملا، و کلر والاس. ۱۳۸۳. *جامعه‌شناسی زنان*. برگردان منیره نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- عزازی، شهلا. ۱۳۷۰. «تضاد میان آموزش و پرورش و جامعه: بررسی کتاب اول دبستان» *فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی* ۱(۱-۲): ۵۵-۷۹.
- جانینی بلوتی، انا. ۱۳۸۰. *اگر فرزند دختر دارید*. برگردان محمدجعفر پوینده. تهران: نشر نی.
- جعفرنژاد، آتش. ۱۳۶۳. *سی‌ونه مقاله در ادبیات کودکان*. تهران: نشر چاپ اتلیه.
- حجازی، بنفشه. ۱۳۷۴. *ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگی‌ها و جنبه‌ها*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. ۱۳۸۷. «قرائت انتقادی نظام آموزشی با روی‌کرد جنسیتی: بیانیه‌ی تحلیلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان به مناسبت روز زن» مدیریت پژوهش، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تیر ۱۳۸۷. برگرفته در ۱۹ شهریور ۱۳۸۷ (<http://womenrc.com/fa/page.aspx?id=29&mode=0&menu=33>).
- رضایی‌نژاد، زهره. ۱۳۸۰. «بررسی و تحلیل تبعیض جنسیتی پنهان در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- فرهنگ ایثار و شهادت. ۱۳۸۴. «ایثار بعد از انقلاب احیا شد». *فرهنگ ایثار و شهادت* ۳۵: ۴-۵.
- کاوکانی اصل، سهیلا. ۱۳۷۶. «تحلیل محتوای کتاب‌های کودکان و نوجوانان به تفکیک جنسیت» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- کدیور، جمیله. ۱۳۸۴. *رؤیاهای زنانه در دنیای مردانه*. تهران: انتشارات امید ایرانیان.
- گرت، استفانی. ۱۳۸۲. *جامعه‌شناسی جنسیت*. برگردان کتایون ریاحی. چاپ ۴. تهران: نشر دیگر.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۲. *جامعه‌شناسی*. برگردان منوچهر صبوری. چاپ ۹. تهران: نشر نی.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۶۷. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵: نتایج تفصیلی کل کشور*. تهران: مرکز آمار ایران.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۳. *آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰: نتایج تفصیلی*. تهران: مرکز آمار ایران.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۶. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵: نتایج تفصیلی کل کشور*. تهران: مرکز آمار ایران.
- مرکز امور مشارکت زنان. ۱۳۸۱. *مدیریت آمار و برنامه‌ریزی: بررسی اجمالی وضعیت زنان ۱۳۵۵-۱۳۸۰*. تهران: مرکز امور مشارکت زنان.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۴. *گزارش تحول وضعیت زنان طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۳*. تهران: سوره‌ی مهر.
- محمدی اصل، عباس. ۱۳۸۱. *جنسیت و مشارکت: درآمدی بر جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان ایران*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- مؤسسه‌ی تحقیقات، بازتوانی، و بهبود زندگی زنان. ۱۳۸۳. *زنان ایران در مسیر توسعه*. تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات، بازتوانی، و بهبود زندگی زنان.

میشل، آندره. ۱۳۸۱. *پیکار با تبعیض جنسی*. برگردان محمدجعفر پوینده. تهران: چشمه.

نویسنده

جواد صادقی جعفری،

مربی دانشگاه سوره

sadeghi@soore.ir

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد. وی مدرس روش تحقیق در مدیریت، مبانی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی سینما، و جامعه‌شناسی با روی‌کرد تئاتر را بر عهده دارد. پژوهش‌های وی در زمینه‌های مدیریت اسلامی، عوامل مؤثر در عمل‌کرد تحصیلی دانشجویان، و تأثیر آزمون‌های آزمایشی در موفقیت داوطلبان کنکور بوده‌است.

## بررسی رابطه‌ی سازگاری زناشویی و بهزیستی روانی

دکتر زهرا درويزه

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا

فاطمه کهکي

دستیار علمی دانشگاه پیام نور زاهدان

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه‌ی سازگاری زناشویی با بهزیستی روانی دانشجویان متأهل دانشگاه الزهرا است و جامعه‌ی آماری شامل ۲۰۱ نفر از دانشجویان زن متأهل این دانشگاه است، که به صورت نمونه‌ی در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش، از آزمون‌های سازگاری زناشویی (دونفره) / اسپانیر و بهزیستی روان‌شناختی، و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. جز خرده‌مقیاس معنویت، که فقط با خرده‌مقیاس همبستگی دونفره رابطه‌ی معنادار داشت، نتایج، نشان‌گر رابطه‌ی معنادار بین خرده‌مقیاس‌های بهزیستی روانی و خرده‌مقیاس‌های سازگاری زناشویی بود. مدت زمان ازدواج و سازگاری زناشویی، ۰/۲۰۶ از تغییرات بهزیستی روانی را پیش‌بینی می‌کند.

### واژگان کلیدی

بهزیستی روان‌شناختی؛ سازگاری زناشویی؛ دانشجویان متأهل؛

ازدواج امری مدنی و پاسخ‌گوی مجموعه‌یی از نیازهای انسان است که در طول تاریخ بشر و در تمام جوامع وجود داشته و بقای نسل و پرورش فرزندان، تحقق آرزوی داشتن فرزند برای مادر و پدر، دستیابی به عالی‌ترین سطح دوستی و صمیمیت دوره‌ی جوانی و بزرگسالی، ارتباط گرم و دوجانبه‌ی عاطفی-جنسی، و تقسیم کار، هم‌کاری، و هم‌راهی در طول زندگی، از اساسی‌ترین کارکردهای آن است (لطف‌آبادی ۱۳۷۹).

با آن که تمامی جوامع، ازدواج را یکی از عوامل بهداشت روانی جامعه می‌دانند، چنان‌چه زندگی زناشویی شرایطی نامساعد را برای ارضای نیازهای روانی همسران ایجاد کند، نه‌تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، بلکه اثری منفی و گاه جبران‌ناپذیر را به جا خواهد گذاشت. بسیاری از زنان و مردان وقتی ازدواج‌شان به بن‌بست می‌رسد، به‌زیستی و سلامت خود را از دست داده، احساس تنهایی می‌کنند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که این تأثیرات با ازدواج مجدد<sup>۱</sup> کاهش می‌یابد (آماتو<sup>۲</sup> ۲۰۰۰)؛ بر این اساس، بهداشت روانی جامعه و سلامت فیزیکی و عاطفی، در گرو سلامت روابط زناشویی و تداوم و بقای ازدواج است (شاملو ۱۳۶۹).

تئوری‌های شادمانی بر این تأکید دارند که وقتی تنش کاهش یابد (حذف درد و رنج و ایجاد رضامندی از نیازهای زیستی و روانی) شادمانی و به‌زیستی رخ می‌دهد و فروید<sup>۳</sup> نیز در اصل لذت به این روی‌کرد اشاره دارد؛ پس می‌توان این گونه نتیجه گرفت که شادمانی و رفاه بیشتر، در پی سازگاری بیشتر و آرامش روانی در خانه ایجاد می‌شود (دیئر<sup>۴</sup> ۲۰۰۰). مطالعات نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی به سازگاری کلی فرد کمک می‌کند؛ یعنی همسرانی که از سازگاری زناشویی بالایی برخوردار اند، عزت نفسی بیشتر دارند و در روابط اجتماعی سازگارتر اند. سازگاری زناشویی نتیجه‌ی فرآیند زناشویی و شامل عواملی مانند ابراز محبت و عشق همسران، احترام متقابل، روابط جنسی، تشابه‌نگرش، و چه‌گونگی ارتباط و حل مسئله است (مارکویسکی و گرین‌وود<sup>۵</sup> ۱۹۸۴، برگرفته از ملازاده ۱۳۸۱).

بر اساس نظریه‌ی اریک‌سون<sup>۶</sup> (۱۹۸۲)، ازدواج معمولاً در راستای برآورده ساختن نیاز مرحله‌ی ششم تحول شخصیت فرد، یعنی هم‌جوشی<sup>۷</sup> (مردم‌آمیزی یا نیاز به صمیمیت) در برابر مردم‌گریزی<sup>۸</sup> (انزواطلبی) مطرح می‌شود و ارضای صحیح این نیاز، تا حدی زیاد، در گرو درست

<sup>۱</sup> Remarriage

<sup>۲</sup> Amato, Paul R.

<sup>۳</sup> Freud, Sigmund (1856-1939)

<sup>۴</sup> Diener, Ed

<sup>۵</sup> Markowski, Edward M., and Philip D. Greenwood

<sup>۶</sup> Erikson, Erik H.

<sup>۷</sup> Intimacy

<sup>۸</sup> Isolation



سپری کردن مراحل قبلی، به‌ویژه نوجوانی و هویت‌یابی<sup>۱</sup> است (مای‌لی<sup>۲</sup> ۱۹۵۹، برگرفته از ملازاده ۱۳۸۳).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سلامت جسمانی و روانی افراد متأهل بیش‌تر است و عموماً عمر طولانی‌تر و وضعیت اقتصادی بهتری دارند (پاپالیا و اولدز<sup>۳</sup> ۱۹۹۵، برگرفته از لطف‌آبادی ۱۳۷۹) و به طور ثابت از به‌زیستی روانی بیش‌تری نسبت به هرگز ازدواج نکرده‌ها، مطلقه‌ها، و بیوه‌ها برخوردار اند (دینر و هم‌کاران<sup>۴</sup> ۱۹۹۱، آرگیل<sup>۵</sup> ۲۰۰۰، وایت و گالاگر<sup>۶</sup> ۲۰۰۰، برگرفته از کوهلر، راجرز، و اسکیت<sup>۷</sup> ۲۰۰۴)؛ هم‌چنین، بر خلاف زنان جوان که استرس کم‌تری نسبت به دوران مجرد خود دارند، مردان جوان متأهل دچار استرس بیش‌تری نسبت به دوره‌ی مجرد خود می‌شوند، زیرا ازدواج موجب امنیت خاطر برای زنان و احساس مسئولیت بیش‌تر برای مردان است. ازدواج برای زنان، بیش‌تر، دارای جنبه‌ی عاطفی و صمیمیت و تعلق است؛ در حالی که برای مردان جنبه‌های مراقبت، کارهای خانه، ارتباط جنسی، و پرورش فرزندان به وسیله‌ی زنان را در بر می‌گیرد.

در میان داغ‌دیدگی‌ها هم بیش‌ترین توجه به پدیده‌ی مرگ همسر است، که نه‌تنها مشکلات عاطفی مرگ همسر، بلکه پی‌آمدهای جسمی و محرومیت از او را هم در بر می‌گیرد (رافائل<sup>۸</sup> ۱۹۸۳، برگرفته از کرد ۱۳۸۴) و این خود نشان‌گر اهمیت ازدواج در ایجاد سلامتی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خطر مرگ افراد پس از مرگ همسر بیش‌تر است و در میان جوان‌ها، در دهه‌ی دوم و سوم زندگی، میزان مرگ و میر بیوه‌ها به طوری چشم‌گیر از مرگ و میر متأهل‌ها بیش‌تر بوده و با افزایش سن آنان کاهش یافته‌است، تا جایی که به سنی می‌رسند که اختلاف کمی در میزان مرگ و میر هر دو دسته وجود دارد (کراس و لیلین‌فیلد<sup>۹</sup> ۱۹۵۹، برگرفته از کرد ۱۳۸۴).

مهمترین مسئله در ازدواج و تشکیل خانواده، آرامشی است که فرد به دست می‌آورد. مطلوبیت زندگی، خشنودی از آن، و کیفیت و میزان سازگاری زناشویی نیز مانند سازگاری زندگی مجردی از عواملی مختلف تأثیر می‌پذیرد که ارزیابی آن‌ها در افراد و روابطشان، بخشی از ادبیات مشاوره‌ی ازدواج و خانواده است. از نظر کیس، اشموت‌کین، و ریف<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲)، به‌زیستی روانی، کیفیت زندگی فرد با دیگر واحدهای اجتماع را در بر می‌گیرد و

<sup>1</sup> Identification

<sup>2</sup> Meili, Richard

<sup>3</sup> Papalia, Diane E., and Sally Wendkos Olds

<sup>4</sup> Diener, Ed, Ed Sandvik, William Pavot, and Dennis Gallagher

<sup>5</sup> Argyle, Michael

<sup>6</sup> Waite, Linda, and Maggie Gallagher

<sup>7</sup> Kohler, Hans-Peter, and Joseph Lee Rodgers, and Axel Skytthe

<sup>8</sup> Raphael, Beverley

<sup>9</sup> Kraus, Arthur S., and Abraham M. Lilienfeld

<sup>10</sup> Keyes, Corey Lee M., Dov Shmotkin, and Carol D. Ryff

دینر (۱۹۸۴، برگرفته از بنکه و مک‌درمید<sup>۱</sup> ۲۰۰۴) نیز معتقد است که به‌زیستی روانی، همانند ادراکاتی از عاطفه و به‌زیستی معنوی و نیز اندازه‌گیری‌های عینی، نظیر راهنماهای سلامتی جسمانی (فشار خون و دیگر)، می‌تواند با ارزیابی‌های ذهنی افراد از تجارب خودشان سنجیده‌شود.

احساس به‌زیستی دارای مؤلفه‌های عاطفی و مؤلفه‌های شناختی است. افراد با احساس به‌زیستی بالا هیجانانگیز مثبت را تجربه می‌کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند؛ در حالی که افراد با احساس به‌زیستی پایین، حوادث و وقایع زندگی‌شان را نامطلوب ارزیابی کرده، بیش‌تر هیجانانگیز منفی نظیر اضطراب، افسردگی، و خشم را تجربه می‌کنند (دینر، لوکاس، و اوئیشی<sup>۲</sup> ۲۰۰۲)؛ بر این اساس، از آن جا که به‌زیستی درونی و ذهنی، شامل ارزش‌های شناختی افراد از زندگی‌شان می‌شود و مردم شرایطشان را بسته به انتظارات، ارزش‌ها، و تجربیات قبلی‌شان ارزش‌گذاری می‌کنند، پژوهش‌گران هم در ارزیابی‌ها باید تفکرات افراد و احساسات‌شان را در مورد زندگی بررسی کنند (دینر و لوکاس<sup>۳</sup> ۲۰۰۰).

بریک‌من و کمپل<sup>۴</sup> (۱۹۷۱، برگرفته از دینر ۲۰۰۰) معتقد اند که مردم به حوادث خوب و بد زندگی ابتدا شدیداً واکنش نشان می‌دهند، ولی بعد به سازش با آن‌ها می‌پردازند و به سطوح متعادل شادکامی روی می‌آورند. گاه، سطوحی که قبلاً برای‌شان شادی‌آور بود اکنون دیگر شادی در پی ندارد و گاه هنگام رویارویی با عوامل منفی، در آغاز حس بدبختی دارند، اما به زودی به این سطح نیز عادت می‌کنند و با آن سازگار می‌شوند (دینر و لوکاس ۲۰۰۰)؛ بر اساس همین حقایق، سو، دینر، و فوجیتا<sup>۵</sup> (۱۹۹۶، برگرفته از دینر و لوکاس ۲۰۰۰) دریافته‌اند که در کم‌تر از سه ماه، تأثیرات عمده‌ی حوادث مهم زندگی (مرگ، ازدواج، و طلاق) کنار گذاشته می‌شود.

وینتر و هم‌کاران<sup>۶</sup> (۱۹۹۹، برگرفته از دینر و لوکاس ۲۰۰۰) دریافته‌اند که هرچند ازدواج و بیوه بودن، به‌زیستی روانی و درونی بالا و پایینی را ایجاد می‌کند، ولی باید این حقیقت را در نظر گرفت که رضامندی مردم از حوادث، هم به توزیع حوادثی که در گذشته با آن‌ها روبه‌رو شده‌اند بستگی دارد، و هم به درون‌گرایی و برون‌گرایی و عوامل دیگر.

از نظر وایت و گالاگر (۲۰۰۰، برگرفته از کوهرل، راجرز، و اسکیت ۲۰۰۴)، ازدواج با ایجاد حس رهایی از تنهایی، توانایی مقابله با فشارهای روانی را بیش‌تر می‌کند و با فراهم کردن حمایت شخصی و جنسی برای فرد، به‌زیستی روانی او را افزایش داده، موجب تقویت

<sup>1</sup> Behnke, Andrew, and Shelley MacDermid

<sup>2</sup> Diener, Ed, Richard E. Lucas, and Shigehiro Oishi

<sup>3</sup> Diener, Ed, and Richard E. Lucas

<sup>4</sup> Brickman, Philip, and Donald Campbell

<sup>5</sup> Suh, Eunkook Mark, Ed Diener, Frank Fujita

<sup>6</sup> Winter, Laraine, M. Powell Lawton, Robin J. Casten, and Robert L. Sando



احساس هویت و عزت نفس می‌شود؛ بر این پایه، ازدواج به طوری معنادار، با سلامتی، مرگ و میر کم، و سطوح بالای مادیات هم‌بسته است.

کلی<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) و نولر<sup>۲</sup> (۱۹۹۷)، با بررسی زوج‌های در حال طلاق، به این نتیجه رسیدند که فقر روابط، عدم رضایت زناشویی، بیماری روانی، و مشکلات عاطفی، بروز طلاق را افزایش می‌دهد (برگرفته از صادقی ۱۳۸۰). اپت<sup>۳</sup> و هم‌کاران<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) و یانگ و هم‌کاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) نیز دریافتند که روابط جنسی و ابراز محبت باعث بالا رفتن سازگاری زناشویی و در نتیجه بالا رفتن شادکامی و به‌زیستی روانی در افراد می‌شود (برگرفته از لتزینگر و گوردون<sup>۶</sup> ۲۰۰۵). کلاتری (۱۳۷۹) در بررسی خود به رابطه‌ی منفی میان تفاهم زناشویی با اضطراب، واکنش به ناکامی، و باور وابستگی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه تهران دست یافت و اعلام کرد افزایش اضطراب و نگرانی موجب کاهش تفاهم زناشویی می‌شود. اسپانیر و لوئیس<sup>۶</sup> (۱۹۸۰)، برگرفته از لتزینگر و گوردون (۲۰۰۵) نیز بیان کردند که ارتباط مثبت، توافق افراد بر سر مسائل زناشویی، و ابراز محبت باعث می‌شود فرد، رضامندی و شادکامی بیشتری در روابط زناشویی خود داشته‌باشد.

با توجه به اهمیت ازدواج، سازگاری زناشویی، و نقش سازگاری در به‌زیستی روانی و سلامتی، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا سازگاری زناشویی زنان متأهل با به‌زیستی روانی رابطه دارد و آیا می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی به‌زیستی روانی آن‌ها باشد؟

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سازگاری زناشویی و به‌زیستی روانی رابطه‌ی مثبت وجود دارد.
- ۲- بین خرده‌مقیاس‌های سازگاری زناشویی (ابراز محبت دونفره، رضایت دونفره، هم‌بستگی دونفره، توافق دونفره) و خرده‌مقیاس‌های به‌زیستی روانی (رضایت از زندگی، معنویت، شادی و خوش‌بینی، رشد و بالندگی فردی، ارتباط مثبت با دیگران، و خودپیروی) رابطه‌ی مثبت وجود دارد.
- ۳- سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج، پیش‌بینی‌کننده‌ی به‌زیستی روان‌شناختی است.

<sup>1</sup> Kelly, Adrian

<sup>2</sup> Noller, Patricia

<sup>3</sup> Apt, Carol, David Farley Hurlbert, Aaron Paul Pierce, and Leigh C. White

<sup>4</sup> Young, Michael, George Denny, Tamera Young, and Raffy Luquis

<sup>5</sup> Litzinger, Samantha, and Kristina Gordon

<sup>6</sup> Spanier, Graham B., and Robert A. Lewis

## روش پژوهش

## جامعه‌ی آماری و نمونه

جامعه‌ی آماری این پژوهش را دانشجویان متأهل زن دانشگاه الزهرا در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ تشکیل می‌دهند و نمونه‌ی پژوهش، شامل ۲۰۱ نفر از دانشجویان متأهل زن است که به دلیل نبودن فهرست دانشجویان متأهل، نمونه‌گیری به شیوه‌ی نمونه‌ی در دسترس انجام شد.

## ابزار پژوهش

پرسش‌نامه‌ی سازگاری دونفره<sup>۱</sup> (زن و شوهر) - این مقیاس که دارای ۳۲ سؤال است و در سال ۱۹۷۶ به وسیله‌ی اسپانیر برای سنجش میزان سازگاری دونفره (زن و شوهر) تهیه شد، تا سال ۱۹۸۴، به عنوان ابزار اصلی پژوهش در نزدیک به ۱۰۰۰ مطالعه مورد استفاده قرار گرفته‌است (اسپانیر ۱۹۸۵، برگرفته از ملازاده ۱۳۸۱). اسپانیر اعتبار و روایی این مقیاس را در سطح نمرات کلی ۰/۹۶، و برای مقیاس‌های فرعی، به ترتیب برای رضامندی دونفره<sup>۲</sup> ۰/۹۴، برای توافق دونفره<sup>۳</sup> ۰/۹۰، برای هم‌بستگی دونفره<sup>۴</sup> ۰/۸۶، و برای ابراز محبت و عواطف<sup>۵</sup> در روابط دونفره ۰/۷۳ تعیین کرد. در پژوهش ملازاده (۱۳۸۱)، با اجرا در فاصله‌ی زمانی ۳۷ روز بر روی ۹۲ نفر از نمونه‌ی مورد بررسی، ضریب قابلیت اعتماد به روش بازآزمایی ۰/۸۶ به دست آمد و آلفای کرون‌باخ این پرسش‌نامه ۰/۸۹ تعیین شد. برای برآورد روایی، با اجرای هم‌زمان این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه‌ی سازگاری زناشویی لاک-والاس<sup>۶</sup>، ضریب قابلیت اعتماد برای ۷۶ نفر از زوج‌های مشابه با زوج نمونه، ۰/۹۰ به دست آمد. اعتبار به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر با روش آلفای کرون‌باخ ۰/۹۴ است.

پرسش‌نامه‌ی به‌زیستی روان‌شناختی (روانی) - این پرسش‌نامه، که به وسیله‌ی رنجانی

طیسی (۱۳۸۳) و به منظور سنجش به‌زیستی روان‌شناختی ابداع شده، دارای ۷۷ سؤال - تهیه‌شده بر اساس روش و اصول روان‌سنجی است و شش خرده‌مقیاس رضایت از زندگی<sup>۷</sup> (۱۹ سؤال)، معنویت<sup>۸</sup> (۱۳ سؤال)، شادی و خوش‌بینی<sup>۹</sup> (۱۹ سؤال)، رشد و بالندگی فردی<sup>۱۰</sup>

<sup>1</sup> The Dyadic Adjustment Scale (DAS)

<sup>2</sup> Dyadic Satisfaction

<sup>3</sup> Dyadic Consensus

<sup>4</sup> Dyadic Cohesion

<sup>5</sup> Affectional Expression

<sup>6</sup> Lock-Wallace Marital Adjustment Scale

<sup>7</sup> Life satisfaction

<sup>8</sup> Spirituality

<sup>9</sup> Happiness & Optimism

<sup>10</sup> Maturity





(۸ سؤال)، ارتباط مثبت با دیگران<sup>۱</sup> (۸ سؤال)، و خودپیروی<sup>۲</sup> (۱۰ سؤال) را در بر می‌گیرد. قابلیت اعتماد مقیاس تدوین‌شده‌ی به‌زیستی روانی، از دو روش هم‌سانی درونی و بازآزمایی مورد سنجش قرار گرفته و به منظور برآورد هم‌سانی درونی آن از روش آلفای کرون‌باخ استفاده شده‌است. ضریب قابلیت اعتماد کل مقیاس ۰/۹۴ است، که در آزمون‌های فرعی بین ۰/۹۰ و ۰/۶۲ به دست آمد. در پژوهش حاضر، هم‌سانی درونی به وسیله‌ی آلفای کرون‌باخ ۰/۹۲ تعیین شد. مقیاس تدوین‌شده‌ی به‌زیستی روانی نیز در دو نوبت و به فاصله‌ی زمانی دو هفته، بر روی یک گروه از آزمودنی‌ها اجرا شد، که ضریب هم‌بستگی به‌دست‌آمده برای کل مقیاس ۰/۷۶ و برای خرده‌آزمون‌ها بین ۰/۶۷ تا ۰/۷۳ بود. همگی ضرایب در سطح ( $\alpha < 0.01$ ) معنادار است (زنجانی طبسی ۱۳۸۳).

### روش گردآوری اطلاعات

برای گردآوری اطلاعات، با ارائه‌ی دو پرسش‌نامه‌ی سازگاری زناشویی و به‌زیستی روان‌شناختی به هر فرد متأهل، جمعاً ۲۰۱ پرسش‌نامه به وسیله‌ی دانشجویان متأهل زن تکمیل شد و به‌رغم آن که برای پر کردن پرسش‌نامه‌ها تنها نزدیک ۲۰ تا ۲۵ دقیقه زمان لازم بود، محدودیت زمانی در تکمیل آن‌ها وجود نداشت. تحلیل یافته‌ها نیز به وسیله‌ی کامپیوتر و از طریق نرم‌افزار SPSS<sup>۳</sup>، با روش‌های آماری ضریب هم‌بستگی و رگرسیون انجام شد.

### یافته‌های استنباطی پژوهش

برای پاسخ‌گویی به فرضیه‌ی اول بررسی رابطه‌ی سازگاری زناشویی و به‌زیستی روانی، از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۱ آمده‌است. با توجه به داده‌های جدول، رابطه‌ی به‌زیستی روانی و سازگاری زناشویی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. برای بررسی فرضیه‌ی دوم بررسی رابطه‌ی بین خرده‌مقیاس‌های سازگاری زناشویی و خرده‌مقیاس‌های به‌زیستی روانی از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۱ آمده‌است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، همه‌ی خرده‌مقیاس‌های به‌زیستی روانی با خرده‌مقیاس‌های سازگاری زناشویی هم‌بستگی مثبت در سطح ۰/۰۱ و با اطمینان ۰/۹۹

<sup>1</sup> Relationship

<sup>2</sup> Self autonomy

<sup>3</sup> Statistical Package for the Social Sciences

دارند. تنها، خرده‌مقیاس معنویت است که فقط با خرده‌مقیاس هم‌بستگی دونفره هم‌بستگی معنادار دارد.

جدول ۱- هم‌بستگی میان به‌زیستی روانی و سازگاری زناشویی و خرده‌مقیاس‌های آن‌ها

خرده‌مقیاس	رضایت دونفره	هم‌بستگی دونفره	توافق دونفره	ابراز محبت	سازگاری کل
رضایت از زندگی	**۰/۴۲۴	**۰/۳۲۳	**۰/۳۴۰	**۰/۲۹۳	
معنویت	۰/۱۲۴	**۰/۱۹۹	۰/۰۴۲	۰/۰۸۵	
شادی و خوش‌بینی	**۰/۳۹۹	**۰/۳۹۶	**۰/۲۸۳	**۰/۲۴۴	
رشد و بالندگی فردی	**۰/۲۸۶	**۰/۲۶۴	**۰/۳۰۰	**۰/۲۵۶	
خودپیروی	**۰/۳۹۰	**۰/۲۵۷	**۰/۴۰۹	**۰/۲۵۶	
ارتباط مثبت	**۰/۲۶۹	**۰/۲۸۹	**۰/۲۸۲	**۰/۱۸۵	
به‌زیستی کل	**۰/۴۲۵	**۰/۳۹۰	**۰/۳۷۸	**۰/۲۸۱	**۰/۴۳۹

\*\*  $p < 0.01$

برای بررسی سهم سازگاری زناشویی و طول مدت زمان ازدواج در پیش‌بینی به‌زیستی روانی، طول مدت زمان ازدواج، با سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت، و با استفاده از روش رگرسیون گام‌به‌گام بررسی شد. نتایج در جدول‌های ۲ تا ۵ نشان داده شده‌است.

جدول ۲- هم‌بستگی بین به‌زیستی روانی و سازگاری زناشویی با مدت زمان ازدواج

متغیر	مدت زمان ازدواج
به‌زیستی روانی	**۰/۲۰۹
سازگاری زناشویی	**۰/۳۰۶

\*\*  $p < 0.01$

همان گونه که در جدول ۲ دیده می‌شود، بین به‌زیستی روانی و مدت زمان ازدواج، و بین سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج در سطح  $0.01$  هم‌بستگی معناداری وجود دارد.

جدول ۳- تحلیل واریانس پیش‌بینی به‌زیستی روانی از روی سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج

متغیرها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F
سازگاری زناشویی	رگرسیون	۲۳۳۰۴/۸۴۱	۱	۲۳۳۰۴/۸۴۱	**۴۷/۷۹۵
	باقی‌مانده	۹۵۵۶۹/۴۸۷	۱۹۶	۴۸۷/۵۹۹	
	مجموع	۱۱۸۸۷۴/۳۳۰	۱۹۷		
سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج	رگرسیون	۲۵۴۷۸/۹۴۱	۲	۱۲۷۳۹/۴۷۰	**۲۶/۵۹۹
	باقی‌مانده	۹۳۳۹۵/۳۸۸	۱۹۵	۴۷۸/۵۹۱	
	مجموع	۱۱۸۸۷۴/۳۳۰	۱۹۷		

\*\*  $p < 0.01$



همان گونه که در جدول ۳ دیده می‌شود، هنگامی که در گام دوم، هر دو متغیر پیش‌بینی، یعنی سازگاری زناشویی و طول مدت زمان ازدواج در رگرسیون وارد شده‌اند،  $F$  به‌دست‌آمده در این گام،  $۲۶/۵۹۹$  بوده که نشان می‌دهد سازگاری و مدت زمان ازدواج می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی به‌زیستی باشد.

جدول ۴- هم‌بستگی به‌زیستی روانی با سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج در گام اول و دوم

متغیر مستقل	هم‌بستگی $R$	ضریب تعیین $R^2$	$R^2$ اصلاح‌شده	انحراف استاندارد خطای تخمین
سازگاری زناشویی	۰/۴۳۹	۰/۱۹۶	۰/۱۹۲	۲۲/۰۸
سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج	۰/۴۶۳	۰/۲۱۴	۰/۲۰۶	۲۱/۸۸

آن گونه که در جدول ۴ دیده می‌شود، هم‌بستگی بین به‌زیستی روانی و سازگاری زناشویی  $۰/۴۳۹$ ، و هم‌بستگی بین به‌زیستی روانی با سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج  $۰/۴۶۳$  است؛ بنا بر این،  $۰/۲۰۶$  از تغییرات به‌زیستی روانی به وسیله‌ی دو متغیر سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج قابل‌پیش‌بینی است.

جدول ۵- رگرسیون به‌زیستی روانی از روی سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج

متغیر وابسته	گام	متغیر مستقل	$B$	خطای استاندارد	$\beta$	$t$
به‌زیستی روانی	دوم	مقدار ثابت	۱۹۷/۳۲۱	۱۶/۸۵۶	—	**۱۱/۷۰۶
		سازگاری زناشویی	۰/۸۶۴	۰/۱۱۹	۰/۴۷۱	**۷/۲۶۴
		مدت زمان ازدواج	۱/۸۵۲	۰/۸۶۹	۰/۱۳۸	**۲/۱۳۱

\*\*  $p < ۰/۰۱$

بر پایه‌ی نتایج واریانس و شاخص آماری رگرسیون گام‌به‌گام بین به‌زیستی روانی و سازگاری زناشویی با مدت زمان ازدواج، میزان  $t$  به‌دست‌آمده در جدول ۵ معنادار است ( $p < ۰/۰۱$ ) و با توجه به آماره‌ی  $t$  می‌توان دریافت که سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج با اطمینان  $۰/۹۹$ ، به‌زیستی روانی را پیش‌بینی می‌کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

بهداشت روانی علمی است که برای رفاه اجتماعی و سازش منطقی با پیش‌آمدهای زندگی به وجود آمده و با توجه به پیشرفت علوم پزشکی، تحولی بزرگ را در بهداشت و پیش‌گیری از بیماری‌ها ایجاد کرده‌است. فن‌آوری و صنعت، آلودگی محیط زیست، بحران

ترافیک و آموزش و پرورش، کمبود مواد غذایی و مسائلی از این دست باعث ناسازگاری در روان آدمیان شده (میلانی‌فر ۱۳۷۶) و علم بهداشت روانی و شاخه‌های آن، که به‌زیستی هم در آن جای می‌گیرد، در جهت ایجاد فرآیندهای شادی‌آور برای مردم تلاش می‌کند. یکی از مقوله‌هایی که باعث از بین رفتن شادی افراد می‌شود، ناسازگاری‌های زناشویی و به بن‌بست رسیدن ازدواج است. *آماتو* (۲۰۰۰) بیان می‌کند که بسیاری از زنان و مردان وقتی ازدواج‌شان به بن‌بست می‌رسد، به‌زیستی و سلامتی خود را از دست می‌دهند و احساس تنهایی می‌کنند.

پژوهش حاضر به موضوع سازگاری زناشویی و ارتباط آن با به‌زیستی روانی در بین دانشجویان متأهل زن دانشگاه الزهرا پرداخت و نتایج آماری آن نشان داد که رابطه‌ی بین دو متغیر به‌زیستی روانی و سازگاری زناشویی، با توجه به ضریب هم‌بستگی به‌دست‌آمده، معنادار است. پژوهش‌هایی که *اشتوتز* و *فری*<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) بر روی افراد انجام دادند نشان داد که ازدواج می‌تواند در بالا رفتن به‌زیستی روانی افراد مؤثر واقع شود و مطالعات *دی‌پائولو*<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) و *کیم* و *مک‌کنری*<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) نیز از بالا رفتن شادکامی به وسیله‌ی ازدواج خبر می‌دهد. پژوهش *فورست* و *هیتون*<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) بیان‌گر آن بود که حتا افراد مطلقه و بیوه هم وقتی ازدواج مجدد می‌کنند، موقعیت جدیدشان باعث بالا رفتن به‌زیستی روانی در آن‌ها می‌شود و پژوهش‌گران دیگر (*دینر* و هم‌کاران ۱۹۹۱، *آرگیل* ۲۰۰۰، *وایت* و *گالاگر* ۲۰۰۰، برگرفته از *کوهرل*، *راجرز*، و *اسکیت* ۲۰۰۴) نیز به این نتیجه رسیدند که ازدواج‌کرده‌ها، به طور ثابت، به‌زیستی روانی بالاتری نسبت به هرگز ازدواج‌نکرده‌ها، بیوه‌ها، ومطلقه‌ها دارند؛ بر این اساس، نتایج این پژوهش و همه‌ی پژوهش‌های یادشده، با تأکید بر وجود رابطه‌ی معنادار بین سازگاری زناشویی و به‌زیستی روانی، نشان می‌دهند که ازدواج و سازگاری زناشویی بالا، سلامتی و شادکامی بیش‌تری را به همراه می‌آورد و ازدواجی که با آرامش و سازگاری همراه نیست کاهش سلامتی را در پی دارد.

با توجه به یافته‌های دیگر این پژوهش، بین خرده‌مقیاس‌های سازگاری زناشویی و خرده‌مقیاس‌های به‌زیستی روانی رابطه‌ی مثبت و هم‌بستگی معناداری وجود دارد و تنها خرده‌مقیاس معنویت است که فقط با هم‌بستگی دونفره رابطه‌ی معنادار دارد. در پژوهش‌های *اپت* و هم‌کاران (۱۹۹۶، برگرفته از *لتزینگر* و *گوردون* ۲۰۰۵) و *یانگ* و هم‌کاران (۲۰۰۰، برگرفته از *لتزینگر* و *گوردون* ۲۰۰۵)، نشان داده‌شد که روابط جنسی و ابراز محبت باعث بالا رفتن

<sup>1</sup> Stutzer, Alois, and Bruno S. Frey

<sup>2</sup> DePaulo, Bella M.

<sup>3</sup> Kim, Hyoun K., and Patrick C. McKenry

<sup>4</sup> Forste, Renata, and Tim B. Heaton



سازگاری زناشویی و در نتیجه باعث بالا رفتن شادمانی و به‌زیستی روانی می‌شود. اسپانیر و لوئیس (۱۹۸۰)، برگرفته از لتزینگر و گوردون (۲۰۰۵) نیز بیان کردند که ارتباط مثبت و توافق افراد بر سر مسائل زناشویی و ابراز محبت باعث می‌شود که فرد، رضامندی و شادکامی بیشتری در روابط زناشویی داشته‌باشد. برادبوری<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، برگرفته از لتزینگر و گوردون (۲۰۰۵) دریافت که شاد نبودن همسران به خاطر ناتوانی در ایجاد روابط محبت‌آمیز می‌تواند دلایلی نظیر عدم هماهنگی فرهنگی، مذهبی، و از این دست مسائل داشته‌باشد. پژوهش‌های بنی‌اسدی (۱۳۷۰) و نیکویی (۱۳۸۳) نیز نبود رابطه بین نگرش‌های مذهبی با سازگاری زناشویی را اثبات کرده‌است؛ پس شاید بتوان گفت که معنویت، کم‌تر از دیگر مؤلفه‌ها به وسیله‌ی سازگاری زناشویی به دست می‌آید؛ زیرا در سازگاری زناشویی، رضایت از زندگی، شادمانی، و ارتباط مثبت با دیگران باید وجود داشته‌باشد، ولی معنویت، اگرچه در زندگی هر فرد نقشی مؤثر دارد، در این زمینه نقشی پررنگ ندارد و هیچ رابطه‌ی معناداری بین این دو متغیر دیده‌ نمی‌شود.

فرض دیگر این پژوهش، بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده‌ی سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج و به‌زیستی روانی است، که با توجه به  $t$  به‌دست‌آمده از رگرسیون گام‌به‌گام، سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی به‌زیستی روانی باشد؛ هرچند که پیش‌بینی کردن به‌زیستی روانی از روی سازگاری زناشویی می‌تواند با اطمینانی بیش‌تر صورت بگیرد؛ یعنی سازگاری زناشویی، برای به‌زیستی روانی پیش‌بینی‌کننده‌ی بهتری است تا مدت زمان ازدواج. در این پژوهش، قدرت پیش‌بینی سازگاری زناشویی و مدت زمان ازدواج  $۰/۲۰۶$  به دست آمده‌است و به هر حال با توجه به نتایج به‌دست‌آمده و پژوهش‌های بیان‌شده از فورست و هیتون (۲۰۰۴)، دی‌پائولو (۲۰۰۴)، اشتوتز و فرای (۲۰۰۶)، و دیگران می‌توان نتیجه گرفت که سازگاری زناشویی بالا منجر به به‌زیستی روانی در همسران می‌شود.

پژوهش حاضر بر وجود رابطه بین سازگاری زناشویی و به‌زیستی روانی در زنان متأهل تأکید دارد و با توجه به نتایج آن می‌توان بیان کرد که سازگاری زناشویی می‌تواند عامل پیش‌بینی‌کننده‌ی برای به‌زیستی روانی زنان باشد و نشان دهد که هرچه سازگاری زناشویی بالاتر رود، به‌زیستی روانی زنان هم افزایش می‌یابد؛ پس با در نظر گرفتن نقش زنان در خانواده و جامعه، لزوم توجه به به‌زیستی روانی آن‌ها و عوامل مربوط به آن از اولویت برخوردار است. نتایج پژوهش حاضر در مراکز مشاوره و ازدواج نیز می‌تواند مورد

<sup>۱</sup> Bradbury, Thomas N.

استفاده قرار بگیرد؛ هرچند که با توجه به تک‌جنسی بودن نمونه‌ی پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتری با نمونه‌ی مذکر و با در نظر گرفتن سایر عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی انجام شود.



## منابع

- بنی‌اسدی، حسین. ۱۳۷۰. «بررسی و مقایسه‌ی عوامل مؤثر اجتماعی، فردی، و شخصیتی زوج‌های ناسازگار در شهر کرمان.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- زنجانی طیبی، رضا. ۱۳۸۳. «ساخت و هنجاریابی مقدماتی آزمون بهزیستی روان‌شناختی.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- شاملو، سعید. ۱۳۶۹. *بهداشت روانی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صادقی، سعید. ۱۳۸۰. «بررسی عوامل شخصیتی مؤثر در سازگاری زناشویی.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، انستیتو روان‌پزشکی ایران، تهران.
- کرد، بهمن. ۱۳۸۴. «بررسی رابطه‌ی سلامت روانی بر ازدواج مجدد در همسران شهید استان سیستان و بلوچستان.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- کلانتری، آذین. ۱۳۷۹. «بررسی ارتباط بین تفاهم زناشویی و باورهای غیرمنطقی زنان دانشجوی رشته‌ی علوم انسانی دانشگاه تهران.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء، تهران.
- لطف‌آبادی، حسین. ۱۳۷۹. *روان‌شناسی رشد*، جلد ۲. چاپ ۲. تهران: انتشارات سمت.
- ملزاده، جواد. ۱۳۸۱. «رابطه‌ی سازگاری زناشویی با عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله‌ی در فرزندان شاهد.» پایان‌نامه‌ی دکتر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- میلانی‌فر، بهروز. ۱۳۷۶. *بهداشت روانی*. چاپ ۵. تهران: انتشارات قومس.
- نیکویی، مریم. ۱۳۸۳. «بررسی رابطه‌ی دین‌داری با رضایت‌مندی زناشویی در بین زوج‌های شهر تهران.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- Amato, Paul R. 2000. "The Consequences of Divorce for Adults and Children." *Journal of Marriage and Family* 62(4):1269-1287.
- Behnke, Andrew, and Shelley MacDermid. 2004. "Family Well-Being." *A Sloan Work and Family Encyclopedia* Entry. Retrieved 1 May 2007 ([http://wfnetwork.bc.edu/encyclopedia\\_entry.php?id=235](http://wfnetwork.bc.edu/encyclopedia_entry.php?id=235)).
- DePaulo, Bella M. 2004. "The Scientific Study of People Who Are Single: An Annotated Bibliography." Academic Advisory Board of Spectrum Institute, Research and Policy Division of the American Association for Single People (AASP), Glendale, CA, USA. Retrieved 1 May 2007 (<http://www.unmarriedamerica.org/Spectrum/Bibliography/contents-page.htm>).
- Diener, Ed. 2000. "Subjective Well-Being: The Science of Happiness and a Proposal for a National Index." *American Psychologist* 55(1):34-43.
- Diener, Ed, and Richard E. Lucas. 2000. "Subjective Emotional Well-Being." Pp. 325-337 in *Handbook of Emotions, Second Edition*, edited by Michael Lewis, and Jeannette M. Haviland-Jones. New York, NY, USA: Guilford.
- Diener, Ed, Richard E. Lucas, and Shigehiro Oishi. 2002. "Subjective Well-Being: The Science of Happiness and Life Satisfaction." Pp. 63-73 in *Handbook of Positive Psychology*, edited by C. R. Snyder, and Shane J. Lopez. New York, NY, USA: Oxford University Press.

- Erikson, Erik H. 1982. *The Life Cycle Completed: A Review*. New York, NY, USA: Norton.
- Kim, Hyoun K., and Patrick C. McKenry. 2002. "The Relationship between Marriage and Psychological Well-Being: A Longitudinal Analysis." *Journal of Family Issues* 23(8):885-911.
- Kohler, Hans-Peter, and Joseph Lee Rodgers, and Axel Skytthe. 2004. "Subjective Well-Being, Fertility, and Partnerships: A Biodemographic Perspective." Paper Presented at the 2005 Annual Meeting of the Population Association of America, 31 March-2 April 2005, Philadelphia, PA, USA.
- Keyes, Corey Lee M., Dov Shmotkin, and Carol D. Ryff. 2002. "Optimizing Well-Being: The Empirical Encounter of Two Traditions." *Journal of Personality and Social Psychology* 82(6):1007-1022.
- Litzinger, Samantha, and Kristina Gordon. 2005. "Exploring Relationships among Communication, Sexual Satisfaction, and Marital Satisfaction." *Journal of Sex and Marital Therapy* 31(5):409-424.
- Forste, Renata, and Tim B. Heaton. 2004. "The Divorce Generation: Well-Being: Family Attitudes, and Socioeconomic Consequences of Marital Disruption." *Journal of Divorce and Remarriage* 41(1/2):95-114.
- Stutzer, Alois, and Bruno S. Frey. 2006. "Does Marriage Make People Happy or Do happy People Get Married?" *Journal of Socio-Economics* 35(2):326-347.

## نویسندگان

دکتر زهرا درویزه،

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا  
zahradarvizeh@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای روان‌شناسی با گرایش شناخت و ادراک محیط، دانشگاه شه‌فیلد<sup>۱</sup>، انگلستان.  
مجری طرح‌های پژوهشی در دو حوزه‌ی آموزش و پژوهش، و روان‌شناسی اجتماعی و تربیتی.

فاطمه کهیکی،

دستیار علمی دانشگاه پیام نور زاهدان

<sup>1</sup> University of Sheffield, Sheffield, South Yorkshire, England



## محدودیت‌ها و موانع شهادت زنان در محاکم قضایی

دکتر فریبا حاجی‌علی

استادیار دانشکده‌ی الاهیات، دانشگاه الزهرا

### چکیده

مسئله‌ی کیفیت گواهی دادن زنان در دادگاه‌ها، یکی از مسائل بحث‌انگیز در حوزه‌ی مسائل بانوان است، زیرا آنچه در قوانین مدون کیفری و مدنی به چشم می‌خورد به‌وضوح نشان‌گر آن است که بر اساس آرای فقها و استنباط ایشان از دلایل فقهی، شهادت زنان در زمینه‌های مختلف، معتبر دانسته نشده است؛ در حالی که با بررسی دوباره، می‌توان این دلایل را در شرایط کنونی به گونه‌ی مورد استنباط قرار داد که قطعاً منجر به تغییر قوانین مربوط به شهادت زنان شود. این نوشتار با وارد دانستن اشکال به شیوه‌ی استنباط از قرآن و روایات، و با مخدوش اعلام کردن سایر دلایل، مسئله‌ی شهادت و گواهی را تنها به عنوان راهی برای اثبات آن دسته از دعاوی معرفی می‌کند که اعتبار آن‌ها کاملاً تابع اعتبار عرفی آن‌ها است؛ یعنی اگر در شرایطی خاص، اهلیت زنان برای اظهار نظر درباره‌ی مشاهدات خود احراز شود و عرف عقلاً نیز آن را تأیید کند، هرگز شارع مقدس آن را نادیده نمی‌گیرد و شهادت مرد و زن را برابر می‌داند.

### واژگان کلیدی

زن؛ شاهد؛ محاکم؛ دعاوی؛

آنچه تا کنون از لابه‌لای مدارک و مستندات فقهی در مورد مسئله‌ی شهادت زنان به دست آمده و پایه‌ی فتاوی بیش‌تر فقهای عظام قرار گرفته، همگی بیان‌گر محدودیت‌های خاصی است که نسبت به زنان در موضوعات مختلف شهادت وجود دارد؛ اما از آن جا که با بررسی دقیق‌تر این ادله می‌توان نتیجه گرفت که چنین محدودیت‌هایی از آیات قرآن و روایات، که مرجع اصلی این مسئله اند، قابل‌استنباط نیست، بر آن ایم که با بررسی این دلایل و محدودیت‌های آن، افق دیدی روشن‌تر و وسیع‌تر را نسبت به این موضوع بگشاییم تا برخی اشکال‌های موجود در این زمینه برطرف شود.

### جای‌گاه شهادت زنان

از میان شرایع، آیین یهود، شهادت زنان را به طور مطلق مردود اعلام کرده‌است (هینلز<sup>۱</sup> ۱۳۸۵:۱۳۷) و سایر ادیان نیز بسیار در آن احتیاط کرده‌اند (شلی ۱۹۹۷:۱۷۳). در قوانین موضوعه‌ی ایران، که مبتنی بر نظر مشهور فقهای امامیه است، برخلاف قوانین بیش‌تر کشورها که شرط مرد بودن از جمله‌ی شروط شاهد محسوب نشده‌است (قربان‌نیا ۱۳۸۴:۱۵)، در برخی موارد (مانند لواط و مساحقه)، اصولاً شهادت زنان به طور کلی پذیرفته نیست و در برخی موارد دیگر، در صورتی که در کنار شهادت مردان مطرح شود، اعتبار دارد.

### دلایل اعتبار شهادت زنان

#### آ- قرآن کریم

مهم‌ترین مستند قوانین شریعت، یعنی قرآن کریم، تقریباً در تمامی موارد مربوط به شهادت و شاهد گرفتن، مسئله را به طور مطلق بیان کرده و بدون اشاره به جنسیت و یا تفاوت نصاب میان زن و مرد، به لزوم یا کیفیت شهادت در امور مختلف تذکر داده‌است. موارد زیر از این دسته اند:

۱- طلاق و رجوع- طلاق و رجوع در عده نیازمند دو شاهد عادل است. وقتی که عده‌ی طلاق زنان به سر می‌رسد، یا آن‌ها را به طور شایسته نگاه داشته (رجوع)، یا به شایستگی از آن‌ها جدا شوید و بر رجوع یا مفارقت، دو شاهد عادل بگیرید و شهادت را برای خدا اقامه کنید (قرآن: طلاق: ۲).

<sup>1</sup> Himmells, John R.



۲- اثبات زنا- زنانی از شما که مرتکب فحشا می‌شوند، چهار شاهد بر ایشان بگیرید؛ اگر آن‌ها شهادت دادند، زنان را در خانه‌ها حبس کنید تا بمیرند و یا این که خداوند برای آن‌ها راهی دیگر قرار دهد (قرآن: نساء: ۱۵).

۳- وصیت- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا می‌رسد، به هنگام وصیت، دو شاهد عادل از خودتان و یا اگر در حال سفر هستید، دو شاهد از غیر خودتان برای وصیت بگیرید (قرآن: مائده: ۱۰۶). در صورت نبود شاهد مسلمان (اعم از زن و مرد) حتا جواز استشهاد از غیرمسلمانان هم در آیه وجود دارد.

۴- قذف- اگر کسی به دیگری تهمت زنا زند و چهار شاهد حاضر نکند مستحق مجازات و کاذب است (قرآن: نور: ۴).

تنها موردی که در آن به جنسیت شاهد اشاره شده، طولانی‌ترین آیه‌ی قرآن، یعنی آیه‌ی معروف دین است (قرآن: بقره: ۲۸۲)، که اعلام می‌کند در مسئله‌ی قرض گرفتن بهتر است که دین، نوشته، و شاهد بر آن گرفته‌شود: دو شاهد از بین مردان تان بگیرید و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن از کسانی که مورد رضایت شما اند شاهد بگیرید، که اگر یکی از آن‌ها فراموش کرد، زن دیگری او را یادآوری کند. شهود نباید هنگامی که برای ادای شهادت دعوت می‌شوند، امتناع ورزند.

### بررسی میزان دلالت آیات شریفه

۱- همان گونه که مشاهده‌شد، دسته‌ی اول آیات، مطلقاتی اند که بدون اشاره به تعداد و جنسیت، فقط تصریح به لزوم شهادت شهود دارند و می‌توانند قوی‌ترین دلیل بر اعتبار شهادت زنان قرار گیرند، اما به دلایل زیر از ظواهر این آیات عدول شده‌است:

آ- صیغه‌هایی که در مورد شاهد و عادل در این آیات به کار رفته، مذکر، و تنها به معنای شاهد مرد است.

در پاسخ به این مسئله می‌توان گفت کاربرد صیغه‌های مذکر در قرآن و روایات از باب تغلیب است و اشاره به جنسیت ندارد؛ مانند لفظ «ولد»، که منحصر به فرزند پسر نیست و استفاده از آن در جنس مذکر و مؤنث شیوع دارد.

ب- اصولاً صفت عدالت در مورد زنان حقیقت خارجی ندارد و از آن جا که زنان ذاتاً فاقد چنین وصفی اند، همواره در متون فقهی ما، هرگاه سخن از عدل است، مقصود فقط یک مرد عادل است؛ به عبارت دیگر، یا باید معتقد باشیم که اصلاً زن عادل یافت نمی‌شود، یا اگر وجود دارد آن‌قدر انگشت‌شمار است که موجب انصراف لفظ «عدل» از

جنس زن شده‌است؛ بنا بر این می‌بینیم هر جا سخن از عدالت و حضور آن به عنوان شرط در مسائل شرعی به میان آمده (مانند قضاوت و مرجعیت)، همراه با ذکوریت بوده‌است؛ یعنی عدالت و ذکوریت از عناوین ملازم یک‌دیگر اند.

به نظر می‌رسد که دو توهّم آشکار در این مطلب وجود دارد، که یکی از آن‌ها در مورد مفهوم عدالت و تعیین مصداق عادل است. بر پایه‌ی آیات، عدالت شرط‌شده در مورد شاهد همان عدالت ظاهری، شامل حسن ظاهر و عدم اظهار فسق به انجام کبائر و اصرار بر صغائر است، نه آن ملکه‌ی راسخه‌ی نفسانی. برآمده از کمالات روحی؛ بر این اساس، احراز چنین شرطی در مورد زنان غیرممکن و مشقت‌بار نیست و دستیابی به آن از همان راه‌هایی که درباره‌ی مردان ذکر شده، در مورد زنان نیز امکان‌پذیر است؛ افزون بر این، نقصان عبادت زنان و یا هر عاملی که به عنوان نقص در مورد زنان ذکر شده، مانع کمالات نفسانی آن‌ها نیست و خداوند حکیم طی مسیر تکامل را برای زنان نیز به اندازه‌ی مردان امکان‌پذیر کرده‌است؛ پس حتا در تفسیر عدالت به معنای دوم، دست یافتن زنان به چنین مقامی ناممکن نیست و زن عادل نیز می‌تواند مصداقی عینی پیدا کند.

توهّم دوم در مورد انصراف یا انتقال لفظ عدل از معنای عام (انسان) به معنای خاص (مرد) آن است. بدیهی است که اثبات انتقال معنای حقیقی لفظ به گروهی خاص از مصداق آن، به‌خصوص درباره‌ی منقول شرعی یا عرفی، ادعایی است که دلیلی برای آن وجود ندارد و هیچ فقیه یا لغت‌شناسی را نمی‌توان یافت که تا این حد در تعریف و توضیح الفاظ دچار تسامح شده‌باشد. کثرت استعمال در این مورد، حتا اگر ثابت شود که صحیح و بر طبق معیارهای مقبول شرعی و عرفی صورت پذیرفته‌است، به میزانی نیست که موجب انصراف ذهن به معنای دیگر شود؛ از سوی دیگر، در این جا نه‌تنها انتقال لفظ، بلکه حتا انصراف ظهوری هم وجود ندارد و بهترین شاهد عدم انصراف را می‌توان مواردی دانست که شهادت زنان مقبول است و احراز عدالت نیز شرط شده‌است؛ یعنی در عین بیان لفظ عدل و عادل، موضوع شهادت از مواردی است که شهادت زنان در آن جا نیز قابل‌پذیرش است. پ- بسیاری از عمومات قرآن تخصیص خورده و به مطلقات آن تقیید زده‌شده‌است.

از نظرات عموم فقها و با توجه به روایات وارده و سایر ادله‌ی مورد استناد می‌توان استنباط کرد که این آیات عام و مطلق، از عمومیت و اطلاق خارج شده و آنچه که در مورد وصیت و طلاق، به عنوان نمونه، مطرح شده‌است، قابل‌اجرا نخواهدبود و به طور کلی نظر مشترک فقها این است که در حدود حق‌الله و هم‌چنین در امور غیرمالی مربوط به حق‌الناس، شهادت زنان اعتبار ندارد؛ به عنوان مثال، بنا بر گفته‌ی ابی‌جعفر، در طلاق



شهادت زنان جایز نیست (خوبی بی‌تا، ج ۱: ۱۲۱)؛ طلاق باید به صیغه‌ی طلاق و در حضور دست‌کم دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع شود؛ و نیز به روایت محمد بن مسلم، «قال لا تجوز شهادة النساء في الهلال و لا في الطلاق.» (حر عاملی ۱۳۶۷، ج ۱۰: ۱۸).

بدیهی است که در این مسئله، تخصیص آیات نقشی اساسی به عهده دارد و با توجه به صحیح بودن این شیوه‌ی اصولی استنباط، روش همه‌ی فقها نیز تا کنون بر این مبنا استوار بوده‌است؛ اما مسئله، حکمت تفاوت در ارزش‌گذاری و اعتبار شهادت زن و مرد است و این که آیا می‌توان با دسترسی به حکمت صدور این مخصصات و با در نظر گرفتن دیگر مؤلفه‌های مؤثر، مثل تغییرات زمانی، مکانی، و موقعیت اجتماعی زن در جوامع کنونی، محدوده‌ی تخصیص را تغییر داد و در بعضی موارد ممنوعیت‌ها را برداشت یا خیر. سؤال این است که آیا اطلاق روایات و مخصصات آیات در همه‌ی زمان‌ها و در همه‌ی شرایط محفوظ است و همواره باید به همین شیوه باعث تخصیص آیات شد؟ آیا در اجرای اطلاق نمی‌توان و نباید به دلایل اطلاق و حکمت حکم توجه کرد؟

حق این است که با توجه به فلسفه‌ی روایات و شأن ورود آن، که در ادامه‌ی مباحث و جای‌گاه اجتماعی زن بیان می‌شود، قائل به اطلاق زمانی مخصص بودن روایات در طول تاریخ نشویم و مخصصات را مخصوص همان شرایط اجتماعی زمان صدور بدانیم.

۲- دسته‌ی دوم آیات که تصریح به جنسیت شاهد و تفاوت میان دو جنس دارند، اما می‌توان تمام توجیهات و استنباطات صورت‌گرفته در آن‌ها را برای اثبات تفاوت شهادت زن و مرد در سایر موارد، به چند دلیل مخدوش دانست.

۱- مسئله‌ی مهم آن است که موضوع شهادت در آیه‌ی شریفه، بحث دین و لزوم مکتوب کردن و شاهد گرفتن بر آن است؛ بنا بر این، با استناد به آیه‌ی شریفه، فقهای عظام، شهادت زنان را فقط در امور مالی یا مواردی که مقصود مالی دارند و در حالتی که منضم به شهادت مردان باشد مورد قبول دانسته‌اند.

برخی از فقهای اهل سنت معتقد اند که در آیه‌ی شریفه، شهادت یک مرد و دو زن به عنوان «بینه» پذیرفته شده‌است، بنا بر این هر جا که شهادت دو شاهد یا بینه ذکر شده می‌توان از شهادت دو زن به جای یک مرد استفاده کرد و فرقی بین امور مالی و غیرمالی، مگر در مواردی که برای آن‌ها نصی خاص مبنی بر عدم اعتبار شهادت زن وجود دارد، نیست (خوبی بی‌تا، ج ۱: ۱۱۷)؛ پس چنانچه مشاهده می‌شود، تعمیم مذکور و بررسی سخنان فقهای امامیه در این زمینه بسیار درخور توجه است، زیرا علاوه بر امور مالی، در هر جایی که شهادت زن به ضمیمه معتبر است، وجود دو زن در کنار یک مرد را

تمام‌کننده‌ی بیته دانسته‌اند. جای تعجب است در مورد کسانی که قائل به تخصیص مطلقات قرآنی اند، اما از تخصیصی که در آیه‌ی شریفه وجود دارد غافل شده‌اند؛ زیرا اگر با این دید به تنها آیه‌ی که در مقام تفسیر و توضیح جنسیت شاهد در قرآن کریم آمده‌است نگاه شود، به‌خوبی می‌توان چنین تخصیصی را انجام داد که شهادت زن و شاهد گرفتن او در تمامی موارد ذکرشده یا نشده‌ی قرآن کریم جایز است، مگر در امور مالی که لازم است دو شاهد مرد گرفته‌شود و اگر دو شاهد مرد یافت نشد، یک مرد و دو زن را شاهد قرار داد. دلیل اختصاص شهادت به مردان و یا لزوم انضمام زن به مرد در شهادت نیز این است که حشر و نشر با تجار و دخالت در امور اقتصادی میان جوامع مختلف، با توجه به شئون و روحیات مردانه، بیشتر، در مردان دیده‌می‌شود و زنان به دلایلی مانند دور بودن از امور تجاری، فاصله‌ی عاطفی با این مسائل، و یا عدم احساس وظیفه در این مورد، آشنایی کامل و مناسبی با آن ندارند؛ پس اگر قرار است زنی در امور مالی شهادت دهد یا باید در کنار یک مرد شهادت دهد یا همراه زنی دیگر باشد تا اگر احیاناً مرتکب اشتباه و فراموشی شد، از باب احتیاط شهادت غلط ندهد و سخن او با مشکل مواجه نشود. به‌رغم مناسب‌تر بودن این تفسیر و نیز تعلیلی که در ادامه‌ی آن در مورد فراموشی زنان آمده‌است، تخصیصی که در لابه‌لای سخنان دیده‌می‌شود، کاملاً برعکس و در جهت محدود ساختن حیطه‌ی شهادت زنان به کار گرفته‌شده‌است؛ در حالی که شأن تخصیص این است که مسئله منحصر به امر دین باشد و به امور مالی، به طور کلی، تعمیم پیدا نکند.

ب- تأکید بر دو لفظ «رجل» و «امراة» در این آیه‌ی کریمه، نشان‌گر آن است که الفاظ «شهادت» و «دوی عدل»، که در آیات دیگر به کار رفته، از نظر جنس شاهد مطلق است و اگر مقصود شارع در آن آیات کریمه جنس مرد بود، به دلیل وجود امکان تقيید، همانند این آیه‌ی شریفه، تصریح بر جنسیت به عنوان یک قید صورت می‌پذیرفت؛ در حالی که با دیده‌نشدن قید در لسان شارع مقدس، جنسیت شاهد در مطلقات قرآنی مد نظر شارع نیست و فرقی بین زن و مرد در این مورد وجود ندارد. این که بگوییم در مطلقات قرآنی، شارع مقدس در مقام بیان جنس شاهد نبوده، پس به اطلاق آیات نمی‌توان تمسک کرد، صحیح نیست، زیرا بلافاصله این پرسش به ذهن خطور می‌کند که چرا در آیه‌ی ۲۸۲ سوره‌ی بقره، شارع در مقام بیان جنس شاهد و اختصاص شهادت به این شیوه‌ی خاص در امر قرض یا امور مالی پرداخته‌است؟ آیا به خاطر اهمیت امور مالی نسبت به امور غیرمالی، مثل حدود، است که حتا وجود ضعیف‌ترین شاهد هم نادیده گرفته‌نشده‌است؟ یا به خاطر این است که زنان در امور مالی تخصص بیشتری دارند؟ بدیهی است که شئون زنان به



امور مالی هیچ تناسب و سنخیتی ندارد و نیز حرمت خون و آبروی مردم به قدری بزرگ‌تر از احترام اموال آن‌ها است که نمی‌توان حتی کم‌ترین احتمال را در مورد درستی سخن یک شاهد نادیده گرفت؛ پس به نظر می‌رسد که همان شیوه‌ی تخصیص ذکرشده، معقول‌ترین شیوه‌ی تخصیص مطلقات قرآنی باشد؛ یعنی آیه‌ی ۲۸۲ سوره‌ی بقره در مقام بیان اختصاص شهادت زنان فقط در امور مالی نازل نشده‌است، بلکه در مقام تخصیص شهادت زنان در مطلقات قرآنی است؛ به این صورت که شهادت زن در همه‌ی امور جایز است، مگر امور مالی که لازم است شهادت او منضم به شهادت مردان، یا در کنار یک زن دیگر باشد.

پ- در این آیه، «ان» به معنای شرط و «تضل» به معنای فراموشی است؛ یعنی اگر هنگام ادای شهادت، یکی از آن دو زن موضوع را فراموش کرد، دیگری به وی آگاهی دهد؛ بر این اساس، شاید غلبه‌ی فراموشی در زن، به دلیل عواطف قوی، یکی از اسراری است که در شهادت، دو زن را در مقابل یک مرد قرار داده‌است (اصفهانی ۱۳۶۱، ج ۳: ۴۴۹)؛ هرچند که این احتمال درباره‌ی مردان نیز به اندازه‌ی پایین‌تر و کمتر وجود دارد (مکارم شیرازی ۱۳۷۶، ج ۲: ۳۸۶). برخی معتقد اند که مسئله‌ی فراموشی در زنان دارای بعد روانی است، زیرا از دیدگاه روان‌شناسان، فراموشی حافظه با میزان احساسات و هیجانات فرد رابطه‌ی مستقیم دارد و «یک شیء یا موضوع، که در ذهن ما انعکاس شدید هیجانی با صبغه‌ی کراهت ایجاد می‌کند، مخصوصاً می‌تواند موجب تسهیل یا تسریع در انصراف توجه ما شود.» (کی‌نیا ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۷۵).

مطالبی که درباره‌ی نسیان و فراموشی حافظه‌ی زنان گفته‌شد به هیچ وجه از آیه‌ی شریفه برداشت نمی‌شود، زیرا اثبات ذاتی بودن این خصیصه در زنان هیچ سند و مدرک معتبر عقلی، علمی، شرعی، و عرفی متقنی ندارد و وجود موارد نقیض زیاد، مؤید این سخن است. چه بسا بتوان این گونه استدلال کرد از آن جا که دیرفراموشی خصوصیت انسان‌های حساس است، زنان به دلیل عواطف زیاد، غالباً عواملی را که آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد دیرتر فراموش می‌کنند و خاطره‌ی بسیاری از مسائل در ذهن آن‌ها ماندنی‌تر از مردان است؛ پس با دقت در آیه‌ی شریفه، به راحتی می‌توان دریافت که این خصوصیت، تنها در رابطه با امور مالی، که زنان تجربه‌ی درباره‌ی آن نداشته‌اند، معنا پیدا می‌کند و به این معنا نیست که زنان در همه‌ی موارد دچار فراموشی اند. در قرون‌ی که زنان از صحنه‌ی اجتماع و روابط مختلف حاکم بر جامعه دور بوده‌اند، طبیعی است به دلیل عدم اشتغال به امور مالی، دچار قدرت تشخیص و حافظه‌ی کم‌تر و در نتیجه نقصان در کیفیت ادای شهادت و نیازمند یک مکمل شوند. وجود یک زن دیگر در کنار شاهد زن اول نیز جنبه‌ی

تکمیل سخنان او را ندارد و آیه هرگز نمی‌گوید که شهادت یک زن به‌تنهایی کافی نیست. شارع مقدس به خاطر احتمال فراموشی یک زن و به منظور احتیاط در امر شهادت، این گونه مقرر کرده‌است که اگر زن اول شهادت را فراموش کرد، لازم است که زن دوم به او یادآوری کند، ولی اگر «ان» شرطیه محقق نشود، جزای شرط هم لازم‌الاجرا نخواهد بود؛ یعنی اگر زن اول فراموش نکرد، نیازی به ادای شهادت زن دوم وجود ندارد؛ بنا بر این، در شرایطی مانند شرایط کنونی، که تغییراتی عظیم در روابط اجتماعی حاکم بر معاملات و امور اقتصادی و مالی صورت گرفته و نقش برجسته‌ی زنان در تحولات اقتصادی جوامع مختلف و ورود مؤثر آنان به عرصه‌ی امور مالی چشم‌گیر شده‌است، اگر احتمال فراموشی یک زن در امور مالی در زمان، مکان، و شرایط خاص وجود نداشته‌باشد، احتیاط کردن، مکمل قرار دادن برای او، و تعدد نصاب شاهد ضرورتی نخواهد داشت؛ در این حالت شاید حتا نیاز به ضمیمه شدن یک مرد در کنار شاهد زن هم وجود نداشته‌باشد، زیرا دیگر احتیاط در مسئله لازم نیست و می‌توان به شهادت آن دو بدون نیاز به شهادت یک مرد اکتفا کرد.

### ب- سنت

در جوامع روایی امامیه، ابواب متعددی به مسئله‌ی شهادت اختصاص پیدا کرده‌است که شاید مهم‌ترین آن را بتوان کتاب *شهادت و مسائل الشیعه* دانست. حدود ۵۱ روایت کتاب اختصاص به شهادت زنان دارد و دسته‌بندی موضوعی این روایات به گونه‌ی است که برخی به طور مطلق به شروطی عامه (مثل بلوغ، عقل، اسلام، و عدالت) در مورد شاهد، بدون شرط ذکوریت، اشاره کرده‌اند و برخی دیگر شهادت زنان را ممنوع یا محدود ساخته، با ضابطه‌ی خاص این محدودیت را تبیین می‌کنند.

۱- روایت *ابن‌ابی‌یعفور* از امام باقر<sup>ع</sup>: «شهادت زنان پذیرفته‌است؛ اگر آن‌ها زنانی پوشیده، پاکدامن، و فرمان‌بردار شوهر و تارک ابتدال و ظاهر شدن با آرایش نزد مردان باشند.» (حر عاملی ۱۳۶۷، ج ۱۸: ۲۹۴؛ طوسی ۱۳۹۰ق، ج ۳: ۱۳)؛ از امام موسی‌بن‌جعفر<sup>ع</sup>: «اگر دو زن به نفع صاحب حق شهادت دهند و صاحب حق قسم بخورد، جایز و صحیح است.» (عاملی ۱۳۶۷، ج ۱۸: ۲۶۴)؛ از امام صادق<sup>ع</sup>: «پیامبر شهادت زنان را در دین به‌تنهایی و بدون انضمام به شهادت مردان اجازه داده‌است.» (همان: ۲۶۲)؛ و حدود ۲۲ روایت دیگر این باب، از جمله روایاتی اند که بدون قید ذکوریت، شهادت زنان در آن‌ها به طور مطلق پذیرفته شده‌است، اما به‌رغم این مسئله، بیش‌تر فقها این مطلقات را، با استناد به آیه‌ی





شریفه‌ی ۲۸۲ بقره و سایر روایات، تخصیص زده‌اند و آن‌ها را به صورت منضم به شهادت مردان قابل‌پذیرش می‌دانند. دلیل لزوم این انضمام نیز کلمه‌ی «فتذکر» در آیه‌ی شریفه است که در مقابل نسیان قرار دارد (طوسی ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۳۷۳).

به نظر می‌رسد که تخصیص این عمومات و مطلقات روایی با آیه‌ی شریفه محل تأمل است؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، تصریح به لفظ رجل و امراه در این آیه‌ی کریمه در مقابل سایر مطلقات قرآنی، تنها به دلیل موضوع شهادت، یعنی امور مالی، است و لزوم ضمیمه و تعدد زنان، نتیجه‌ی عدم اشتغال آنان به امور اقتصادی و تجاری جامعه و نبود اشراف و تسلط در این امور است؛ بنا بر این، در مواردی که موضوع شهادت امور غیرمالی است، بحث تخصیص از موضوع خارج می‌شود و نمی‌توان در جایی که خروج موضوعی اتفاق می‌افتد، تخصیص را جایز دانست.

تخصیص با مخصصات روایی نیز با توجه به توضیحات گفته‌شده قابل‌تأمل است، زیرا محدودده‌ی تخصیص در این دسته از روایات به گونه‌ی پراکنده است که نمی‌توان ملاک و معیاری ثابت را برای آن پیدا کرد. وجود مخصصات موردی مربوط به چند مورد خاص یا عدم اشاره به لزوم ضمیمه و یا تعدد زنان، تخصیص را با اضطراب همراه می‌سازد و شاید حتا منجر به شک در تخصیص همه‌ی عمومات، در همه‌ی موضوعات شود، که در این حالت، شک در تخصیص، مجرای اصل‌العموم و یا اصل‌الاطلاق را فراهم می‌کند.

دسته‌ی دوم روایات، مخصصات شهادت زنان است، که هر یک با شیوه‌ی خاص صورت پذیرفته‌است و مواردی مانند روایت از امام صادق<sup>ع</sup>: «شهادت زن در مورد چیزی که زیاد نیست پذیرفته‌می‌شود، ولی در اموری که زیاد باشد پذیرفته نیست» (عاملی ۱۳۶۷، ج ۱۸: ۲۶۳)؛ روایت محمدبن‌مسلم: «شهادت زنان در رؤیت هلال و طلاق جایز نیست» (همان، ج ۱: ۱۰)؛ روایت امام صادق<sup>ع</sup>: «آیا شهادت زنان همراه مرد در مورد دین جائز است؟ فرمود: (بلی.)» (همان، ج ۱۸: ۲۰۸)؛ روایت خبیرزراره از امام اباجعفر<sup>ع</sup>: «درباره‌ی شهادت زنان در امر نکاح پرسیدم که (آیا جایز است؟) فرمود: (بلی.)» (همان: ۲۶۷)؛ و روایت از امام علی<sup>ع</sup> که می‌فرماید شهادت زنان نه در طلاق، نه در نکاح، و نه در حدود پذیرفته نیست؛ مگر در دیون و چیزی که مردان نمی‌توانند به آن نظر کنند (همان: ۲۶۷)، در این دسته قرار می‌گیرند.

همان‌گونه که دیده‌می‌شود، موارد تخصیص و محدودده‌ی آن و احیاناً موارد متناقض (مثل شهادت در امر نکاح) قابل‌تأمل است و هرچند که بسیاری از این روایات به لحاظ سند یا دلالت، معتبر، روشن، و غیرقابل‌خدشه است، اما سخن در کیفیت تخصیص و ملاکات آن

است. شیوه‌ی تخصیص برخی فقها، طبق آنچه که در کتب فقهی گردآوری شده، نشان می‌دهد که در این موارد، تخصیص اکثر حادث شده و تنها امور مالی و مواردی که اطلاع مردان بر آن دشوار یا غیرجایز است باقی مانده‌اند؛ بنا بر این، اگر طبق نص روایات، امور مالی را نیز اختصاص به دین (قرض) کنیم، در واقع دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. این در حالی است که بیش‌تر فقها، دین را تعمیم داده و عنوان کلی‌تر امور مالی را مطرح کرده‌اند؛ همچنین با استناد به برخی روایات، شهادت زنان را در برخی موارد زنا، با کیفیت خاص، و در امر وصیت، با شکلی خاص پذیرفته‌اند تا بلکه تخصیص اکثر مستهجن را نیز برطرف کنند. شاید همین نکته، برخی فقهای خاص را بر آن داشته که شهادت زنان را در امر قصاص یا برخی موارد اختلافی دیگر بپذیرند.

پس از مشکل تخصیص اکثر، سؤال این است که چه‌گونه می‌توان از میان این همه مخصصات گوناگون و ملاکات مختلف، به تخصیصی واحد دست یافت؛ مثلاً چه‌گونه می‌توان بین ملاک روایت اول (کثیر و قلیل) و سایر موارد خاص دیگر وجه‌الجمع پیدا کرد؟ آیا مثلاً دیون، امری قلیل است و رؤیت هلال، امری کثیر و مهم، که اولی قابل‌پذیرش شده و دیگری خیر؟ نکاح چه جای‌گاهی دارد؟ آیا امری کوچک یا کبیر و کثیر است که روایاتی متناقض درباره‌ی آن وارد شده‌است؟

بنا به آنچه گفته‌شد، توجیه این روایات خاص و تفسیر هر یک با دیگری، بسیار دشوار یا غیرممکن است و بر فرض درستی و استواری اسناد این احادیث و ظهور دلالت متناقضات آن‌ها با یک‌دیگر، تمسک به آن‌ها و استنباط روشن برای فقیه امکان‌پذیر نیست و به نظر می‌رسد به همین دلیل برخی فقها اشکال تخصیص اکثر را نادیده‌گرفته و با مستثنا شمردن موارد محدود پذیرش شهادت زنان، بنا را بر اصل عدم پذیرش شهادت زن قرار داده‌اند، مگر آن که خلاف آن ثابت شود. رفع مشکل توجیه و تفسیر و تطبیق روایات با یک‌دیگر به لحاظ سند و دلالت، از مشکلات پیچیده‌ی است که با توجه به مبانی مختلف فقهی در پذیرش روایات و کیفیت استدلال و استناد به دلالت آن‌ها، اختلاف نظرهایی عمیق را در مورد این مسئله بین فقها به وجود می‌آورد. به نظر می‌رسد که در مورد این مسئله، منطوق یا مفهوم روایات، راه حل مشکل نیست و بهتر است به شأن ورود روایات، شرایط حاکم بر صدور آن‌ها، و جای‌گاه زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی در طول تاریخ و ادوار مختلف توجه کنیم؛ زیرا آن‌چنان که مستندات تاریخی گواهی می‌دهد محجوریت و عدم رشد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی قشری وسیع از زنان در قرون متمادی موجب عدم اعتبار شهادت‌ها و اظهارنظرهای آنان در مورد مسائل مختلف



شده و تغییر در مضمون روایات منصوصه نیز برگرفته از تحولات اجتماعی هر دوره و موقعیت زنان آن دوره بوده‌است.

### بررسی دلایل نابرابری شهادت زن و مرد

علاوه بر کتاب و سنت دلایل دیگری نیز در توجیه نابرابری شهادت زن و مرد عرضه شده‌است که به ارائه‌ی آن می‌پردازیم.

#### ۱- معلوم نبودن حکمت و فلسفه‌ی احکام شرعی برای عقول ناقص بشری

برخی در توجیه عدم اعتبار شهادت زنان، همانند سایر مسائل شرعی، چنین معتقد اند که احکام شریعت، تبعدی محض است و ما نمی‌توانیم به علل اصلی و حکمت این احکام پی ببریم؛ پس به صرف دست‌یابی به ادله‌ی احکام از طریق کتاب و سنت، باید به آن حکم گردن نهیم و نباید در مقام تشخیص فلسفه‌ی حکم برآییم (مهرپور، ۱۳۷۹: ۳۰۳). مسائل فقهی علتی مشخص ندارد و لزومی هم ندارد که داشته‌باشد؛ به عبارت دیگر، آنچه ما می‌توانیم به دنبال آن باشیم، دلیل مسئله (نه علت آن) است، که در کتاب و سنت ما آمده (گرچی ۱۳۷۷: ۶)، وگرنه، احکام الهی مبتنی بر اسراری خفیه و غیرقابل‌درک برای انسان است، که خداوند ملزم نیست مردم را از حکمت و مصالح آن آگاه کند (ابن‌عربی ۱۴۰۷ق: ۲۵۵).

به رغم آنچه گفته‌شد، بدیهی است به صرف این که تبعدی بودن احکام را قبول کردیم نمی‌توانیم از ژرف‌نگری و تعمق در مسائل فقهی شانه خالی کرده، بدون هیچ تفسیر و تنها با اکتفا به ظواهر قوانین ادعا کنیم که دین ما جهان‌شمول، ابدی، و برای همه‌ی عقلای عالم در همه‌ی نقاط جهان و در همه‌ی زمان‌ها کافی و پاسخ‌گو است. اسلام و مجموعه‌ی احکام فقهی آن یک دستورالعمل و آیین‌نامه‌ی حکومتی خشک و بی‌روح نیست که همانند حکومت‌های استبدادی طول تاریخ، مردم بدون باور قلبی، بدان التزام عملی پیدا کنند، بلکه یک ایده‌ئولوژی و مکتب فکری برخاسته از وحی و حقایق عالم هستی است، که شاید برترین ویژگی آن نسبت به سایر ادیان الهی، همین روشنی و دستورالعمل‌هایی است که به دلیل شکل گرفتن بر پایه‌ی فطرت و عقل بشر جاودانه است و بر قلب و جان آدمیان حاکم می‌شود؛ از سوی دیگر، حتا با پذیرش فرض تبعدی بودن احکام، نمی‌توان گفت عقول بشری از درک کُنّه فلسفه‌ی احکام عاجز است، زیرا رفته رفته با پیشرفت دانش بشری، اسرار بیش‌تری از حقایق احکام الهی کشف می‌شود و با دقت در علت و حکمت حکم، تأیید صحت حکم و تعمیم آن به موارد دیگر نیز مقدور می‌شود؛ بر

این اساس، به نظر می‌رسد فقهی که بتواند بین ادله‌ی احکام و علل آن ارتباط بیش‌تری برقرار کند و درصدد فهم عمیق‌تری از احکام شریعت برآید، از قدرت استنباط بالاتری برخوردار است. تفاوت حکمت حکم با علت حکم و این که آیا عناصری متغیر اند و با توجه به مقتضیات زمان و مکان می‌توان در مورد یک حکم، قائل به تغییر حکمت و علت آن شد یا خیر و نیز این که احکام در چه شرایطی نسبت به موارد مشابه قابل‌تعمیم و سرایت اند، از اهمیتی برخوردار است که مجالی دیگر را می‌طلبد.

### ۲- نقصان در خلقت زنان

برخی بر این باور اند که زن در اساس خلقت خود دچار مشکل بوده، ذاتاً به لحاظ مراتب انسانی و قدرت تعقل، نسبت به مرد، دارای کمبود و نواقص است؛ بر همین اساس، فلسفه‌ی وضع چنین حکمی را پایین‌تر بودن عقل و شعور زن دانسته‌اند (مهرپور ۱۳۷۹: ۳۰۴). مستند این گفته روایاتی است که یا از نظر سند مخدوش و ضعیف است، یا در دلالت آن‌ها ابهام وجود دارد، و یا این که مورد، مخصّص است و با توجه به شأن ورود آن‌ها باید قضاوت کرد؛ به طور مثال حدیثی از پیامبر اکرم<sup>ص</sup> نقل شده‌است که خطاب به زنان فرمود: «دین و عقل شما از مردان ناقص‌تر است و زنان علت را از حضرت سؤال کردند.» پیامبر<sup>ص</sup> فرمود: «نقصان دین به خاطر محروم بودن از نماز و روزه در چند روز از ماه است (ایام حیض) و نقصان عقل بدین جهت است که شهادت هر یک از شما نصف شهادت یک مرد است.» (ابن‌عربی ۱۴۰۷ق: ۲۵۳). کاملاً آشکار است که در استدلال به این سخنان، اشکال بزرگ صادره به مطلوب بودن کلام وجود دارد، زیرا علت نقصان عقل، عدم اعتبار یا نصف بودن اعتبار شهادت زن بیان شده‌است، که اگر برای اثبات عدم اعتبار شهادت زن به ناقص‌العقل بودن او استناد شود، دور باطل به وجود خواهد آمد. مستندات قوی عینی و تجربی و وجود افراد برجسته در میان زنان، به‌شدت این تفکر جاهلی را تضعیف می‌کند و هرگز نمی‌توان بر این مبنا به پایین‌تر بودن شعور ذاتی، که تبعاتی همچون محرومیت از شهادت و قضاوت را در پی دارد، اعتقاد پیدا کرد.

### ۳- جای‌گاه اجتماعی زنان

گروهی دیگر، عوامل خارج از ذات و شرایط محیطی را تعیین‌کننده‌ی مقام و موقعیت زن، در قیاس با مرد، و دلیل این عدم برابری می‌دانند (مهرپور ۱۳۷۹: ۳۰۶). دور بودن از حوادث اجتماعی و تعاملات و روابط اقتصادی-سیاسی، عدم رشد شخصیت اجتماعی، و همه‌ی آن



چیزهایی که بستر ساز دعاوی مطروحه در محاکم و دادگاه‌ها می‌شود، نمونه‌ی چنین شرایطی است (حکیم‌پور ۱۳۸۲: ۲۲۰). این دعاوی یا حق‌الله اند و یا حق‌الناس. در حق‌الله، یعنی آنچه که جنبه‌ی عمومی دارد (مانند امور کیفری در مورد حدود)، یا شهادت زن اصلاً پذیرفته نیست و یا به‌تنهایی پذیرفته نیست (مثل زنا). در حق‌الناس، یعنی آنچه که جنبه‌ی خصوصی دارد، در امور غیرمالی شهادت زنان به هیچ وجه پذیرفته نیست، اما در امور مالی به صورت منضم به مردان قابل‌پذیرش است (حلی ۱۳۷۲، ج ۴۵۴:۲).

در پاسخ به این مسئله باید گفت بدیهی است که نقش ضعیف زنان در ابعاد مختلف اجتماعی و در زمان‌های مختلف قابل‌انکار نیست. در زمانی که زنان حق هیچ گونه ابراز وجود در صحنه‌ی جامعه را نداشتند و در عرصه‌های سیاست، فرهنگ، و اقتصاد، هیچ ماهیتی برای یک زن قابل‌تصور نبود، طبیعی است که در این گونه موارد نتوان به سخن آن‌ها اعتماد کرد و ایشان را در ردیف صغار و سفیهانی برشمرد که درک درستی از خود و اطراف خود ندارند. زنی که تنها وظیفه‌ی همسررداری و مادری در خانه را بر عهده دارد و به طور کامل از صحنه‌ی اجتماع به دور است نمی‌تواند و نباید درباره‌ی حوادث اجتماعی قضاوت و اظهار نظر کند. جالب است بدانیم شهادت زنان در اموری که اطلاع مردان از آن دشوار است و عادتاً زنان با آن برخورد می‌کنند (مثل شهادت بر ولادت فرزند و بکارت و عیوب باطنی زنان)، به‌تنهایی قابل‌پذیرش است؛ پس علت این مقبولیت و دلیل آن عدم جواز، به لحاظ موقعیت و جای‌گاه زنان در ارتباط با حوادث و رویدادهای محیط اطراف آن‌ها و میزان اطلاع و آگاهی ایشان از اجتماع و وقایع اجتماعی است. چنین ملاکی برای اعتبار شهادت بسیار عاقلانه و مورد تأیید به نظر می‌رسد، زیرا در هر امری، مراجعه به کسانی که قدرت کسب اطلاع کافی در آن مورد را ندارند و نمی‌توانند شناخت دقیق و درستی پیدا کنند قابل‌قبول نخواهد بود؛ اما مسئله این است که آیا صرف شأن ورود روایات موجب می‌شود که یک حکم تا ابد باقی بماند و نیز آیا می‌توان با توجه به انگیزه‌ی ورود روایات نتیجه گرفت که باید با ثابت نگاه داشتن شرایط، زنان را از عرصه‌های مختلف اجتماعی دور نگاه داشت؟

در مورد این مسئله دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه اول این که هر کسی که کم‌ترین درک و شناختی از اوضاع کنونی جوامع مختلف داشته‌باشد به این مسئله اعتراف می‌کند که در دنیای کنونی، کم‌تر جامعه‌یی را می‌توان یافت که زنان آن فاقد هیچ رشد اجتماعی و دارای همان مقام و منزلت قرون گذشته باشند. قابل‌تردید نیست که نه‌تنها زنان برجسته، بلکه قشر عظیمی از جمعیت زنان در بسیاری از امور مشارکت و دخالت مستقیم دارند و حضورشان

در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، و همه بسترهایی که می‌تواند محل نزاع و طرح دعوی کیفری و خصوصی واقع شود، غیرقابل‌انکار است. در این میان برخی با طرح اشکال در این مورد، می‌گویند این مدعا نسبت به بیش‌تر زنان عمومیت ندارد و شامل نوع غالب جوامع بشری نمی‌شود و از آن جا که مبنای قانون‌گذاری در اسلام رعایت حال نوع غالب جامعه است (نه افراد استثنایی)، مناط وضع و جعل قوانین، ملاحظه‌ی غلبه و اکثریت وضع موجود است، که در مورد زنان، غلبه با عدم اشتغال زنان به امور اجتماعی در ابعاد مختلف است. حتا با فرض پذیرش چنین ادعایی، سخن در مورد آینده و سیر کنونی جوامع بشری است که با شتاب روزافزون به سمت و سوی مدعای ما خواهدرفت و ملاحظه وضع کنونی، تنها موجب صدور قوانین مقطعی و بسیار کوتاه‌مدت می‌شود.

دیدگاه دوم مسئله این است که جهت‌گیری قوانین در اسلام و محور اساسی احکام شریعت، حفظ نقش اصلی زنان است و روح حاکم بر دستورات دینی نیز تقویت‌کننده‌ی حضور او در محیط خانواده، تربیت نسل، همسررداری، و عدم حضور گسترده در خارج از منزل است؛ به عبارت دیگر، وضع این قوانین به منزله‌ی پذیرش واقعیت‌های موجود اجتماعی نیست تا بتوان با تغییر شرایط، احکام را نیز تغییر داد، بلکه اساس قانون‌گذاری بر پایه‌هایی استوار است که قوانین مختلف در واقع موجب تحکیم آن پایه‌ها می‌شود. یکی از این پایه‌ها، همان بنیان خانواده و محوریت زن در محدوده‌ی خانه و خانواده است و همه‌ی دستورات دینی باید به گونه‌ی باشد که به پای‌بندی زنان به تشکیل خانواده و برقراری روابط خانوادگی کمک کند. طبیعتاً، از آن جا که لازمه‌ی این پای‌بندی، زایل کردن همه‌ی موانع، از جمله اشتغالات فراوان زن در خارج از حیطه‌ی خانواده است، اگر اعتبار شهادت زن در عرصه‌ی اجتماع محدود می‌شود، تنها به خاطر تشویق زنان به حضور اجتماعی کم‌تر، حفظ وظیفه اصلی آنان در خانواده، و رویارویی کم‌تر با مشکلات و خطرات ناشی از حضور در اجتماع و روابط اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، اصل اول زندگی هر زن و کلیه‌ی روابط اجتماعی، عدم حضور زنان و اختلاط آنان با مردان در صحنه‌ی اجتماع است و تنها به موجب ضرورت و به عنوان یک حکم ثانوی، حضور ایشان مجاز دانسته می‌شود. این جهت‌گیری در راستای اهداف شریعت و یک مجموعه قوانین مرتبط با یک‌دیگر و نیز با دیدی کلان و نگرشی جامع، قابل‌شناخت و مورد قبول است.

در پاسخ می‌توان گفت حتا با فرض پذیرش محوریت نقش زن در کانون خانواده، به عنوان مادر و همسر، نمی‌توان به آن‌چه که در بالا، لوازم ایفای وظیفه‌ی اصلی زن نامیده شده‌است، اعتقاد پیدا کرد؛ یعنی نتیجه‌گیری وجود تلازم میان عهده‌داری وظایف



خانوادگی و دور ماندن از عرصه‌ی اجتماع، نادرست است. چه بسا زنانی در اجتماعات بشری به سر برند که علاوه بر انجام وظایف همسررداری و تربیت فرزند، با بر عهده داشتن نقش‌های مهم اجتماعی، در حل مشکلات جامعه و رشد و ترقی آن بسیار فعال و مؤثر اند و نمی‌توان هیچ یک از این دو نقش را مانع دیگری تصور کرد. شاید برخلاف این تصور، ارائه‌ی الگویی از برنامه‌ریزی زندگی یک زن، که هم رشد اجتماعی او را در بر گیرد و هم ایفای نقش فطری و تکوینی او را تقویت کند، هدف واقعی احکام شریعت باشد. چه‌گونه می‌توان در تقسیم وظایف میان زن و مرد قائل به تفکیک کامل بین آن دو بود و با معرفی عرصه‌ی اجتماع برای مرد، و محدوده‌ی خانه برای زن، میان دو حوزه فعالیت انسانی (خانه و جامعه) حد و مرز قائل شد؟ طبیعی است که تأثیرات این دو حوزه بر یکدیگر موجب ارتقای سطح کمی و کیفی دیگری می‌شود و زنی که از رشد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی بیش‌تری برخوردار است می‌تواند در رشد و تکامل اعضای خانواده‌ی خود و اجتماع مؤثرتر باشد. الگوها و نمونه‌های عینی چنین زنانی در تاریخ اسلام کم نیست و سیره‌ی معصومین، علیهم‌السلام، بهترین شاهد این مدعا است؛ از سوی دیگر، با توجه به جهت‌گیری‌های کلی احکام شرعی و جست‌وجو در لابه‌لای متون و روایات امامیه، هرگز به اصل بودن و یا ترجیح عدم حضور زن در اجتماع نمی‌رسیم. این که گفته‌شده بهترین زنان کسانی اند که نه آن‌ها مردان را ببینند و نه مردان آن‌ها را، هرگز به معنای تشویق و یا دستور به خانه‌نشینی و دوری از اجتماع نیست، زیرا لازمه‌ی حضور زن برای انجام فعالیت‌های مناسب، اختلاط و رفت و آمد در محیط‌های مردانه نیست و می‌توان شرایطی را فراهم کرد که اختلاط غیرضروری به وجود نیاید؛ حتی در صورت اختلاط نیز می‌توان با التزام کامل به رعایت موازین شرعی در ارتباط و تعاملات میان زن و مرد، احتمال هر گونه مفسده‌ی را از بین برد. دستور به دیده‌نشدن در سخن بالا، به معنای التزام کامل به دستورات اخلاقی و شرعی به هنگام ارتباط غیرمحارم با یکدیگر است و این هرگز به معنای نفی ارتباط نیست.

### نتیجه‌گیری

دلایلی که در مورد مسئله‌ی شهادت زنان مطرح شده‌است، آیات و روایاتی است که در این زمینه وجود دارد. به‌جز آیه‌ی مخصص ۲۸۲ سوره‌ی بقره، که تخصیص را تنها در مسئله‌ی دین بیان کرده‌است، مطلقاً مربوط به شهادت در قرآن کریم، هیچ تفاوتی را میان زن و

مرد قائل نشده‌است و دلایلی نیز که برخی، با گذشتن از منطوق و مفهوم ادله، برای توجیه این نابرابری به آن‌ها تمسک جسته‌اند همگی قابل‌خداشه است.





## منابع

- ابن عربی. ۱۴۰۷ق. *احکام القرآن*. بیروت، لبنان: دارالمعرفة، دارالجليل.
- اصفهانى، بانو امین. ۱۳۶۱. *مخزن العرفان فی علوم القرآن*. تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
- حکیم‌پور، محمد. ۱۳۸۲. *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*. تهران: انتشارات نغمه‌ی نواندیش.
- حلی، ابوالقاسم. ۱۳۷۲. *شرایع الاسلام*. قم: النشر الاسلامی.
- حر عاملی، محمد بن‌الحسن. ۱۳۶۷. *وسائل الشیعه*. تهران: المكتبة الاسلامية.
- خویی، سید ابوالقاسم. بی‌تا. *مبانی تکلمة المنهاج*. نجف، عراق: مطبعة الأدب.
- شلی، احمد. ۱۹۹۷. *مقارنته الادیان*. قاهره، مصر: مكتبة النهضة المصرية.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن‌الحسن. ۱۳۹۰ق. *الاستبصار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- . ۱۳۸۷ق. *التبیان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قربان‌نیا، ناصر. ۱۳۸۴. *باز پژوهی حقوق زن*. تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری.
- کی‌نیا، مهدی. ۱۳۷۴. *روان‌شناسی قضایی*. تهران: نشر مجد.
- گرچی، ابوالقاسم. ۱۳۷۷. «مصاحبه». *روزنامه‌ی زن* ۱۴۵، ۱۲ مرداد، صص ۲۳-۲۵.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۶. *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهرپور، حسین. ۱۳۷۹. *مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی و مبانی فقهی و موازین بین‌المللی*. تهران: اطلاعات.
- هینلز، جان. ۱۳۸۵. *راهنمای ادیان زنده*. قم: بوستان کتاب.

## نویسنده

### دکتر فربیا حاجی‌علی

استادیار دانشکده‌ی الاهیات، دانشگاه الزهرا

fariba\_hajiali@yahoo.com

از وی مقالات علمی-پژوهشی متعددی در زمینه‌ی اجتهاد تخصصی، اجتهاد گروهی و علمیت، سقط درمانی، احکام و محرمات، ازدواج، و تعدد زوجات به چاپ رسیده‌است.

**Blank**

## بررسی اثربخشی روش حساسیت‌زدایی منظم بر اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی

کبری کاظمیان مقدم

مربی گروه مشاوره، دانشگاه آزاد بهبهان

دکتر مهناز مهرابی‌زاده هنرمند

استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر منصور سودانی

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

### چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی اثربخشی روش حساسیت‌زدایی منظم بر اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی با کنترل تحصیلات و شغل پدر در دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم مقطع راهنمایی شهر بهبهان است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر سال سوم مقطع راهنمایی بهبهان در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ تشکیل می‌دهند و حجم نمونه نیز شامل ۴۲ نفر از این دانش‌آموزان است، که پس از انتخاب به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ی، در دو گروه آزمایشی و گواه گمارده شده‌اند. طرح پژوهش، از نوع طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و ابزار مورد استفاده‌ی آن، معدل نیم‌سال اول و دوم دانش‌آموزان، به عنوان کارکرد تحصیلی آنان، و نیز پرسش‌نامه‌ی اضطراب آزمون / اسپیل‌برگر است. پس از انتخاب تصادفی گروه‌های آزمایشی و گواه، ابتدا بر روی هر دو گروه، پیش‌آزمون صورت گرفت و پس از مداخله‌ی آزمایشی (روش حساسیت‌زدایی منظم) بر روی گروه آزمایشی و اتمام برنامه‌ی آموزشی، از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، افزون بر روش‌های آمار توصیفی نظیر میانگین و انحراف معیار، از روش‌های آمار استنباطی، همانند واریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها نشان داد که روش حساسیت‌زدایی منظم باعث کاهش اضطراب آزمون و افزایش کارکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر گروه آزمایشی، در مقایسه با گروه گواه، می‌شود.

### واژگان کلیدی

حساسیت‌زدایی منظم؛ اضطراب امتحان؛ کارکرد تحصیلی؛ تحصیلات پدر؛ شغل پدر؛

اختلالات اضطرابی کودکان و نوجوانان برای اولین بار در سومین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-III)<sup>۱</sup>، به وسیله انجمن روان‌پزشکی آمریکا<sup>۲</sup> مطرح شد و پس از ارائه اطلاعاتی کامل از اختلالات اضطرابی کودکان و نوجوانان، بارها به طور پی‌درپی مورد تجدید نظر قرار گرفت. در طبقه‌بندی DSM-IV (انجمن روان‌پزشکی آمریکا ۱۹۹۴)، تنها اضطراب جدایی به عنوان بخشی از اختلالات تشخیصی در کودکان و نوجوانان آمده‌است، اما اختلال اضطراب فراگیر و فوبیای اجتماعی نیز در این طبقه‌بندی جای می‌گیرد و گرچه اضطراب، ویژگی اصلی این اختلالات است، عوامل زمینه‌ی یا موقعیتی ویژه‌ی وجود دارد که آن‌ها را از یک‌دیگر متمایز می‌کند.

در طبقه‌بندی DSM-IV و سایر طبقه‌بندی‌های انجمن روان‌پزشکی آمریکا، به طور مشخص، به اضطراب آموزش‌گاهی<sup>۳</sup> اشاره‌ی نشده، اما پدیده‌ی اضطراب چنان وسیع مورد توجه قرار گرفته‌است که می‌توان اضطراب آموزش‌گاهی و اضطراب آزمون<sup>۴</sup> را نیز از آن استنباط کرد (پاسارلو و هم‌کاران<sup>۵</sup> ۱۹۹۹). اضطراب آزمون به عنوان یک پدیده‌ی فراگیر و مهم آموزشی، رابطه‌ی نزدیکی با اضطراب عمومی دارد، اما در عین حال، دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی خاص است که آن را از اضطراب عمومی جدا می‌سازد. سبیر<sup>۶</sup> (۱۹۸۰)، اضطراب آزمون را حالتی خاص از اضطراب عمومی می‌داند که شامل پاسخ‌های پدیدارشناختی<sup>۷</sup>، فیزیولوژیکی، و رفتاری مرتبط با ترس از شکست است و در بسیاری از فرآیندهای شناختی و توجهی، با کارکرد مؤثر فرد تداخل دارد. اثرهای منفی اضطراب آزمون بر پیشرفت تحصیلی، در پژوهش‌های زیادی تأیید شده‌است (ساراسون<sup>۸</sup> ۱۹۸۰؛ اسپیل‌برگر و وگ<sup>۹</sup> ۱۹۹۵).

برای مقابله با این نوع اضطراب، روش‌های درمانی و آموزشی مختلف، مانند آموزش تن‌آرامی، آموزش ایمن‌سازی در مقابل استرس، آموزش مهارت‌های مطالعه، پس‌خوراند زیستی، و مداخله‌های شناختی-رفتاری به کار برده شده‌است، که هر کدام اثربخشی متفاوتی بر اضطراب آزمون داشته‌اند، اما حساسیت‌زدایی منظم، تنها یا همراه با شیوه‌های رفتاری، بیش‌تر از درمان‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌است (اسپیل‌برگر و وگ ۱۹۹۵؛ ساپ<sup>۱۰</sup> ۱۹۹۹).

مل‌نیک و راسل<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۶) در یک پژوهش، ۲۷ دانش‌آموز نوجوان را، به طور تصادفی، به دو گروه آزمایشی و یک گروه گواه تقسیم کردند و دو روش درمانی حساسیت‌زدایی

<sup>۱</sup> Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-III)

<sup>۲</sup> American Psychiatric Association

<sup>۳</sup> School Anxiety

<sup>۴</sup> Test Anxiety

<sup>۵</sup> Passarello, Deirdre J., John M. Hintze, Steven V. Owen, and Robert K. Gable

<sup>۶</sup> Sieber, John E.

<sup>۷</sup> Phenomenological

<sup>۸</sup> Sarason, Irwin G.

<sup>۹</sup> Spielberger, Charles D., and Peter R. Vagg

<sup>۱۰</sup> Sapp, Marty

<sup>۱۱</sup> Melnick, Joseph, and Ronald W. Russell



منظم و شناخت‌درمانی را برای کاهش اضطراب آزمون در آن‌ها به کار بردند. بعد از ۱۰ جلسه درمان، اضطراب آزمون گروه‌های آزمایشی نسبت به گروه گواه، به طوری معنادار کاهش یافت، اما در اثربخش‌تر بودن روش‌ها تفاوتی قابل‌ملاحظه به دست نیامد.

*اسنایدر و دیفن‌باخر*<sup>۱</sup> (۱۹۷۷) میزان اثربخشی روش‌های تن‌آرامی و حساسیت‌زدایی منظم را در درمان اضطراب آزمون دانش‌آموزان مقایسه کردند و نتایج نشان داد که گرچه دو گروه آزمایشی، پس از درمان، اضطراب آزمون کم‌تری نسبت به گروه گواه داشتند، اما گروه حساسیت‌زدایی منظم اضطراب آزمون، علائم تسهیل‌کننده‌ی بیش‌تری را نشان داد. در شرایط استرس، آزمودنی‌هایی که درمان شده‌بودند، نگرانی و اضطراب کم‌تر، و توانایی‌هایی مطلوب‌تر از گروه گواه داشتند.

هیودزمن، لاودی، و وودز<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) تأثیر درمانی حساسیت‌زدایی منظم را بر روی ۹۷ دانشجوی مبتلا به اضطراب آزمون بررسی کردند و نتایج نشان داد که میانگین نمره‌های اضطراب آزمون بازدارنده‌ی گروه آزمایشی، بعد از درمان و نسبت به گروه گواه، به طوری معنادار کاهش یافت؛ در صورتی که میانگین نمره‌های اضطراب تسهیل‌کننده‌ی گروه آزمایشی، بعد از درمان و نسبت به گروه گواه، به طوری معنادار کاهش نیافت؛ هم‌چنین، معدل نمره‌های دانشجویانی که با روش حساسیت‌زدایی منظم درمان شدند، نسبت به گروه گواه، به طوری معنادار افزایش یافت.

بر اساس پژوهشی که *اسنایدر و نوید*<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) بر روی دانشجویان مبتلا به اضطراب آزمون ریاضی انجام دادند، این نتیجه به دست آمد که حساسیت‌زدایی منظم و آموزش ایمن‌سازی در مقابل استرس، در کاهش اضطراب آزمون تأثیر دارد.

*وگ و پاپس‌دورف*<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) اثربخشی درمان‌های شناختی، حساسیت‌زدایی منظم، و پس‌خوراند زیستی را بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که درمان‌های شناختی و حساسیت‌زدایی منظم در درمان اضطراب آزمون مؤثرتر اند.

*کندی و دوپ‌که*<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) درمان‌های چندوجهی (آموزش تن‌آرامی، حساسیت‌زدایی منظم، و مداخله‌های شناختی-رفتاری) را برای دانشجویان مبتلا به اضطراب آزمون به کار بردند. نتایج نشان داد که درمان چندوجهی، اثری برجسته بر کاهش اضطراب آزمون دارد؛ هم‌چنین، کارکرد تحصیلی آزمودنی‌ها بعد از درمان، به طوری قابل‌توجه افزایش، و اضطراب آن‌ها به طوری معنادار کاهش یافت.

<sup>1</sup> Snyder, Arden L., and Jerry L. Deffenbacher

<sup>2</sup> Hudesman, John, Charles Loveday, and Nathaniel Woods

<sup>3</sup> Schneider, Walter L., and Jeffrey S. Nevid

<sup>4</sup> Vagg, Peter R., and James D. Papsdorf

<sup>5</sup> Kennedy, D. Victoria, and Karla J. Doepke

*ابوالقاسمی (۱۳۸۱)*، با پژوهشی که در دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های اهواز انجام داد، به این نتیجه رسید که حساسیت‌زدایی منظم و آموزش ایمن‌سازی در مقابل استرس، در کاهش اضطراب آزمون تأثیر دارند.

پژوهش‌های گذشته نشان داده‌اند که روش حساسیت‌زدایی منظم می‌تواند با کاهش اضطراب آزمون، زمینه‌ی افزایش سلامت روانی و در نتیجه کارکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود بخشد؛ بنا بر این، در پژوهش حاضر، پژوهش‌گر به دنبال پی بردن به این مسئله است که آیا روش حساسیت‌زدایی منظم می‌تواند بر اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی با کنترل تحصیلات و شغل پدر، در دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم مقطع راهنمایی شهر بهبهان تأثیر داشته‌باشد؟

### اهمیت و ضرورت پژوهش

اضطراب آزمون یک پدیده‌ی جهانی است و انبوه نوشته‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده در ۵۰ سال اخیر بیان‌گر اهمیت و توجه خاص کشورهای مختلف به این پدیده است. اضطراب آزمون غالباً به ارزیابی شناختی منفی، واکنش‌های فیزیولوژیکی نامطلوب، و افت کارکرد تحصیلی منجر می‌شود و به همین دلیل در سلامت روانی و آموزشی نقشی مخرب و بازدارنده دارد (ساراسون ۱۹۷۵). این اضطراب، به عنوان تجربه‌ی ناخوشایند با درجات مختلف، با تحت تأثیر قرار دادن گستره‌ی نگرانی و هیجان‌پذیری، نگرش فرد را به انگیزه‌ها، کسب معلومات، چه‌گونه‌ی پردازش درست اطلاعات، و کارکرد تحصیلی، دگرگون می‌سازد و با ساز و کار خاص خود، توان پیشرفت و بروز خلاقیت و استعداد را کاهش داده، مانع رشد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود؛ از این رو لازم است که در کنار شناسایی عوامل مؤثر در بروز اضطراب آزمون، اثربخشی روش‌های درمانی نیز مورد بررسی قرار گیرد، تا با ایجاد زمینه‌های پیش‌گیرانه، از صرف هزینه‌های گزاف مادی و معنوی جلوگیری به عمل آید. نتایج این پژوهش می‌تواند به برنامه‌ریزی برای پیش‌گیری از خسارت‌های جسمانی، روانی، آموزشی، و اقتصادی و نیز دستیابی به روش‌های درمانی مناسب برای مقابله با اضطراب آزمون کمک کند؛ افزون بر آن که با ارائه‌ی رهنمودهای لازم، به هسته‌های اصلی پرورش کودکان و نوجوانان، یعنی خانواده، مدرسه، و نظام‌های آموزشی کشور، راه‌گشای پژوهش‌های مفید و مؤثر در امر پی‌گیری و درمان این پدیده‌ی مهم آموزشی قرار گیرد.

بررسی تأثیر حساسیت‌زدایی منظم در جوامع مختلف، بر روی متغیرهای گوناگون انجام پذیرفته، ولی بر روی جامعه‌ی دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم مقطع راهنمایی شهر بهبهان، با



ترکیب متغیرهای این پژوهش (اضطراب آزمون، کارکرد تحصیلی)، صورت نگرفته‌است، پس با توجه به هدف پژوهش و پیشینه‌ی پژوهشی، فرضیه‌های زیر مورد آزمون قرار گرفت:

آ- روش حساسیت‌زدایی منظم باعث کاهش اضطراب آزمون و افزایش کارکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر می‌شود.

۱- روش حساسیت‌زدایی منظم باعث کاهش اضطراب آزمون دانش‌آموزان دختر می‌شود.

۲- روش حساسیت‌زدایی منظم باعث افزایش کارکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر می‌شود.

ب- روش حساسیت‌زدایی منظم باعث کاهش اضطراب آزمون و افزایش کارکرد تحصیلی با کنترل تحصیلات و شغل پدر در دانش‌آموزان دختر می‌شود.

۱- روش حساسیت‌زدایی منظم باعث کاهش اضطراب آزمون با کنترل تحصیلات و شغل پدر در دانش‌آموزان دختر می‌شود.

۲- روش حساسیت‌زدایی منظم باعث افزایش کارکرد تحصیلی با کنترل تحصیلات و شغل پدر در دانش‌آموزان دختر می‌شود.

## روش پژوهش

### جامعه‌ی آماری، نمونه، و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم راهنمایی شهر بهبهان، در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ است. کل جامعه‌ی مورد بررسی، ۱۰۰۲ نفر دانش‌آموز شاغل به تحصیل در ۱۷ آموزش‌گاه دولتی، و نمونه‌ی آماری پژوهش شامل ۴۲ دانش‌آموز مبتلا به اضطراب آزمون در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ است. روش نمونه‌گیری نیز، تصادفی چندمرحله‌ی است؛ به این صورت که از بین ۱۷ آموزش‌گاه شهر بهبهان، سه مدرسه، که تعداد دانش‌آموزان آن‌ها ۲۰۰ نفر بود، به طور تصادفی ساده انتخاب شدند. بر اساس جدول کرجسی و مورگان<sup>۱</sup> (۱۹۷۰)، زمانی که جامعه، ۲۰۰ نفر باشد، تعداد نمونه‌ی لازم برای پژوهش، ۱۳۲ نفر است؛ بنا بر این، با توجه به افت آزمودنی‌ها، از تعداد ۱۷۸ دانش‌آموز، به طور تصادفی، پرسش‌نامه‌ی اضطراب آزمون / اسپیل‌برگر (۱۹۸۰) به عمل آمد، که مشخص شد تعداد ۴۲ نفر مبتلا به اضطراب آزمون اند. سپس دانش‌آموزانی که مبتلا به اضطراب آزمون بودند، به صورت تصادفی، به دو گروه آزمایشی و گواه، که هر گروه شامل

<sup>۱</sup> Krejcie, Robert V., and Daryle W. Morgan

۲۱ نفر بود، گمارده شدند. لازم به توضیح است که دانش‌آموزانی به عنوان دانش‌آموزان مبتلا به اضطراب آزمون انتخاب شدند که نمره‌ی آنان در پرسش‌نامه‌ی اضطراب آزمون اسپیل‌برگر، یک انحراف معیار بالاتر از میانگین کل نمونه بود. ویژگی‌های اعضای نمونه، بر پایه‌ی تحصیلات و شغل پدر، در جدول‌های ۱ و ۲ ارائه شده‌است.

جدول ۱- فراوانی و درصد فراوانی آزمودنی‌ها، بر پایه‌ی سطح تحصیلات پدر

سطح تحصیلات	گروه		گواه	کل
	آزمایشی	فراوانی		
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
بی‌سواد	۱۰/۰٪	۲	۴/۸٪	۳
ابتدایی	۲۵/۰٪	۵	۹/۵٪	۷
راهنمایی	۳۰/۰٪	۶	۴۲/۹٪	۱۵
متوسطه	۳۰/۰٪	۶	۲۳/۸٪	۱۱
فوق‌دیپلم و بالاتر	۵/۰٪	۱	۱۹/۰٪	۵
کل	۱۰۰٪	۲۰	۱۰۰٪	۴۱

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، آزمودنی‌های دارای پدر با سطح تحصیلات راهنمایی و متوسطه، بیش‌ترین فراوانی را با حدود ۳۰/۰ درصد، و آزمودنی‌های دارای پدر با سطح تحصیلات فوق‌دیپلم به بالا کم‌ترین فراوانی را با حدود ۵/۰ درصد نمونه به خود اختصاص داده‌اند و در گروه گواه نیز، آزمودنی‌های دارای پدر با تحصیلات راهنمایی، بیش‌ترین فراوانی را با حدود ۴۲/۹ درصد، و آزمودنی‌های دارای پدر بی‌سواد، کم‌ترین فراوانی را با حدود ۴/۸ درصد نمونه به خود اختصاص داده‌اند. یک دانش‌آموز نیز سطح تحصیلات پدر خود را مشخص نکرده‌است.

جدول ۲- فراوانی و درصد فراوانی آزمودنی‌ها، بر پایه‌ی شغل پدر

شغل پدر	گروه		گواه	کل
	آزمایشی	فراوانی		
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
بی‌کار	۵/۰٪	۱	۰٪	۱
کارمند	۱۰/۰٪	۲	۲۸/۶٪	۸
کارگر	۲۰/۰٪	۴	۲۳/۸٪	۹
آزاد	۶۵/۰٪	۱۳	۴۷/۶٪	۲۳
کل	۱۰۰/۰٪	۲۰	۱۰۰/۰٪	۴۱

همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده‌است، آزمودنی‌های دارای پدر با شغل آزاد، بیش‌ترین فراوانی را با حدود ۶۵/۰ درصد، و آزمودنی‌های دارای پدر بی‌کار، کم‌ترین فراوانی





را با حدود ۵/۰ درصد نمونه به خود اختصاص داده‌اند و در گروه گواه نیز، آزمودنی‌های دارای پدر با شغل آزاد، بیش‌ترین فراوانی را با حدود ۴۷/۶ درصد، و آزمودنی‌های دارای پدر کارگر، کم‌ترین فراوانی را با حدود ۲۳/۸ درصد نمونه به خود اختصاص داده‌اند. یک دانش‌آموز شغل پدر خود را مشخص نکرده‌است.

### ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش از پرسش‌نامه‌ی اضطراب آزمون اسپیل‌برگر (۱۹۸۰) استفاده شد که دارای ۲۰ ماده است و واکنش قبل، حین، و بعد از آزمون را توصیف می‌کند. پرسش‌نامه‌ی اضطراب آزمون، ابزاری خودگزارشی است و هر آزمودنی با یکی از چهار گزینه‌ی «هرگز»، «به ندرت»، «گاهی»، و «اغلب»، به هر ماده پاسخ می‌گوید. این گزینه‌ها، به ترتیب، از یک تا چهار نمره‌گذاری می‌شوند و نمره‌ی بالا در این پرسش‌نامه نشان‌دهنده‌ی اضطراب آزمون بالا است. همچنین کم‌ترین و بیش‌ترین نمره‌ی فرد در این آزمون، به ترتیب، ۲۰ و ۸۰ خواهد بود.

ضرایب آلفای کرون‌باخ این پرسش‌نامه در نمونه‌های دختر و پسر بالای ۰/۹۲ بود. ضریب پایایی بازآزمایی نیز، بعد از سه هفته و یک ماه، ۰/۸۰ گزارش شده‌است (رجیستر و هم‌کاران<sup>۱</sup> ۱۹۹۱). *ال‌زهر و هوسی‌وار*<sup>۲</sup> (۱۹۹۱)، *آنتون و لیلی‌بریج*<sup>۳</sup> (۱۹۹۵)، و *بندالوس، بیستس، و ثورن‌دیک-کرایست*<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) ضریب آلفای کرون‌باخ این پرسش‌نامه را بر روی دانش‌آموزان، بین ۰/۹۲ تا ۰/۹۷ گزارش داده‌اند.

در پژوهش حاضر برای تعیین ضرایب پایایی پرسش‌نامه‌ی اضطراب آزمون، از دو روش آلفای کرون‌باخ و تنصیف استفاده شد، که برای کل پرسش‌نامه، به ترتیب، برابر با ۰/۹۶ و ۰/۹۶ است.

پرسش‌نامه‌ی اضطراب آزمون اسپیل‌برگر (۱۹۸۰)، با مقیاس اضطراب آزمون ساراسون و استونیز<sup>۵</sup> (۱۹۷۸)، در پسران و دختران، به ترتیب ۰/۸۲ و ۰/۸۳، هم‌بستگی دارد. هم‌بستگی کل پرسش‌نامه‌ی اسپیل‌برگر با پرسش‌نامه‌ی اضطراب حالت-صفت وی در پسران و دختران نیز، به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۷۷ گزارش شده‌است. این ضرایب بیان‌گر روایی خوب و رضایت‌بخش پرسش‌نامه است (رجیستر و هم‌کاران ۱۹۹۱).

برای بررسی کارکرد تحصیلی، از میانگین نمره‌های نیم‌سال اول و دوم دانش‌آموزان استفاده شد.

<sup>1</sup> Register, Angela C., Jean C. Beckham, Jack G. May, David J. Gustafson

<sup>2</sup> El-Zahhar, Nabil E., and Dennis Hocevar

<sup>3</sup> Anton, William D., and E. Michael Lillibridge

<sup>4</sup> Bandalos, Deborah L., Kristin Yates, and Tracy Thorndike-Christ

<sup>5</sup> Sarason, Irwin G., and Rick Stoops

در این پژوهش، روش حساسیت‌زدایی منظم طی هشت جلسه‌ی یک‌ونیم‌ساعته و به صورت دو بار در هفته انجام گرفت، که شرح جزئیات جلسه‌های درمانی، به طور خلاصه، در جدول ۳ آمده‌است.

جدول ۳- جلسه‌ها و مراحل روش حساسیت‌زدایی منظم

جلسه	مرحله	موضوع کار
۱	۱	برقراری ارتباط اولیه، توضیح، معرفی اعضای گروه به هم و تبیین کلی درمان و مراحل آن برای مراجعان
	۲	فراهم آوردن محیطی مناسب و راحت برای تن‌آرامی
۲	۳	آموزش تن‌آرامی عضلانی
	۱-۳	آموزش عضلانی در ۱۴ گروه از عضلات (دست و مچ، بازوهای جلو، سر، چشم، دهان، لب، بینی، گردن، شکم، باسن، ران، مچ پا، و انگشتان)
۳	۲-۳	آموزش عضلانی در شش گروه از عضلات (بازوی مسلط دست، بازوی غیرمسلط دست، صورت، گردن، شکم، و پا)
۴	۳-۳	آموزش عضلانی در سه گروه از عضلات (هر دو بازوی دست، مرکز بدن، و هر دو پا)
	۴-۳	یادآوری و تکرار شمارش سه گروه عضلات
	۴	ارائه‌ی سلسله‌مراتب اضطراب آزمون
۵	۱-۴	ارائه‌ی پنج محرک از سلسله‌مراتب اضطراب آزمون
۶	۲-۴	ارائه‌ی ۱۰ محرک از سلسله‌مراتب اضطراب آزمون
۷	۳-۴	ارائه‌ی ۱۵ محرک از سلسله‌مراتب اضطراب آزمون
۸	۴-۴	ارائه‌ی ۱۸ محرک از سلسله‌مراتب اضطراب آزمون و انجام کامل حساسیت‌زدایی منظم

## یافته‌های پژوهش

### آ- یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری، مانند میانگین و انحراف معیار، برای همه‌ی متغیرهای مورد مطالعه‌ی پژوهش است که در جدول‌های ۴ و ۵ آمده‌است.

جدول ۴- میانگین و انحراف‌معیار نمره‌ی اضطراب آزمون گروه‌های آزمایشی و گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	مرحله	گروه	تعداد	میانگین	انحراف‌معیار
اضطراب آزمون	پیش‌آزمون	آزمایشی	۲۱	۶۹٫۶۷	۳٫۳۹
		گواه	۲۱	۶۸٫۵۷	۲٫۶۷
	پس‌آزمون	آزمایشی	۲۱	۳۳٫۲۴	۷٫۳۹
		گواه	۲۱	۷۲٫۴۸	۳٫۳۸



همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، در پیش‌آزمون، میانگین اضطراب آزمون گروه‌های آزمایشی (۶۹/۶۷) و گواه (۶۸/۵۷) تفاوت زیادی با هم ندارند، حال آن که در پس‌آزمون، میانگین گروه آزمایشی برابر با ۳۳/۲۴، و میانگین گروه گواه برابر با ۷۲/۴۸ است.

جدول ۵- میانگین و انحراف‌معیار نمره‌ی کارکرد تحصیلی گروه‌های آزمایشی و گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	مرحله	گروه	تعداد	میانگین	انحراف‌معیار
کارکرد تحصیلی	پیش‌آزمون	آزمایشی	۲۱	۱۶/۸۹	۲/۱۹
		گواه	۲۱	۱۷/۲۹	۱/۷۲
	پس‌آزمون	آزمایشی	۲۱	۱۷/۵۳	۱/۸۰
		گواه	۲۱	۱۷/۱۲	۱/۶۹

جدول ۵ نشان می‌دهد که در پیش‌آزمون، میانگین و انحراف معیار کارکرد تحصیلی گروه آزمایشی برابر با ۱۶/۸۹ و ۲/۱۹، و گروه گواه برابر با ۱۷/۲۹ و ۱/۷۲ است و در پس‌آزمون، میانگین و انحراف معیار گروه آزمایشی برابر با ۱۷/۵۳ و ۱/۸۰، و گروه گواه برابر با ۱۷/۱۲ و ۱/۶۹ است.

### ب- یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

نتایج به‌دست‌آمده از بررسی فرضیه‌ها، در جدول‌های ۶ تا ۱۱ ارائه شده‌است.

جدول ۶- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری<sup>۱</sup> (مانوا) روی نمره‌های تفاضل (پیش‌آزمون-پس‌آزمون) اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی گروه‌های آزمایشی و گواه

نام آزمون	مقدار	درجه‌ی آزادی فرضیه	درجه‌ی آزادی خطا	F	سطح معناداری
آزمون اثر پیلایی	۰/۹۰۷	۲	۳۹	۱۸۹/۳۶	۰/۰۰۰۱
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۰۹۳	۲	۳۹	۱۸۹/۳۶	۰/۰۰۰۱
آزمون اثر هنتینگ	۹/۷۱۰	۲	۳۹	۱۸۹/۳۶	۰/۰۰۰۱
آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۹/۷۱۰	۲	۳۹	۱۸۹/۳۶	۰/۰۰۰۱

همان طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، سطوح معناداری همه‌ی آزمون‌ها، بیان‌گر آن است که بین دانش‌آموزان گروه‌های آزمایشی و گواه، دست‌کم از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی)، تفاوتی معنادار وجود دارد. برای پی

<sup>۱</sup> Multivariate Analysis of Variance (MANOVA)

بردن به تفاوت، نتایج به دست آمده از آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷- نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ نمره‌های تفاضل (پیش‌آزمون-پس‌آزمون) اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی گروه‌های آزمایشی و گواه

متغیرها	جمع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
اضطراب آزمون	۱۷۰۸۱/۱۷	۱	۱۷۰۸۱/۱۷	۳۶۸/۳۳	۰/۰۰۰۱
کارکرد تحصیلی	۷/۰۴	۱	۷/۰۴	۳۳/۱۸	۰/۰۰۰۱

همان طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، بین دانش‌آموزان گروه آزمایشی و گروه گواه، از لحاظ اضطراب آزمون، تفاوتی معنادار وجود دارد ( $F = ۳۶۸/۳۳$  و  $p = ۰/۰۰۰۱$ )؛ بنا بر این، فرضیه‌ی ۱- تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر، روش حساسیت‌زدایی منظم موجب کاهش اضطراب آزمون دانش‌آموزان گروه آزمایشی شده است (با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۴).

بین دانش‌آموزان گروه آزمایشی و گروه گواه، از لحاظ کارکرد تحصیلی، تفاوتی معنادار مشاهده می‌شود ( $F = ۳۳/۱۸$  و  $p = ۰/۰۰۰۱$ )؛ بنا بر این، فرضیه‌ی ۲- تأیید می‌شود؛ به عبارت دیگر، روش حساسیت‌زدایی منظم، با توجه به یافته‌های مندرج در جدول ۵، موجب افزایش کارکرد تحصیلی دانش‌آموزان گروه آزمایشی شده است.

جدول ۸- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری روی نمرات تفاضل (پیش‌آزمون-پس‌آزمون) اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی گروه‌های آزمایشی و گواه با کنترل تحصیلات پدر آنها

متغیر	نام آزمون	مقدار	درجه‌ی آزادی فرضیه	درجه‌ی آزادی خطا	F	سطح معناداری
کنترل (تحصیلات پدر)	آزمون اثر پیلابی	۰/۰۰۶	۲	۳۷	۰/۱۱۵	۰/۸۹۱
	آزمون لامبدای ویلکز	۰/۹۹۴	۲	۳۷	۰/۱۱۵	۰/۸۹۱
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۰۰۶	۲	۳۷	۰/۱۱۵	۰/۸۹۱
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۰۰۶	۲	۳۷	۰/۱۱۵	۰/۸۹۱
مستقل (گروه)	آزمون اثر پیلابی	۰/۹۰۱	۲	۳۷	۱۶۷/۷۹	۰/۰۰۰۱
	آزمون لامبدای ویلکز	۰/۰۹۹	۲	۳۷	۱۶۷/۷۹	۰/۰۰۰۱
	آزمون اثر هتلینگ	۹/۰۷	۲	۳۷	۱۶۷/۷۹	۰/۰۰۰۱
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۹/۰۷	۲	۳۷	۱۶۷/۷۹	۰/۰۰۰۱

همان طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، با کنترل تحصیلات پدر دانش‌آموزان نیز، سطوح معناداری همه‌ی آزمون‌ها بیان‌گر آن است که بین دانش‌آموزان گروه‌های آزمایشی و



گواه، دست‌کم از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی)، تفاوتی معنادار وجود دارد. برای پی بردن به تفاوت، نتایج به‌دست‌آمده از آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها در جدول ۹ ارائه شده‌است.

جدول ۹- نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ نمره‌های تفاضل (پیش‌آزمون-پس‌آزمون) اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی گروه‌های آزمایشی و گواه با کنترل تحصیلات پدر آن‌ها

متغیرها	جمع مجزورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
اضطراب آزمون	۱۵۲۶۴/۸۰	۱	۱۵۲۶۴/۸۰	۳۲۶/۲۸	۰/۰۰۰۱
کارکرد تحصیلی	۶/۷۱	۱	۶/۷۱	۳۰/۲۶	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۹ آمده‌است، با کنترل تحصیلات پدر بین دانش‌آموزان گروه آزمایشی و دانش‌آموزان گروه گواه، از لحاظ اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی، تفاوتی معنادار وجود دارد؛ به عبارت دیگر، با ورود متغیر تحصیلات پدر، به عنوان متغیر کنترل در تحلیل کوواریانس، تفاوت بین اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی دو گروه، معنادار باقی مانده و بیان‌گر آن است که تحصیلات پدر در تفاوت به‌دست‌آمده در اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی گروه‌ها تأثیری ندارد.

جدول ۱۰- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری روی نمرات تفاضل (پیش‌آزمون-پس‌آزمون) اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی گروه‌های آزمایشی و گواه با کنترل شغل پدر آن‌ها

متغیر	نام آزمون	مقدار	درجه‌ی آزادی فرضیه	درجه‌ی آزادی خطا	F	سطح معناداری
کنترل (شغل پدر)	آزمون اثر پیلایی	۰/۰۴۹	۲	۳۷	۰/۹۴۹	۰/۳۹۶
	آزمون لامبدای ویلکز	۰/۹۵۱	۲	۳۷	۰/۹۴۹	۰/۳۹۶
	آزمون اثر هتلینگ	۰/۰۵۱	۲	۳۷	۰/۹۴۹	۰/۳۹۶
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۰۵۱	۲	۳۷	۰/۹۴۹	۰/۳۹۶
مستقل (گروه)	آزمون اثر پیلایی	۰/۹۰۹	۲	۳۷	۱۸۵/۶۵	۰/۰۰۰۱
	آزمون لامبدای ویلکز	۰/۰۹۱	۲	۳۷	۱۸۵/۶۵	۰/۰۰۰۱
	آزمون اثر هتلینگ	۱۰/۰۳	۲	۳۷	۱۸۵/۶۵	۰/۰۰۰۱
	آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۱۰/۰۳	۲	۳۷	۱۸۵/۶۵	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، با کنترل شغل پدر دانش‌آموزان، سطوح معناداری همه‌ی آزمون‌ها بیان‌گر آن است که بین دانش‌آموزان گروه‌های آزمایشی و گواه، دست‌کم از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی)، تفاوتی

معنادار وجود دارد. برای پی بردن به تفاوت، نتایج به دست آمده از آزمون اثرات بین آزمودنی‌ها در جدول ۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ نمره‌های تفاضل (پیش‌آزمون-پس‌آزمون) اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی گروه‌های آزمایشی و گواه با کنترل شغل پدر آن‌ها

متغیرها	جمع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
اضطراب آزمون	۱۶۲۲۶/۴۸	۱	۱۶۲۲۶/۴۸	۳۵۷/۷۰	۰/۰۰۰۱
کارکرد تحصیلی	۷/۰۴	۱	۷/۰۴	۲۲/۲۴	۰/۰۰۰۱

همان طور که در جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود، با کنترل شغل پدر بین دانش‌آموزان گروه آزمایشی و دانش‌آموزان گروه گواه، از لحاظ اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی، تفاوتی معنادار وجود دارد؛ به عبارت دیگر، با ورود متغیر شغل پدر، به عنوان متغیر کنترل در تحلیل کوواریانس، تفاوت بین اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی دو گروه، معنادار باقی مانده و این گویای آن است که شغل پدر در تفاوت به دست آمده در اضطراب آزمون و کارکرد تحصیلی گروه‌ها تأثیری ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که روش حساسیت‌زدایی منظم باعث کاهش اضطراب آزمون و افزایش کارکرد تحصیلی با کنترل تحصیلات و شغل پدر در دانش‌آموزان دختر پایه‌ی سوم مقطع راهنمایی شهر بهبهان شده است. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر در این زمینه، با نتایج پژوهش‌های انجام شده‌ی دیگر درباره‌ی کارآمدی روش حساسیت‌زدایی منظم بر اضطراب آزمون و همچنین کارکرد تحصیلی، نظیر پژوهش‌های انجام شده به وسیله‌ی مل‌نیک و راسل (۱۹۷۶)، اسنایدر و دیفن‌باخر (۱۹۷۷)، هیوندزمن، لاودی، و وودز (۱۹۸۴)، کراتوچ‌ویل<sup>۱</sup> (۱۹۸۵)، همبری<sup>۲</sup> (۱۹۸۸)، نوه‌بن‌یامین<sup>۳</sup> (۱۹۹۱)، اسنایدر و نوید (۱۹۹۳)، ساپ (۱۹۹۴)، پارکر و هم‌کاران<sup>۴</sup> (۱۹۹۵)، کنسلی و دوپ‌که (۱۹۹۹)، بیابانگرد (۱۳۷۸)، ابوالقاسمی (۱۳۸۱)، و فتحی آشتیانی و امامقلی‌وند (۱۳۸۱) هم‌سو و هماهنگ است و یافته‌های پژوهشی آن‌ها را مورد تأیید قرار می‌دهد.

حساسیت‌زدایی منظم، از رایج‌ترین و آسان‌ترین روش‌های درمان رفتاری برای اضطراب آزمون دانش‌آموزان است. این روش با هدف قرار دادن جنبه‌های فیزیولوژیکی و شناختی، در

<sup>1</sup> Kratochwill, Thomas R.

<sup>2</sup> Hembree, Ray

<sup>3</sup> Naveh-Benjamin, Moshe

<sup>4</sup> Parker, John C., IV, Peter R. Yagg, and James D. Papsdorf



پی کاهش اضطراب و تنش ناشی از آزمون است. همراه کردن تن‌آرامی عضلانی با آموزش تجسم صحنه‌های اضطراب‌زا، که در طی حساسیت‌زدایی منظم روی می‌دهد، هم بازدارنده‌ی برانگیختگی غیرارادی است و هم پاسخی جدید را برای شرطی شدن با محرک‌های اضطراب‌زای گذشته فراهم می‌سازد. در روش حساسیت‌زدایی منظم، فرد می‌آموزد تا ابتدا به طور آگاهانه، با ایجاد تنش و رهاسدگی در گروه‌های مختلف عضلات، در خود ایجاد آرامش کند، سپس به تدریج با سلسله مراتب اضطراب آزمون، از کم به زیاد، روبه‌رو شود. این روش، امروز به‌تنهایی در مطالعات مربوط به اضطراب آزمون مورد استفاده قرار می‌گیرد و می‌تواند از بروز اثرات فیزیولوژیکی مختل‌کننده جلوگیری کند.

حساسیت‌زدایی می‌تواند در محیط درمانی ایجاد شود و با راه‌کار تعمیم، به محیط‌ها و موقعیت‌های واقعی فشارزا انتقال یابد؛ حتماً اگر پاسخ آرامش، به عنوان یک مشغولیت ذهنی عمل کند، می‌تواند به توانایی فرد برای مقابله با اضطراب آزمون، به طوری مؤثر، کمک کرده، به نوبه‌ی خود رفتارهای اجتنابی، بی‌میلی، و بی‌انگیزگی را کاهش، و کارکرد تحصیلی و معدل کل نمره‌ها را افزایش دهد.

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر بیان‌گر این است که روش حساسیت‌زدایی منظم، یک راه‌برد مؤثر و پیش‌گیرانه در کاهش اضطراب آزمون و افزایش کارکرد تحصیلی است، و دانش‌آموز را قادر می‌سازد که اضطراب خود را در موقعیت آزمون کاهش دهد.

### پیشنهادها

به دلیل آن که درصد زیادی از جمعیت کشور ما را دانش‌آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دهند و توجه به مسائل آن‌ها می‌تواند نقشی مهم در بالا بردن بهداشت و سلامت روانی جامعه داشته‌باشد، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱- همه‌گیرشناسی اضطراب آزمون انجام شود.
- ۲- با توجه به تأثیر و کارایی روش‌های درمانی روان‌شناختی در کاهش اضطراب آزمون، برای ترویج و انعکاس روش‌ها و آموزش‌های درمانی روان‌شناختی و نیز افزایش سطح بهداشت روانی جامعه‌ی دانش‌آموزان، مسئولان آموزش و پرورش پس از جمع‌آوری برنامه‌هایی جامع و پیش‌گیرانه، آن‌ها را به طور کاربردی در سطح مدارس اجرا کنند.
- ۳- با شناسایی دانش‌آموزان مبتلا به اضطراب آزمون و درمان آن‌ها، هر چند وقت یک بار، آموزش و راهبردهای لازم دوباره به آن‌ها ارائه شود.

- ۴- با آموزش راه‌کارها و روش‌های مقابله با اضطراب آزمون به معلمان و مشاوران، به آن‌ها توصیه شود که قبل و حین آزمون‌ها به دانش‌آموزان کمک کنند.
- ۵- برای پیش‌گیری از اضطراب آزمون توصیه می‌شود که معلمان و والدین به پیشنهاد‌های زیر توجه کنند:
- آ- آموزش مهارت‌های مقابله با آزمون به دانش‌آموزان؛
  - ب- آموزش مهارت‌های مطالعه به دانش‌آموزان؛
  - پ- آموزش توجه و تمرکز به دانش‌آموزان؛
  - ت- ایجاد آمادگی‌های روانی و فیزیکی و نیز توجه به فضای روان‌شناختی دانش‌آموز در روزهای آزمون؛
  - ث- تقویت احساس کارآمدی و عزت نفس دانش‌آموزان؛
  - ج- انجام آزمون در موقعیت‌های مختلف؛
  - چ- آموزش تحمل ناکامی‌ها و شکست‌ها به دانش‌آموزان؛
  - ح- انتظارات واقع‌بینانه و متناسب با توان و استعداد‌های دانش‌آموزان؛
  - خ- استفاده از جمله‌ها و تصاویر فکاهی در سربرگ‌های آزمون دانش‌آموزان.





## منابع

- ایوالقاسمی، عباس. ۱۳۸۱. «بررسی میزان همه‌گیرشناسی اضطراب امتحان و اثربخشی دو روش درمانی در کاهش اضطراب امتحان دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های اهواز.» پایان‌نامه‌ی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز.
- بیابانگرد، اسماعیل. ۱۳۷۸. «اندازه‌گیری اضطراب امتحان و مقایسه‌ی اثربخشی سه روش درمانی شناخت‌درمانی، خودآموزش‌دهی، و حساسیت‌زدایی منظم در کاهش آن.» پایان‌نامه‌ی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- فتحی آشتیانی، علی، و فاطمه امامقلی‌وند. ۱۳۸۱. «مقایسه‌ی روش‌های شناخت‌درمان‌گری و حساسیت‌زدایی منظم در کاهش اضطراب امتحان.» *مجله‌ی پزشکی کوثر* ۷(۳):۲۴۵-۲۵۱.
- American Psychiatric Association. 1994. *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders: DSM-IV*. 4<sup>th</sup> Edition. Washington, DC, USA: Author.
- Anton, William D., and E. Michael Lillibridge. 1995. "Case Studies of Test-Anxious Students." Pp. 61-78 in *Test Anxiety: Theory, Assessment, and Treatment*, edited by Charles D. Spielberger, and Peter R. Vagg. Washington, DC, USA: Taylor & Francis.
- Bandalos, Deborah L., Kristin Yates, and Tracy Thorndike-Christ. 1995. "Effects of Math Self- Concept, Perceived Self-Efficacy, and Attribution for Failure and Success on Test Anxiety." *Journal of Educational Psychology* 87(4):611-623.
- El-Zahhar, Nabil E., and Dennis Hocevar. 1991. "Cultural and Sexual Differences in Test Anxiety, Trait Anxiety, and Arousability: Egypt, Brazil, and the United States." *Journal of Cross-Cultural Psychology* 22(2):238-249.
- Hembree, Ray. 1988. "Correlates, Causes, Effects, and Treatment of Test Anxiety." *Review of Educational Research* 58(1):47-77.
- Hudesman, John, Charles Loveday, and Nathaniel Woods. 1984. "Desensitization of Test Anxious Urban Community-College Students and Resulting Changes in Grade Point Average: A Replication." *Journal of Clinical Psychology* 40(1):65-67.
- Kennedy, D. Victoria, and Karla J. Doepke. 1999. "Multicomponent Treatment of a Test Anxious College Student." *Education and Treatment of Children* 22(2):203-217.
- Krejcie, Robert V., and Daryle W. Morgan. 1970. "Determining Sample Size for Research Activities." *Educational and Psychological Measurements* 30(3):607-610.
- Kratochwill, Thomas R. 1985. "Selection of Target Behaviors in Behavioral Consultation." *Behavioral Assessment* 7:49-61.
- Melnick, Joseph, and Ronald W. Russell. 1976. "Hypnosis versus Systematic Desensitization in the Treatment of Test Anxiety." *Journal of Counseling Psychology* 23(4):291-295.
- Naveh-Benjamin, Moshe. 1991. "A Comparison of Training Programs Intended for Different Types of Test Anxious Students." *Journal of Educational Psychology* 83(1):134-139.
- Parker, John C., IV, Peter R. Vagg, and James D. Papsdorf. 1995. "Systematic Desensitization, Cognitive Coping, and Biofeedback in Reduction of Test Anxiety." Pp. 171-182 in *Test Anxiety: Theory, Assessment, and Treatment*, edited by Charles D. Spielberger, and Peter R. Vagg. Washington, DC, USA: Taylor & Francis.

- Passarello, Deirdre J., John M. Hintze, Steven V. Owen, and Robert K. Gable. 1999. "Exploratory Factor Analysis of Parent Ratings of Child and Adolescent Anxiety: A Preliminary Investigation." *Psychology in the School* 36(2):89-102.
- Register, Angela C., Jean C. Beckham, Jack G. May, David J. Gustafson. 1991. "Stress Inoculation Bibliotherapy in the Treatment of Test Anxiety." *Journal of Counseling Psychology* 38(2):115-119.
- Sapp, Marty. 1994. "Cognitive-Behavioral Counseling: Applications for African-American Middle School Students Who Are Academically At-Risk." *Journal of Instructional Psychology* 21(2):161-171.
- . 1999. *Test Anxiety: Applied Research, Assessment, and Treatment Interventions*. 2<sup>nd</sup> Edition. Lanham, MD, USA: University Press of America.
- Sarason, Irwin G. 1975. "Anxiety and Self-Preoccupation." Pp. 27-44 in *Stress and Anxiety: Volume 2*, edied by Irwin G. Sarason, and Charles D. Spielberger. New York, NY, USA: Hemisphere.
- . 1980. "Introduction to the Study of Test Anxiety." Pp. 3-14 in *Test Anxiety: Theory, Research, and Applications*, edited by Irwin G. Sarason. Hillsdale, NJ, USA: Lawrence Erlbaum.
- Sarason, Irwin G., and Rick Stoops. 1978. "Test Anxiety and the Passage of Time." *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 46(1):102-109.
- Schneider, Walter L., and Jeffrey S. Nevid. 1993. "Overcoming Math Anxiety: A Comparison of Stress Inoculation Training and Systematic Desensitization." *Journal of College Student Development* 34(4):283-288.
- Sieber, John E. 1980. "Defining Test Anxiety: Problems and Approaches." Pp. 15-40 in *Test Anxiety: Theory, Research, and Applications*, edited by Irwin G. Sarason. Hillsdale, NJ, USA: Lawrence Erlbaum.
- Snyder, Arden L., and Jerry L. Deffenbacher. 1977. "Comparison of Relaxation as Self-Control and Systematic Desensitization in the Treatment of Test Anxiety." *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 45(6):1202-1203.
- Spielberger, Charles D. 1980. *Preliminary Professional Manual for the Test Anxiety Inventory*. Palo Alto, CA, USA: Consulting Psychologist Press.
- Spielberger, Charles D., and Peter R. Vagg, eds. 1995. *Test Anxiety: Theory, Assessment, and Treatment*. Washington, DC, USA: Taylor & Francis
- Vagg, Peter R., and James D. Papsdorf. 1995. "Cognitive Therapy, Study Skills Training, and Biofeedback in the Treatment of Test Anxiety." Pp. 183-194 in *Test Anxiety: Theory, Assessment, and Treatment*, edited by Charles D. Spielberger, and Peter R. Vagg. Washington, DC, USA: Taylor & Francis.



### نویسندگان

#### کبری کاظمیان مقدم

مری گروه مشاوره، دانشگاه آزاد بهبهان  
k.kazemian@yahoo.com

عضو باشگاه پژوهش‌گران جوان.

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات، اهواز.  
وی تا کنون چندین مقاله در زمینه‌ی روان‌شناسی و مشاوره در هم‌آی‌های علمی ارائه کرده و چندین مقاله‌ی او نیز در نشریه‌های علمی-پژوهشی چاپ شده‌است.

#### دکتر مهناز مهربایی‌زاده هنرمند

استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز  
mehrabizadehm@cua.ac.ir

وی کتاب *کمال‌گرایی مثبت و کمال‌گرایی منفی* را نگاشته و کتاب‌های *ساخت و تحلیل پرسش‌نامه، تکلیف‌خانه، طراحی کلاس‌های سازنده، و مشارکت والدین* را به فارسی برگردانده‌است. تا کنون، راهنمایی نگارش ۵۷ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد و دکتری بر عهده‌ی او بوده‌است. وی همچنین، بیش از ۳۰ مقاله در هم‌آی‌های داخلی و خارجی ارائه کرده و ۶۰ مقاله در نشریه‌های علمی-پژوهشی به چاپ رسانده‌است.

#### دکتر منصور سودانی

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز  
sodani\_m@yahoo.com

وی راهنمایی نگارش چندین پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد را بر عهده داشته و تا کنون چندین مقاله در نشریه‌های علمی-پژوهشی به چاپ رسانده‌است.

**Blank**

**Blank**

Kobrā Kāzemiyan Moqaddam, MA

Instructor, Department of Counselling, Āzād University of Behbahān

Mahnāz Mehrābī-zādē Honarmānd, PhD

Professor, Department of Psychology, Shahid Chamrān University of Ahvāz

Mansūr Sūdānī, PhD

Assistant Professor, Department of Counselling, Shahid Chamrān University of Ahvāz

## The Effect of Systematic Desensitization on Test Anxiety and Academic Performance

### **Abstract**

This research probes the effect of systematic desensitization method on test anxiety and academic performance with control the father's education and occupation of third-grade guidance school girl students in Behbahān. The population includes all third-grade guidance school girl students in Behbahān. The participants of the study included 42 students suffering from test anxiety. These students were selected using the multi-phase method. The instruments in this study were *Speilberger's* Test Anxiety Questionnaire and the average score of the students (educational performance criterion). Besides descriptive statistics, such as mean and standard deviation, inferential statistics like MANOVA were also used for data analysis. The results showed that systematic desensitization method decrease test anxiety and improve educational performance of experimental group, compared with the control group.

**Keywords:** *Systematic Desensitization; Test Anxiety; Academic Performance; Father's Education and Occupation;*



Faribā Hājī-Alī, PhD

Assistant Professor, Department of Theology, Al-Zahrā University

## Limits and Preventions of Women's Testimony in Courts

### **Abstract**

One of the topics discussed in the area of women's problems is the quality of women's testimony in courts, because what we face in written civic and penal codes clearly shows that according to jurists' opinions and their inference from jurisprudential reasons, women's testimony or witnessing in different fields has not been seen valid and authoritative. Nonetheless, by re-studying the issue, it is possible to make these reasons deductive in the current condition in a way that would certainly causes the laws related to women's testimony to change. This essay sees flaws in interpretation of witnessing and testimony in some jurists' opinions and introduces the problem only as a way to prove that such claims derive their credence from common usage or the secular law. This is so, considering finding fault with the method of inference from the holy Qur'an and narratives, and by expressing that other reasons manifest signs of alteration. It means if the qualification of women to express their opinions about their observations be proved in special occasions, and if it is confirmed by the wise, the holy legislator never ignores this matter and considers the witness of men and women equal.

**Keywords:** *Woman; Witness; Courts; Claims;*

Zahrā Darvizé, PhD

Associate Professor, Department of Psychology, Al-Zahrā University

Fatemé Kahakī, MA

Research Assistant, Payām-e Nūr University of Zāhedān

## Relationship between Marital Adjustment and Psychological Well-Being

### **Abstract**

The objective of this research is to study the marital adjustment of Al-Zahrā University students in relation to their psychological well-being. Participants of the research were 201 married female students at Al-Zahrā University. They were selected via the method of available samples. For data-gathering, the *Spanier* Marital Adjustment Questionnaire and psychological Well-Being Questionnaire were utilized. For data analysis, one way ANOVA analysis and Pierson correlation and regression methods were used.

The results suggest that there is a meaningful interrelation between psychological well-being subscale and marital adjustment subscales; except spirituality subscale of well being, which only had correlation with dyadic coherence subscale of marital adjustment questionnaire. Analysis of regression showed that duration of marriage and marital adjustment with 20.6 percent assurance predict mental well-being.

**Keywords:** *Well-Being; Marital Adjustment; Married Students;*





Javād Sādeqī Ja'farī, MA  
Instructor, Sūrē University

## **Women's Role in Children Literature: A Review Emphasizing Socio-Political Changes**

### **Abstract**

This article discusses women's role in children literature emphasizing socio-political changes during recent decade in Iran.

The sources of research in the article are story books, published by *the Iranian Institute for the Intellectual Development of Children* in the period of 1979 to 2004. Content analysis technique was used in the process of data sampling. This article examines Iran's socio-political changes with respect to the war, construction, and definite reforms period as well as changes in women's role in 22 sample story and then they are compared with the reality.

The result showed that despite the changing reality, authors' approaches to sexual roles remained intact during 3 periods of times. Indexes related to women's role include: quantity of presence, familial roles, literacy, job, and women's socio-political activities.

**Keywords:** *Women's Role; Children Literature; Socio-Political Changes; Sexual Roles.*

Zahrā Eqdāmī, MA

MA in Educational Psychology

Mas'ūd Hoseyn-chārī, PhD

Assistant Professor, Faculty of Education and Psychology, University of Shirāz

## **The Effect of Mothers' Job Difficulty and Spouse Cooperation in Householding on Marital Satisfaction and Children's Behavioural Disorders**

### ***Abstract***

The aim of this study is twofold: the first is investigating the effect of mothers' job difficulty and their spouses' cooperation in householding on satisfaction of marital relationships. The second is exploring the effect of all these variables on children's behavioural disorders. A sample of 150 employed mothers with Kindergarten's child of Shiraz city completed children's behavioural disorders, job difficulty, spouse cooperation, and marital relations scales. General findings indicate that job difficulty does not predict satisfaction of marital relationships. But spouse cooperation positively predicts marital relationships. Moreover, job difficulty predicts only children's aggression and marital relationships predict aggression and withdrawal negatively. The findings are discussed with respect to research literature and suggestions for further investigations are set forth.

**Keywords:** *Women's Job Difficulty; Spouse Cooperation; Marital Relationships; Children's Behavioural Disorders;*



Akram Khamsé, PhD

Assistant Professor, Women Research Centre, Al-Zahrā University

Simin Hoseyniyān, PhD

Associate Professor, Department of Psychology, Al-Zahrā University

## Gender Differences between Intimacy Dimensions of Married College Students

### ***Abstract***

Intimacy has been conceptualized as a very important pattern of behaviour with a strong aspect of emotion and social relationships of acceptance, happiness, and love. The aim of this study is to compare gender differences within intimacy dimensions between married college students. One hundred married college students were randomly selected from dormitory of Tehran universities (N = 100). Three questionnaires were used: Marital Intimacy Needs Questionnaire; Marital Intimacy Questionnaire (MIQ); and General Demographic Questionnaire.

Results show that there are significant gender differences in the total score of the intimacy, and other dimensions such as emotional, psychological, sexual, and physical intimacy. But there are not significant gender differences in social, aesthetic, spiritual-thought dimensions of intimacy. Couples also show significant difference in time intimacy. Results have been discussed according to the different patterns of socialization and a multidimensional model of intimacy.

**Keywords:** *Intimacy; Gender Differences; Marital Relationships; Dimensions of Intimacy;*

Faribā Latifī, PhD

Assistant Professor, Department of Management, Al-Zahrā University

Leylā Qaffārī, MSc

MSc in Information Technology Management, Al-Zahrā University

## Gender Differences in Incentives of Electronic Shopping

### **Abstract**

Shopping is a daily affair requiring significant time and energy. Research shows that shopping motives affect individuals' shopping behaviours. Such motives are categorized as functional, socio-emotional, and identity motives. Gender is a factor, which can bring about different degrees of importance to shopping motives. In this survey, seven assumptions and a secondary question are posed in order to investigate correlation between shopping motives, apparent site attractions, type of goods and gender. This study tests functional motives as facilitators and socio-emotional motives as barriers to electronic shopping. Research methodology includes both qualitative and quantitative methods. The respondents are among male and female e-shoppers of the Iranian sites. Meanwhile  $t$  and  $\chi^2$  tests were performed for two independent groups to examine the assumptions.

The tests approved only one of the assumptions, and the others were not approved. This implies that there is merely a significant correlation between socio-emotional motives and gender factor, and socio-emotional motives are more important for women than men. The results do not show a significant correlation between functional and identity motives against gender factor. There is no significant correlation between apparent site attractions, types of goods and gender factor.

**Keywords:** *Electronic Shopping; Internet Shopping; Shopping Motives; Functional Motives; Socio-emotional Motives; Identity Motives; Gender Differences;*

**Blank**

# Abstracts

**Gender Differences in Incentives of Electronic Shopping** 148  
Faribā Latifī, PhD  
Leylā Qaffārī, MSc

**Gender Differences between Intimacy Dimensions  
of Married College Students** 147  
Akram Khamsé, PhD  
Simin Hoseyniyān, PhD

**The Effect of  
Mothers' Job Difficulty and Spouse Cooperation in Householding  
on Marital Satisfaction and Children's Behavioural Disorders** 146  
Zahrā Eqdāmī, MA  
Mas'ūd Hoseyn-chārī, PhD

**Women's Role in Children Literature:  
A Review Emphasizing Socio-Political Changes** 145  
Javād Sādeqī Ja'farī, MA

**Relationship between Marital Adjustment  
and Psychological Well-Being** 144  
Zahrā Darvizé, PhD  
Fatemé Kahakī, MA

**Limits and Preventions of Women's Testimony in Courts** 143  
Faribā Hājī-Alī, PhD

**The Effect of Systematic Desensitization  
on Test Anxiety and Academic Performance** 142  
Kobrā Kāzemiyān Moqaddam, MA  
Mahnāz Mehrābī-zādé Honarmānd, PhD  
Mansūr Sūdānī, PhD

## Editorial Board

---

- Zahrā Afshārī, PhD** Professor, Al-Zahrā University  
**Fātemé Alāyī Rahmānī, PhD** Assistant Professor, Al-Zahrā University  
**Hakimé Dabirān, PhD** Associate Professor, Tarbiyat-e Mo'allemin University  
**Shahin Gerāmī, PhD** Professor, South West Missouri State University (USA)  
**Shokūfé GolKhū, PhD** Assistant Professor, Al-Zahrā University  
**Ahmad Ja'farNezhād, PhD** Associate Professor, University of Tehrān  
**Cathleen Kendall, PhD** Assistant Professor, Southampton University (UK)  
**Zohré Khosravī, PhD** Associate Professor, Al-Zahrā University  
**MohammadSādeq Mahdāvī, PhD** Professor, Shahid Beheshti University  
**Golnār Mehrān, PhD** Associate Professor, Al-Zahrā University  
**Zahrā Rahnavard, PhD** Associate Professor, University of Tehrān  
**Khadijé Safirī, PhD** Associate Professor, Al-Zahrā University  
**Bāqer SārūKhānī, PhD** Professor, University of Tehrān  
**Homā ZanjānīZādé, PhD** Associate Professor, Ferdowsi University of Mashhad

## Referees

---

- Nasrin AkbarZādé, PhD** Al-Zahrā University  
**ShokūhSādāt BaniJamālī, PhD** Al-Zahrā University  
**Khosrow Bāqerī, PhD** University of Tehrān  
**Zahrā Darvizé, PhD** Al-Zahrā University  
**Shivā DowlatĀbādī, PhD** Allāmé Tabātabāyī University  
**Elāhé Hejāzī, PhD** University of Tehrān  
**Ahmad Ja'farNezhād, PhD** University of Tehrān  
**Rowshanak KhodāBakhsh, PhD** Al-Zahrā University  
**Hoseyn MehrPūr, PhD** Shahid Beheshti University  
**Soheylā Salāhī Moqaddam, PhD** Al-Zahrā University  
**AshrafSādāt Mūsavī, PhD** Al-Zahrā University  
**Mahin Panāhī, PhD** Al-Zahrā University  
**MehrAngiz PeyvastéGar, PhD** Al-Zahrā University  
**Bābak Sohrābī, PhD** University of Tehrān  
**Seddiqé Vasmaqī, PhD** University of Tehrān

*In the Name  
of God*

# Women's Studies

Vol. 6, No. 1  
Spring and Summer 2008  
Serial No. 16

*A Peer Reviewed  
Quarterly Journal*

Al-Zahrā University  
Women's Research Centre

**Publisher** *Al-Zahrā University*  
**Chief Executive** *Zohré Khosravī, PhD*  
**Chief Editor** *Khadijé Safirī, PhD*

**Persian Editor** *Pāntéā Mohaghegh*  
**English Editor** *MohammadHoseyn Hāshemī*  
**Layout Designer** *Vafā Sarmast*  
**Cover Designer** *Ashraf MūsaviLar*  
**Editorial Secretary** *Kobrā Mehrābī Kūshkī*

**Publication Frequency** *Quarterly*  
**Publication Permit No.** *124/1406*  
**Peer Review Permit No.** *3/2910/1119*  
**Circulation** *1500*

**Website** *<http://www.jws.ir/>*

**Address** *Vanak St., Vanak Sq., Tehrān, Irān*  
**Postcode** *1993891176*  
**Telephone** *+98 (21) 8805 8926*  
**Fax** *+98 (21) 8804 9809*  
**E-mail** *women\_rc@alzahra.ac.ir*